آثار و نتائج صلوات

احیای کتب فوائد الصلوات و عوائد التحیات



حجۃ الاسلام مہدی فرشاہی

آثار و نتایج صلوات : احیای کتاب فواید الصلوات و عواید التحیات نگارش جدید

مشخصات کتاب

سرشناسه:جورتانی اصفهانی، عباسعلی، 1249 - 1319.

عنوان قراردادی:فوائد الصلوات و عوائد التحیات . فارسی

عنوان و نام پدیدآور:آثار و نتایج صلوات : احیای کتاب فواید الصلوات و عواید التحیات/عباسعلی گورتانی ؛ حسنعلی نجفی رهنانی اصفهانی ؛ به اهتمام مهدی فهامی.

مشخصات نشر:قم: عطر عترت، 1397.

مشخصات ظاهری:200ص.

شابک:150000 ریال 978-600-243-213-1 :

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

یادداشت:چاپ قبلی: رواق دانش، 1391.

موضوع:صلوات -- احادیث

موضوع:*Salavat -- Hadiths

شناسه افزوده:نجفی رهنانی اصفهانی، حسنعلی، 1340 -، مترجم

شناسه افزوده:فهامی، مهدی، گردآورنده

رده بندی کنگره:BP266/ج93ف9041 1397

رده بندی دیویی:297/77

شماره کتابشناسی ملی:5509415

ص: 1

اشاره

سرشناسه:جورتانی اصفهانی، عباسعلی، 1249 - 1319.

عنوان قراردادی:فوائد الصلوات و عوائد التحیات . فارسی

عنوان و نام پدیدآور:آثار و نتایج صلوات : احیای کتاب فواید الصلوات و عواید التحیات/عباسعلی گورتانی ؛ حسنعلی نجفیرهنانی اصفهانی ؛ به اهتمام مهدی فهامی.

مشخصات نشر:قم: عطر عترت، 1397.

مشخصات ظاهری:200ص.

شابک:150000 ریال 978-600-243-213-1 :

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

یادداشت:چاپ قبلی:رواق دانش، 1391.

موضوع:صلوات -- احادیث

موضوع:*Salavat -- Hadiths

شناسه افزوده:نجفی رهنانی اصفهانی، حسنعلی، 1340 -، مترجم

شناسه افزوده:فهامی، مهدی، گردآورنده

رده بندی کنگره:BP266/ج93ف9041 1397

رده بندی دیویی:297/77

شماره کتابشناسی ملی:5509415

ص: 2

تصوير

ص: 3

تصوير

ص: 4

فهرست

تصویر

ص: 5

تصوير

ص: 6

تصوير

ص: 7

تصوير

ص: 8

كَلِمَةُ اللّٰهِ هِىَ الْ-عُلْيَا

بسم الله الرحمن الرحيم

درباره ی مولّف:

آقای شیخ عباسعلی گورتانی ، عالم فاضل واعظ زاهد و ادیب معروف به معین الواعظین و معین الحسینی می باشد.

ایشان فرزند ملاّ علی محمّد و متولّد سال 1287 هجری قمری در محلّه ی گورتان اصفهان بود. وی در اصفهان و نجف اشرف تحصیل نموده و به فضل و ادب موصوف بود و در شعر ذاکر تخلص می نمود .

پدرش ملاّ علی محمّد دارای شش فرزند پسر بود، که همه اهل فضل و کمال و از منبریان اصفهان بودند به نام های 1) ملاّ ابوالقاسم 2) ملاّ اسدالله 3) ملاّ احمد 4) ملاّ حسین 5) میرزا جواد (جدّ عالم معاصر و پدر شهید مرتضی جوادی ، آیت الله حاج شیخ اسدالله جوادی) 6) ملاّ عباسعلی معروف به معین الواعظین .

از ملاّ عباسعلی چندین کتاب دیگر به زبان فارسی به نام های ذیل به چاپ رسیده است :

1. وقایع الظهور و علائمُه

2. هدیه الوالدین

3. تسلیه الفقراء و تذکره الاغنیاء

4. زاد العاصین فی التّوسل به آل طه و یس

5. مجازاه النِّسوان

6. دیوان اشعار

7. «مصائب المعصومین(علیهم السلام).

و سرانجام پس از عمری خدمت به آستان حسینی علیه السلام در سوّم ربیع الثّانی سال 1360 قمری وفات یافت و در تخت فولاد اصفهان، صحن تکیه سیّد العراقین به خاک سپرده شد .

اشعاری از مؤلّف:

تقریظ علامّه میرجهانی : « ه-و »

بحمدالله تعالی که تمام شد کتاب مستطاب فوائد الصّلوات و عوائد التّحیّات به دست مؤلّف جلیل و محدّث نبیل آقای حاج ملاّ عبّاسعلی معینی مدعوّ به حسینی و مشهور به معین الواعظین «زید فضله العالی»

الاقلّ محمّد حسن المیرجهانی المحمّد آبادی الجرقویی الإصفهانی

تقریظ آیت الله جوادی :

نظر به این که کتاب مستطاب «فوائد الصلوات و عوائد التّحیات» را مرحوم حاج ملاّ عبّاسعلی معینی مدعوّ به حسینی و مشهور به معین الواعظین زید فضله العالی جمع آوری نموده ، از بسیاری کتب معتبره شیعه که من جمله آنها کتاب شریف کافی و وافی می باشد. فوائد و ارزش صلوات بر نبیّ اعظم(صلی الله علیه و اله)را و تجربه هایی از

ص: 10

ختم صلوات و ذکر مبارک شده است مرقوم داشته اند و بعضی از علماء همانند مرحوم آیت الله میرجهانی تقریظ بر این کتاب نوشته اند .

مخفی نماند همین طور که جناب میرجهانی سیّادت ایشان معلوم شد و در زمان خودمان دیدیم که مزیّن به لباس سیّادت به دست مرحوم مغفور آیت الله بروجردی شدند ، مرحوم حجه الاسلام ملاّ عبّاسعلی معینی مدعوّ به حسینی هم شبهه سیّادت در طایفه ایشان می باشد ، چون جدّ بزرگ این خانواده مغضوب بعضی فرق اهل عراق بوده تا سر حدّ کشتن، ایشان فرار می کند و به ایران می آید سیادت و اسم خود را بروز نمی دهد و اسم دیگری می گذارد و می ماند ، اینجا متأهّل شده و فرزندانی پیدا می کند. فقط وقت مُردن اظهار می کند که ما سیّد هستیم و این دهن به دهن به فرزندان منتقل می گردد و الان هم خواب های فراوان دیده شده که با لباس سیادت بوده است.

و امّا در مورد احیاگر این کتاب شریف، آقای حجه الاسلام حاج شیخ مهدی فهامی فرزند مرحوم حاج شیخ محمّدتقی، فرزند مرحوم حاج شیخ اسدالله فهامی(1)

(یکی از علمای فرهیخته و متدیّن بود و دعای شریف کمیل را در تخت فولاد اصفهان تکیه مرحوم آیت الله خوانساری احیاگر بود و شب های جمعه در آن هوای سرد و گرم خود را مجهّز می داشت و دعای باحالی می خواند که من خودم در آن موقع در آغاز طلبگی ام در آن مجلس شرکت می کردم و دوستان از کسانی که توبه کردند، بیان می کردند و نفَسی داشت ایشان که مؤثّر واقع می شد و به مصداق «الکلام اذا خَرَجَ مِن القَلب وَقَعَ فی القَلب» یعنی کلام وقتی از دل برخاست بر دل

1- - محل دفن حاج شیخ اسد الله فهامی (بنیانگذار دعای ابوحمزه ثمالی در اصفهان) و فرزندان ایشان حاج شیخ محمّد تقی (بنیانگذار دعای ندبه در اصفهان) و حاج شیخ مرتضی در تخت فولاد اصفهان ، تکیّه علّامه خوانساری واقع می باشد .

می نشیند و این حقیر این معنا را در کلام ایشان لمس کردم . رحمت خدای متعال بر او باد و خداوند او را تأیید و کسانی که از اولاد آن بزرگوار در این امر خطیر اقدام نمودند.) که در زمان حاضر، آن مکان که به نام (مسجد و حسینیّه الغدیر) می باشد را بازسازی نموده و دعای کمیل توسط ایشان قرائت می گردد. خداوند متعال به ایشان توفیق بیش از پیش عنایت بفرماید که این چراغ را روشن نگه داشته است .

اسدالله جوادی

97/9/12

مقدمه احیاگر کتاب :

کتاب فوائد الصّلوات و عوائد التحیّات در سال 1352 قمری در یک نوبت بدون باب بندی و پاورقی و اعراب گذاری با خط رُقعی به چاپ سنگی رسیده و نظر به اینکه در این کتاب شریف احادیث ناب و اخبار تاریخی و ختومات مجربّه که تمام آنها راجع به صلوات می باشد آورده شده است، سعی در چاپ مجدد با حفظ امانت نموده ایم که به لطف الهی، تدوین و نگارش آن به عنایت دو پاره قلب حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم)حضرت صدّیقه شهیده ، فاطمه زهراء u وحضرت اباالحسن علیّ بن موسی الرّضا (علیه آلاف التّحیّه و الثّناء) انجام گرفت؛ و چاپ آن در ایّام ولادت حضرت اباالحسن امیرالمؤمنین ،علیٍّ بن ابیطالب و حضرت جواد الأئمّه و باب الحوائجِ حضرت سیّد الشهداء ، حضرت علیٍّ اصغر : آماده گردید .« ان شاء اللّه تعالی» ثمره این کتاب نورانی برای حقیر و همه عزیزانی که یاری نمودند ، تقرّب و توسّل به حضرات معصومین (صلوات الله و سلامه اجمعین) و خاصّه وجود نازنین قطب دایره امکان، حضرت بقیه الله الأعظم (ارواحُنا لتُرابِ مَقدَمه فِداه) باشد . (رجب المرجّب 1440)

« به نیّت تعجیل درامر فرج امام زمانِ غریب و طریدمان (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) ، تقدیم گردید . »

اقلّ الفانی مهدی فهامی

ص: 12

* یا اَباصا لِحَ المَهدیّ ادرکنا و لا تُهلِکنا *

اَللّهُمّ صَلّ عَلی اَمیرِ الْمومنینَ عَلیِّ بْنِ اَبیطالِبٍ اَخی نَبیِّکَ وَ وَلیِّه وَ صَفیّه وَ وَصَیِّه وَ وَزیره وَ مُستَوْدَعِ عِلْمِه وَ مَوْضِعِ سِرِّه وَ بابِ حِکْمَتِه وَ النّاطِقِ بِحُجَّ-تِه وَ الدّاعی اِلی شَریعَتِه وَ خَلیفَتِه فی اُمَّتِه وَ مُفَرِّج الْکُرَبِ عَنْ وَجْهِه قاصِمِ الکَفَرَه وَ مُرْغِمِ الْفَجَرَهِ اَلّذی جَعَلْتَهُ مِن نَبیِّکَ بِمَنْزِلَهِ هارُونَ مِن مُوسی اَللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَ عادِ مَنْ عاداهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ الْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْاَوَّلینَ وَ الْآخِرینَ وَ صَ-لِّ عَلَیْهِ اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی اَحَ--دٍ مِنْ اَوصِیاءِ اَنبیائِکَ یا رَبّ العالَمینَ.

ص: 13

اللهم صل على محمد و ال محمد و صل على جميع الانبياءو المرسلين

فوائد الصلوات و عوائد و التحيات

ص: 14

هذا کتاب فوائد الصّلوات

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعين»

نحمدک اللَّهمّ علی ما أخذت علینا عهداً بالإیمان بک و الاعتراف بنبوّه نبیّک محمّد (صلی الله علیه و اله)و ولایه اوصیائه فی الأوّلین و نشکرک علی ما وفقتنا للوفاء بما عهدنا عندک و اعترفنا لدیک فی الآخرین و نشهدک علی انّا مسلّمون لهم و مصلّون علیهم و نسئلک ان تجعل ما اتیتنا من معرفتهم مستقراً عندک حتّی تقرّبنا لدیک و نوصلنا الیهم فاجعل اللّهمّ شرائف صلواتک و نوامی برکاتک علیه و علیهم.

امّا بعد؛ چون این عبد عاصی اقلّ الحاج عبّاسعلی الملّقب به معین الواعظین و المدعوّ بالحسینی ابن مرحوم ملّا علی محمّد الجورتانی الاصفهانی غفر له.

آن چه سیر در کتب اخبار نمودم در فضیلت صلوات بر محمّد و آل طاهرین آن حضرت(علیه السلام)، دیدم در هر جا از آن بیانی و در هر کتابی قدری از اخبار صلوات را علماء اخبار، تألیف و تصنیف فرموده اند و اخبار و آثاری که در این باب وارد شده است بر هیئت اجتماع کاملاً ملاحظه نمودم، لهذا طلباً لمرضاه الله تعالی و تحبّباً لاولیائه به جهت تقرّب و توسّل به آن انوار مقدّسه که می فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَميعاً»(1) مهیّا شدم بر ترتیب و تألیف این رساله که مشتمل باشد بر اخباری که متعلّق است به صلوات و ختوم و نمازهای حاجت و اخبار محیّره العقول که راجع به صلوات است و بسیار مهمّ و شنیدنی است که از کتب اصحاب به نظر رسیده و از انبیاء عظام و ائمّه هدی (علیه السلام) مأثور و مروی گردیده است و او را مسمّی نمودم به «فوائد الصّلوات و عوائد التّحیّات» امید است که مقبول درگاه حضرت احدیّت واقع و سبب نجات این عاصی از اهوال عالم آخرت گردد.

1- 1. آل عمران/103.

امر حق تعالی به صلوات

بدان که از جمله دستورات و اعمالی که خصوصاً در کلام مجیدِ الهی امر به آن شده آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلیماً»(1) می باشد که خواصّ و فوائد صلوات به موجب اخبار بسیار، بعد از واجبات، از هر عملی و ذکری افضل است. دیگر آن که از جمله فرائض لازمه و عبادات مفروضه است چنان چه در اخبار مرویّه از رسول مختار و اهل بیت اطهار آن جناب علیهم صلوات الله المَلک الجبّار وارد شده که تارک آن راه بهشت را نخواهد پیمود و هر دعا و عملی بدون درود بر آن حضرت(صلی الله علیه و اله) و آل آن جناب(علیه السلام) به درجه قبول نخواهد رسید که ان شاءالله مفصّلاً شرح داده خواهد شد.

* تحقیق در مورد صلوات

بدان که جمهور از علما متّفقند بر این که صلوات، در اصل لغت به معنی دعا است و حقیقت دعا بر وجه اتمّ و اکمل آن است که بنده به جمیع اجزاء خود، از قول و فعل و علم و معرفت خدا را بخواند به نحوی که هیچ ذرّه از ذرّات وجودش از دعا خالی نباشد و جمیع اعضایش، زبان طلب کننده باشد و همچنین درود دهنده، باید چون زبان به ذکر الفاظ صلوات گشاید دل با زبانش موافقت نموده و در معنی آن از سر حضور قلب و صفای باطن تأمّل و تدبّر فرماید زیرا که هر فعلی و حرکتی از زبان یا از یکی از اعضاء و ارکان بی فرمان و التفات قلب صادر گردد به سهو و نسیان موسوم می گردد و به هیچ وجه اعتباری ندارد این است که صلوات فرستنده باید که در بوته محبّت محمّد و آل محمّد صلوات الله علیهم اجمعین ذوب شده، از هر غلّ و غش پاک گردیده باشد تا نقد صلواتش در دارالضریب اخلاص به سکّه قبول رسد، مثل شخص نمازگزار که گفته اند :

1- 1. احزاب/56.

نمازگزار حقیقی آن است که در حال نماز از خلق منفصل و تمام توجّهش به خالق باشد که فرمودند: «الصّلوهُ مِعراجُ اُمّتی أو مُؤمنون»(1) و همین قِسم درود فرستنده ی کامل، هم آن کسی است که به انوار سنّت متصّل و از آثار بدعت منقطع شده باشد.

و برقی در کتاب محاسن در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ...»(2) از حضرت صادق(علیه السلام)روایت می کند که «صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلیماً» یعنی ثنای آن حضرت را بگوئید و تسلیم نمائید آن چه را که آن حضرت آورده و فرموده است(3). در کتاب احتجاج(4) از حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)روایت کرده است که فرمودند: برای این آیه ظاهریست و باطنیست و ظاهرش «صَلُّوا عَلَیْهِ» است و باطنش «وَ سَلِّمُوا تَسْلیماً» یعنی تسلیم نمائید برای کسی که او را وصی و خلیفه ی خود گردانیده است بر شما و به او سپرده است.

پس فرمودند که این است آن چه من خبر می دادم که تأویل را کسی می فهمد که حسّی لطیف و ذهنی صاف و تمیزی صحیح داشته باشد و در مقام و مرتبه آن حضرت همین بس که خداوند بر آن حضرت صلوات فرستد و عبادت عُبّاد را تا روز قیامت در صلوات بر آن حضرت و آل آن جناب قرار داد و فرمودند که «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلیماً»(5).

خداوند دعای امّت آن حضرت را موقوف می دارد و به اجابت نمی رساند تا آن که بر آن حضرت صلوات فرستند و مصنّف کتاب تحفه الملوک هم در خصوص آیه مبارکه عبارات تحقیقاتی لطیفی فرموده طالبین رجوع فرمایند.

1- 1. نهج الفصاحه .
2- 2. احزاب/56 .
3- 3. محاسن برقی 1/271، باب 37 ، ح 363 .
4- 4. احتجاج 1/253.
5- 5. احزاب/56.

در اخبار ائمّه(علیهم السلام) ظاهر خواهد بود که سجود ملائکه بر آدم به واسطه آن نوری بود که از آن سرور و ائمّه اثنی عشر علیهم صلوات الله الملک الأکبر بود که حضرت آدم (علی نبیّنا و آله و(علیه السلام)) به طفیل آن به مرتبه ی مسجودیّت ملائکه رسید و خداوند مؤمنین را فرموده است که «صَلُّوا عَلَیْهِ وَ آلِهِ» پس معلوم می شود که ظهور شرف و فضیلت آن حضرت بر وجهی است که دل هیچ عاقل کُنه (عمق) آن را نداند و زبان هیچ، کامل بیان شمّه ای از شرح آن را نتواند گفت و درود و سلام بر آن حضرت بهتر وسیله ای است برای فوز به شفاعت و صلوات، ثمن شفاعت است و هر که ثمن بیشتر تسلیم نماید به جواز زیادتی مثمن، سزاوارتر می شود و هیچ واسطه و رابطه برای آشنایی با محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) بهتر از صلوات نیست این است که آن حضرت فرمودند که سزاوارترین مردم به من در روز قیامت آن کسی است که بر من بیشتر صلوات فرستد و صلوات مؤمنین بر حضرت سیّد المرسلین (صلی الله علیه و اله و سلم) ثابت می کند، محبّت به آن حضرت را و علامت دوستی با کسی است که بسیار یاد دوست نماید و هر که کسی را دوست دارد، وسیله وصول به او را نیز دوست دارد و طالب آن باشد و زبان که مفتاح خانه دل است بی واسطه به ذکر محبوب جاری می نماید، پس بنده ای که اوقات خود را صرف فرستادن صلوات بر آن حضرت نماید گویا به محبّت حبیب خدا محمّد مصطفی اقامه شهادت می نماید ؛

ص: 18

چنان چه در خبری که ان شاءالله بعداً ذکر خواهد شد که ملخّص آن این است که شخصی خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) عرض کرد خدا و رسول را دوست می دارم آن حضرت فرمودند: تو با آن کس خواهی بود که او را دوست می داری و این بشارتی است عظیم برای تهی دستان متاع اعمال در قیامت و آیا صلوات فرستادن بر آن حضرت چیزی بر مقام و منزلت آن حضرت می افزاید یا این که فائده آن به صلوات فرستنده راجع می شود.

شهید ثانی1 در دیباچه شرح لمعه می فرماید که آن حضرت را مرتبه ای از کمال حاصل است که گنجایش زیاده بر آن ندارد « و غایَهُ السُّؤالِ بِها عائِدٌ الی المُصَلّی لِأَنّ اللّهِ تَعالی قَد أعطی نَبِیُّهُ مِنَ المَنزِلهِ وَ الزُّلفی لَدَیهِ مَا لا یُؤثِرُ فیهِ صَلوهُ مُصَلٍّ کَما نَطَقَت بِه الأَخبارِ وَ صَرَّحَ بِهِ العُلَماءُ الأخیَار» و بعضی بر غیر از آن معتقدند که در این جا گنجایش ذکر آن نیست و مباحثی در این خصوص فقها دارند.(1).

«عَنْ عُبَیْدِاللَّهِ بْنِ عَبْدِاللَّهِ الدِّهْقَانِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا(علیه السلام) فَقَالَ لِی مَا مَعْنَی قَوْلِهِ «وَ ذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّی»(2) قُلْتُ: کُلَّمَا ذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ قَامَ فَصَلَّی فَقَالَ لِی: لَقَدْ کَلَّفَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ هَذَا شَطَطاً فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ فَکَیْفَ هُوَ؟ فَقَالَ: کُلَّمَا ذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ صَلَّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ»(3).حاصل معنی آن که، آیه مرقوم می فرماید که بعد از ذکر اسم خدا صلوات هم بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بفرستند.

1- 1.خلاصه فرمایش شهید این است که پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به مرتبه ای از مقام و منزلت نزد خداوند رسیده اند که بالاتر از آن متصور نیست و صلواتی که بر ایشان فرستاده می شود نتیجه اش به صلوات فرستنده برمی گردد کما اینکه به این مطلب در روایات تصریح گردیده و علما هم به آن قائل گردیده اند.
2- 2. اعلی/15.
3- 3. الکافی 2/494 ، ح 18 .

و احتمال می رود که مراد از ربّ در مقاماتی پیغمبر و آل (صلی الله علیه و اله) بوده باشد که لفظ ربّ اطلاق بر نبیّ و امام شده باشد به جهت این که لفظ ربّ، اطلاق بر همه کس شده است مثل قول اعراب که گویند: ربّ البیت و ربّ الابل و اطلاق بر سلطان هم شده چنان چه خدا حکایت از قول حضرت یوسف(علیه السلام) می کند که می فرماید: «وَ قالَ لِلَّذی ظَنَّ أَنَّهُ ناجٍ مِنهُمَا أذْکُرْنی عِنْدَ رَبِّکَ ...»(1) در سوره «یوسف (علیه السلام)» که مراد از این ربّ در این آیه سلطان است که عزیز مصر باشد.

ما حصل مطلب؛ ربّ کسی را گویند که مربّی بوده باشد، پس پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و امام (علیه السلام) که مربّی مخلوقات هستند چگونه ربّ به آن ها نمی شود گفت! شاهد مدّعا که بر امام، ربّ اطلاق شده است آیه شریفه «وَ أَشْرَقَتِ الأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها ...»(2) که تفسیر شده است که مراد از این ربّ، امام زمان ارواحنا له الفدا است.

چنان چه در تفسیر صافی است : عَنِ الصَّادِقُ(علیه السلام) فِی هذِهِ الآیَه «رَبُّ الأَرْض إِمَامُ الأَرْضِ»(3) و در زیارت جامعه است و «أشْرَقَتِ الأَرْضُ بِنُورِکُمْ» چنان چه مشاهده می کنیم خداوند عالم در وجود هر یک از افراد بشر یک رئیسی قرار داده که او را قلب نامند، به طوری که هیچ یک از حواس خمسه ادراک و اقدام به امری نمی کنند مگر به حکم آن، پس وقتی ما تصوّر این معنی را نمودیم می توانیم به طور حتم بگوییم خداوند این عالم کبیر را بدون وجود حاکم و سلطان حقیقی نخواهد گذاشت و لازم است که تصدیق کنیم بر این که حضرت باری جلّت عظمته، در هیچ زمانی زمین را به مصداق «فَلِلَّهِ الْحُجَّهُ الْبالِغَهُ»(4) از وجود حجّتی از حجج خود خالی نگذارده و نمی گذارد.

1- 1. یوسف/42.
2- 2. زمر/69.
3- 3. بحارالأنوار 7/326 ، ح 1 .
4- 4. انعام/149.

چنان چه در کلام مجیدش می فرماید: «أَفَنَضْرِبُ عَنْکُمُ الذِّکْرَ صَفْحاً...» (1) «أَیْ نَدَعُکُمْ مُهْمَلِینَ لا نَحْتَجُّ عَلَیْکُمْ بِرَسُولٍ أَوْ بِإِمَامٍ أَوْ بِحُجَجٍ»(2) چون همزه، همزه استفهام است معنی ظاهرش، آن است که آیا ما شما را مهمل وامی گذاریم و بر شما به وجود پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) احتجاج نمی کنیم یا امامی یا حجج دیگری از بروز آثار قدرت کامله و آیات بیّنه، ملاحظه فرما اصول کافی و جلد هفتم بحارالأنوار را در اثبات وجود حجّت زمان در هر عصری و کیفیّت مباحثه هشام با ابن عُبید در امر امامت که ماحصل آن مباحثه این است هم چنان که اعضاء و جوارح انسان محتاج به سلطان و مربّی است به همین قسم این عالَم کبیر هم، محتاج سلطان و امام و مربّی می باشد.

طریقه ی صلوات فرستادن

مرحوم ملاّ احمد اردبیلی در حدیقه الشّیعه از صحیح مسلم نقل می فرماید که چون آیه «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ ...» فرود آمد پرسیدند: یا رسول الله! سلام بر شما را دانسته ایم صلوات بر شما چگونه است؟ حضرت فرمودند بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ وَ بَارَکْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ»(3).

و هر گاه خدا و رسول امر به صلوات بر آل کرده باشند در این شکّی نیست که امیرالمؤمنین(علیه السلام) افضل آل محمّد(علیهم السلام) است پس البته اولی و انسب باشد به نیابت و خلافت رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) و شکّی نیست که با انبیاء سابق در صلوات آل ذکر نمی کرده اند و صلوات بر خاتم الأ نبیاء را اینگونه باید گفت «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و بی ذکر آل، صلوات جایز نیست.

1- 1. زخرف/5.
2- 2. بحارالأنوار 9/235 ، ح 130 .
3- 3. امالی شیخ صدوق(رحمت الله) 1/386 .

سعید غیاث الدّین اولجایتو سلطان محمّد خدابنده را، ده وجه به خاطر رسیده و در تاریخ ذکر نموده اند و صحّت عقیده و مقدار دانش و فهم آن پادشاه مغفور را از آن استنباط فرموده که مشهور است روزی در مجلس وعظ نشسته بود، واعظ در فضیلت صلوات سخن می گفت. پرسید: چرا در صلوات انبیای دیگر آل آن ها مذکور نشده و در صلوات بر پیغمبر آخرالزّمان امر به اقتران آل شده؟ واعظ به فکر فرو رفت در جواب سلطان فرمودند: مرا در این مسئله دو نکته به خاطر رسید خدمت علماء عرض نمایم یکی آن که چون دین و ملّت پیغمبران سابق در معرض تبدیل و تغییر و منسوخ شدن بود امضای آن لازم نبود الاّ دین محمّد بن عبدالله (علیه السلام)، چون تغییر و تبدیل در آن راه ندارد و تا دامنه قیامت بر قرار است لذا هر که تابع این دین است بر او لازم است احکام آن را از اولاد او: اخذ (علیه السلام) کند، پس باید در صلوات ذکر او به ذکر آل پیوسته باشد تا امّت و متابعان ایشان را معلوم شود که ایشان حافظ دین و ملّت اند و حرمت ایشان را لازم داشته و از جمله فرائض شناسند.

وجه دوّم چون دشمنان، آن حضرت را ابتر خواندند حق تعالی ابتریّت را بر دشمنان آن حضرت قرار داد تا کسی نام آن ها را نبرد و ذکر نکند و نسلشان منقطع گردد و نام پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را با نام آل مقرون ساخت که هیچ کس پیغمبر را بی ایشان نشناسد و ذکر نکند و نسل او روز به روز زیاد شوند.

چون سلطان از تقریر فارق شد تمام فضلاء مجلس و غیره زبان به تحسین و آفرین گشودند و در استدلال این آیه بر کرامت و بزرگی اهل بیت(علیهم السلام) گفته اند که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) ایشان را قائم مقام خود گردانیده و چنان چه صلوات بر آن حضرت موجب تعظیم ایشان است صلوات بر آل ایشان نیز، باعث تعظیم آن حضرت است.

ص: 22

و مروی است روزی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) ایشان را در زیر کساء داخل نمودند «وَ قالَ اَللّهُمَّ اِنَ هؤُلاءِ اَهْلُ بَیْتی وَخاصَّتی وَحآمَّتی، لَحْمُهُمْ لَحْمی، وَدَمُهُمْ دَمی، یُؤْلِمُنی ما یُؤْلِمُهُمْ، وَیَحْزُنُنی ما یَحْزُنُهُمْ، اَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَهُمْ، وَسِلْمٌ لِمَنْ سالَمَهُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُمْ، وَمُحِبٌّ لِمَنْ اَحَبَّهُمْ، اِنَّهُمْ مِنّی وَ اَنَا مِنْهُمْ، فَاجْعَلْ صَلَواتِکَ وَبَرَکاتِکَ وَرَحْمَتَکَ، وَغُفْرانَکَ وَرِضْوانَکَ عَلَیَّ وَعَلَیْهِمْ» یعنی بار خدایا ایشان از من و من از ایشانم، این است که صلوات بدون آل فائده ندارد و باید آن هم جزء باشد.

چنان چه پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) هم فرموده بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و مرقوم آن است که ابن بابویه می فرماید که هر گاه نام حضرت مذکور می شود صلوات فرستادن واجب است زیرا که ما به آن مأموریم اگر چنین نباشد مثل ذکر بعضی از ما خواهد بود و این منهی (نهی شده) است زیرا که حق تعالی فرموده: «لا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَیْنَکُمْ کَدُعاءِ بَعْضِکُمْ بَعْضاً...»(1).

مروی است که پرسیدند: یا رسول الله! چگونه است قول حق تعالی که می فرماید «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ...»(2)یعنی سرّ این چیست که حق تعالی و ملائکه او صلوات بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می فرستند ؟

آن حضرت در جواب فرمودند که علم مکنون است یعنی پوشیده است بر خلائق اگر سؤال نمی کردید از آن خبر نمی دادم، خداوند دو فرشته را بر من موکّل فرموده است پس هر که اسم مرا بشنود و بر من صلوات بفرستد آن دو فرشته می گویند: خداوند تو را بیامرزد، پس خداوند و ملائکه می گویند: آمین که شرح او مفصّلاً بعد ذکر خواهد شد(3).

1- 1. نور/63.
2- 2. احزاب/56.
3- 3. مفتاح الفلاح/ 39 .

مواضع صلوات خداوند بر بنده

بدان که در چند موضع خداوند بر بنده صلوات می فرستد، یک مورد در مقام صبر در مصیبت است چنان چه در سوره «بَقَره» می فرماید: «الَّذینَ إِذا أَصابَتْهُمْ مُصیبَهٌ قالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ * أُولئِکَ عَلَیْهِمْ صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَهٌ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ»(1) و موضع دیگر «فِی الکافِی عن أبی عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام) یَا إِسْحَاقَ بْنَ فَرُّوخَ مَنْ صَلَّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَشْراً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ مَلائِکَتُهُ مِائَهَ مَرَّهٍ وَ مَنْ صَلَّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَهَ مَرَّهٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ مَلائِکَتُهُ أَلْفاً أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ هُوَ الَّذِی یُصَلِّی عَلَیْکُمْ وَ مَلائِکَتُهُ لِیُخْرِجَکُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ وَ کانَ بِالْمُؤْمِنِینَ رَحِیماً»(2).

نیز در کافی از حضرت صادق(علیه السلام)روایت می کند: هر که بر پیغمبر صلوات بفرستد خداوند هزار مرتبه بر او صلوات می فرستد که شرح او بعد می آید . و در کتاب ارشاد القلوب(3) دیلمی1 از حضرت امام کاظم (علیه السلام) روایت کرده که حضرت امیر (علیه السلام) فرمودند هر که یک مرتبه بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) صلوات فرستد، خداوند ده مرتبه بر او صلوات می فرستد و ده حسنه به او اعطا می فرماید در مقابل صلواتی که بر آن حضرت فرستد. دیگر آن که احمد حنبل از عبدالله بن عوف روایت کرده که تفصیل آن بعد ذکر می شود و خلاصه آن این است: جبرئیل(علیه السلام) خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) عرض کرد که خداوند فرمودند: هر که بر تو صلوات فرستد من بر او صلوات می فرستم و هر که بر تو سلام کند من بر او سلام می کنم.

1- 1. بقره/156 و 157.
2- 2. الکافی 2/493 ، ح 14.
3- 3. ارشاد القلوب 2/408 .

صلوات خداوند بر گریه کنندگان امام حسین (علیه السلام)

دیگر آن که مرحوم شیخ جعفر1 در کتاب خصائص الحسینیّه در فضائل گریه مرقوم فرموده که صحیح است به گریه کننده بگویی «صَلَّی اللّهُ عَلَیْکَ یَا صَلَوهُ اللّهِ عَلَیْکَ» که در روایت نبویّه است که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: « ألا وَ صَلَّی اللّهُ عَلَی الْبَاکِینَ عَلَی الْحُسَیْنِ رَحْمَهً وَ شَفَقَهً»(1) فرمایش ایشان در خصائص همین اندازه بود ولی مدرک این خبر در تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) است که در تفسیر آیه «وَ إِذْ أَخَذْنا میثاقَکُمْ لا تَسْفِکُونَ دِماءَکُمْ... »(2) چنین مرقوم است: عَنِ الإمامِ الْعَسْکَرِیّ «لَمَّا نَزَلَتْ هِذِه الآیَه فِی الْیَهُودِ ...»(3) الخ؛

مفاد فرمایش و ترجمه عبارات مندرجه در تفسیر از این قرار است که حضرت عسکری (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت می فرماید که چون آیه شریفه در مذمّت یهودی که عهد خدا را شکستند و تکذیب پیغمبران نمودند و فرستادگان خدا را کشتند نازل شد ، رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: می خواهید آگاه سازم شما را به یهود این امّت از کسانی که مانند آن ها هستند؟

عرض کردند: بلی یا رسول الله. فرمودند: جماعتی از مردم هستند که خود را از امّت من محسوب می دارند و بهترین ذرّیه و پاکیزه ترین قبیله مرا می کُشند و شریعت مرا تغییر می دهند و طریقه مرا تبدیل می نمایند و نور چشمان من حسن و حسین (علیهما السلام) را به قتل می رسانند، چنان چه سابقینِ آن ها زکریّا و یحیی را کُشتند «ألا وَ إنَّ اللّه یَلْعَنَهُمْ کَمَا لَعَنَهُمْ»(4) آگاه باشید خدا لعن می کند بر آن ها همین قسمی که سابقین آن ها را لعن نموده و علاوه مبعوث می فرماید بر باقی ماندگان ذرّیه و قبیله ی

1- 1. بحارالأنوار 44/304 ، باب 36 ، ح 17– تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / 369.
2- 2. بقره/84 .
3- 3. نرم افزار نور 5/2- تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / 368 ، ح 258.
4- 4. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / 368 .

آن ها قبل از آن که قیامت برسد ، کسی را از اولاد حسین (علیه السلام) مبعوث می فرماید تا هدایت کند و مهدی امّت است که به برق شمشیر، آن ها را به درَک می رساند، «أَلا وَ لَعَنَ اللَّهُ قَتَلَةَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ مُحِبِّیهِمْ وَ نَاصِرِیهِمْ وَ السَّاکِتِینَ عَنْ لَعْنِهِمْ مِنْ غَیْرِ تَقِیَّةٍ تُسْکِتُهُمْ»(1) آگاه باشید که خدا لعنت کرده است کُشندگان و دوستان کُشندگان و یاری کنندگان قاتلین حسین (علیه السلام)را «أَلا وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی الْبَاکِینَ عَلَی الْحُسَیْنِ بن عَلی رَحْمَةً وَ شَفَقَةً وَ اللاَّعِنِینَ لأَعْدَائِهِمْ» آگاه باشید که خدا صلوات می فرستد بر گریه کنندگان حسین (علیه السلام) از روی رحمت و شفقت و صلوات می فرستند بر کسانی که لعن می کنند بر دشمنان گریه کنندگان بر حسین (علیه السلام) آن چنان دشمنانی که بزرگی و تندی می کنند بر گریه کنندگان «غَیْظاً وَ حَنَقاً» از روی غیظ و شدّت حسد «أَلا وَ إِنَّ الرَّاضِینَ بِقَتْلِ الْحُسَیْنِ شُرَکَاءَ قَتلِه» .

آگاه باشید کسانی که خشنود شدند از کشته شدن حسین (علیه السلام) مثل همان کسانی هستند که شریک در قتل آن حضرت شدند، آگاه باشید کسانی که کشتند آن حضرت را و کسانی که یاری کردند قتله آن حضرت را و کسانی که پیروی کردند از آن ها و دین حق را قبول نکردند بی دین خواهند محسوب شد «أَلا وَ إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ مَلائِکَتَهُ الْمُقَرَّبِینَ أَنْ یَتَلَقَّوْا دُمُوعَهُمُ الْمَصْبُوبَةَ بِقَتْلِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) إِلَی الْخُزَّانِ فِی الْجِنَانِ فَیَمْزُجُونَهَا بِمَاءِ الْحَیَوَانِ» آگاه باشید خدای تعالی امر می فرماید به ملائکه مقرّبین اشک هایی که در عزای حسین (علیه السلام) جاری می شود بگیرند و تسلیم نمایند به خازنین بهشت تا مخلوط نمایند به آب چشمه حَیَوان که در بهشت جاری است و آب آن چشمه به واسطه آن اشک ها هزار برابر بر گوارایی و خوش بویی و خوش طعمی او افزوده خواهد شد. و ملائکه دیگر مأمور هستند به کسانی که خوشحال و خندان شدند برای کشته شدن حسین (علیه السلام) هر گاه در امری و صدمه ای و المی گریه کردند آب چشم آن ها را ملائکه گرفته و می ریزند در هاویه که طبقه ای است از طبقات جهنّم، ممزوج می شود به

1- 1. بحارالأنوار 44/304 ، باب 36 ، ح 17– تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / 369.

جهنّم و آب های سوزنده آن، بدین واسطه هزار برابر بر شدّت و حرارت و عفونت آن آب ها افزوده و سخت خواهد شد بر دشمنان آل محمّد(علیهم السلام) «فقام ثوبان فقال یا رسول الله (صلی الله علیه و اله و سلم) بأبی أنت و أمی یا رسول الله متی قیام الساعه» الخ؛ طالبان به تفسیر امام (علیه السلام) رجوع نمایند(1).

دیگر در فصل ششم کتاب مخزن البکاء از کتاب منتخب از جابر جعفی روایت می کند و خلاصه آن این است: حضرت صادق(علیه السلام)به جابر فرمودند: خداوند موکّل می گرداند به زائر حسین (علیه السلام) چهل هزار ملک که صلوات می فرستند بر آن زائر و زائران حسین (علیه السلام) ثواب کسانی را دارند که در خون خود غلطیده باشند در راه خدا به درستی که خدا و ملائکه صلوات بر زائر حسین (علیه السلام) می فرستند.

یکی دیگر لعن بر اعداء محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) است که خداوند بر لاعن (لعن کننده) صلوات می فرستد و شرح آن در صفحه بعد ذکر خواهد شد.

«فِی العوالم قیل لِلصَّادِقِ: أَیَجُوزُ أَنْ یُصَلَّی عَلَی الْمُؤْمِنِینَ؟ قَالَ: إِی وَاللَّهِ یُصَلِّی عَلَیْهِمْ فَقَدْ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمْ أَمَا سَمِعْتَ(2) قَوْلَ اللَّهِ: «هُوَ الَّذِی یُصَلِّی عَلَیْکُمْ ... »(3) بدان که خلد مقام ، مرحوم حاجی نوری در جزء اوّل کتاب دارالسّلام خود نقل فرموده از کتاب بشاره المصطفی به اسناد متّصله خود از کمیل بن زیاد از حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) روایت نموده: از آن جمله آنچه محلّ شاهد است این است که می فرماید: ای کمیل! نام خدا را به زبان جاری کن و بگو «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّه» و توکّل کن بر خدا و یاد کن ما را و اسم هر یک از ماها را به زبان بیاور و صلوات بفرست بر ما و پناهنده شو به خداوند و به ما و به این عمل ضرر را از جان و اولاد خود دفع کن و از شرّ این روز در امان می مانی(4).

1- 1. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) /370 ، ح 259 .
2- 2. بحارالأنوار 91/70 ، ح 62– مستدرک الوسائل 5/402 ، ح6187 .
3- . احزاب/43.
4- 4. بحارالأنوار 74/268 ، ح 1.

در مناقب ابن شهرآشوب در ذیل خبر مروی از ابوحازم است که مردی سؤال کرد از حضرت امام زین العابدین (علیه السلام)، از معرفت و خصوصیّات نماز که شرحی دارد آخر آن سؤال عرض کرد: سبب قبولی نماز چیست؟ فرمودند: ولایت ما اهل بیت و برائت از اعداء ما.

یک نفر از علما نقل فرمودند که خُلداشیان، فخر الفقهاء، مرحوم حاجی آقا منیر الدّین اصفهانی (طاب ثراه) از عیون اخبار الرّضا (علیه السلام) نقل فرمودند که هر کس بعد از غذا خوردن دست خود را بشوید و کفی آب گرفته و بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا الْمُرْتَضَی» و آب را در دهان نموده فرو دهد خدا هفتاد بلیّه و مرض را از باطن و قلب او دفع می کند.

ثواب صلوات بر حضرت صدّیقه ی طاهره، فاطمه ی زهراء (علیها السلام)

بدان که در جلد چهارم ناسخ التّواریخ در اواخر کتاب در ذکر فضائل صدّیقه طاهره (علیها السلام) مرقوم است که حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)از فاطمه زهراء (علیها السلام) روایت می فرماید که «قَالَتْ: قَالَ لِی رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله) یَا فَاطِمَهُ مَنْ صَلَّی عَلَیْکِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ أَلْحَقَهُ بِی حَیْثُ کُنْتُ مِنَ الْجَنَّهِ»(1) فرمودند: ای فاطمه! هر کس درود بر تو بفرستد خداوند او را می آمرزد و با من ملحق می سازد در هر جای بهشت باشم.

و علاّمه مجلسی در فصل هشتم کتاب مقباس مرقوم فرموده در بعضی از کتب معتبره روایت شده هر که سه مرتبه در بامداد و سه مرتبه در آخر روز این صلوات را بخواند گناهانش آمرزیده شود و شادی او دائم باشد و دعایش مستجاب گردد و روزی او وسیع شود و بر دشمن ظفر یابد و در بهشت از رفقای محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) بوده باشد:

1- 1. بحارالأنوار 43/55 ، باب 3 و 97/194 باب 5 ، ح 10- مستدرک الوسائل 10/ 211 ، ح 11877- کشف الغمّه 1/472.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِى الأَوَّلِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِى الآخِرِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِى الْمَلإِ الأَعْلَى وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِى الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسِيلَةَ وَ الشَّرَفَ وَ الْفَضِيلَةَ وَ الدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ اللَّهُمَّ إِنِّى آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَمْ أَرَهُ فَلا تَحْرِمْنِى يَوْمَ الْقِيَامَهِ رُؤْيَتَهُ وَارْزُقْنِى صُحْبَتَهُ وَ تَوَفَّنِى عَلَى مِلَّتِهِ وَ اسْقِنِى مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَباً رَوِيّاً سَائِغاً هَنِيئاً لا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَداً إِنَّکَ عَلَى کُلِّ شَىْ‌ءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ كَمَا آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَ لَمْ أَرَهُ فَعَرِّفْنِى فِى الْجِنَانِ وَجْهَهُ اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّى تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ سَلاماً».

طریقه ی صلوات فرستادن بعد از نوشیدن آب

دو نفر از اهل علم نقل فرمودند که مرحوم حجه الاسلام حاجی آقا منیر فرمودند که در خبر وارد است کسی که این صلوات را بخواند بعد از آب خوردن ثواب ثقلین در نامه عمل او نوشته شود و او این است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی الْحُسَیْنِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی اَوْلادِ الْحُسَیْنِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی اَصْحَابِ الْحُسَیْنِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی اَنْصَارِ الْحُسَیْنِ اللَّهُمَّ الْعَن مَنْ شَرِکَ فِی دَمِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام)».

بدان که در تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) در آیه «مالِکِ یَوْمِ الدِّینِ»(1) که شرحی دارد و خلاصه آن این است که حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)از رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) نقل می فرمایند: در مقام محاسبه نفس و یاد آوردن حسنات و گناهان در هر شب و روزی، هر گاه بنده حساب خود را نمود و دید عبادت نموده، حمد و شکر خدای را بجا می آورد و هر گاه دید معصیتی از او صادر گردیده، توبه و استغفار می نماید و عزم می کند که دیگر مرتکب آن معصیت نشود و برای این که اثر آن معصیت زائل شود و محو گردد، صلوات بر محمّد و آل ایشان: بفرستد و چون که به واسطه معصیت رشته محبّت و ولایت را پاره نموده و با دشمنان او

1- 1. فاتحه/4.

نزدیک شده ، به قلب خود تجدید بیعت با حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)بنماید و به صلوات محکم کند رشته را و لعن کند دشمنان محمّد و آل ایشان را(علیهم السلام) ، چون چنین کرد خدا می فرماید: من مؤاخذه نمی کنم از گناهان تو و او را می آمرزد.(1).

و نیز در تفسیر مرقوم حضرت صادق(علیه السلام)از رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) نقل می فرماید: ثواب یاری کردن دین خدا را که شرح او طولانی است مردی عرض کرد: من عاجزم از یاری کردن شما و دین خدا، حضرت فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرموده است: کسی که عاجز باشد از یاری کردن دین خدا و لعن نماید در خلوت خود دشمنان ما را ، صدای او را تمام ملائکه ما می شنوند از عرش خدا تا زمین و همه همراهی می کنند با او در لعن و گویند: خدایا صلوات فرست بر این بنده که به قدر توانایی خود لعن بر اعداء نموده و هر گاه زیاده بر این قدرت داشت عمل می نمود خداوند می فرماید: ای ملائکه! دعای شما را مستجاب کردم و بر روح این بنده در ارواح صلوات فرستادم و در نزد من از برگزیدگان است.

و أَيضَاً در تفسیر آیه «وَ إِذْ فَرَقْنا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْناكُمْ وَ أَغْرَقْنا آلَ فِرْعَوْنَ و أَنتُم تَنظُرُونَ»(2) می فرماید: چون حضرت موسی(علی نبیّنا و آله و(علیه السلام)) به دریا رسید خطاب رسید ای موسی! «قُلْ لِبَنِی إِسْرَائِيلَ جَدِّدُوا تَوْحِيدِی وَ أَقِرُّوا بِقُلُوبِكُمْ ذِكْرَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ عَبِيدِی وَ إِمَائِی وَ أَعبُدوُا عَلَى أَنْفُسِكُمُ الْوَلايَةَ عَلِيٍّ أَخِی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ وَ قُولُوا: اللَّهُمَّ بِجَاهِهِمْ جَوِّزْنَا عَلَى مَتْنِ هَذَا الْمَاءِ فَإِنَّ الْمَاءَ يَتَحَوَّلُ لَكُمْ أَرْضاً» حکایت مفصّل است، خلاصه ی آن؛ خطاب رسید موسی بزن عصای خود را بر دریا و مرا به جاه محمّ-د و آل محمّ-د(علیهم السلام) قسم بده و با قوم خود از دریا گذشت طالبان رجوع به تفسیر امام عسکری (علیه السلام) نمایند کاملاً مرقوم است(3).

1- 1. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / 38 ، ح 14 .
2- 2. بقره/50.
3- 3. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / 245 ، ح121 .

و فیه أَیضَاً «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): مِفْتَاحُ الصَّلاهِ الطَّهُورُ وَ تَحْرِیمُهَا التَّکْبِیرُ وَ تَحْلِیلُهَا التَّسْلِیمُ لا یَقْبَلُ اللَّهُ تَعَالَی صَلاهً بِغَیْرِ طَهُورٍ وَ لا صَدَقَهً مِنْ غُلُولٍ وَ إِنَّ أَعْظَمَ طَهُورِ الصَّلاهِ الَّتِی لا یَقْبَلُ الصَّلَاهَ إِلَّا بِهِ وَ لِشَأنئیْناً مِنَ الطَّاعَاتِ مَعَ فَقْدِهِ مُوَالاهُ مُحَمَّدٍ وَ أَنَّهُ سَیِّدُ الْمُرْسَلِینَ وَ مُوَالاهُ عَلِیٍّ وَ أَنَّهُ سَیِّدُ الْوَصِیِّینَ وَ مُوَالاهُ أَوْلِیَائِهِمَا وَ مُعَادَاهُ أَعْدَائِهِمَا»(1) الخ. و فیه أیضَاً فِی تَفْسِیر «وَ اذْکُرُوا اللَّهَ فِی أَیَّامٍ مَعْدُوداتٍ ...»(2) «قَالَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ(علیهما السلام): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): طُوبَی لِلْمُوَالِینَ عَلِیّاً(علیه السلام) إِیمَاناً بِمُحَمَّدٍ وَ تَصْدِیقاً لِمَقَالِهِ کَیْفَ یُذَکِّرُهُمُ اللَّهُ بِأَشْرَفِ الذِّکْرِ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ وَ کَیْفَ یُصَلِّی عَلَیْهِمْ مَلائِکَهُ الْعَرْشِ وَ الْکُرْسِیِّ وَ الْحُجُبِ وَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْهَوَاءِ وَ مَا بَیْنَ ذَلِکَ وَ مَا تَحْتَهَا إِلَی الثَّرَی وَ کَیْفَ یُصَلِّی عَلَیْهِمْ أَمْلاکُ الْغُیُومِ وَ الْأَمْطَارِ وَ أَمْلاکُ الْبَرَارِی وَ الْبِحَارِ وَ شَمْسُ السَّمَاءِ وَ قَمَرُهَا وَ نُجُومُهَا وَ حَصْبَاءُ الْأَرْضِ وَ رِمَالُهَا وَ سَائِرُ مَا یَدِبُّ مِنَ الْحَیَوَانَاتِ فَیُشَرِّفُ اللَّهُ تَعَالَی بِصَلاهِ کُلِّ وَاحِدٍ مِنْهَا لَدَیْهِ مَحَالَّهُمْ وَ یُعَظِّمُ عِنْدَهُ جَلالَهُمْ حَتَّی یَرِدُوا عَلَیْهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ قَدْ شُهِرُوا بِکَرَامَاتِ اللَّهِ عَلَی رُءُوسِ الْأَشْهَادِ وَ جُعِلُوا مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ (علیهما السلام)صَفِیِّ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ الْوَیْلُ لِلْمُعَانِدِینَ عَلِیّاً کُفْراً بِمُحَمَّدٍ وَ تَکْذِیباً بِمَقَالِهِ وَ کَیْفَ یَلْعَنُهُمُ اللَّهُ بِأَخَسِّ اللَّعْنِ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ؟ وَ کَیْفَ یَلْعَنُهُمْ حَمَلَهُ الْعَرْشِ وَ الْکُرْسِیِّ وَ الْحُجُبِ وَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْهَوَی وَ مَا بَیْنَ ذَلِکَ وَ مَا تَحْتَهَا إِلَی الثَّرَی؟ وَ کَیْفَ یَلْعَنُهُمْ أَمْلاکُ الْغُیُومِ وَ الْأَمْطَارِ وَ أَمْلاکُ الْبَرَارِی وَ الْبِحَارِ وَ شَمْسُ السَّمَاءِ وَ قَمَرُهَا وَ نُجُومُهَا وَ حَصْبَاءُ الْأَرْضِ وَ رِمَالُهَا وَ سَائِرُ مَا یَدِبُّ مِنَ الْحَیَوَانَاتِ فَیُسَفِّلُ اللَّهُ بِلَعْنِ کُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ لَدَیْهِ مَحَالَّهُمْ وَ یُقَبِّحُ عِنْدَهُ أَحْوَالَهُمْ حَتَّی یَرِدُوا عَلَیْهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ قَدْ شُهِرُوا بِلَعْنِ اللَّهِ وَ مَقْتِهِ عَلَی رُءُوسِ الْأَشْهَادِ وَ جُعِلُوا مِنْ رُفَقَاءِ إِبْلِیسَ وَ نُمْرُودَ وَ فِرْعَوْنَ أَعْدَاءِ رَبِّ الْعِبَادِ وَ إِنَّ مِنْ عَظِیمِ مَا یُتَقَرَّبُ بِهِ خِیَارُ أَمْلاکِ الْحُجُبِ وَ السَّمَاوَاتِ الصَّلاهُ عَلَی مُحِبِّینَا أَهْلَ الْبَیْتِ وَ اللَّعْنُ لِشَانِئِینَا»(3).

ص: 31

1- 1. بحارالأنوار 77/316 ، باب5 ، ح 7 – تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / 520.

2- 2. بقره/203.

3- 3. بحارالأنوار 65/37 باب 15 ، ح 79 – تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / 615.

و نیز در تفسیر «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْری نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبادِ»(1) که شرحی دارد طولانی که گنجایش ذکر آن نیست. در اواخر آن سیّد الساجدین (علیه السلام)می فرماید: «معاشر الشّیعه إِنَّ مُحَمَّداً لَسَیِّدُ الأَوَّلِینَ وَ الآخِرِینَ وَ إِنَّ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ الْمُوَالِینَ أَوْلِیَاءَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمَا وَ الْمُتَبَرِّءِینَ مِنْ أَعْدَائِهِمَا أَفْضَلُ أُمَمِ الْمُرْسَلِینَ وَ إِنَّ اللَّهَ لا یَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ عَمَلاً إِلاَّ بِهَذَا الإعْتِقَادِ وَ لا یَغْفِرُ لَهُ ذَنْباً وَ لا یَقْبَلُ لَهُ حَسَنَهً وَ لا یَرْفَعُ لَهُ دَرَجَهً إِلاَّ بِه »(2).

و در کتاب اثنی عشریّه در فصل چهاردهم از باب یازدهم مرقوم است « مَا رُوِیَ عَنِ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و اله و سلم)مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِیداً أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُوراً لَهُ أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِباً أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِناً مُسْتَکْمِلَ الإِیمَانِ أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَّرَهُ مَلَکُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّهِ ثُمَّ مُنْکَرٌ وَ نَکِیرٌ أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فُتِحَ اللّه لَهُ فِی قَبْرِهِ بَابَانِ إِلَی الْجنان أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَی السُّنَّهِ وَ الْجَمَاعَهِ أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ مَکْتُوبٌ بَیْنَ عَیْنَیْهِ آیِسٌ مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ یَشَمَّ رَائِحَهَ الْجَنَّهِ»(3).

بدان که مرحوم آیت الله آقای شیخ محمّد تقی النّجفی الاصفهانی در کتاب تأویل الآیات مرقوم می فرمایند که جماعتی از خاصّه و عامّه روایت نموده اند از عبدالله بن عبّاس از حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)که آن جناب فرمودند: قرآن نازل شد چهار ربع، یک ربع از آن در حقّ ما اهل بیت نازل گردید و یک ربع از آن

ص: 32

1- 1. بقره/207.
2- 2. بحارالأنوار 1/18 ، ح68 – تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / 626.
3- 3. بحارالأنوار 23/233 – تفسیر کشّاف زمخشری.

در حقّ دشمنان ما و یک ربع از آن فرائض و احکام است و یک ربع از آن سنن و مثال است و از برای ما محاسن قرآن(1) می باشد.

و مؤیّد این حدیث روایتی است که فضل بن شاذان از داود بن کثیر روایت نموده که او گفت سؤال کردم از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) که شما هستید مقصود از صلوه و زکات در کتاب خدا، فرمودند: یا داود ما هستیم مقصود خدا از صلوه و زکوه و صوم و حجّ در کتاب خدا و ما هستیم مراد از « اَشهُرِ حُرُم و بلد حرام و کعبه اللّهِ و قبله اللّه و وجه اللّه » که در قرآن می فرماید «فَأَيْنَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»(2) و ما هستیم آیات الله و ما هستیم بیّنات در قرآن و در کتاب خدای تعالی مُراد از فحشاء و منکر و بغی و خمر و عسر و انصاب و ازلام و اصنام و اوثان و جبت و طاغوت و دَم و میته و لحم خنزیر دشمنان ما هستند ، ای داوود به درستی که خداوند خلق فرمودند ما را پس گرامی داشت و فضیلت داد ما را و قرار داد ما را امناء و حافظین و خُزّان تمام آن چه در دنیا است و قرار داد از برای ما اضداد و اعداء چند ، پس ذکر نمود اسماء ما را در کتاب خود به احسن اسماء و احسن کنیه ها و ذکر نمود اسماء دشمنان ما را در کتاب خود به زشت ترین اسماء و منفورترین کنیه ها در نزد خود و در کتاب خود از برای آن ها مثل هایی(3)ذکر نمود .

و مؤیّد این مطلب نیز حدیثی است که فضل بن شاذان به سند خود از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام)روایت نموده که فرمودند ما هستیم اصل هر خیری و از فروع ماست هر بِرّ و احسانی و از جمله برّ است توحید و صلوه و صیام و غیره الی آخر الخبر(4).

1- 1. بحارالأنوار 24/305 ، ح1 .
2- 2. بقره/115.
3- 3. بحارالأنوار 24/303 ، ح14 .
4- 4. بحارالأنوار 24/303 ، ح 15.

و از این قبیل است روایتی که ابن بابویه در کتاب اعتقادات خود از امام جعفر صادق(علیه السلام)روایت نموده که فرمودند: هیچ آیه ای در قرآن نازل نگردید که اوّل آن با «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا» باشد مگر آن که علیّ بن ابیطالب (علیه السلام) امیر و بزرگ و سردار آن ها می باشد و هیچ آیه نازل نشده که متضمّن وعده بهشت باشد مگر آن که در حقّ پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و ائمّه(علیهم السلام) و متابعین ایشان است و هیچ آیه نازل نگردیده که متضمّن وعید جهنّم باشد مگر آن که در حقّ دشمنان ایشان و مخالفین ایشان است. الخبر(1).

زیاده بر این طالبان مقام محمّد و آل محمّد(علیه السلام) و آیاتی که به آن انوار مقدّس تأویل شده رجوع فرمایند به تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) و کتاب غایه المرام و جلد دوّم اثبات الهداه شیخ حرّ عاملی نوّر الله مرقده و کتاب مستطاب کافی و تفسیر علیّ بن ابراهیم قمّی; و غیبت شیخ مفید (طاب ثراه) و کتاب احتجاج و مصباح الأنوار شیخ ابوجعفر طوسی و کشف الغمّه و ملاحظه فرمایند یک یک سُوَر قرآنی را و آیات بسیاری را که در آن سور تأویل شده و در شأن ائمّه هدی (علیهم السلام) نازل گردیده تا عُشْری از اعشار مقام یس و آل یس را ملتفت شوند.

ملاحظه فرما زیارت جامعه را که عرض می کنی: «اَنْتُمُ السَّبیلُ الأعْظَمُ و الصِّراطُ الأَقْوَمُ وَ اَنْتُمْ نُورُ الأَخْیارِ، وَ هُداهُ الأَبْرارِ و حُجَجُ الْجَبَّارِ، بِکُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِکُمْ یَخْتِمُ، وَ بِکُمْ یُنَزِّلُ الْغَیْثَ، وَ بِکُمْ یُمْسِکُ السَّماءَ وَ اَشْرَقَتِ الأَرْضُ بِنُورِکُمْ، مَنْ اَطاعَکُمْ فَقَدْ اَطاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصاکُمْ فَقَدْ عَصَی اللَّهَ، وَ مَنْ اَحَبَّکُمْ فَقَدْ اَحَبَّ اللَّهَ، وَ مَنْ اَبْغَضَکُمْ فَقَدْ اَبْغَضَ اللَّهَ، عَصَمَکُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَ آمَنَکُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَطَهَّرَکُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَ اَذْهَبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ، وَطَهَّرَکُمْ تَطْهیراً».

«فِی الأَمَالِی قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله): مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَجْمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَیْرَ کُلَّهُ فَلْیُوَالِ عَلِیّاً بَعْدِی وَ لْیُوَالِ أَوْلِیَاءَهُ وَ لْیُعَادِ أَعْدَاءَه»(2).

1- 1. بحارالأنوار 24/316 ، ح20 .
2- 2. بحارالأنوار 77/55 باب 1، ح9- امالی شیخ صدوق(رحمت الله) / 473 مجلس 72 ،ح7 – بشاره المصطفی6 / 150.

شأن نزول بعضی آیات قرآن کریم در خصوص «صلوات»

حضرت عسکری (علیه السلام)در تفسیر آیه «وَ أَقیمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ ...» فرموده كه مراد از صلوه، نماز پنج گانه یومیّه و صلوات بر محمّد و آل ایشان است، كه حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)سیّد افاضل آن هاست(1).

در تفسیر آیه «وَاسْتَعینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاهِ وَ إِنَّهَا لَكَبیرَهٌ إِلاَّ عَلَی الْخاشِعینَ»(2) فرموده كه مراد از صلوه در این آیه نماز پنج گانه و صلوات بر محمّد و آل ایشان(علیهم السلام) و اطاعت آن ها هر دو است نه فقط نماز تنها و این كه فرموده است: «وَ إِنَّهَا لَكَبیرَهٌ إِلاَّ عَلَی الْخاشِعینَ» یعنی این دو قسم از صلوات سنگین و سخت است إلاّ بر خاشعین یعنی كسانی كه می ترسند از عقاب خداوند كه به مخالفت این دو فریضه ی بزرگ یعنی (نماز و صلوات) بپردازند .

و نیز در تفسیر «وَ إِذْ فَرَقْنا بِكُمُ الْبَحْرَ... الی قَولِهِ... ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنْتُمْ ظالِمُونَ»(3) فرموده كه به امر خدا گوساله با حضرت موسی (علی نبیّنا و آله و(علیه السلام)) به زبان آمد و شرح حال سامری را بیان كرد، گفت : جهت مبتلا شدن قوم شما به پرستیدن من این بود كه به صلوات فرستادن بر محمّد و آل ایشان(علیهم السلام) (4) اعتنا نداشتند .

1- 1. تفسیر امام حسن عسكری (علیه السلام) / 231 ،ح110 - بحارالأنوار 24/396.
2- 2. بقره/45.
3- 3. بقره/50 الی 92.
4- 4. تفسیر امام حسن عسكری (علیه السلام) / 251 ، ح122 .

در تفسیر آیه «وَ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ أَصْحابُ الْجَنَّهِ هُمْ فیها خالِدُونَ»(1) فرموده که خلاصه ی آن این است که اسبی مقابل حضرت رضا (علیه السلام) حاضر بود و جماعتی ایستاده بودند و نمی توانستند او را سوار شوند از شرارت او، پسری بود به سنّ هفت سالگی عرض کرد: اجازه می فرمائید من بر او سوار شوم فرمودند چگونه می توانی؟ با این حال عرض کرد: من یکصد مرتبه صلوات می فرستم و ولایت شما را بر خود تازه می کنم و بر او سوار می شوم. حضرت فرمودند: بسیار خوب. چون سوار شد به اندازه ای او را دوانید که آن حیوان عرق کرد و شکایت کرد به حضرت «فَنَادَی الْفَرَسُ یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَدْ أَلَّمَنِی»(2) الخ.

و نیز در تفسیر «وَ إِذْ أَخَذْنا میثاقَ بَنی إِسْرائیلَ لا تَعْبُدُونَ إِلاَّ اللَّهَ وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً وَ ذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکینِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً وَ أَقیمُوا الصَّلاهَ وَ آتُوا الزَّکاهَ ثُمَّ تَوَلَّیْتُمْ إِلاَّ قَلیلاً مِنْکُمْ وَ أَنْتُمْ مُعْرِضُونَ»(3)

فرموده که عهد و میثاق خدا بر بنی اسرائیل بر صلوات یومیّه و صلوات بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) بود در حال غضب و خوشی و شدّت و غم ها و غیره و شما بنی اسرئیل به آن عهد وفا نکردید(4).

در تفسیر آیه «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا کُلُوا مِنْ طَیِّباتِ ...»(5) امام (علیه السلام)می فرماید: شکر کنید خدا را بر آن چه روزی قرار داد برای شما از طیّبات به ولایت محمّد و علی (علیهما السلام)که قبولی ولایت آن ها شکر چیزهایی است ، از طیّبات رزق که به شما داده شده است(6) .

1- 1. بقره/82 .
2- 2. بحارالأنوار 72/415 ، باب 87 ، ح170 – تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / 323 ، ح 170 .
3- 3. بقره/83 .
4- 4. بحارالأنوار 68/183 ، ح44 .
5- 5. بقره/172.
6- 6. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / 584 ، ح 348 .

و أَیضَاً در تفسیر «الَّذی جَعَلَ لَکُمُ الأَرْضَ فِراشاً وَ السَّماءَ بِناءً ...»(1) «قَالَ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ(علیه السلام): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): فِی قَوْلِ اللَّه عَزَّوَجَلَّ «الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الأَرْضَ فِراشاً» إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمَّا خَلَقَ الْمَاءَ فَجَعَلَ عَرْشَهُ عَلَیْهِ قَبْلَ أَنْ یَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرْضَ وَ ذَلِکَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ فِی سِتَّهِ أَیَّامٍ وَ کانَ عَرْشُهُ عَلَی الْماءِ قَبلَ أن یَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرْض »(2) که شرحی دارد مفصّل و این عرش سیصد و شصت هزار قائمه دارد تا آن جایی که می فرماید: خداوند خلق فرمودند برای هر قائمه از آن سیصد و شصت هزار ملک به کیفیّاتی که مرقوم است آن وقت امر فرمودند به آن ها که بلند کنید عرش را، آن ملائکه نتوانستند حرکت بدهند تا این که چند مرتبه عدد آن ها را مضاعف فرمودند، باز نتوانستند حرکت دهند. فرمودند: واگذارید که به قدرت خود نگاه می دارم. سپس به هشت نفر از آن ها فرمودند: عرش را بردارید . عرض کردند: پروردگارا! این همه ملائکه نتوانستند عرش را حرکت بدهند، چگونه می توانیم برداریم.!! خطاب شد که تعلیم می کنم به شما کلماتی را که هر گاه بگویید بر شما آسان شود حرکت عرش، عرض کردند: آن کلمات کدام اند؟ خطاب رسید بگوئید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ» پس گفتند و برداشتند و سنگینی عرش به آن عظمت بر شانه های آن ها مانند مویی بود که بر شانه مردی باشد. هر گاه کاملاً کسی بخواهد کیفیّت آن را، رجوع فرماید به تفسیر امام (علیه السلام) یا در انوار سیّد جزائری، مقصود در این جا اشاره اجمالی برای ذکر و فائده صلوات بود.

1- 1. بقره/22.
2- 2. هود/7.

مرقوم است حضرت امیر (علیه السلام) فرمودند که خدا گناهان مطیعان ما را می آمرزد. عرض کردند: یا علی! مطیعان شما چه کسانی هستند؟ فرمودند : آن هایی که در واجبات اطاعت خدا را می نمایند و محرمات را ترک می کنند و مشغول ذکر خدا و صلوات فرستادن بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و آل آن جناب(علیهم السلام) هستند.

رفع نمودن شیاطین از انسان به ذکر صلوات

در تفسیر امام (علیه السلام)در ذیل آیه شریفه«لَیْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الآخِرِ وَ الْمَلائِکَهِ وَ الْکِتابِ وَ النَّبِیّینَ وَ آتَی الْمالَ عَلی حُبِّهِ ذَوِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکینَ وَ ابْنَ السَّبیلِ وَ السَّائِلینَ وَ فِی الرِّقابِ وَ أَقامَ الصَّلاهَ وَ آتَی الزَّکاهَ وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا وَ الصَّابِرینَ فِی الْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حینَ الْبَأْسِ أُولئِکَ الَّذینَ صَدَقُوا وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»(1) می فرماید: مراد از «بَأساء» محاربه با دشمنان است و هیچ دشمنی بالاتر از شیطان نیست که مدام در مقام محاربه و گمراه نمودن انسان است و انسان باید در مقام دفاع با او باشد «وَ عَلَیْهِم بالصَّلوهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ» و حربه انسان در دفاع با شیطان ذکر صلوات بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) است و می فرماید که مراد از «ضرّاء» فقر و شدّت است و فقری بالاتر برای مؤمن از این نیست که در مقابل دشمنان آل محمّد(علیهم السلام) تکفّف کند (یعنی اعتناء به مال و ثروت و عزّت و ریاست آنها نکند) و در قبال آنچه آنها دارند از مال و ثروت و عزّت صبر کند و قناعت نماید به آن چه خود دارد از ولایت و دوستی و محبّت محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) یعنی دست از محبّت و دوستی محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) برندارد و صابر باشد و «حَین البَأسِ» مراد از او یعنی نزد شدّت قتال و سختی یاد نماید خدا را به ذکر «اللّه» وَ یُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَی عَلِیٍّ وَلِیِّ اللَّهِ وَ یُوَالِی بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ أَوْلِیَاءَ اللَّهِ وَ یُعَادِی کَذَلِکَ أَعْدَاءَ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أُولئِکَ أَهْلُ هَذِهِ الصِّفَاتِ.

1- 1. بقره/177.

می فرماید: حق تعالی جلّ شأنه این ها هستند همان کسانی که وصف آن ها در این آیه شده است که راستگو هستند در ایمان و در گفتار و در کردار و این ها هستند اهل تقوا و پرهیزگاری و «وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»(1).

همچنین در تفسیر امام (علیه السلام)در تفسیر آیه مبارکه«قُلْ إِنْ کانَتْ لَکُمُ الدّارُ الآخِرَهُ عِنْدَ اللّهِ ...»(2) شرحی دارد مفصّل در اواخر آن چنین مستفاد است که حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) امر فرمودند اصحاب خود را به جهاد و بذل اموال که ثمره آن دائمی شدن عمْر در آخرت و طولانی شدن نعمت در بهشت است، اصحاب عرض کردند: ما که قدرت نداریم به جهاد، مالی هم نداریم بذل نمائیم، چه کنیم که به این فیض نائل شویم؟ فرمودند:

امّا جهاد؛ قلب خود را به محبّت خدا و رسول خدا و وصیّ رسول خدا و محبّت شیعیان و دوستان آل محمّد(علیهم السلام) و برادران ایمانی خود هم جهت کنید .

امّا صدقه؛ مشغول ذکر خدا شوید و صلوات بر محمّد و آل طیّبین آن حضرت(علیهم السلام) بفرستید که خداوند آن درجات را به شما خواهد داد.

و در کتاب اثنی عشریّه در مواعظ ثلاث مرقوم است «وَ رُوِیَ عَنِ النَّبِی(صلی الله علیه و اله) إِنَّه قال ثلاثهُ یَومَ القیامهِ تَحتَ عرشِ الله یومَ لَا ظِلَّ الاّ ظلُّ اللّه قیلَ: مَن هُم یا رسولَ الله؟

قال(صلی الله علیه و اله و سلم): مَنْ فَرَّجَ عَنْ مَکْرُوبٍ مِنْ اُمَّتِی وَ مَنْ اَحْیَی سُنَّتِی وَ مَنْ اَکْثَرَ الصَّلوهَ عَلَیَّ»(3).

1- 1. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / 589 ، ح353 - بحارالأنوار 24/281.
2- 2. بقره/94.
3- 3. تحریر مواعظ عددیه / 235. « ترجمه: از پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت شده است که در روز قیامت سه گروه در زیر عرش خدا قرار می گیرند همان روزی که هیچ سایه ای جز سایه (رحمت) خدا

نیست. پرسیدند ای رسول خدا آنها چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند هرکس که غمی را از غم دیده ای از امّت من برطرف کند و کسی که سنت مرا احیاء کند و کسی که زیاد بر من صلوات فرستد.»

در کتاب خلاصه الأخبار مرقوم است که در حدیث معتبر از عمّار بن یاسر منقول است که به حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) عرض کرد: می خواستم شما در میان ما به قدر عمر نوح زندگانی کنید ، حضرت فرمودند: از خدا خائف باشید ، نیکو صلوات بفرستید بر من و بر اهل من، به درستی که اعمال شما بر من به نام شما و پدران و قبیله شما عرضه خواهد شد. اگر عمل خیر است خدا را حمد می کنم و اگر عمل شرّ است برای شما استغفار می کنم، چنان چه خداوند می فرماید: «وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ ...»(1) و فرمودند که مؤمنان، آل محمّدند:.(2)

وجوب صلوات در تمام امور

در کتاب خصال از حضرت صادق(علیه السلام)روایت کرده است که صلوات فرستادن بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در جمیع مواطن و در وقت عطسه و در وقت وزیدن بادها واجب است (3).

و در کتاب عیون هم همین حدیث را از حضرت رضا (علیه السلام) روایت کرده است و به جای وقت وزیدن بادها در آن جا وقت ذبح حیوانات مذکور است(4).

خلاصه در بسیاری از مواضع وارد شده است که ذکر آن حضرت را باید نمود به هر عنوان چنان چه شرح آن ذکر خواهد شد ان شاءالله و اخباری که بر مواعید تارک صلوه و نزد ذکر آن حضرت دلالت می کند به طریق خاصّه و عامّه بسیار است و قطع نظر از مخالفت امر الهی مستلزم محرومیّت از فوائد و فضائلی است که برای صلوات مقرّر شده است که من بعد ان شاءالله اشاره به بعضی از آن ها خواهم کرد.

1- 1. توبه/105.
2- 2. بحارالأنوار 23/354.
3- 3. بحارالأنوار 73/54.
4- 4. بحارالأنوار 62/311 ، ح5 و 73/54 ، ح10 .

و از ابن عبّاس روایت شده پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند : هر که بر من صلوات نفرستد دین برای او نخواهد بود.

در کتاب کافی در باب صلوات مرقوم است که قبل از دعا و بعد از دعا صلوات بفرستید تا این که دعای شما مستجاب شود(1).

درکتاب عنوان الکلام مرحوم حجّه الاسلام ملاّ محمّد باقر فشارکی اصفهانی(2)مرقوم است که دختر خلیفه غاصب اول از پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم)پرسید : آیا کسی هست که در قیامت از دیدن نور شما محروم شود؟ فرمودند : بلی سه طایفه، کسی که اصرار در شراب خوردن داشته باشد و کسی که عاق والدین باشد و کسی که نام مرا بشنود و بر من صلوات نفرستد.

«فِی بَابِ الثَّامِنِ فِی اَللَّئَالِی فِی فَضِلِ الصَّلواتِ عَلَی النَّبِیِّ (صلی الله علیه و اله و سلم) قَالَ اللهُ تَعَالَی: عَظِّمُوا الصَّلَواتَ عَلِی عَبْدِی یَخْلُقُ الله تَعالَی مِنْ کُلِّ حَرْفٍ مِنْهَا مَلَکا لَهُ ثَلَثُ مَائَهٍ رَأسٍ وَ فِی کُلِّ رَأسٍ ثَلَثُ مِائَهٍ وَ سِتِّینَ فَمَاً وَ فِی کُلِّ فمٍ ثَلَثُ مِائَه وَ سِتِّینَ لِسَاناً وَ فی کلّ لسانٍ ثَلَثُ مَائَهٍ وَ سِتِّینَ لُغَهٍ یُمْجِّدُ اللهَ تَعالَی بِکُلِّ تِلْکَ اللُّغَاتِ إلیَ یَوْمِ الْقِیَامَهِ وَ یُکْتَبُ ثَوابَهَا لَهُ وَ حُرُوفُهَا سَبْعَهُ وَ عِشرونَ حَرْفاً. و فی روایته فی بعض نسخ الحدیث قال: کَانَ لَهُ خَمَسَهُ آلافِ یَدٍ فِی کُلِّ یَدٍ أَثْنَی عَشَرَ اَلْفَ اِصْبِعٍ. سَئَلْتُ جَبْرَئِیلَ عَنْهُ قَالَ هوَ شَغْوائِیلُ مُوَکَّل بِحِسابِ قطَراتَ الْمَطَرِ. و ساق الحدیث نظیر ما مرّ عن المنهج الی ان قال: إذا صَلّی الْمُؤمِنُ الصَّلَوهَ الْفَریضَهَ وَ صَلَّی عَلَیْکَ اَنَّا عاجزٌ عَنْ حِساب ثَوابِها یَغْنی لِکَثْرَتِهِ ».

«أَیضَاً فِی بَابِ الثَّامِنِ وَ فِی الْعُیُونِ عَنِ الرِّضَا7 قَالَ: إِن سَرَّکَ أَنْ تَسْکُنَ الْغُرَفَ الْمَبْنِیَّهَ فِی الْجَنَّهِ مَعَ النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله) فَالْعَنْ قَتَلَهَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام)(3)» (4).

ص: 41

1- 1. کافی 2/495 ، ح16 با کمی تفاوت.
2- . مدفون در بقعه تکیّه علاّمه خوانساری تخت فولاد .
3- 3. عیون اخبار الرّضا (علیه السلام) 1/299 ، ح58 - بحارالأنوار 44/285، ح23 .

4- . «ترجمه» : حضرت رضا (علیه آلاف التحیه و الثناء) به پسر شبیب فرمودند : اگر خواهی در غرفه های ساخته شده بهشت با پیغمبر (صلی الله علیه و اله)ساکن شوی بر قاتلان حسین (علیه السلام)لعن کن .

چنان چه در اواخر باب پنجم لئالی آداب آب خوردن را بیست و یک چیز می نویسد: «وَ مِنْهَا ذِکرُ سَیِّدِالشُّهَدَاءِ(علیه السلام) وَ لَعْنُ قَاتِلِیهِ بَعْدَ شُرْبِهِ» وَ مِنْهَا « قَالَ اَبُوعَبْدِالله7: وَ مَا مِنْ عَبْدٍ شَرِبَ الْمَاءَ فَذَکَرَ الْحُسَیْنَ(علیه السلام) وَ أَهْلَ بَیْتِهِ وَ لَعَنَ قَاتِلَهُ إِلاَّ کَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَسَنَهٍ وَ حَطَّ عَنْهُ مِائَهَ أَلْفِ سَیِّئَهٍ وَ رَفَعَ لَهُ مِائَهَ أَلْفِ دَرَجَهٍ وَ کَأَنَّمَا أَعْتَقَ مِائَهَ أَلْفِ نَسَمَهٍ وَ حَشَرَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ یَوْمَ الْقِیَامَهِ ثَلِجَ الْفُؤَادِ» أیْ مُطْمَئِنَّ الْقَلْبِ (1).

«ترجمه» : امام صادق(علیه السلام)فرمودند : بنده ای نیست که آب نوشیده و حسین و اهل بیت ایشان را یاد کرده و قاتلش را لعنت کند مگر آنکه خداوند صد هزار حسنه برای او منظور می کند و صد هزار گناه از او محو می کند و صد هزار درجه مقامش را بالا برده و و گویا صد هزار بنده آزاد کرده و روز قیامت حقتعالی او را با قلبی آرام و مطمئن محشورش می کند .

و فی حدیث آخر «قَالَ: مَنْ لَعَنَ قَاتِلَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) عِنْدَ شُرْبِ الْماءِ حَشَرَهُ اللّه ثَلْجَ الفُؤاد ای مُطمَئنَّ القَلب».

فیه أَیضَاً « اِنَّ المُؤمِنَ إذا شَرِبَ المَاءَ وَ تَذَّکرَ الْحُسَیْنَ7 یُکْتَبُ لَهُ کَمْ أَلفَ مِنْ حَسَنَهٍ وَ یُمْحَی عَنْ صَحِیفَتِهِ کَمْ ألفَ مِنَ السَّیِئَهِ »(2).

«ترجمه» : اگر مؤمن آب بنوشد و یاد از امام حسین (علیه السلام)کند برای او می نویسد هزار کار نیک انجام داده و هزار بدی را در نامه عمل او پاک می کنند.

خلاصه در باب هشتم لئالی در بیان مؤلّف می فرماید: «اَقُولُ وَ مِمَّا یُسْتَفَادُ مِنْهُ اَنَّ اَللّعَنَ عَلَیهِمْ وَ عَلَی غَیْرِهِمْ مِنَ الْاَعدَاءِ اَفضَلُ مِنْ جَمِیعِ الْاَذکَارِ وَ الْأَورَادِ وَ التَّعْقِیبَاتِ حَتَّی الصَّلَوهِ عَلَی النَّبِیِّ وَ کَلِمَهِ التَّوْحِیدَ وَ غَیْرِهَا بَلْ مِنْ جَمِیعِ الطَّاعَاتِ وَ الْعِبَادَاتِ حَتَّی الصَّلَوهِ وَ الصَّوم کَمَا مَرَّ فِی بَابِ الْسَّادِسِ فِی لُؤلُؤِ مَا وَرَدَ فِی فَضْلِ الْمُتَحَابِّینَ فِی اللهِ مِنْ إنَّهُ قَالَ: أوْحَی اَللهُ

1- 1. بحارالأنوار 44/303 ، ح16 .

2- 2. لئالی / 724 .

اِلی مُوسَی7 هَلْ عَمِلْتَ لِی عَمَلاً قَطُّ قَالَ إلهِی صَلَّیْتُ لَکَ وَ صُمْتُ وَ تَصَدَّقْتُ وَ ذَکَرْتُ لَکَ فَقالَ تَعالَی: اِنَّ الْصَّلوهَ لَکَ بُرْهانٌ وَ الْصَّوْمَ جُنَّهٌ وَالْصَّدَقَهَ ظُلَّهٌ وَ الْذِّکْرَ نُورٌ فَأَیَّ عَمَلٍ عَمِلْتُ لِی فَقَالَ(علیه السلام): إلهی دُلَنِّی عَلَی عَمَلٍ هُوَ لَکَ فَقَالَ: یَا مُوسی! هَلْ والَیْتَ لِی وَلِیّاً وَ هَلْ عَادَیْتَ لِی عُدُوَّا قَطُّ فَعَلِمَ مُوسی(علیه السلام) إنَّ أَحَبَّ الأعْمَالِ اَلْحُبُّ فِی اللّهِ وَ الْبُغْضُ فِی اللّه(1).

وَ مَا عَنْ رَسُولُ اللَّهِ6إِنَّهُ قَالَ لأَصْحَابِهِ أَیُّ عُرْمَی الإِیمَانِ أَوْثَقُ قَالَ بَعْضُهُمُ الصَّلاةُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الزَّكَاةُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الصِّیَامُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الْحَجُّ وَ الْعُمْرَةُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الْجِهَادُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله): لِكُلِّ مَا قُلْتُمْ فَضْلٌ وَ لَیْسَ بِهِ وَلَكِنْ أَوْثَقُ عُرَی الإِیمَانِ الْحُبُّ فِی اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِی اللَّهِ وَ تَوَلِی أَوْلِیَاءِ اللَّهِ وَ التَّبَرِّی مِنْ أَعْدَاءِ اللَّه وَ قَدْ مَرَّتْ هُناکَ اَخْبَار عَجیبَه فِی الْمُتَحَابِّینَ فِی اللّهِ وَ الْمُتَبَاغِضینَ فِی اللّهِ»(2).

«ترجمه» : حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) به اصحابشان فرمودند : کدام یک از دست آویزهای ایمان محکم تر است ؟ بعضی از آنها گفتند نماز ، برخی گفتند زکات و بعضی گفتند روزه و برخی گفتند حج و عمره و بعضی گفتند جهاد ، رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم)فرمودند : هریک از آن ها که گفتید فضیلتی است ولی جواب پرسش من نیست . محکمترین دست آویزهای ایمان دوستی برای خدا و دشمنی برای خدا و پیروی اولیاء خدا و بیزاری از دشمنان خدا می باشد .

وَ مِنْهَا عَنِ الْحُسَیْن بن ثُوَیرٍ وَ أَبِی سَلَمَه قَالا: سَمِعْنَا أَبَاعَبْدِاللَّهِ(علیه السلام) وَ هُوَ یَلْعَنُ فِی دُبُرِ كُلِّ صَلوهٍ مَكْتُوبَهٍ أَرْبَعَهً مِنَ الرِّجَالِ وَ أَرْبَعاً مِنَ النِّسَاءِ فُلانٌ وَ فُلانٌ وَ فُلانٌ وَ سَمِعْنَا وَ مُعَاوِیَهُ وَ فُلانَهُ وَ فُلانَهُ وَ هِنْدٌ وَ أُمُّ الْحَكَمِ أُخْتُ مُعَاوِیَهَ؛ الخ»(3).

«ترجمه» : حسین بن ثویر و ابی سلمه می گویند از امام صادق(علیه السلام)شنیدیم : که پس از هر نماز واجب چهار نفر از مردان و چهار نفر از زنان را لعن می فرمودند.

1- 1. جامع الأخبار / 128.
2- 2. بحارالأنوار 66/242 ، ح 17 .
3- 3. الکافی 3/342 ، ح 10 .

فلان و فلان و فلان و معاويه و فلانه و فلانه و هند و امُّ الحكم (خواهر معاويه)(1) .

لا يخفِى إنَّ الْصَّلوهَ عَلَى النَّبىِّ وَ الِهِ وَ الْلَّعنُ عَلَى اَعدَائِهِم لَهُمَا نَفعٌ عَظيمٌ.

فِى بَابِ الْثَّامِنْ مِن الْلّئالى عَنْ أَباعَبْدِاللَّه(علیه السلام) قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ عَمُوداً مِنْ زَبَرْجَدٍ أَعْلاهُ مَعْقُودٌ بِالْعَرْشِ وَ أَسْفَلُهُ فِى تُخُومِ الأَرَضِينَ الْسَّابِعَهِ عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ قَصْرٍ فِى كُلِّ قَصْرٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَقْصُورَهٍ فِى كُلِّ مَقْصُورَهٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَوْرَاءَ قَدْ أَعَدَّ اللَّهُ ذَلِكَ لِلْمُتَحَابِّينَ فِى اللَّهِ وَ الْمُتَبَاغِضِينَ فِى اللَّهِ(2).

وَ فِى بَابِ السَّابِعِ قَالَ أَبُوجَعْفَرٍ(علیه السلام): مَنْ قَالَ فِى رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ وَ قِيَامِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِمِثْلِ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ وَ الْقِيَامِ(3).

أَيضَاً رُوِىَ انَّ اللّهَ تَعالَى قَد خَلَقَ المَلائِكَهَ سَيَّاحِينَ فِى الأَرضِ وَ لَيسَ لَهُم غَرَضٌ إلاّ تَبلِيغَ النَّبِىَّ صَلَواهَ مَن صَلَّى عَلَيهِ فِى اَطرَافِ الأَرضِ يَقُولُونَ له: يَا رَسُولَ اللّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم)! فُلاَنٌ قَد بَلَّغَكَ السَّلامُ وَ الصَّلَوهَ. فَيَقُولُ النَّبِىُّ(صلی الله علیه و اله): وَ عَلَى فُلَانُ الصَّلوهُ وَ السَّلام وَ كَذَلِكَ يُبَلِّغُونَهُ زِيارَاتَ الزَّائِرِينَ وَ سَلامَ المُسَلِّمِينَ.

وَ فِى البَابِ الثَّامِنِ مِنَ اللّئالِى وَ فِى كِفايَهِ الأَثَرِ عَنْ أبى ذَر وَ فِى جَامِعِ الأخبَارِ وَ ثَوَابِ الأَعمَالِ عَنْ أميرالمُؤمِنينَ عَلِىٍّ(علیه السلام) وَ فِى الْكَافِى عَنْ الصَّادق(علیه السلام)أَنَّ الدُّعَاءَ مُطلَقاً مَحْجُوبٌ لَن يُستَجَابَ حَتَّى يُصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أهلِ بَيتِهِ وَ فِيهِ أَنَّ الدُّعَاءَ إذا صُدِّرَتْ بِالْصَّلوهِ عَلَيهِمْ وَ خُتِمَتْ بِها لم يُردَّ أبداً وَ فِيهِ أنَّ الدَّاعِى إذا تَوَسَّلَ فِى دُعَائِهِ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَقْسَمَ اللّهَ بِحَقِّهِمْ يُستَجَابُ دُعائُهُ لَا مُحَالَهَ.

أَيضَاً فى الباب الثامن عَنِ الْعَسْكَرِىِّ(علیه السلام) فِى تَفْسِيرِهِ عَنْ آبَائِهِ: عَنِ النَّبِىِّ(صلی الله علیه و اله و سلم) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: عِبَادِى مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَيْكُمْ حَاجَهٌ فَسَأَلَكُمْ بِمَنْ تُحِبُّونَ أَجَبْتُمْ

1- . خلیفه غاصب اول ، خلیفه غاصب دوم ، خلیفه غاصب سوم ، معاویه ، دختر غاصب اولی ، دختر غاصب دومی ، هند و امُّ الحکم (لعنت الله علیهم اجمعین) .
2- 2. تفصیل وسائل الشّیعه 16/169 ، ح21259 .
3- 3. الکافی 3/324 ،ح13– وسائل الشّیعه 6/326 ، ح8099- بحارالأنوار 82/108 باب 26 ، ح16– بشاره المصطفی6 / 193 – ثواب الاعمال / 35.

دُعَاءَهُ أَلا فَاعْلَمُوا أَنَّ أَحَبَّ عِبَادِی إِلَیَّ وَ أَکْرَمَهُمْ لَدَیَّ مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ حَبِیبِی وَ وَلِیِّی فَمَنْ کَانَتْ لَهُ حَاجَهٌ إِلَیَّ فَلْیَتَوَسَّلْ إِلَیَّ بِهِمَا فَإِنِّی لا أَرُدُّ سُؤَالَ سَائِلٍ یَسْأَلُنِی بِهِمَا وَ بِالطَّیِّبِینَ مِنْ عِتْرَتِهِمَا فَمَنْ سَأَلَنِی بِهِمْ فَإِنِّی لا أَرُدُّ دُعَاءَهُ وَ کَیْفَ أَرُدُّ دُعَاءَ مَنْ سَأَلَنِی بِحَبِیبِی وَ صَفْوَتِی وَ وَلِیِّی وَ حُجَّتِی وَ رُوحِی وَ نُورِی وَ آیَتِی وَ بَابِی وَ رَحْمَتِی وَ وَجْهِی وَ نِعْمَتِی أَلا وَ إِنِّی خَلَقْتُهُمْ مِنْ نُورِ عَظَمَتِی وَ جَعَلْتُهُمْ أَهْلَ کَرَامَتِی وَ وَلایَتِی فَمَنْ سَأَلَنِی بِهِمْ عَارِفاً بِحَقِّهِمْ وَ مَقَامِهِمْ أَوجِبَتْ لَهُ مِنِّی الإِجَابَهُ وَ کَانَ ذَلِکَ حَقّاً (1).

قوله تعالی: «فَتَلَقَّی آدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِماتٍ فَتابَ عَلَیْهِ»(2) قال: آدم (علیه السلام)اللَّهمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ و الأئمّه(علیهم السلام) أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتی فَأَوْحَی اللّهُ إِلَیْهِ یَا آدَمُ لَوْ لَمْ تَدْعُنِی بِهذِهِ الأَسمَاءِ لَمَا قَبِلْتُ تَوْبَتَکَ وَ أَقْسَمْتَ أَنَّهُ لَمْ یَدْعُنِی مُذْنِبٌ بِهَا إلاّ قَبِلْتُ تَوْبَتَهُ.

و قال ابْنِ عَبَّاسٍ فِی حَدِیثِ قِصَّهِ یُوسُفَ یَقُولُ فِی آخِرِهِ هَبَطَ جِبْرَئِیلُ عَلَی یَعْقُوبَ فَقَالَ أَلا أُعَلِّمُکَ دُعَاءً یَرُدُّ اللَّهُ بِهِ بَصَرَکَ وَ یَرُدُّ عَلَیْکَ ابْنَیْکَ قَالَ: بَلَی. قَالَ: فَقُلْ مَا قَالَهُ أَبُوکَ آدَمُ فَتَابَ اللَّهُ عَلَیْهِ؟ وَ مَا قَالَهُ نُوحٌ فَاسْتَوَتْ سَفِینَتُهُ عَلَی الْجُودِیِّ وَ نَجَا مِنَ الْغَرَقِ؟ وَ مَا قَالَهُ أَبُوکَ إِبْرَاهِیمُ خَلِیلُ الرَّحْمَنِ حِینَ أُلْقِیَ فِی النَّارِ فَجَعَلَهَا اللَّهُ عَلَیْهِ بَرْداً وَ سَلاماً؟ قَالَ یَعْقُوبُ: وَ مَا ذَلِکَ یَا جَبْرَئِیلُ؟ فَقَالَ: قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ (علیهم السلام) أَنْ تَأْتِیَنِی بِیُوسُفَ وَ بِنْیَامِینَ جَمِیعاً وَ تَرُدَّ عَلَیَّ عَیْنِی فَقَالَهُ فَمَا اسْتَتَمَّ یَعْقُوبُ هَذَا الدُّعَاءَ حَتَّی جَاءَ الْبَشِیرُ فَأَلْقَی قَمِیصَ یُوسُفَ عَلَیْهِ فَارْتَدَّ بَصِیراً (3). قَالَ الْمُفَضَّلِ قَالَ الصَّادِقِ(علیه السلام): فِی قَوْلِهِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «وَ إِذِ ابْتَلی إِبْراهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ»(4) مَا هَذِهِ الْکَلِمَاتُ قَالَ هِیَ الْکَلِمَاتُ الَّتِی تَلَقَّاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتابَ عَلَیْهِ وَ هُوَ أَنَّهُ قَالَ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ إِلاَّ تُبْتَ عَلَیَّ فَتَابَ اللَّهُ عَلَیْهِ(5).

1- 1. الجوهر السنیه / 528 .
2- 2. بقره/37.
3- 3. امالی شیخ صدوق(رحمت الله) 7/251 ، ح 7 .
4- 4. بقره/124.
5- 5. ارشاد القلوب 2/421 - بحارالأنوار 24/177 ، ح8 .

قَالَ الصَّادِقِ(علیه السلام): إِنَّهُ يُكْرَهُ لِلْعَبْدِ أَنْ يُزَكِّىَ نَفْسَهُ وَ لَكِنِّى أَقُولُ إِنَّ آدَمَ لَمَّا أَصَابَ الْخَطِيئَهَ كَانَتْ تَوْبَتُهُ أَنْ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِى فَغَفَرَهَا لَهُ وَ إِنَّ نُوحاً لَمَّا رَكِبَ السَّفِينَهَ وَ خَافَ الْغَرَقَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِى مِنَ الْغَرَقِ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنْهُ وَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَمَّا أُلْقِىَ فِى النَّارِ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِى مِنْهَا فَجَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ بَرْداً وَ سَلاماً وَ إِنَّ مُوسَى لَمَّا أَلْقَى عَصَاهُ وَ أَوْجَسَ فِى نَفْسِهِ خِيفَهً قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا آمَنْتَنِى فَقَالَ لَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الأَعْلَى(1).

وَ قَالَ الرِّضَا(علیه السلام): قَالَ لَمَّا أَشْرَفَ نُوحٌ عَلَى الْغَرَقِ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنَا فَجَعَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ بَرْداً وَ سَلاماً وَ إِنَّ مُوسَى لَمَّا ضَرَبَ طَرِيقاً فِى الْبَحْرِ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنَا فَجُعِلَ يَبَساً وَ إِنَّ عِيسَى لَمَّا أَرَادَ الْيَهُودُ قَتْلَهُ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنَا فَنَجَا مِنَ الْقَتْلِ فَرَفَعَهُ إِلَيْهِ(2).

وصف قصرهای بهشتی

در تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) و کتاب تحفه الطّوسیّه و نور العیون نقل می کند از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)که فرمودند: چون شب معراج قصرهای بهشت را ملاحظه کردم دیدم که به خشت طلا و نقره ساخته اند و به جای گل مشک و عنبر کار کرده اند ولیکن بعضی کنگره های رفیع داشت و بعضی نداشت از جبرئیل سؤال کردم سبب آن ها را گفت: آن قصرهایی که کنگره ندارد قصرهای کسانی است که بعد از نماز صلوات بر تو و آل تو نفرستاده اند.

ص: 46

1- 1. الاحتجاج 1/47 - بحارالأنوار 26/319 ، ح 1 - امالی شیخ صدوق (رحمت الله) 4/218 ، ح4 .
2- 2. بحارالأنوار 26/325 ، ح7 .

و مرقوم است از کتاب ثواب الأعمال صدوق; که حضرت صادق(علیه السلام)به شخصی فرمودند: آیا تعلیم کنم به تو چیزی را که خداوند نگاه دارد به سبب او روی تو را از آتش جهنّم؟ عرض کرد: بلی. فرمودند : بگو بعد از فجر سه مرتبه «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» خدا روی تو را از آتش جهنّم نگاه می دارد (1).

و مرحوم آیت الله حاج شیخ محمّد تقی نجفی اصفهانی (طاب ثراه) در کتاب مفتاح السّعاده از حالات و زمان ریاضات خود مرقوم می فرماید که در نجف اشرف مشغول ریاضت بودم اسراری مشاهده کردم من جمله در شب چهارشنبه در مسجد سهله هنگام سحر شخصی از رجال الغیب را دیدم و سؤالات بسیاری از او نمودم و جواب آن ها را از فرمایش حضرت حجّت ارواحنا فداه می فرمود و آن چه می گفت من می نوشتم که فراموش نشود من جمله از سؤالات من یکی این بود.

سؤال: أَرْجُوا مِنْکَ أنْ تَمُنَّ عَلَیْنَا بِتَعلِیمِ ذِکْرٍ خَاصٍّ مُجَرَّب لِجَمیعِ الْحَوَائِجِ؟

جواب: لَا أَعْلَمُ ذِکْراً أقْرَبَ إلَی اللهِ سُبْحانَهُ مِنَ الْصَّلَواتِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فَعَلَیْکَ بِمُواظِبَتِهَا فِی کُلِّ یَوْمٍ مَائَهِ مَرَّهٍ وَ فِی یَومِ الجُمُعَهِ أَلْفَ مرَّهٍ فَإنَّکَ تُشَاهِدُ مِنْ خَواصِّها وَ تأثِیرَاِتهَا اُمُوراً عَظِیمَهً یَقْصُرُ الِلّسانِ عَنْ بَیَانِهَا.

سؤال نمودم به من منّت گذارید و ذکر مجرّبی به من برای برآورده شدن جمیع حاجات تعلیم نمایید .

در جواب به من فرمودند : نمیدانم ذکری را نزدیکتر به خدای سبحان از صلوات بر محمّد و آل محمّد . پس کسی که به آن عمل نماید و در هرروز یکصد مرتبه و در روز جمعه هزار مرتبه صلوات بفرستد بدرستیکه مشاهده می نماید از خاصیّت های آن ذکر شریف و تأثیر آن را در کارهای بزرگ که زبان در بیان آن ناتوان است .

1- 1. ثواب الأعمال / 155.

و در کتاب ذخیره المعاد مرحوم حاج سیّد اسماعیل یزدی; در جلسه 87 مرقوم است که از وهب بن منیه نقل می کند که حضرت موسی (علی نبیّنا و آله و(علیه السلام)) در کوه طور دید که تمام اشجار و گیاه و ریگ ها که در آنجاست ناطق می باشند به ذکر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) ، خطاب رسید ای پسر عمران متمسّک شو به ذکر ایشان به درستی که ایشان خزینه علم من و ظرف حکمت و معدن نور من هستند(1).

بدان که در جلد دوّم کتاب اثبات الهداه شیخ حرّ عاملی; و در اواخر آن مرقوم است این خبر و در اواسط باب نهم لئالی الأخبار در قصص او در قصّه دوّم این خبر را می نویسد .

«روی الصّدوق: عن مولانا الحسین (علیه السلام) کنت مع أبی علی بن أبی طالب(علیه السلام) عَلَی الصَّفَا فَإِذَا هُوَ بِدُرَّاجٍ یَدَرَّجُ عَلَی وَجْهِ الأَرْضِ عَلَی الصَّفَا فَوَقَفَ مَولایَ بِإِزَائِهِ فَقَالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکَ أَیّتهَا الدُّرَّاجُ فَقَالَ الدُّرَّاجُ: وَ عَلَیْکَ السَّلامُ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ یَا أَمِیرَالْمُؤْمِنِینَ فَقَالَ عَلِیٌّ(علیه السلام): أَیّتهَا

الدُّرَّاجُ مَا تَصْنَعُ فِی هَذَا الْمَکَانِ قَالَ: أَنا فِی هَذَا الْمَکَانِ مُنْذُ أربع مائه عَامٍ أُسَبِّحُ اللَّهَ تعالی وَ أُقَدِّسُهُ وَ أَحْمَدُهُ وَ أَعْبُدُهُ حَقَّ عِبَادَتِهِ فَقَالَ(علیه السلام): إِنَّ الصَّفاقِفر لا مَطْعَمَ وَ لا مَشْرَبَ فَمِنْ أَیْنَ مَطْعَمُک وَ مَشْرَبُک فقال: یا مولای و حقّ من بعث ابن عمّک نبیّا و جعلک وصیّا إِنِّی کُلَّمَا جُعْتُ دَعَوْتُ اللَّهَ عزّوجلّ لِشِیعَتِکَ وَ مُحِبِّیکَ فَأَشْبَعُ فَإِذَا عَطِشْتُ دَعَوْتُ عَلی مُبْغِضِیکَ فَأَرْوَی»(2).

در کتاب مدینه المعاجز خبر را مرقوم می دارد به همین طریق از حضرت سلمان علیه السلام که او روایت می کند از حضرت امیر (علیه السلام) و این عبارت را چنین می نویسد که درّاج عرض کرد: «یا عِلیّ إِذَا جُعْتُ فَأُصَلِّی عَلَیْکُمْ فَأَشْبَعُ وَ إِذَا عَطِشْتُ فَأَدْعو عَلَی ظَالِمِیکُمْ فَأَرْوَی قلت: یَا اَمیرَالمُؤمِنینَ هَذا شَیْ ءٌ عَجِیبٌ مَا أُعْطِیَ مَنْطِقَ الطَّیْرِ إلاَّ سُلَیمانُ بنُ دَاوُدَ قَال: یَا سَلمَانُ أَمَا عَلِمْتَ أَنِّی أَعْطَیْتُ سَلَیمانَ ذَلِکَ یَا

1- 1. بحارالأنوار 26/308 ، ح73 .

2- 2. الفضائل /163 – مدينه المعاجز 1/286 ، ح181- بحارالأنوار 41/235 ، ح6 .

سَلمَانُ أَتُرِيدُ أَنْ أُرِئِکَ شَیئاً أَعْجَبَ مِنْ هَذا ؟ قُلْتُ: بَلَی یَا اَمیرالمُؤمِنینَ وَ یَا خَلیفَهَ رَسُولَ رَبَّ العَالَمِینَ قَالَ: فَرَفَعَ رَأسَهُ إلَی الهَوَاءِ وَ قَالَ: یَا طاوُسُ اهْبِطْ فَهَبَطَ ثُمَّ قَالَ: یَا صَقْرُ اْهبِطْ فَهَبَطَ ثُمَّ قَالَ: یَا بَازُ اهْبِطْ فهَبَطَ ثُمَّ قَالَ یَا غُرَابُ اهْبِطْ فَهَبَطَ ثُمَّ قَالَ(علیه السلام): یَا سَلمَانُ اذْبَحْهُمْ وَ انْتِفْ رِیشَهُمْ و قطّعْهمْ إرْباً وَاخْلُطْ لُحُومَهُمْ فَفَعْلتُ کَما أَمَرَنِی مَولاَیَ وَ تَحَیَّرْتُ فِی أَمْرِهِ ثُمَّ الْتَفَتَ إلیَّ وَ قَالَ مَا تَقُولَ فَقُلتُ: یَا مَولایَ أطْیارٌ تَطِیرُ فِی الْهَوَاءِ لَمْ أعْرِفْ لَهُمْ ذَنْباً أَمَرْتَنی بِذِبْحِهَا قَالَ یَا سَلمَانُ أَتُرِیدُ أَنْ أُحْیِیهَا السَّاعَهَ قُلْتُ: نَعَمْ یَا اَمیرَالمُؤمِنینَ فَنَظَرَ إلَیهَا شُزُراً وَ قَالَ طِیری بِقُدْرَهِ اللهِ فَطَارَتِ الطُّیُورُ جَمیعَاً بِإذْنِ اللهِ تَعَالَی قَالَ سَلمَانُ: فَتَعَجَّبْتُ مِنْ ذَلکَ وَ قُلْتُ یَا مَولایَ هَذا أَمْرٌ عَظیمٌ قَالَ یَا سَلمَانُ لَا تَعْجَبْ مِنْ أمْرِ اللهِ فَإنَّهُ قَادِرٌ عَلَی مَا یَشاءُ فَعَّالٌ لِمَا یُرِیدُ یَا سَلمَانُ إیّاکَ أَنْ تَحُولَ بِوَهْمِکَ شَیئاً أَنَا عَبْدُاللهِ وَ خَلیفَتُهُ أمْرِی أَمْرُهُ وَ نَهْیِی نَهْیُهُ وَ قُدْرَتِی قُدْرَتُهُ وَ قُوَّتِی قُوَّتُهُ»(1).

«ترجمه» : جناب سلمان علیه السلام می فرمایند : در منطقه برهوتی در محضر امیرالمؤمنین (علیه السلام)بودم ، پرنده ای آمد محضر حضرت علی (علیه السلام) ، حضرت با او تکلم کرد . امام به آن پرنده فرمودند : چند سال است که در این منطقه هستی و آب و نان تو از کجا می رسد ؟ پرنده گفت یا امیرالمؤمنین قریب به چند سال است که در این منطقه هستم و وقتی گرسنه می شوم برتو درود و سلام می فرستم و شما را یاد می کنم ، پس گرسنگی ام برطرف می شود و هنگامی که تشنه می شوم دشمنان شما را لعنت می کنم ، پس سیراب می شوم .

سلمان می گوید : عرض کردم یا امیرالمؤمنین این مسئله ، مسئله عجیبی است قدرت تکلم با پرندگان مخصوص سلیمان بن داوود هست حضرت فرمودند آیا مگر نمیدانی که این قدرت را من به سلیمان بخشیدم و اگر من نبودم نه سلیمان ، نه داوود ، نه آدم ، هیچکدام نبودند .

1- 1. مدینه المعاجز 1/257 ، ح164- المناقب العلوی / 110 .

وَ فِی مَجلِسِ الخَامِسِ وَ الأربَعُون مِنَ الأمَالِیَ الصَّدوق بِإسنَادِهِ «عَنْ مَالِکٍ الْجُهَنِیِّ قَالَ: نَاوَلْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ(علیه السلام)شَیْئاً مِنَ الرَّیَاحِینِ فَأَخَذَهُ فَشَمَّهُ وَ وَضَعَهُ عَلَی عَیْنَیْهِ ثُمَّ قَالَ مَنْ تَنَاوَلَ رَیْحَانَهً فَشَمَّهَا وَ وَضَعَهَا عَلَی عَیْنَیْهِ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ تَقَعْ عَلَی الْأَرْضِ حَتَّی یُغْفَرَ لَه»(1).

مالک جهنی می گوید : گلی را به حضرت صادق(علیه السلام)تقدیم کردم ، بوئیدند و بر دیدگانشان نهادند آنگاه فرمودند هرگاه کسی گلی را بگیرد و آن را ببوید و بر چشمانش بنهد و بگوید « اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» پیش از آنکه آن گل بر زمین قرار گیرد گناهانش آمرزیده می شود .

وَ فِی الکَافِی فِی بَابِ الصَّلوهّ بِإسنادِهِ «عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم)لا تَجْعَلُونِی کَقَدَحِ الرَّاکِبِ فَإِنَّ الرَّاکِبَ یَمْلأُ قَدَحَهُ فَیَشْرَبُهُ إِذَا شَاءَ اجْعَلُونِی فِی أَوَّلِ الدُّعَاءِ وَ فِی آخِرِهِ وَ فِی وَسَطِهِ»(2).

نمازِ توسّل به حضرت محمّد بن عبدالله (علیه السلام)

در کتاب عروه الوثقی در کتاب صلوه مرقوم است از حضرت صادق(علیه السلام)روایت شده که فرمودند: هر گاه حاجتی داری متوسّل شو به رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) و دو رکعت نماز بخوان و هدیه کن بر آن حضرت. راوی گفت عرض کردم: چه کنم؟ فرمودند غسل می کنی و دو رکعت نماز می خوانی مثل نماز فریضه و بعد می گویی: «اللَّهُمَّ أنْتَ السَّلامُ وَ مِنْکَ السَّلامُ وَ إِلَیْکَ یَرْجِعُ السَّلامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنِّی السَّلامَ وَ أَرْوَاحَ الأَئِمَّهِ الصَّادِقِینَ سَلامِی وَ ارْدُدْ عَلَیَّ مِنْهُمُ السَّلامَ وَ السَّلامُ عَلَیْهِمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَیْنِ

1- 1. وسائل الشّیعه 2/171 ،ح1849 - بحارالأنوار 92/347 ، باب 126 ، ح2 - امالی شیخ صدوق (رحمت الله) 266 مجلس 45 ، ح7 - روضه الواعظین 2/327 – مکارم الأخلاق / 41 .

2- 2. الکافی 2/492 ، ح5 - بحارالأنوار 90/316 ، باب 17 - مکارم الأخلاق /274.

الرَّکْعَتَیْنِ هَدِیَّهٌ مِنِّی إِلَی رَسُولِ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم) فَأَثِبْنِی عَلَیْهِمَا مَا أَمَّلْتُ وَ رَجَوْتُ فِیکَ وَ فِی رَسُولِکَ یَا وَلِیَّ الْمُؤْمِنِین». پس سر به سجده گذار و چهل مرتبه بگو «یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا حَیُّ لا یَمُوتُ یَا حَیُّ لا إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ یَا ذَا الْجَلالِ وَ الإِکْرَامِ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ» پس طرف راست صورت بر زمین گذار و چهل مرتبه همین ذکر را بگو. پس طرف چپ صورت را بر زمین گذار و چهل مرتبه همین ذکر را بگو، پس سر بلند کن و دست های خود را بلند کن و چهل مرتبه این ذکر را بگو، پس دست خود را به گردن بینداز و انگشت سبّابه خود را بگیر و چهل مرتبه بگو، پس ریش خود را به دست چپ بگیر و گریه کن یا خود را به گریه بدار و بگو: «یَا مُحَمَّدُ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَشْکُو إِلَی اللَّهِ وَ إِلَیْکَ حَاجَتِی وَ إِلَی أَهْلِ بَیْتِکَ الرَّاشِدِینَ حَاجَتِی وَ بِکُمْ أَتَوَجَّهُ إِلَی اللَّهِ فِی حَاجَتِی» پس به سجده برو و در سجده آن قدر «یَا اللَّهُ» بگو که نفس قطع شود. آن وقت بگو: «صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِی کَذَا وَ کَذَا» و به جای کذَا و کذَا حاجت خود را ذکر کن. حضرت صادق(علیه السلام)فرمودند: من ضامنم بر خدای عزّوجلّ آن که از جای خود حرکت نکند مگر آن که حاجت او روا شود. و مرقوم است که مکرّر به تجربه رسیده است و ان شاءالله تعالی نمازهای حاجت که راجع به صلوات و ختوم صلوات و غیره است در اواخر کتاب ذکر خواهد شد.

« ب-إِسنادِهِ عَن عَلّیٍ عَلیهِ السَّلامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): (أَللّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفائِی ثَلاثاً قِیلَ : یَا رَسُولَ اللّهِ (صلی الله علیه و اله و سلم)! وَ مَنْ خُلَفائُکَ؟ قَالَ : اَلَّذِینَ یُبَلِّغُونَ حَدِیثِی وَ سُنَّتِی ثُمَّ یُعَلِّمُونَهَا أُمَّتِی(1))(2).

«اللّهُمَّ بِّحَقِّکَ وَ بِحَقِّ رَسُولِکَ اِجْعَلْنِی مِنْهُمْ وَ اعْتُقْنِی مِنْ عَذابِکَ»

1- 1. امالی شیخ صدوق (رحمت الله) / 180 مجلس 34.

2- . «ترجمه» : (امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)فرمودند: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) سه مرتبه فرمودند : خداوندا خلفای مرا رحمت کن ، پرسیدند خلفای شما چه کسانی هستند ؟ فرمودند : کسانی که حدیث مرا تبلیغ کنند و به امّت من تعلیم دهند .)

بدان که در جلد دوّم حیوه القلوب در باب 26 مرقوم است از شیخ طبرسی و قطب راوندی در خصوص شعب ابوطالب و کیفیّات آن که خلاصه اش این است که چون جامه ها و بدن های اصحاب پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) کثیف شد به آن حضرت شکایت کردند، حضرت فرمودند : صلوات بر محمّد و آل طیّبین او بفرستید و بدمید بر جامه ها و بدن های خود و دست بر آن ها بمالید که چرک آن ها برطرف و سفید و پاک خواهد شد و غم ها و کدورت ها از سینه های شما زائل خواهد شد. چون چنین نمودند جامه های ایشان نو و سفید شد و بدن هاشان از چرک و کثافت پاک شد و سینه های ایشان از اندوه و الم رهایی یافت و هر وقت گرسنه یا تشنه می شدند خداوند برای آن ها می رسانید، عرض کردند: یا رسول الله بسیار عجیب است که به صلواتی که بر تو و آل تو فرستادیم جامه ها و بدن های ما از کثافت پاک شد و مرض های ما برطرف شد.

حضرت فرمودند : صلوات بر محمّد و آل محمّد دل های شما را از کینه و غلّ و صفات ذمیمه و بدن های شما را از لوث گناهان ، پاک تر گردانید از جامه های شما و نامه های حسنات شما را نورانی گردانید بهتر از جامه های شما وقعه او طولانی است طالبان رجوع فرمایند.

بدان که در کتاب تحفه الطّوسیّه که از تألیفات عالم متّقی سیّد العلماء و المحدّثین آقای آسیّد محمّد باقر الشّریف الحسینی که نیز کتاب نور العیون از ایشان می باشد و مرحوم جنّت مکان حاجی نوری (طاب ثراه) در کتاب نجم الثّاقب شرح حالات آن مرحوم را بیان فرموده و حقیر در کتاب وقایع الظّهور اجمالی از آن را نوشته ام.

خلاصه در آن جا مرقوم است و در کتاب شرح صلوه هم دارد و تحفه الطّوسیّه هم از کتاب زهره الرّیاض نقل می فرماید که روزی جبرئیل آمد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) عرض کرد: یا رسول الله! امروز امر غریب و عجیبی مشاهده نمودم در وقت نزول از آسمان عبورم به کوه قاف افتاد. صدای ناله ای شنیدم رفتم دیدم

فرشته ای است که دیده بودم او را در آسمان خیلی مقام داشت و بر تختی از نور نشسته بود و هفتاد هزار ملک در خدمت او بودند و چون نفس می کشید ملائکه از نفس او خلق می شدند چنین مقامی داشت الحال دیدم در کوه قاف دلخسته و بال شکسته بر زمین افتاده جهت را از پرسیدم، گفت: من در شب معراج بر تخت خود نشسته بودم که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بر من گذر فرمودند و من بر تعظیم آن حضرت نکوشیدم بدین جهت بدین عقوبت گرفتار شدم و خداوند بر من غضب فرمودند. الحال جبرئیل مرا شفاعت کن که خداوند از گناه من بگذرد من به درگاه الهی تضرّع کردم و مسئلت نمودم خطاب رسید به او بگو که اگر مغفرت و عفو گناه خود را می خواهی بر حبیب من محمّد (صلی الله علیه و اله و سلم) صلوات بفرست تا به مقام خود برگردی به او گفتم که او هم بر جناب شما صلوات فرستاد، فی الفور بال های او برآمد و به مقام خود برگشت و از برکت صلوات به مقام خود رسید.

مرقوم است در تحفه الطّوسیّه از کتاب آثار الاحادیث و در زبده التصانیف هم هست که در آسمان دریایی است که آن را دریای برکات گویند و بر کنار آن دریا درختی است که آن را درخت تحیّات گویند و بر آن درخت آشیانه مرغی است که آن را مرغ صلوات نامند و او را بال های بسیار است چون بنده مؤمن در ماه شعبان بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)صلوات فرستد فرمان الهی به آن مرغ می رسد که در آن دریا فرو رود و غوطه خورد و بیرون آید و بال های خود را حرکت دهد از هر قطرهه آبی که از پرهای او می چکد فرشته ای خلق می فرماید و تمام آن ها مشغول می شوند به حمد و تسبیح و عبادت خدا و ثواب ایشان در نامه عمل صلوات فرستنده ثبت می شود.

ص: 53

نقل است از کتاب ریاض المذکورین که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که بر من صلوات دهد در کتابی، یعنی درود مرا در کتاب بنویسد که همیشه باشد، ملائکه برای او طلب آمرزش نمایند مادامی که نام من در آن کتاب باقی است؛

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

مرقوم است از کتاب اظهار الاحادیث از عیسی بن عباد دینوری نقل کرده که فضل کِندی را بعد از وفات در خواب دیدند از او پرسیدند که خدا با تو چه کرد؟ گفت: خداوند مرا بخشید به عملی که از این دو انگشت سبابه و ابهام من صادر شده بود که چون در نوشتجات به اسم مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)می رسیدم می نوشتم «صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ».

و همچنین از کتاب ریاض الاحادیث منقول است از انس بن مالک که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: چون دو نفر به هم برسند و به جهت خدا با هم مصافحه کنند و صلوات بفرستند هنوز از هم جدا نشده اند که خداوند گناهان گذشته و آینده آن ها را بیامرزد.

بوسه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) بر صورت صلوات فرستنده

مرقوم است از کتاب شفاء الاسقام از محمّد بن سعید که از جمله اخیار، بوده که فرمودند: من بر خود لازم کرده بودم که هر شب به عدد معیّنی صلوات بفرستم تا این که به خواب روم. شبی به بستر رفته و مشغول فرستادن صلوات شدم به همان عدد، چون تمام شد به خواب رفتم. در خواب پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را دیدم پس به من فرمودند: کجاست آن دهانی که بر من صلوات فرستاد و آن حضرت صورت مرا بوسید و از خواب بیدار شدم. دیدم که حجره من معطّر است و تا چند روز بوی عطر از آن حجره به مشام من می رسید.

ص: 54

مرقوم است که تاج الاسلام ثقفی در کتاب زهره الرّیاض نقل می کند که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در حجّه الوداع فرمودند: ای امّت من! خداوند گناهان شما را به برکت استغفار می آمرزد و ترازوی عمل شما به گفتن «لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ» سنگین می گردد و هر که بر من صلوات فرستد در قیامت شفیع او خواهم شد.

مرقوم است از امالی ظهیر الدّین و ثوالجی و غیره که چون خداوند حوّا را خلق فرمودند چشم آدم که بر حوّا افتاد طالب او شد. خطاب رسید آدم حوّا را از من خواستگاری کن و مهر او را معیّن کن.(1) عرض کرد: الهی مهر او چیست؟ خطاب رسید که سه مرتبه صلوات بر حبیب من محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) بفرست.

از کتاب مجمع اللّطائف مرقوم می دارد زنی آمد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) عرض کرد: یا رسول الله فرزندی دارم که از چشم و گوش و دست و پا عاجز است. حضرت فرمودند: برو و بر من صلوات بسیار بفرست تا به زودی خدا اولاد تو را شفا دهد. من مشغول صلوات شدم طولی نکشید که خداوند فرزند مرا شفا داد.

آمد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) عرض کرد : فرزند من شفا یافت. تمام اصحاب مسرور شدند. جبرئیل نازل شد و عرض کرد: یا رسول الله! خداوند تو را سلام می رساند و می فرماید همین قسمی که این طفل به برکت صلوات بر تو شفا یافت فردای قیامت هم به شفاعت تو امّت تو را نجات خواهم داد.

از کتاب مفاتیح الاقبال مرقوم است که زن مؤمنه ای حامله شد و تنها از مکّه به مدینه مهاجرت نمود و بدین جهت او را مهاجره نامیدند. ناگاه پسری زائید مانند قطعه گوشت که دست و پا نداشت. آن زن غمگین گردید به قابله گفت که به حکم خدا راضیم امّا با شماتت اعداء و کفّار مکّه که گویند فلانه از شهر ما برفت و دین اسلام اختیار نمود، بت های ما اعضای پسر او را گرفتند، چه کنم؟

1- 1. عنوان الکلام.

قابله گفت: برو خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) تا رفع همّ از تو بشود. مهاجره آمد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و صورت حال را عرض نمود. حضرت فرمودند : بگو «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ وَ بَارَکْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیم» مهاجره شروع کرد به خواندن، چون برگشت به خانه دید تمام اعضای فرزندش خوب شده است. آمد خدمت حضرت و به حضرت عرض کرد، حضرت فرمودند: «هَذَا مِنْ بَرَکَهِ الصَّلَوَات».

حافظ ابونُعَیم از جابر بن سَمُرَه و او از پدرش روایت نموده که ما در خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بودیم که فرمودند : کثرت صلوات بر من فقر را برطرف می کند.

و نیز از کتاب ریاض الأحادیث مرقوم می دارد که شخصی به بالین محتضری آمد و در سکرات موت بود پرسید که تلخی مرگ چگونه است جواب داد که هیچ تلخی از مرگ نمی یابم گفت چگونه می شود گفت تعجّب مکن که شنیدم که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرموده که هر که بر من صلوات فرستد تلخی جان کندن بر او آسان شود و من مدّتی است که مداومت به صلوات دارم.

صلوات فرستادن زنبور عسل

و از کتاب امالی و ثوالجی مذکور است و در تحفه الطّوسیّه و نورالعیون هم دارد که روزی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در سایه نخلی نشسته بودند و حضرت امیر (علیه السلام) هم خدمت آن حضرت بودند، ناگاه زنبور عسلی آمد و اطراف آن حضرت گردش کرد و صدایی می کرد، حضرت تبسّمی نمودند و فرمودند:

یا علی! می دانی که این زنبور چه می گوید! می خواهد ما را میهمان کند و می گوید که در فلان موضع قدری عسل مهیّا نموده ام بفرمائید بیاورند و عذرخواهی می نماید که در عهد حضرت سلیمان مور ضعیفی، سلیمان را میهمان کرد، من هم میل دارم شما را میهمان نمایم.

ص: 56

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) رفتند و آن عسل را آوردند. پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) از آن زنبور سؤال فرمودند: خوراک شما شکوفه تلخ است چگونه می شود در شکم شما عسل شیرین می گردد؟ زنبور جواب داد: یا رسول الله! از برکت شما، چون ما از گیاه و شکوفه ها خوردیم فی الحال ، الهام الهی می رسد که سه مرتبه بر شما صلوات می فرستیم که باعث می شود آن گیاه در شکم ما شیرین گردد.

مرقوم است از کتاب شفاء الاسقام از شیخ شبلی نقل کرده: یکی از همسایه های ما از دنیا رفت. او را در خواب دیدم، از او پرسیدم که خدا با تو چه کرد؟ گفت: رنج های بزرگ دیدم. مِن جمله وقت سؤال نکیرین زبان من گرفت و از جواب ماند، با خود گفتم من که مسلمان بودم چرا زبان من گرفته است!!!

ناگاه دیدم شخص نیکو رویی آمد و مرا تلقین نمود و جواب دادم.

پس گفتم تو کیستی که مرا از این غم نجات دادی؟ فرمودند: خدا مرا خلق فرموده از صلوات هایی که در دنیا می فرستادی، حال مأمورم به این که هر وقت و هر جایی که مشکلی داشتی به فریاد تو برسم.

مرقوم است از کتاب ریاض الأذهان که زنی دختری داشت از دنیا رفت. بعد از مُردن دختر خود در خواب دید که معذّب و گرفتار است. چون بیدار شد خیلی مهموم شد. بعد از چند شب دو مرتبه او را در خواب دید که معذّب نیست و او را در بهشت جای داده اند. پرسید: ای دختر! تو را چه حال بود؟

گفت: دفعه اوّل که مرا دیدی که عذاب می کردند به جهت معاصی و گناهان بود و حال دو روز است که شخص عزیزی از مزار ما عبور کرده و چند مرتبه صلوات فرستاد و ثواب آن را به اهل قبرستان هدیه نمود خداوند به برکت صلوات ما را عفو فرمودند و این مقام را به من داد.

«وَ فيهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ ذِكْرَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شِفَاءً لِلصُّدُورِ وَ جَعَلَ الصَّلَوَاتِ عَلَيْنَا مَاحِيَةً لِلْأَوْزَارِ وَ الذُّنُوبِ وَ مُطَهِّرَةً مِنَ الْعُيُوبِ وَ مُضَاعِفَةً لِلْحَسَنَاتِ»(1).

« ترجمه » : خداوند عزّوجل ذکر ما اهلبیت (علیهم السلام) را شفای سینه ها قرار داد و صلوات برما را سبب نابودی گناه و سبب پاکی از عیب ها و موجب زیادگشتن حسنات قرار داده است .

در کتاب شفاء الاسقام از ابوالفرج بغدادی نقل شده که خداوند به حضرت موسی وحی فرمودند: ای موسی! اگر خواهی که عطش قیامت را نبینی و آن روز تشنه نشوی صلوات بر حبیب من پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بفرست تا روز قیامت از تشنگی ایمن باشی.

از انس روایت شده که حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر مسلم و مسلمه ای که یکصد مرتبه بر من صلوات فرستد خداوند هزار مرتبه بر او صلوات فرستد و اگر هزار مرتبه صلوات فرستد، خدا او را از فضل خود ثواب ده هزار نماز ارزانی فرماید و او را در حظیره قدس از شراب سلسبیل سیراب کند . و مرقوم است که آن چشمه ای است که از زیر عرش بیرون می آید و بر جنّت عدن می گذرد و از آن جا به بهشت های دیگر می رود و شدید الجریان است هر کسی که صلوات بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بفرستد فردای قیامت از آن شراب سیراب خواهد شد و به نعمت «وَ سَقاهُمْ رَبُّهُمْ شَراباً طَهُوراً»(2) شادمان خواهد شد.

و نیز از ابن مسعود روایت می کند که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: ملائکه ای هستند که سلام امّت مرا به من می رسانند و هر که ده مرتبه بر من سلام فرستد خداوند ثواب آزاد کردن بنده ای به او عطا فرماید. أیضَاً

مرقوم است از کتاب ازهار الأحادیث از انس بن مالک که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند که هر که از امّت من بر من سلام کند جبرئیل(علیه السلام) در نزد من آید و گوید: ای محمّد! فلان بن فلان بر شما سلام داده است من گویم «وَ عَلَیهِ السَّلام وَ رَحمَه اللّهِ وَ بَرَکاتُه».

1- 1. مستدرک الوسائل 12/393 ، باب 23 ، ح 14385- بحارالأنوار 26/232 ، باب3 ، ح1– تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام)/ 584 ح 348 .

2- 2. انسان/21.

همچنین مرقوم است از کتاب تحفه الصّلوه ملاّ حسین کاشفی; در مذمّت ترک کننده صلوات در وقتی که اسم آن حضرت را به زبان جاری می شود .

و در کتاب شرح صلوات هم روایت می کند: هر که اسم مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را بشنود و صلوات نفرستد هشت عقوبت برای او است. (پنج عقوبت در دنیا و سه عقوبت در آخرت)

عقوبت دنیوی:

- بدبختی و شقاوت، چنان چه از انس بن مالک روایت شده از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) شنیدم که جبرئیل دعا کرد بدبخت باد کسی که اسم تو را بشنود و بر تو صلوات نفرستد و من گفتم: آمین که شرح او در کتب مرقوم است.

- تارک صلوات در نظر مردم خوار و بی مقدار شود، چنان چه ترمذی روایت نموده که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند خاک آلود باد دماغی که اسم مرا بشنود و بر من صلوات نفرستد و خاک آلودگی دماغ کنایه از بی اعتباری و خواری می باشد .

- رقم بخل (نشانه بخل) که بدترین صفاتست برای او نوشته شود چنان چه در صحیح ترمذی از حضرت امیر (علیه السلام)مذکور است پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند : بخیل آن کسی است که اسم مرا بشنود و بر من صلوات نفرستد.

- نام جفاکاری بر او صادق آید، چنان چه در خبر دارد پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند هر که اسم مرا بشنود و بر من صلوات نفرستد بر من جفا نموده است.

- چنان چه در کافی دارد مجلسی که منعقد شود و اهل آن مجلس بدون صلوات از آن مجلس بیرون روند هر آینه آن مجلس بدترین مجالس است. چنان چه از جابر روایت شده که اهل هر مجلسی که بر غیر صلوات بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) متفرّق شوند هر آینه آن مجلس اخبث مجالس است.

و سه عقوبت اخروی:

در ریاض المذکورین از ابوسعید خِدری روایت نموده که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند که هر که در مجلسی بنشیند و بر من صلوات نفرستد روز قیامت حسرت و ندامتی دارد اگر چه اهل بهشت هم بوده باشد.

دیگر آن که راه بهشت را گم کند چنان چه در کتاب کافی هم دارد که هر کس اسم آن حضرت را بشنود و صلوات نفرستد، راه بهشت را گم کند.

آن که از رحمت خدا دور ماند، چنان چه در صحیح ترمذی و بسیار از کتب دیگر دارد که روزی حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم)پای مبارک بر پلّه اوّل منبر گذارد. جبرئیل گفت: از رحمت خدا دور باد کسی که عاق والدین شود. گفتم: آمین. در پلّه دوّم گفت از رحمت خدا دور باد کسی که اسم تو را بشنود و صلوات نفرستد، گفتم آمین. در پلّه سوّم گفت: از رحمت خدا محروم باد کسی که ماه مبارک رمضان بگذرد و خدا او را نیامرزیده باشد. من گفتم: آمین.(1)

صلوات مخصوص جهت رؤیت پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در خواب

و مرقوم است است از کتاب ازهار که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند هر که روزی یکصد مرتبه بدین طریق صلوات فرستد او را شفاعت کنم در قیامت و مرا در خواب ببیند و هر که مرا در خواب ببیند جسد او بر آتش حرام شود و از بعضی از اهل ریاضت نقل شده که چون پنجشنبه یا جمعه این صلوات را هفتاد مرتبه بخواند آن حضرت را در خواب ببیند و به تجربه رسیده است و آن صلوات این است: «أَللّهُمَّ صَلِّ عَلی رُوحِ مُحَمَّدٍ فِی الأرْوَاحِ وَ صَلِّ عَلی جَسَدِ مُحَمَّدٍ فِی الأجْسَادِ وَ صَلِّ عَلی قَبْرِ مُحَمَّدٍ فِی الْقُبُورِ».

1- . بحارالأنوار ، 91/87 .

و نیز مرقوم است از ابوعلی موصلی که از جناب پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت می کند: چون کسی بخواهد مال او زیاد شود باید این قسم صلوات فرستد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِینَ وَ الْمُسْلِمَاتِ».

از کتاب مصابیح القلوب و در باب هشتم لئالی و در نور العیون هم آمده است که حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) در شب معراج ملکی را دید چندین هزار دست داشت و بر هر دستی چندین هزار انگشت بود و حسابی نگاه می داشت. آن حضرت از جبرئیل پرسید: این چه ملکی است؟ عرض کرد: این ملک حساب قطرات باران را نگاه می دارد. حضرت از آن ملک پرسیدند: عدد قطرات باران را می دانی؟ عرض کرد: بلی یا رسول الله! فرمودند : چگونه می دانی؟ عرض کرد: از آن روز که خداوند ابر آفریده و باران باریده من می دانم که چند است و چند قطره بر کوه ها و چند قطره بر صحرا و چند قطره در دریاها باریده و از چند قطره گیاه روئیده است و چند قطره در شوره زار و تمام قطرات آن ها را حساب داشته و می دانم. حضرت فرمودند : ای ملک الأمطار! هیچ حسابی هست که نتوانی از عهده او برآیی؟ عرض کرد: بلی، چون بنده مؤمن به اخلاص تمام بر حضرت شما صلوات بفرستد تا ده عدد او را می نویسم و می توانم حساب نگه دارم، امّا همین که عدد صلوات او به یازده رسید من از حساب حسنات او عاجز می شوم و جمیع محاسبان آسمان و زمین نمی توانند حساب او را بنمایند و به غیر از خداوند کسی به کُنْه (عمق) آن نرسد.

و جناب عمده العلماء و المحدّثین آقای حاج شیخ عبّاس قمّی; هم در کتاب منازل الآخره از شیخ ابوالفتوح رازی; این خبر را مرقوم فرموده اند به تفاوت این که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرموده آن ملک هزار دست داشت و هر دستی هزار انگشت داشت و آن ملک عرض کرد: یا رسول الله! چون یک مرتبه با اخلاص صلوات فرستادند من عاجزم از ثواب های آن که شماره کنم.

در کتاب زهره الرّیاض که از کتب عامّه است نقل شده و در باب هفتم لئالی هم می نویسد در وقعه معراج در نورالعیون هم دارد که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمود که خداوند ملکی خلق فرموده است ذوالجناحین یک بال او در مشرق و یکی در مغرب، پای او در زمین هفتم و سر او در زیر عرش است و خداوند به عدد خلائق از جنّ و انس و حیوانات برّی و بحری و به عدد انفاس همه آن ها و شمار قطرات باران و برگ درختان و ستاره های آسمان و ریگ بیابان ها به او بال و پر عنایت فرموده، چون یک نفر از امّت من بر من صلوات بفرستد آن ملک به امر حق تعالی فرو می رود در بحر النّور که دریایی است در زیر عرش و در آن دریا غوطه می خورَد و بیرون می آید و خود را حرکت می دهد و از هر پر او قطره آبی می چکد که خداوند از هر کدام از آن قطره ها ملکی خلق می فرماید و مجموع آن ملائکه را امر می فرماید تا از برای آن صلوات فرستند و طلب آمرزش نمایند تا قیامت و آمرزش ایشان درود بر وی است .

و مرقوم است از ابوعیسی ترمذی در کتاب خود که از اُبَیِّ بنِ کعب نقل می کند که گفتم: یا رسول الله! چه مقدار از عمر خود را معیّن نمایم برای صلوات فرستادن بر شما؟ فرمودند : هر قدر که خواهی، عرض کرد: رُبع آن را؟ فرمودند: آن چه خواهی. عرض کرد: ثُلث آن را؟ فرمودند : آن چه میل داری و اگر زیاده کنی بهتر است. عرض کردم: نصف آن را؟ همان جواب را فرمودند. عرض کردم: یا رسول الله! تمام اوقات دعوات خود را اگر صرف صلوات فرستادن نمایم چه گونه است؟ فرمودند : اگر چنین کردی تمام امورات دنیا و آخرت تو اصلاح خواهد شد و آمرزیده خواهی شد.

و در کتاب لئالی و شرح صلوات از کتب معتبره از سفیان ثوری منقول است که گفت: وقتی به حجّ می رفتم چون به مدینه طیّبه رسیدم در حرم مطهّر، جوانی را دیدم که طواف می کرد و مشغول صلوات بود و به غیر از صلوات ذکر دیگری

نداشت، ممکن نشد با او صحبتی بدارم تا به مکّه معظّمه مشرّف شدم، روزی هنگام طواف، همان جوان را دیدم باز مشغول صلوات بود باز ممکن نشد با او صحبتی بدارم تا روز عرفه، باز او را دیدم که مشغول ذکر صلوات بود پیش رفتم و گفتم: شما را در مدینه و مکّه ملاقات نمودم و تمام مشغول ذکر صلوات بودید و در این جا هم می بینم که مشغول این ذکر هستید و حال این که امروز در این جا روز تضرّع و دعا و توبه است و حاجیان مشغول دعا و اعمال دیگرند و شما تمام را ترک نموده اید و مشغول ذکر صلوات می باشید سبب او چیست؟ آن جوان پرسید: تو کیستی؟ گفتم: من سفیان ثوری هستم، گفت: چون تو افضل اهل زمان خود هستی به تو می گویم بدان که من سال گذشته با پدرم مکّه آمدیم در بین راه پدرم از دنیا رفت، دیدم صورت او تمام سیاه شد، من در فکر فرو رفتم که اگر مردم ببینند و از من جهت سیاه شدن صورت او را سؤال نمایند چه جواب بگویم، شروع کردم گریه کردن و به خواب رفتم .

در عالم خواب دیدم که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) تشریف آوردند و دست مبارک بر صورت پدر من کشیدند، صورت او سفید شد مثل نقره خام، من از سبب او از حضرت پرسیدم، فرمودند : چون پدر تو معصیت زیاد نموده بود وقت مرگ صورت او سیاه شد امّا به دلیل اینکه دائماً بر من درود و صلوات می فرستاد و به من استغاثه می نمود من به فریاد او رسیدم و من فریادرس کسانی هستم که بر من صلوات می فرستند. می گوید: چون از خواب بیدار شدم دیدم صورت پدرم سفید شده است از آن زمان تمام دعا و اذکار خود را مبدّل نموده ام به صلوات فرستادن و صلوات بر آن حضرت را مدام بر لب دارم .

و مرقوم است از کتاب امالی شیخ علاء الدّین خوارزمی و در کتاب شرح صلوات هم دارد، روزی شبلی در بادیه ای می رفت یکی از مریدان که همراه شیخ بود از دنیا رفت و تمام بدن او سیاه شد و طولی نکشید دیدم دو مرتبه بدن او سفید

شد. شبلی از آن حال متعجّب گردیده و به خواب رفت ، مردی را دید که حلّه ای از حُلل بهشت پوشیده و تاجی بر سر دارد و خاتم نورانی در انگشت او است و می درخشد و نگین او از لعل است و بر این نگین نوشته «هَذَا جَزَاءُ مَنْ صَلَّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِه» شبلی چون این حال را دید از او پرسید سبب سیاهی و سفید شدن بدن خود را به من بگو؟

جواب داد: آن سیاهی بدن من، به واسطه معصیت بود چون بدن من سیاه شد دیدم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)نزد من آمدند و قدحی از آب در دست داشتند و آن آب را بر بدن من ریختند، بدن من سفید شد آن وقت خاتم سعادت و خلعت کرامت به من مرحمت فرمودند.

عرض کردم: یا رسول الله! به چه عملی من مستحقّ این مرحمت شما شدم؟ فرمودند : تو در دنیا بسیار بر من صلوات می فرستادی بدین جهت من در این جا یاد تو نمودم و تو را نجات دادم. شبلی از خواب بیدار شد و گفت: بر من روشن شد که صلوات بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) گناه را پاک می کند و تاریکیِ گناه را بدل به روشنایی می کند.

در تحفه الطّوسیّه مرقوم است از کتاب شفاء الاسقام از محمّد بن الجرابی و در نورالعیون هم دارد که مرد زاهدی بود او را فضل ورّاق می گفتند حکایت نمود که حدیث می نوشتم و چون به اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می رسیدم صلوات را ترک می کردم، شبی آن حضرت را در خواب دیدم که از روی غضب به من فرمودند چرا هنگام کتابت نوشتن به اسم من که می رسی ترک نوشتن صلوات را می نمایی من بیدار شدم و دیگر وقت کتابت نوشتن صلوات را ترک نکردم.

بعد از مدّتی باز حضرت را در خواب دیدم نظر مرحمت به من نموده و فرمودند: ای فضل! صلواتی بر من نرسانده ای؟ هر گاه که مرا یاد کنی یا نزد تو مذکور شوم یا نام مرا کتابتی کنی بگو و بنویس: «صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم».

همچنین در کتاب شفاء الاسقام مرقوم است از ابوعبدالله بن محمّد بن الحسن الصّفار که چون ابوالعبّاس احمد بن منصور از دنیا رفت او را در واقعه دیدم که در محراب مسجد جامع شیراز نشسته بود، حلّه در بر و تاج مُرَصَّع (آراسته) به جواهر بر سر، پیش رفتم و سؤال کردم خدای با تو چه کرد؟ فرمودند مرا آمرزید، پرسیدم: به چه عمل؟ گفت: به جهت صلوات فرستادن بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم). گفتم: دیگران هم صلوات می فرستند چرا به این مرتبه نرسیده اند؟ جواب داد که من از همه زیادتر صلوات می فرستادم و کثرت صلوات انسان را به مقامات عالیه می رساند.

در کافی مرقوم است که صلوات دفع نفاق می کند و مرقوم است بلند کنید صدای خود را به صلوات که زنگ نفاق را از قلوب برمی دارد(1).

کاتب و غضب پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در خواب

در خبر دارد که طاووس یمانی از ابن عبّاس نقل نموده او بدین قسم صلوات می فرستاد: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ الْكُبْرَی وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ الْعُلْيَا وَ آتِهِ سُؤْلَهُ فِی الآخِرَهِ وَ الأُولَی كَمَا اتَيْتَ اِبْراهیمَ وَ مُوسَی(2)».

و از حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت شده: هر که بدین قسم صلوات بفرستد من او را شفاعت نمایم و والدین و اقرباء او را هم شفاعت کنم.

دیگر از شمس الدّین کِشّی مرقوم است در ولایت او وَبا آمد. پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را در خواب دید و خدمت آن حضرت عرض کرد: دعایی به من تعلیم فرما که از برکت او، از طاعون ایمن شوم، حضرت فرمودند: هر که بدین قسم بر من صلوات فرستد از بلیّه طاعون ایمن شود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعَدَدِ كُلِّ دَاءٍ وَ دَوَاءٍ».

1- 1. الکافی 2/492 ، ح8 و 2/ ، 493 ، ح13 .
2- . دلائل الخیرات .

در کتاب ذخیره المذکورین مرقوم است یکی از صلحا به صحرا رفت و گل ها و اشجار را مشاهده نمود گفت: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعَدَدِ وَرَقِ الأشْجَارِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعَدَدِ الْوَرْدِ وَ الأنْوَارِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعَدَدِ قَطَرِ الأمْطَارِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعَدَدِ رَمْلِ الثغار وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعَدَدِ دَوَابِّ الْبَرارِی وَ الْبِحَارِ» هاتفی آواز داد: ای صلوات فرستنده! در رنج انداختی کرام الکاتبین را به جهت نوشتن ثواب این کلمات و مستوجب درجات عالی شدی و اعمالت را از اول انجام بده که تمام گناهان تو را آمرزیدند.

حکایت ابوجهل (لعین) و معجزهی پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم)

در کتاب تحفه الطّوسیّه که شرح او قبلاً مرقوم شد آمده است که روزی ابوجهل لعین آمد بر در مسجد نشست. چون پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) از مسجد بیرون آمدند، دست خود را در آستین پنهان کرد و گفت: یا محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) چیست در مشت من؟ اگر فرمودی با قوم خود، به شما ایمان می آورم. فرمودند: در دست تو حقّه ای است که در میان کرباس پیچیده و در آن حقّه سه دانه دُرّ است در میان پنبه که یکی از آن ها سفته و دیگری ناسفته و سوّمی نیم سفته است و در آن حقّه دانه لَعلی است و در میان آن لعل کِرم سرخی است و برگ سبزی در دهان دارد.

ابوجهل لعین گفت: تمام درست، امّا کِرم و برگ سبز از کجا معلوم شود؟ حضرت فرمودند: لعل را بشکنم. یکی از اغنیاء اصحاب گفت: لعل خود را قیمت کن و بشکن اگر فرمایش پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)صدق نیست من قیمت لعل تو را می دهم . قبول کرد. چون لعل را شکست کِرم کوچک که برگ سبزی در دهان داشت، نمایان شد. حضرت آن کرم را در کف دست گذارده و فرمودند: چند مدّت است تو در میان این لعل هستی؟ کرم به سخن درآمد و بر آن حضرت سلام کرده و عرض کرد: نمی دانم زمان هایی است که من در میان این لعل می باشم و هر روز خداوند

سه برگ سبز روزی برای من می رساند. حضرت فرمودند : ذکر و تسبیح تو چیست که به برکت آن ذکر روزی به تو می رسد؟ عرض کرد: خداوند مرا امر فرموده که هر روز ده مرتبه صلوات بر خاتم انبیاء محمّد مصطفی(صلی الله علیه و اله و سلم) بفرستم. اصحاب شروع کردند به تکبیر گفتن. ابوجهل ملعون باز بر کُفر و عِناد خود باقی ماند و حمل به سحر کرد.

افضلیّت صلوات از سایر اذکار

و در کتاب عنوان الکلام عمده العلماء العاملین مرحوم آخوند ملا محمّد باقر فشارکی; مرقوم فرموده که می توان گفت ثواب صلوات از تمام اذکار افضل است و دیده نشده است عملی در مستحبّات بلکه واجبات که فضل و ثواب او به قدر صلوات باشد. و بعضی گفته اند که ثواب لعن زیاده است به جهت آن که لعن را فائده زیادتر است. زیرا که فائده صلوات فقط عاید صلوات فرستنده می شود و از برای پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)و آل آن حضرت (علیهم السلام)، مرتبه زیاد نمی کند زیرا که مرتبه ایشان فوق مراتب است که بالاتر از آن متصوّر نیست که اوّل کتاب شرح داده شد، ولیکن لعن هم ثواب از برای لعن کننده دارد و هم باعث زیاد شدن عذاب آن ملعون ها می شود ولیکن مرقوم فرموده که در نزد حقیر هر دو مساوی هستند و هر دو جزو ایمانند.

وَ فِی بَابِ السَّابِعِ مِنَ اللَّئالِی فِی فَضْلِ الصَّلَوَاتِ رَوَی الْفَاضِلُ البَسْطَامِی فِی کِتابِ ذَخیِرَهِ العِبادِ عَنْ بَعْضِ الْکُتُبِ أَنَّ فِی أَخبَارِ المِعْرَاجِیَّهِ اَنَّ مَلَکاً فِی السَّمَاءِ الرَّابِعَهِ قَالَ لِلنَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم): صَلَّیْتُ رَکْعَتَیْنِ فِی عِشْرینَ اَلْفَ سَنَهٍ کُنْتُ خَمْسُ اَلْفَ سَنَهٍ فِی الْقِیَامِ وَ خَمْسُ اَلْفَ سَنَهٍ فِی الرُّکُوعِ وَ خَمْسُ اَلْفَ سَنَهٍ فِی السُّجُودِ وَ خَمْسُ اَلْفَ سَنَهٍ فِی التَّشَهُّدِ وَهَبْتُ ثَوَابَهُ لِأُمَّتِکَ قَالَ(صلی الله علیه و اله و سلم): تَزْعَمُ اَنَّ اُمَّتِی مُحْتَاجُونَ اِلیَ ذَلِکَ الثَّوَابِ بِعِزَّهِ رَبِّی اِنَّ لِکُلِّ وَاحِدٍ مِنْ عُصَاهِ أُمَّتِی إِذَا صَلَّی عَلَیَّ مَرَّهً مِنَ الثَّوَابِ اَکْثَرُ مِنْ عِبَادَتِکَ هَذَا.

وَ فِیهِ رُوِیَ مِنْ خُلاصَهِ الْأَخبَارِ إِنَّ لِلّهِ تَعَالَی خَلْقٌ فِی الْفِرْدَوسِ الْأَعْلَی طَائِرٌ إِسْمُهُ طَائِرُ الصَّلَوَاتِ وَ فِیهِ شَجَرٌ یُقَالُ لَهُ: شَجَرُ التَّحِیَّاتِ ثَبَتَ أَغْصَانُهُ فِی کُلِّ دَارٍ وَ قَصْرٍ وَ فِی الْجَنَّهِ حَوْضٌ وَ إِذَا صَلَّی اَحَدٌ عَلَی مُحمَّدٍ وَ آلِهِ یَنْزِلُ الطَّائِرُ مِنَ الشَّجَرَهِ وَ یَغُوطُ فِی الْحَوْضِ وَ یَخْرُجُ وَ یُحَرِّکُ أَرْیَاشَهُ وَ یَخْلُقُ اللّهُ مِنْ کُلِّ قَطْرَهِ مَاءٍ یَقْطُرُ مِنْهُ مَلِکاً لَهُ جَناحَانِ جَنَاحٌ فِی الْمَشْرِقِ وَ جَناحٌ فِی الْمَغْرِبِ وَ رِجْلِهِ قَعَرَ الْأَرضِ وَ رَأسَهُ تَحْتَ الْعَرشِ فَیَقُولُ اللّهُ لِلْمَلِکِ صَلِّ عَلَی عَبْدِی کَمَا صَلَّی عَلَی رَسُولِی فَیُصَلِّی الْمَلِکُ عَلَیْهِ إِلَی یَوْمِ القِیَامَهِ (1).

وَ فِیهِ أَیضَاً مِنْ زُبْدَهِ التَّصَانِیفِ رَوَیَ أَنَّ اللهَ خَلَقَ فِی الفِرْدَوسِ الْاعَلی طَیْراً إِسْمُهُ صَلَواتٌ وَ هُوَ عَلَی غُصْنِ شَجَرٍ تَحْتَهُ حَوْضٌ فَکُلَّمَا صَلَّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ یَنْزِلُ وَ یَدْخُلُ الْحَوْضَ وَ یَغُوطُ ثُمَّ یَخْرُجُ وَ یَتَحَرَّکُ أَرْیَاشَهُ وَ یُخْلَقُ مِنْ کُلِّ قَطْرَهٍ مِنْهَا مَلَکاً یُصَلِّی عَلَی الْمُصَلِّی وَ یَسْتَغفِرُ لَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ. قَالَ أَبُوعَبْدِاللهِ(علیه السلام) إِذَا سَمَعَ الْخَلاَیِقُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ فَمَا مِنْ عَبْدٍ یُصَلِّی عَلَی النَّبِیِّ اَوْ سَلَّمَ عَلَیهِ إِلاَّ بَلَّغَهُ ذَلِکَ وَ سَمِعَهُ . وَ قَدْ رُوِیَ أَنَّ اللهَ قَدْ خَلَقَ مَلائِکَهَ سَیّاحِینَ فِی الأرضِ وَ لَیْسَ لَهُمْ غَرَضٌ إِلاَّ تَبْلِیغِ النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم) صَلَوهِ مَنْ صَلَّی عَلَیْهِ فِی أَطْرَافِ الأرضِ یَقُولُونَ لَهُ : یَا رَسُولَ اللهِ فُلاَنٌ قَدْ بَلَّغَکَ اَلسَّلامَ وَ الصَّلَوهَ فَیَقوُلُ النَّبِیُّ(صلی الله علیه و اله و سلم): فُلانٌ الصَّلَوهُ وَ السَّلامُ وَ کَذَلِکَ یُبَلِّغُونَهُ زِیَاراتَ الزَّائِرینَ وَ سَلاَمَ المُسَّلِمِینَ.

وَ فِیْهِ نَقْلٌ مِنْ خُلاصَهِ الْأَخْبَارِ فِی بَابِ أَحَدٍ وَ ثَلاثِینَ مِنْه قِصَّهٌ غَرِیبَهٌ نَاقِلاً إِیَّاهَا عَنْ السَّیدِ الجَلیلِ السَّنَدِ نِعمَهَ اللهِ الجَزائِریّ; فِی إِمْرَاهٍ فَاحِشَهٍ زَنَتْ بِإِبْنِهَا فَرَاهَاَ إِبْنُهَا بَعْدَ مَوْتِهَا فِی هَیْئَهٍ حَسَنَهٍ وَ مَقَامٍ رَفِیعٍ فَسَئَلَهَا عَنْ سَبَبِهِ فَقَالَت أُعْطِیتُ هَذهِ الْمَرتَبهِ مِن بَرَکَهِ الصَّلَوَات عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اللَّعنِ عَلَی أعدَائِهِم وَ قَد کُنتُ أَقْرَءُ فِی کُلِّ لَیْلَهِ الخَمِیسِ وَ الجُمُعَهِ بَعْدَ الصَّلَوهِ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَأَفْضَلِ مَا صَلَّیْتَ وَ بَارَکْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ وَ لَعْنَهُ اللّهِ عَلَی أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الأَوَّلِینَ وَ الآخِرِینَ أَلْفَ مَرَّهٍ».

ص: 68

1- 1. در همین کتاب این روایت از کتاب زهره الرّیاض نقل شده است.

و فی المکارم قال ابُوعَبْدِاللَّه(علیه السلام): قَالَ إِذَا أَنْسَاکَ الشَّیْطَانُ شَیْئاً فَضَعْ یَدَکَ عَلَی جَبْهَتِکَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یَا مُذَکِّرَ الْخَیْرِ وَ فَاعِلَهُ وَ الآمِرَ بِهِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تُذَکِّرَنِی مَا أَنْسَانِیهِ الشَّیْطَانُ (1).

أَیضَاً فیه و فی الکافی قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): مَنْ ذُکِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ فَدَخَلَ النَّارَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ مِنْ رَحْمَتِهِ(2).

أَیضَاً

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): فی حدیثٍ مَنْ ذُکِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ یَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ وَ أَبْعَدَهُ اللَّهُ (3).

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): الْبَخِیلُ کُلُّ الْبَخِیلِ الَّذِی إِذَا ذُکِرْتُ بَیْنَ یَدَیْهِ لَمْ یُصَلِّ.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): الْبَخِیلُ کُلُّ الْبَخِیلِ الَّذِی إِذَا ذُکِرْتُ عِنْدَهُ لَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ (4).

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): أَجْفَی النَّاسِ رَجُلٌ ذُکِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ (5).

عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ(علیه السلام) عَنْ آبَائِهِ: قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): مَنْ أَرَادَ التَّوَسُّلَ إِلَیَّ وَ أَنْ تَکُونَ لَهُ عِنْدِی یَدٌ أَشْفَعُ لَهُ بِهَا یَوْمَ الْقِیَامَهِ فَلْیُصَلِّ عَلَی أَهْلِ بَیْتِی وَ یُدْخِلُ السُّرُورَ عَلَیْهِمْ(6).

وَ فِی الْکَافِی إِنَّ الْدُّعَاءَ)مطلقاً(مَحْجُوبٌ لَنْ یُسْتَجَابَ حَتَّی یُصلَّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَهلِ بَیْتِهِ (7).

وَ فِیهِ إِنَّ الْدُّعَاءَ إِذا صُدِّرَتْ بِالصَّلَوهِ عَلَیْهِمْ وَ خُتِمَتْ بِهَا لَنْ یُرَدَّ أَبَداً.

وَ فِیهِ إِنَّ الدَّاعِی إِذا تَوَسَّلَ فِی دُعائِهِ بِمُحمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَقْسَمَ اللهَ بِحَقِّهِمْ یُسْتَجَابَ دُعَائُهُ لاَ مَحَالَهَ (8).

1- 1. مکارم الأخلاق / 357 - بحارالأنوار 92/339 ، ح1 .

2- 2. امالی شیخ صدوق (رحمت الله) 19/580 ، ح19 .
3- 3. بحارالأنوار 71/74 ،ح63 .
4- 4. الإرشاد 2/169- بحارالأنوار 91/61 ، ح47 .
5- 5. بحارالأنوار 91/71 ، ح64 با کمی تفاوت.
6- 6. وسائل الشّیعه 7/203 ، ح9115- امالی شیخ صدوق(رحمت الله) 5/379 مجلس 60 ،ح5- بحارالأنوار 26/277 ،ح1.
7- 7. بحارالأنوار 27/260 ، ح15– الکافی 2/491 ، ح1 .
8- 8. بحارالأنوار 90/311 ، ح11 – الکافی 2/493 ، ح10 .

و فیه قَالَ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ(علیه السلام): کُلُّ دُعَاءٍ مَحْجُوبٌ عَنِ السَّمَاءِ حَتَّی یُصَلَّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

وَ فیهِ قَالَ أَبُوعَبْدِاللَّهِ(علیه السلام): مَنْ کَانَتْ لَهُ إِلَی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَاجَهٌ فَلْیَبْدَأْ بِالصَّلاهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ثُمَّ یَسْأَلُ حَاجَتَهُ ثُمَّ یَخْتِمُ بِالصَّلاهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَکْرَمُ مِنْ أَنْ یَقْبَلَ الطَّرَفَیْنِ وَ یَدَعَ الْوَسَطَ(1).

و فی خبر آخر قَالَ(علیه السلام): إِذَا دَعَا أَحَدُکُمْ فَلْیَبْدَأْ بِالصَّلاهِ عَلَی النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم) فَإِنَّ الصَّلاهَ عَلَیهِ مَقْبُولَهٌ وَ لَمْ یَکُنِ اللَّهُ لِیَقْبَلَ بَعْضَ الدُّعَاءِ وَ یَرُدَّ بَعْضاً (2).

قَالَ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ(علیه السلام): قَالَ إِذَا کَانَتْ لَکَ إِلَی اللَّهِ حَاجَهٌ فَابْدَأْ قَبْلَ مَسْأَلَتِک بِالصَّلوهِ عَلَی النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم) ثُمَّ سئلْ فَإِنَّ اللَّهَ أَکْرَمُ مِنْ أَنْ یُسْأَلَ حَاجَتَیْنِ فَیَقْضِیَ إِحْدَاهُمَا وَ یَمْنَعَ الْأُخْرَی(3).

بدان که در جلد اوّل کتاب حیوه القلوب و شرح صلوه و لئالی دارد که :خواص الصّلوه علیهم فامور منها ما فی تفسیر قوله تعالی «وَ إِذْ نَجَّیْناکُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَسُومُونَکُمْ سُوءَ الْعَذابِ»(4) مِنْ أَنَّهُ کَانَ مِنْ شِدَّهِ عَذَابَهُمْ أَنَّ فِرعَونَ کَانَ یُکَلِّفَهُمْ عَلَی البِنَاءِ وَ الْطِّینِ وَ یَخَافُ أَنْ یَهْرَبُوا عَنِ الْعَمَلِ فَأَمَرَ بِتَقْیِیدِهِمْ وَ کَانُوا یَنْقُلُونَ ذَلِکَ الْطِّینَ عَلَی السَّلَالِیم إِلَی السُّطُوحِ فَرُبَّمَا سَقَطَ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ فَمَاتَ اَوْ زَمِنَ وَ لَا یَحفِلُونَ بِهِمْ إِلَی أَنْ اَوْحَی اَللهُ إِلَی مُوسَی(علیه السلام)قُلْ لَهُمْ لَا یَبْتَدِؤُنَ عَمَلاً إِلاّ بِالْصَّلَوهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْطَّیِبِینَ فَیُخَفَّفُ عَلَیْهِم.

وَ مِنهَا فِی تَفسِیرِ قَولِهِ تَعَالَی یُذَبِّحُونَ أَبْنَائَهُمْ مِن الْذِّبْحِ وَ یَنشَئُونَ فِی مَحَلٍ غَامِضٍ بِصَلَوتِهِمْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْطِّیِبِینَ وَ کَذَلِکَ نِسَائُهُمْ سَلِمْنَ مِنَ الاِفْتِرَاشِ بِصَلَوتِهِنَّ عَلَیهِ وَ آلِهِ که کاملاً شرح داده خواهد شد.

1- 1. بحارالأنوار 90/316 – الکافی 2/494 ، ح15 .
2- 2. امالی شیخ طوسی(رحمت الله)/ 172 ، ح290 - وسائل الشّیعه 7/96 ، ح8836 .
3- 3. بحارالأنوار 90/313 ، ح18 .
4- 4. بقره/49.

وَ فِی جَامِعِ الأَخبَارِ « قَالَ الصَّادِقُ(علیه السلام) الصَّدَقَهُ لَیْلَهَ الجُمُعَهِ وَ یَوْمِ الجُمُعَهِ بأَلْفِ حَسَنَهٍ وَ یُحَطُّ بِهَا أَلْفُ سَیِّئَهِ وَ یُرْفَعُ بِهَا أَلْفُ دَرَجَهٍ وَ إِنَّ الصَّلاهَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ: لَیْلَهَ الجُمُعَهِ یَزْهَرُ نُورُهُ فِی الْسَّمَاواتِ إِلَی یَوْمِ القِیَامَهِ وَ مَلائِکَهُ اللهِ فِی الْسَّمَاواتِ یَسْتَغْفِروُنَ لَهُ وَ یَسْتَغْفِرُ لَهُ الْمَلَکُ الْمُوَکَلُ بِقَبْرِ رَسُولِ اللهِ(صلی الله علیه و اله و سلم) إِلَی أَنْ تَقُومَ الْسَّاعَهُ»(1).

وَ فِیهِ أَیضَاً « قَالَ النَّبیُّ (صلی الله علیه و اله و سلم)مَنْ قَالَ صَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ: أَعْطَاهُ اللهُ أَجْرَ اثْنَیْنِ وَ سَبْعِینَ شَهِیداً وَ خَرَجَ مِن ذُنُوبِهِ کَیَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُهُ»(2).

أَیضَاً « رُوِیَ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِک عَنِ النَّبیِّ (صلی الله علیه و اله و سلم)مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ أمَّتِی یَذْکُرُنِی ثُمَّ صَلَّی عَلَیَّ إِلاّ غَفَرَ اللهُ لَهُ ذُنُوبَهُ و إِنْ کَانَ أَکثَرُ مِنْ رَمْلِ عَالِجٍ»(3).

وَ فیهِ أَیضَاً «مَا مِنْ أَحَدٍ صَلَّی عَلَیَّ مَرَّهً وَ أَسْمَعَ حَافِظَیْهِ إِلاَّ أَنْ لا یَکْتُبَا ذَنْباً لَهُ ثَلاثَهَ أَیَّامٍ»(4).

وَ عَنْ أنَسٍ عَنِ النَّبیِّ (صلی الله علیه و اله و سلم)مِنْ صَلَّی عَلَیَّ مَرَّهً لَمْ یَمُتْ حَتَّی یُبِشِّرُ لَهُ بِالْجَنَّهِ.

أَیضَاً فیه و فی الکافی «عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام) قَالَ مَنْ قَالَ فِی یَوْمِ الْجُمُعَهِ مِائَهَ مَرَّهٍ رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ قَضَی اللَّهُ لَهُ مِائَهَ حَاجَهٍ ثَلاثُونَ مِنْهَا لِلدُّنْیَا و سبعون منها للآخره»(5).

عقوبت ترک صلوات در نماز

مرحوم اردبیلی; در کتاب حدیقه الشّیعه می نویسد که شیخ طوسی; صلوات را در تشهّد از ارکان شمرده است.

1- 1. جامع الأخبار /63 .
2- 2. جامع الأخبار /59 .
3- 3. همان.
4- 4. بحارالأنوار 91/64.
5- 5. جامع الأخبار / 63.

و از حضرت صادق(علیه السلام)مروی است که هر که نماز کند و صلوات را عمداً ترک کند نماز او صحیح نیست.

و مرقوم است ابن حجر که یکی از متعصّبان اهل سنّت است در باب دهم از کتاب صواعقش از شافعی این شعر را نقل کرده:

یَا اَهْلَ بَیْتِ رَسُولِ اللّه حُبُّکُمُ

فَرْضٌ مِنَ اللّهِ فِی الْقُرْآنِ أنْزَلَهُ

کَفَاکُمْ مِنْ عَظیمِ الْقَدْرِ اَنَّکُمُ

مَنْ لَمْ یُصَلِّ عَلَیْکُمْ لا صَلاهَ لَهُ(1).

فِی الأمالی و البحار عَنِ الرِّضَا(علیه السلام) قَالَ النَّظَرُ إِلَی ذُرِّیَّتِنَا عِبَادَهٌ فَقِیلَ لَهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ النَّظَرُ إِلَی الأَئِمَّهِ مِنْکُمْ عِبَادَهٌ أَمِ النَّظَرُ إِلَی جَمِیعِ ذُرِّیَّهِ النَّبِیِّ (صلی اللّه علیه و اله و سلم) فَقَالَ بَلِ النَّظَرُ إِلَی جَمِیعِ ذُرِّیَّهِ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و اله و سلم)عِبَادَهٌ أَوِ اَلنَّظَرُ إِلَی جَمِیعِ ذُرِّیَّهِ اَلنَّبِیِّ (صلی الله علیه و اله) قَالَ بَلِ اَلنَّظَرُ إِلَی جَمِیعِ ذُرِّیَّهِ اَلنَّبِیِّ (صلی الله علیه و اله و سلم)عِبَادَهٌ مَا لَمْ یُفَارِقُوا مِنْهَاجَهُ وَ لَمْ یَتَلَوَّثُوا بِالْمَعَاصِی »(2).

«ترجمه» : در أمالی و بحار الأنوار از حضرت رضا (علیه آلاف التحیه و الثناء) روایت شده است که نظر کردن بر ذرّیت و فرزندان ما عبادت است ، به آن حضرت عرض کردم : یابن رسول الله نظر کردن به ائمه از شما عبادت است یا نظر کردن بر جمیع ذریه پیغمبر ؟ چه امام باشد چه امام نباشد ؟ حضرت فرمودند : بلکه نظر کردن به جمیع ذریه پیغمبر عبادت است . لیکن در صورتی که از صراط پیغمبر بیرون نروند و خود را به معاصی آلوده نکرده باشند .

در بحار و غیره از حضرت صادق(علیه السلام)روایت شده هر که بعد از نماز صبح و ظهر بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُم» نمیرد تا این که آن حضرت را ملاقات نماید(3).

ص: 72

1- 1. این دو بیت شعر خیلی معروف و مشهور است و از جمله کسانی که این را نقل کرده است احمد بن حنبل در مسندش 6/323 است.
2- 2. بحارالأنوار 93/218 باب 27 ، ح2 – امالی شیخ صدوق(رحمت الله) 294/ ، مجلس49 ، ح3 .
3- 3. بحارالأنوار 83/77 ، ح11 .

و در کتاب اثنی عشریّه در تعقیبات نماز ظهر دارد کسی که بعد از نماز ظهر یکصد مرتبه صلوات بفرستد خداوند در دنیا سه چیز به او مرحمت می فرماید؛ اوّل «لا یُغْرَمُ وَ اِنْ کانَ غُرِمَ أَدَّاهُ اللّهُ تَعَالَی عَنْهُ» دوّم «وَ یُحْفَظَ ایمَانَهُ مِنَ الزَّوالِ» سوّم «وَ لا یُسْئَلُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ عَنْ نِعَمِهِ»(1).

«ترجمه» : اول«گرفتار غرامت و جریمه نمی شود و اگر گرفتار شود خدای تعالی از طرف او پرداخت خواهد کرد» دوّم « ایمان او از زوال حفظ می شود» سوّم «در قیامت از نعمت های خداوند از او سؤال نمی شود ».

فی جَامِعِ الْبَزَنْطِی عَنِ الصَّادِقِ(علیه السلام) «مَنْ صَلَّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فِیمَا بَیْنَ الظُّهْرَیْنِ عَدَلَ سَبْعِینَ رَکْعَةً»(2).

و أَیضَاً عنه عَنِ الصَّادِقِ(علیه السلام)«مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلاهِ الْفَجْرِ وَ بَعْدَ صَلاهِ الْجُمُعَهِ اللّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِکَ وَ صَلَوَاتِ مَلائِکَتِکَ وَ رُسُلِکَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ یُکْتَبْ عَلَیْهِ ذَنْبٌ سَنَةً»(3).

و أَیضَاً حضرت صادق(علیه السلام)می فرماید: بهترین اعمال روز جمعه آن است که بعد از نماز عصر یکصد مرتبه بگوید: «اللّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُم»(4).

و در کتاب تنبیه الغافلین مرقوم است پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند هر که در روزهای جمعه چهل مرتبه بر من صلوات فرستد خدا گناه چهل ساله او را بیامرزد.

و در جلد نوزدهم بحارالأنوار نقل شده است که هر کس در روزهای جمعه یکصد مرتبه صلوات فرستد خدا گناه هشتاد سال او را بیامرزد و هر گاه کسی در روزهای جمعه هزار مرتبه صلوات فرستد نخواهد مُرد تا جای خود را در بهشت ببیند و ثواب او را خدا می داند که در این جا گنجایش ذکر او نیست.

1- 1. تحریر المواعظ العددیه / 243.

2- 2. بحارالأنوار 87/66 باب 7 – مستدرک الوسائل 6/97 باب 40 ، ح6520 – مصباح کفعمی(رحمت الله) / 422 .

3- 3. بحارالأنوار 86/364 باب 4 ، ح53 – مصباح کفعمی(رحمت الله) / 422 .

4- 4. بحارالأنوار 87/91 با کمی تفاوت .

در کتاب مفتاح الفیوضات از حضرت صادق(علیه السلام)روایت می کند که فرمودند: صلوات بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) برابر است با هزار حسنه و هزار گناه را برطرف می کند و هزار درجه مقام او را بالا می برد و کسی که در شب جمعه بر آن حضرت و آل آن حضرت(علیهم السلام) صلوات فرستد نور او در آسمان ها تا روز قیامت روشنی می دهد و ملائکه آسمان ها برای او با ملائکه ای که موکّل هستند به قبر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) تا روز قیامت استغفار می کنند.

مرقوم است از کتاب اعلام الدّین از حضرت صادق(علیه السلام)هر که بعد از نماز ظهر جمعه سه مرتبه بگوید «اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِکَ وَ صَلَوَاتِ مَلائِکَتِکَ وَ رُسُلِکَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» از بلاها تا جمعه دیگر امان باشد(1).

همچنین از حضرت صادق علیه السلامروایت شده در روز قیامت خداوند روزها را مبعوث گرداند و روز جمعه بایستد بر در بهشت و شفاعت کند کسانی را که در روز جمعه بسیار صلوات فرستاده اند.

و در کتاب کافی و جمال الصّالحین در باب فضیلت روز جمعه می نویسد: افضل اعمال شب و روز جمعه صلوات فرستادن است و چون عصر پنجشنبه می شود ملائکه از آسمان نازل شوند به عدد مورچه ها با قلم های طلا و لوح های نقره و تا شب شنبه کار آن ها این است، هر کس صلوات بفرستد می نویسند و هر که اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)را بشنود و صلوات نفرستد راه بهشت بر او خطا شود.

از حضرت امام صادق(علیه السلام)منقول است صلوات بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) با هفتاد حجّ برابر است.

و در مصباح کفعمی از حضرت صادق(علیه السلام)روایت شده و ابن بابویه; هم در ثواب الأعمال مرقوم داشته است هر که بعد از عصر روز جمعه هفت مرتبه این

1- 1. بحارالأنوار 87/65 ، ح8– اعلام الدّین / 366 ، ح35 - مستدرک الوسائل 6/97 ، ح6521 .

صلوات را بخواند ثواب او برابر است با ثواب عمل ثقلین در آن روز و حضرت صادق علیه السلاممی فرمایند که خداوند از برای او یکصد هزار حسنه می نویسد و از او یکصد هزار گناه محو می کند و و یکصد هزار درجه مقامش را بالا می برد و خدا تمام حوائج او را برمی آورد.

جناب عمده العلماء و المحدّثین آقای حاج شیخ عبّاس قمّی هم در کتاب منازل الآخره این صلوات و شرحش را از مرحوم کلینی نقل می فرمایند به اضافه این که از میان دیده های خواننده این صلوات در قیامت نوری ساطع است و بالا می رود و آن صلوات این است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الأَوْصِیَاءِ الْمَرْضِیِّینَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ بَارِکْ عَلَیْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَکَاتِکَ وَ السَّلاَمُ عَلَیْهِمُ وَ عَلَی أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ»(1).

سیّد بن طاوس در جمال الأسبوع در فصل چهل و پنجم در نماز روز جمعه از ائمه (علیهم السلام) روایت فرموده برای ایمن بودن از شرور و بلاها تا جمعه دیگر بعد از نماز ظهر روز جمعه دو رکعت نماز بخواند و در رکعت اوّل حمد و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَد» را هفت مرتبه بخواند و رکعت دوّم به همین طریق و بعد از نماز این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ أَهْلِ الْجَنَّهِ الَّتِی حَشْوُهَا الْبَرَکَهُ وَ عُمَّارُهَا الْمَلائِکَهُ مَعَ نَبِیِّنَا مُحَمَّدٍ(صلی الله علیه و اله و سلم) وَ أَبِینَا إِبْرَاهِیمَ علیهم السلام » لم تضره بلیّه و لم تصبه فتنه الی یوم الجمعه الاخری و جمع اللّه عزّوجلّ بینه و بیْن محمّد و ابراهیم(علیهما السلام)و علی آلهما.

وارد است اگر کسی حاجتی داشته باشد چهارده هزار مرتبه صلوات فرستد و هدیه کند برای ارواح مقدّسه چهارده معصوم(علیهم السلام) خداوند حاجت او را روا می فرماید.

حجّه الاسلام فاضل نهاوندی; هم در کتاب گلزار اکبری این ختم مجرّب را مرقوم فرموده که بعداً ذکر خواهد شد.

1- 1. الکافی 3/429 ، ح5 .

خواندن این صلوات ثواب بسیار دارد که گنجایش شرح آن نیست: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مَا دَامَتِ الْبَرَکَاتُ وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ مَا دَامَتِ الرَّحْمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی رُوحِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی الأرْوَاحِ وَ صَلِّ عَلَی جَسَدِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی الأَجْسَادِ وَ صَلِّ عَلَی قَبْرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی الْقُبُورِ وَ صَلِّ عَلَی تُرْبَهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی التُّرَابِ وَ صَلِّ عَلَی صُورَهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی الصُّوَرِ وَ صَلِّ عَلَی نُورِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی الأنْوَارِ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ».

و فی الأمالی الصّدوق;: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم)«مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَجْمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَیْرَ کُلَّهُ فَلْیُوَالِ عَلِیّاً بَعْدِی وَ لْیُوَالِ أَوْلِیَاءَهُ وَ لْیُعَادِ أَعْدَاءَهُ»(1).

وَ فیهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): إِنَّ لِعَلِیٍّ وَ شِیعَتِهِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوجَلَّ مَقَاماً یَغْبِطُهُ بِهِ الأَوَّلُونَ وَ الآخِرُونَ(2).

و فِی الکافِی وَ جامِعُ الأخبار عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام) قَالَ: مَنْ قَالَ فِی یَوْمِ الْجُمُعَهِ مِائَهَ مَرَّهٍ رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ قَضَی اللَّهُ لَهُ مِائَهَ حَاجَهٍ ثَلاثُونَ مِنْهَا لِلدُّنْیَا و سبعون منها للآخره(3).

و فِی الأمالی عَنِ النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم): وَ مَنْ أَکْثَرَ فِیهِ مِنَ الصَّلاهِ عَلَیَّ ثَقَّلَ اللَّهُ مِیزَانَهُ یَوْمَ تَخِفُّ الْمَوَازِین(4).

وَ فِیهِ عَنِ الصَّادِقِ(علیه السلام) قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ یَقُولُ کُلَّ یَوْمٍ سَبْعَ مَرَّاتٍ أَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّهَ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ إِلاَّ قَالَتِ النَّارُ یَا رَبَّاهْ أَعِذْهُ مِنِّی(5).

ص: 76

1- 1. بحارالأنوار 27/55 باب 1، ح9- امالی شیخ صدوق(رحمت الله) / 473 ، مجلس 72 ، ح7- بشاره المصطفی(صلی الله علیه و اله و سلم) / 150 و 175.
2- 2. امالی شیخ صدوق(رحمت الله) / 658 ، مجلس 94 ، ح10 .
3- 3. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال / 158- جامع الأخبار .
4- 4. امالی شیخ صدوق(رحمت الله) / 95 .
5- 5. امالی شیخ صدوق(رحمت الله) / 98 .

و فی جامع الأخبار قَالَ النَّبِیُّ(صلی الله علیه و اله و سلم): مَنْ قَالَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ اثْنَیْنِ وَ سَبْعِینَ شَهِیداً وَ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ کَیَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ (1).

أَیضَاً فیهِ وَ فِی اللِّئالِی قَالَ النَّبِیّ(صلی الله علیه و اله و سلم): مَا مِنْ أحَدٍ مِنْ أمُّتِی یَذْکُرُنِی ثُمَّ صَلَّی عَلَیَّ إلاَّ غَفَرَ اللهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ إنْ کَانَ أکْثَرُ مِنْ رَمْلٍ عَالِجٍ»(2).

أَیضَاً عَنِ النَّبیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم): قَالَ مَنْ صَلَّی عَلَیَّ مَرَّةً لَمْ یَمُتْ حَتَّی یُبِشَّرُ لَهُ بِالْجَنَّهِ (3).

أَیضَاً قَالَ النَّبیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم): مَا مِنْ أَحَدٍ صَلَّی عَلَیَّ مَرَّةً وَ سَمِعَ حَافِظَیْهِ إلاَّ أَنْ لا یَکْتُبَ ذَنْبَهُ ثُلْثَهُ أَیَّامٍ.

و فِی الْبِحَارِ نَقْلاً مِنْ خَطِّ الشَّهیدِ; عَنِ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و اله و سلم): أَنَّ الشَّیْطَانَ اثْنَانِ شَیْطَانُ الْجِنِّ وَ یَبْعُدُ بِلا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَ شَیْطَانُ الاِنْسِ وَ یَبْعُدُ بِالصَّلاهِ عَلَی النَّبِیِّ وَ آلِهِ مَنْ وَصَلَ اَحَداً مِنْ اَهْلِ بَیْتِی فِی دَارِ هَذِهِ الدُّنْیا بِقیرَاطٍ وَصَلَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ بِقِنْطارٍ(4).

«ترجمه» : پیامبراکرم (صلی الله علیه و اله و سلم)فرمودند : شیاطین دو گروه هستند . شیاطین جنّی که با ذکر « لا قُوَّةَ إلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ » رانده می شوند و شیاطین انسی که صلوات بر محمّد و آل محمّد دور می شوند . و کسی که به وزن قیراطی (یک چهاردهم مثقال) به فرزندانم کمک کند من در روز قیامت به وزن قنطاری (پنجاه هزار مثقال) به او کمک می کنم. درنتیجه اگر کسی به سادات کمک کند هفتصد هزار برابر پاداش دارد ولی کمک به دیگران را خداوند در قرآن ده برابر پاداش می دهد .

1- 1. جامع الأخبار / 59 .
2- 2. جامع الأخبار / 59 .
3- 3. جامع الأخبار / 60.
4- 4. بحارالأنوار 92/136 ، ح4 .

أَیضَاً فیه: «ثَلاثَهٌ هُنَّ فَخْرُ الْمُؤْمِنِ وَ زِینَتُهُ فِی الدُّنْیَا وَ الآخِرَهِ الصَّلاهُ فِی آخِرِ اللَّیْلِ وَ یَأْسُهُ مِمَّا فِی أَیْدِی النَّاسِ وَ وَلایَهُ الإِمَامِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ:» (1).

در جلد نوزدهم بحارالأنوار حدیثی نقل شده است؛ «قَالَ الرِّضَا(علیه السلام): مَنْ لَمْ یَقْدِرْ عَلَی مَا یُکَفِّرُ بِهِ ذُنُوبَهُ فَلْیُکْثِرْ مِنَ الصَّلاهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّها تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَدْماً»(2).

در نورالعیون هم دارد صلوات مرقومه را، «وَ قَالَ(علیه السلام): الصَّلوهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ تَعْدِلُ عِنْدَاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ التَّسْبِیحَ وَ التَّهْلِیلَ وَ التَّکْبِیرَ»(3).

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): مَنْ قَالَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ لَمْ یُصَلِّ عَلَی آلِهِ لَمْ یَجِدْ رِیحَ الْجَنَّهِ وَ رِیحُهَا یُوجَدُ مِنْ مَسِیرَهِ خَمْسِ مِائَه عَامٍ»(4).

و فِی الکافی «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): مَنْ ذُکِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ یُصَلِّ یُدخل النَّارَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ»(5).

و أَیضَاً فیهِ «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): مَنْ ذُکِرْتُ عِنْدَهُ فَنَسِیَ الصَّلَوهَ عَلَیَّ خُطِئَ بِهِ طَرِیقَ الْجَنَّهِ»(6).

«و قَالَ(علیه السلام): أَثْقَلُ مَا یُوضَعُ فِی الْمِیزَانِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ الصَّلَوهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ»(7).

ص: 78

1- 1. بحارالأنوار 72/107 ، ح6 . «ترجمه » : (3 چیز افتخار مؤمن و زیور او در دنیا و آخرت است . نماز درآخر شب ، چشم نداشتن به آنچه مردم دارند ، ولایت و دوستی او نسبت به امام از خاندان حضرت محمّد مصطفی(صلی الله علیه و اله و سلم)) .

2- 2. بحارالأنوار 91/47 ، ح2 .

3- 3. وسائل الشّیعه 7/194 ، ح9094- بحارالأنوار 91/47 ، باب 29 ، ح2– امالی شیخ صدوق(رحمت الله) / 73 ، مجلس 17 ، ح4– جامع الأخبار /60 – عیوناخبار الرّضا (علیه السلام) 1/294 ، ح52 .

4- 4. بحارالأنوار 91/48 ، ح4- امالی شیخ صدوق(رحمت الله) / 379 .

5- 5. بحارالأنوار 91/49.

6- 6. ثواب الأعمال ص 206 – الكافى 2/495 ، ح20 .
7- 7. بحارالأنوار 91/49 ، ح9- وسائل الشّيعه 7/197 ، ح9102.

و فیه أَیضَاً «عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّه(علیه السلام): مَا مِنْ عَمَلٍ أَفْضَلَ یَوْمَ الْجُمُعَهِ مِنَ الصَّلَوهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»(1).

و فی الأعمش «عَنِ الصَّادِقِ(علیه السلام) قَالَ الصَّلَوهُ عَلَی النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم) فِی کُلِّ الْمَوَاطِنِ وَ عِنْدَ الْعُطَاسِ وَ الرِّیَاحِ وَ غَیْرِ ذَلِکَ وَاجِبَهٌ»(2).

قال مولانا أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ(علیه السلام): صَلُّوا عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ یَقْبَلُ دُعَاءَکُمْ ذِکْرِ مُحَمَّدٍ(صلی الله علیه و اله و سلم) وَ دُعَائِکُمْ لَهُ وَ حِفْظِکُمْ إِیَّاهُ(صلی الله علیه و اله و سلم).

عَنْ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ(علیه السلام) قَالَ(علیه السلام): أُعْطِیَ السَّمْعَ أَرْبَعَهٌ النَّبِیُّ (صلی الله علیه و اله و سلم)وَ الْجَنَّهُ وَ النَّارُ وَ حُورُ الْعِینُ فَإِذَا فَرَغَ الْعَبْدُ مِنْ صَلَوتِهِ فَلْیُصَلِّ عَلَی النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم) وَ لْیَسْأَلِ اللَّهَ الْجَنَّهَ وَ یَسْتَجِیرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَ یَسْأَلُهُ أَنْ یُزَوِّجَهُ مِنَ الْحُورَ الْعِینَ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّی عَلَی النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم) رُفِعَتْ دَعْوَتُهُ وَ مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّهَ قَالَتِ الْجَنَّهُ یَا رَبِّ أَعْطِ عَبْدَکَ مَا سَأَلَ وَ مَنِ اسْتَجَارَ مِنَ النَّارِ قَالَتِ النَّارُ یَا رَبِّ أَجِرْ عَبْدَکَ مِمَّا اسْتَجَارَکَ وَ مَنْ سُئِلَ الْحُورَ الْعِینَ قُلْنَ الحُوریات یَا رَبِّ أَعْطِ عَبْدَکَ مَا سَأَلَ(3).

راوی از حضرت امیر (علیه السلام) سؤال می کند چگونه شد که مهر زن ها پانصد درهم شد؟

اثنی عشر او فیه «وَ قَالَ(علیه السلام): إنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی أَوْجَبَ عَلَی نَفْسِهِ أَنْ لا یُکَبِّرَهُ مُؤْمِنٌ مِائَهَ تَکْبِیرَهٍ وَ لا یُسَبِّحَهُ مِائَهَ تَسْبِیحَهٍ وَ لا یُهَلِّلَهُ مِائَهَ تَهْلِیلَهٍ وَ لا یُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ: مِائَهَ مَرَّهٍ ثُمَّ یَقُولَ اللَّهُمَّ زَوِّجْنِی مِنَ الْحُورِ الْعِینِ إِلاَّ زَوَّجَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَمَنْ ثُمَّ مَهْرُ النِّسَاءِ خَمْسَ مِائَهَ دِرْهَمٍ فَلَمْ یُزَوِّجُهُ فَقَدْ عَقّد وَاسْتَحَقَّ مِنَ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ لا یُزَوِّجُهُ حَوْرَاءَ»(4).

1- 1. بحارالأنوار 91/50 ، ح12- وسائل الشّیعه 7/381 ، ح9635.
2- 2. بحارالأنوار 73/54 ، ح9 و 91/50 ، ح30.
3- 3. بحارالأنوار 91/50 ، ح14- وسائل الشّیعه 6/466 ، ح8461 .

4- 4. بحارالأنوار 91/52 ، ح18- وسائل الشّيعه 21/244 ،ح27001 – عيون اخبار الرّضا (عليه السلام) 2/84 ، ح26 .

وَ فِی الْبِحَارِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْعَسْكَرِیِّ(علیه السلام) قَالَ: إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلاً لِكَثْرَهِ صَلَوَاتِهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِم(1).

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): «الْبَخِیلُ حَقّاً مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ »(2).

راوی از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) سؤال می كند: چگونه صلوات بفرستم؟ قَالَ(علیه السلام): «تَقُولُونَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ صَلَوَاتُ مَلائِكَتِهِ وَ أَنْبِیَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جَمِیعِ خَلْقِهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ السَّلامُ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ فَقُلْتُ مَا ثَوَابُ مَنْ صَلَّی عَلَی النَّبِیِّ محمّدٍ(صلی الله علیه و اله و سلم) و آله(علیهم السلام) بِهَذِهِ الصَّلَوَاتِ؟ قَالَ(علیه السلام): الْخُرُوجُ مِنَ الذُّنُوبِ وَاللَّهِ كَهَیْئَهِ یَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»(3).

أَیضَاً فِی الْبِحَارِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): لا تَضْرِبُوا أَطْفَالَكُمْ عَلَی بُكَائِهِمْ فَإِنَّ بُكَاءَهُمْ أَرْبَعَهَ أَشْهُرٍ شَهَادَهُ أَنْ لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَ أَرْبَعَهَ أَشْهُرٍ الصَّلاهُ عَلَی النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم) وَ آلِهِ: وَ أَرْبَعَهَ أَشْهُرٍ الدُّعَاءُ لِوَالِدَیْهِ(4).

حضرت محمد (صلی الله علیه و اله و سلم)فرمودند : نوزادان خود را به هنگام گریه نزنید ! به درستی كه گریه آنها در چهارماه اول شهادت به وحدانیّت خداوند است و چهارماه دوم صلوات بر محمّد و آل محمّد است و چهارماه سوم دعا برای پدر و مادرش می باشد .

صلوات ملائکه بر صلوات فرستنده

پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند : جبرئیل مرا خبر داد که یا رسول الله هر که از امّت تو صلوات بفرستد بر تو و اهل بیت تو درهای آسمان ها بر روی او باز شود و ملائکه هفتاد مرتبه بر او صلوات بفرستند و خداوند گناهان او را بیامرزد و گناهان

ص: 80

1- 1. بحارالأنوار 91/54 ، ح23 و 12/4 ،ح9- وسائل الشّیعه 7/194،ح9095 – علل الشّرایع 1/34 ،ح3 .

2- 2. معانی الأخبار / 246 ،ح8- بحارالأنوار 70/306 ،ح28 و 91/54 ،ح26- وسائل الشّیعه 7/204 ،ح9119 .

3- 3. معانی الأخبار 1/ 367 ،ح1 - بحارالأنوار 91/55 ،ح27 - وسائل الشّیعه 7/196 ،ح9100 .

4- 4. علل الشّرایع 1/81 ،ح1 - بحارالأنوار 57/381 ،ح100 و 91/55 ،ح28 و 101/103 ، ح95 .

او ریخته شود مثل ریختن برگ از درختان، «وَ یَقُولُ اللَّهُ تَعَالَی: لَبَّیْکَ یَا عَبْدِی وَ سَعْدَیْکَ وَ یَقُولُ اللَّهُ لِمَلائِکَتِهِ یَا مَلائِکَتِی أَنْتُمْ تُصَلُّونَ عَلَیْهِ سَبْعِینَ صَلواهً وَ أَنَا أُصَلِّی عَلَیْهِ سَبْعَ مِائَهِ صَلَواهٍ وَ إِذَا صَلَّی عَلَیَّ وَ لَمْ یُتْبِعْ بِالصَّلَواهِ عَلَی أَهْلِ بَیْتِی کَانَ بَیْنَهَا وَ بَیْنَ السَّمَاءِ سَبْعُونَ حِجَاباً وَ یَقُولُ جَلَّ جَلالُهُ لا لَبَّیْکَ وَ لاَ سَعْدَیْکَ یَا مَلائِکَتِی لا تُصْعِدُوا دُعَاءَهُ إِلاَّ أَنْ یُلْحِقَ بِنَبِیِّی عِتْرَتَهُ فَلا یَزَالُ مَحْجُوباً حَتَّی یُلْحِقَ بِی أَهْلَ بَیْتِی».(1)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): أَنَا عِنْدَ الْمِیزَانِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فَمَنْ ثَقُلَتْ سَیِّئَاتُهُ عَلَی حَسَنَاتِهِ جِئْتُ بِالصَّلَواهِ عَلَیَّ حَتَّی أُثْقِلَ بِهَا حَسَنَاتِهِ.(2)

أَیضَاً فیه عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام) قَالَ: إِذَا ذُکِرَ النَّبِیُّ(صلی الله علیه و اله و سلم) فَأَکْثِرُوا الصَّلَوهَ عَلَیْهِ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّی عَلَی النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم)صَلَوهً وَاحِدَهً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ أَلْفَ صَلَواهٍ فِی أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلائِکَهِ وَ لَمْ یَبْقَ شَیْ ءٌ مِمَّا خَلَقَهُ اللَّهُ إِلاَّ صَلَّی عَلَی الْعَبْدِ لِصَلَواتِ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ صَلَوهِ مَلائِکَتِهِ وَ لا یَرْغَبْ عن هَذَا إِلاَّ جَاهِلٌ مَغْرُورٌ قَدْ بَرِئَ اللَّهُ مِنْهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَهْلُ بَیْتِهِ.(3)

«ترجمه» : حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند : چون نام مبارک پیغمبر را شنیدید صلوات بفرستید زیرا هرکس یک صلوات بفرستد خداوند هزار بار در هزار صف از فرشته ها بر او صلوات فرستند و چیزی از مخلوقات خدا نماند جز اینکه برای این بنده صلوات فرستند برای آنکه خداوند و فرشتگان برای او صلوات می فرستند. و هرکس در این فضیلت رغبت نکند پس او نادان مغرور است و خدا و رسولش و خاندانش از او بیزارند .

أَیضَاً فِی الْبِحَارِ «عَنْ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ(علیه السلام) قَالَ الصَّلَوهُ عَلَی النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم) أَمْحَقُ لِلْخَطَایَا مِنَ الْمَاءِ لِلنَّارِ وَ السَّلامُ عَلَی النَّبِیِّ وَ آلِهِ: أَفْضَلُ مِنْ مُهَجِ الأَنْفُسِ أَوْ قَالَ ضَرْبِ السُّیُوفِ فِی سَبِیلِ اللَّهِ».(4)

1- 1. امالی شیخ صدوق(رحمت الله) /85 ، ح18 - بحارالأنوار 91/56 ، ح30 .

2- 2. ثواب الاعمال / 155 – جامع الأخبار / 61 - بحارالأنوار 7/304 ،ح72 و 91/65 - وسائل الشّيعه 7/195 ،ح 9097.
3- 3. الكافى 2/492– ثواب الاعمال / 154 – جامع الأخبار / 61 – مكارم الأخلاق / 312 - بحارالأنوار 17/30 ،ح11 و 91/57 ،ح32 و 91/65 - وسائل الشّيعه 7/193 ،ح9090 .
4- 4. ثواب الاعمال /154 – بحارالأنوار 91/ 57 ، ح33.

«ترجمه» : از امیرالمؤمنین (علیه السلام)روایت کرده است فرستادن صلوات بر رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم)گناهان را بهتر از آبی که آتش را نابود می سازد از بین می برد و سلام کردن بر آن حضرت از آزاد کردن بنده بالاتر است و دوست داشتن حضرت از قربانی کردن جان ها بالاتر است یا فرمودند از شمشیر زدن در راه خدا بالاتر است .

عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام) قَالَ: أَن لا أُعَلِّمُکَ شَیْئاً یَقِی اللَّهُ بِهِ وَجْهَکَ مِنْ حَرِّ جَهَنَّمَ قَالَ قُلْتُ بَلَی قَالَ قُلْ بَعْدَ الْفَجْرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَهَ مَرَّهٍ یَقِی اللَّهُ بِهَا وَجْهَکَ مِنْ حَرِّ جَهَنَّمَ(1).أَیضاً قَالَ(علیه السلام) عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام): مَنْ صَلَّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَهَ حَسَنَهٍ وَ مَنْ قَالَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَهٍ(2).

أَیضَاً فِیهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی الْمُغِیرَهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَاالْحَسَنِ(علیه السلام) یَقُولُ: مَنْ قَالَ فِی دُبُرِ صَلاهِ الصُّبْحِ وَ صَلاهِ الْمَغْرِبِ قَبْلَ أَنْ یَثْنِیَ رِجْلَیْهِ أَوْ یُکَلِّمَ أَحَداً «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیماً»(3)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ ذُرِّیَّتِهِ قَضَی اللَّهُ لَهُ مِائَهَ حَاجَهٍ سَبْعِینَ فِی الدُّنْیَا وَ ثَلاثِینَ فِی الآخِرَهِ (4).

أَیضَاً فِیهِ عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): ارْفَعُوا أَصْوَاتَکُمْ بِالصَّلاهِ عَلَیَّ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالنِّفَاق(5).

أَیضَاً فِیهِ وَ فِی الْکَافِی عَنِ الرِّضَا(علیه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): مَنْ صَلَّی عَلَیَّ یَوْمَ الْجُمُعَهِ مِائَهَ مَرَّهٍ قَضَی اللَّهُ لَهُ مأئه حَاجَهً سبعین حاجه مِنْهَا لِلدُّنْیَا ثَلاثُونَ حَاجَهً وَ ثَلاثُینَ لِلآخِرَهِ (6).

ص: 82

1- 1. ثواب الاعمال / 155 – جامع الأخبار / 61 - بحارالأنوار 83/135 ، ح16 و 91/58 ،ح36 - وسائل الشّیعه 6/479 ،ح8491 .
2- 2. ثواب الاعمال / 155 – مکارم الأخلاق /312 - بحارالأنوار 91/58 ، ح37 - وسائل الشّیعه 7/195 ،ح9098 .
3- 3. احزاب/ 56 .

4- 4. ثواب الاعمال /156 – جامع الأخبار /62 - بحارالأنوار 83/95 و 91/58 ، ح38 .
5- 5. صحيفه سجّاديه / 42.
6- 6. جامع الأخبار / 59 .

أَیضَاً فِی الْبِحَارِ وَ الْکَافِی قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم) مَنْ صَلَّی عَلَیَّ مَرَّةً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ عَشْراً وَ مَنْ صَلَّی عَلَیَّ عَشْراً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ مِائَهَ مَرَّهٍ وَ مَنْ صَلَّی عَلَیَّ مِائَهَ مَرَّهٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ أَلْفَ مَرَّهٍ وَ مَنْ صَلَّی عَلَیَّ أَلْفَ مَرَّهٍ لا یُعَذِّبُهُ اللَّهُ فِی النَّارِ أَبَداً (1).

أَیضَاً قَالَ النَّبِیُّ(صلی الله علیه و اله و سلم): مَنْ صَلَّی عَلَیَّ مَرَّةً فَتَحَ اللَّهُ عَلَیْهِ بَاباً مِنَ الْعَافِیَهِ و قَالَ(علیه السلام) مَنْ صَلَّی عَلَیَّ مَرَّةً لَمْ یَبْقَ مِنْ ذُنُوبِهِ ذَرَّةٌ(2).

وَ رُوِیَ عَنْ عَبْدِاللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم) قَالَ: أَوْلَی النَّاسِ بِی یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَکْثَرُهُمْ عَلَیَّ صَلَوةً فِی دَارِ الدُّنْیَا(3).

وَ أَیضَاً قَالَ النَّبِیُّ(صلی الله علیه و اله و سلم) فِی الْوَصِیَّهِ: یَا عَلِیُّ ! مَنْ صَلَّی عَلَیَّ کُلَّ یَوْمٍ أَوْ کُلَّ لَیْلَهٍ وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِی وَ لَوْ کَانَ مِنْ أَهْلِ الْکَبَائِرِ(4).

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِاللَّهِ عَنِ النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم) قَالَ:

مَنْ ذَکَرَنِی فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ فَقَدْ شَقِیَ وَ مَنْ أَدْرَکَ رَمَضَانَ فَلَمْ تُصِبْهُ الرَّحْمَهُ فَقَدْ شَقِیَ وَ مَنْ أَدْرَکَ أَبَوَاهُ أَوْ أَحَدَهُمَا فَلَمْ یَبَرَّ فَقَدْ شَقِیَ(5).

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ(علیه السلام): مَنْ صَلَّی عَلَی النَّبِیِّ وَ آلِهِ مِائَهَ مَرَّهٍ فِی کُلِّ یَوْمٍ أَسْدَاهَا سَبْعُونَ مَلَکاً یُبَلِّغُهَا إِلَی رَسُولِ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم)مِنْ قَبْلَ صَاحِبِهِ(6).

أَیضَاً فِی الْبِحَارِ قَالَ النَّبِیُّ(صلی الله علیه و اله و سلم): مَنْ قَالَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ اثْنَیْنِ وَ سَبْعِینَ شَهِیداً وَ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ کَیَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ(7).

1- 1. جامع الأخبار / 58 - بحارالأنوار 91/63 ،ح52- مستدرک الوسائل 5/351 ،ح6064 .
2- 2. جامع الأخبار / 59 - بحارالأنوار 91/63 ، ح14 - مستدرک الوسائل 5/333 ، ح6021 و6022.
3- 3. بحارالأنوار 91/63 - مستدرک الوسائل 5/334 ،ح 6023 .

4- 4. بحارالأنوار 91/63 - مستدرک الوسائل 5/334 ، ح6024 .
5- 5. بحارالأنوار 91/63 - مستدرک الوسائل 5/ 334 ، ح6068 .
6- 6. بحارالأنوار 91/63 - مستدرک الوسائل 5/334 .
7- 7. بحارالأنوار 91/64 – جامع الأخبار / 60 - مستدرک الوسائل 5/335 ، ح6027 .

وَ قَالَ(صلی الله علیه و اله و سلم): مَنْ صَلَّی عَلَیَّ یَوْمَ الْجُمُعَهِ مِائَهَ مَرَّهٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ خَطِیئَتَهُ ثَمَانِینَ سَنَهً (1). وَ قَالَ النَّبِیُّ(صلی الله علیه و اله و سلم): مَنْ صَلَّی عَلَیَّ مَرَّهً خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَی یَوْمَ الْقِیَامَهِ عَلَی رَأْسِهِ نُوراً وَ عَلَی یَمِینِهِ نُوراً وَ عَلَی شِمَالِهِ نُوراً وَ عَلَی فَوْقِهِ نُوراً وَ عَلَی تَحْتِهِ نُوراً وَ فِی جَمِیعِ أَعْضَائِهِ نُوراً (2).

وَ قَالَ(صلی الله علیه و اله و سلم): لَنْ یَلِجَ النَّارَ مَنْ صَلَّی عَلَیَّ (3).

وَ قَالَ (علیه السلام): الصَّلَوَاتُ عَلَیَّ نُورُ الصِّرَاطِ وَ مَنْ کَانَ لَهُ عَلَی الصِّرَاطِ مِنَ النُّورِ لَمْ یَکُنْ مِنْ أَهْلِ النَّارِ(4).

وَ قَالَ(صلی الله علیه و اله و سلم): صَلَواتِکُمْ عَلَیَّ جَوازُ دُعَائِکُمْ وَ مَرْضَاهٌ لِرَبِّکُمْ وَ زَکاهٌ لأَعْمَالِکُمْ(5).

رُوِیَ عَنِ النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم): مَا مِنْ دُعَاءٍ إِلاَّ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ السَّمَاءِ حِجَابٌ حَتَّی یُصَلَّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ إِذَا فَعَلَ ذَلِکَ خَرَقَ الْحِجَابُ فَدَخَلَ الدُّعَاءُ وَ إِذَا لَمْ یَفْعَلْ ذَلِکَ لَمْ یُرْفَعِ الدُّعَاءُ(6).

وَ أَیضَاً فِی الْبِحَارِ قَالَ: أَکْثِرُوا مِنَ الصَّلَواتِ عَلَیَّ یَوْمَ الْجُمُعَهِ فَإِنَّهُ یَوْمٌ یُضَاعَفُ فِیهِ الأَعْمَالُ وَ اسْأَلُوا اللَّهَ لِیَ الدَّرَجَهَ الْوَسِیلَهَ قَالَ هِیَ دَرَجَهٍ مِنَ الْجَنَّهِ لا یَنَالُهَا إِلاَّ نَبِیٌّ أَرْجُو أَنْ أَکُونَ أَنَا (7).

عَنْ أَبِی الْحَسَنِ(علیه السلام): أَفْضَلِ الأَعْمَالِ یَوْمَ الْجُمُعَهِ فَقَالَ الصَّلَوهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَهَ مَرَّهٍ بَعْدَ الْعَصْرِ وَ مَا زِدْتَ أَفْضَل(8).

وَ فِی الْکَافِی وَ الْبِحَارِ عَنْ جَعْفَرِ الصَّادِقُ(علیه السلام) عَنْ آبَائِهِ :: قَالَ: إِذَا دَعَا أَحَدُکُمْ وَ لَمْ یَذْکُرِ النَّبِیَّ(صلی الله علیه و اله و سلم) رَفْرَفَ الدُّعَاءُ عَلَی رَأْسِهِ فَإِذَا ذَکَرَ النَّبِیَّ(صلی الله علیه و اله و سلم) رُفِعَ الدُّعَاء(9).

1- 1. بحارالأنوار 91/64 – جامع الأخبار / 60.
2- 2. بحارالأنوار 91/64 – جامع الأخبار / 60 ، ح2029.
3- 3. بحارالأنوار 91/64 – جامع الأخبار / 60 ، ح 6030 .
4- 4. بحارالأنوار 91/64 – جامع الأخبار / 60.
5- 5. جامع الأخبار / 60.

6- 6. بحارالأنوار 27/ 258 ،ح7 و 27/260 ،ح14 و 91/64 – جامع الأخبار / 60 - مستدرک الوسائل 5/225 ، ح5748 .
7- 7. بحارالأنوار 91/65 ،ح14 – جامع الأخبار /60.
8- 8. بحارالأنوار 83/78 ،ح3 و 91/66 – جامع الأخبار / 63.
9- 9. بحارالأنوار 91/68 – جمال الأسبوع / 242 - مستدرک الوسائل 5/225 ، ح5750 .

وَ فِی جمال الأسبوع وَ البحَار أَیضَاً عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام) قَالَ: وَکَّلَ اللَّهُ بِقَبْرِ النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم) مَلَکاً یُقَالُ لَهُ طِهْلِیلُ إِذَا صَلَّی عَلَیْهِ أَحَدُکُمْ وَ سَلَّمَ عَلَیْهِ قَالَ لَهُ یَا رَسُولَ اللَّهِ فُلانٌ سَلَّمَ عَلَیْکَ وَ صَلَّی عَلَیْکَ قَالَ فَرُدَّ النَّبِیُّ بِالسَّلامِ(1).أیضَاً فیهِ عَنْ عَمَّارِ بْنِ یَاسِرٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم) یَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَعالی أَعْطَی مَلَکاً مِنَ الْمَلائِکَهِ أَسْمَاءَ الْخَلائِقِ کُلِّهِمْ وَ أَسْمَاءَ آبَائِهِمْ فَهُوَ قَائِمٌ عَلَی قَبْرِی إِذَا مِتُّ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ فَلَیْسَ أَحَدٌ یُصَلِّی عَلَیَّ صَلَوهً إِلاَّ قَالَ یَا مُحَمَّدُ صَلَّی عَلَیْکَ فُلانُ بْنُ فُلانٍ بِکَذَا وَ کَذَا وَ إِنَّ رَبِّی کَفَّلَ لِی أَنْ یُصَلِّیَ عَلَی ذَلِکَ الْعَبْدِ بِکُلِّ وَاحِدَهٍ عَشْراً (2).

رُوِیَ أَنَّهُ قِیلَ لَهُ یَا رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و اله و سلم)أَرَأَیْتَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَی إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم)کَیْفَ هُوَ فَقَالَ(صلی الله علیه و اله و سلم) هَذَا مِنْ عِلْمِ الْمَکْنُونِ وَ لَوْلا أَنَّکُمْ سَأَلْتُمُونِی مَا أَخْبَرْتُکُمْ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی وَکَّلَ بِی مَلَکَیْنِ فَلا أُذْکَرُ عِنْدَ مُسْلِمٍ فَیُصَلِّی عَلَیَّ إِلاَّ قَالَ لَهُ ذَلِکَ الْمَلَکَانِ غَفَرَ اللَّهُ لَکَ وَ قَالَ اللَّهُ وَ مَلائِکَتُهُ آمِینَ وَ لا أُذْکَرُ عِنْدَ مُسْلِمٍ فَلا یُصَلِّی عَلَیَّ إِلاَّ قَالَ لَهُ الْمَلَکَانِ لا غَفَرَ اللَّهُ لَکَ وَ قَالَ اللَّهُ وَ مَلائِکَتُهُ آمِین(3).

وَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ(علیه السلام) قَالَ: إِنَّ مَلَکاً مِنَ الْمَلائِکَهِ سَأَلَ اللَّهَ تَعالَی أَنْ یُعْطِیَهُ سَمْعَ الْعِبَادِ

فَأَعْطَاهُ اللَّهُ فَذَلِکَ الْمَلَکُ قَائِمٌ حَتَّی تَقُومَ السَّاعَهُ لَیْسَ أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ یَقُولُ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ إِلاَّ قَالَ الْمَلَکُ و عَلَیْکَ السَّلامُ ثُمَّ یَقُولُ الْمَلَکُ یَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ فُلاناً یُقْرِئُکَ السَّلامَ فَیَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلَیْهِ السَّلامُ(4).

عَنْ الصَّادِقِ(علیه السلام): مَنْ صَلَّی عَلَی النَّبِیِّ وَ آلِهِ: مَرَّهً وَاحِدَهً بِنِیَّهٍ وَ إِخْلاصٍ مِنْ قَلْبِهِ قَضَی اللَّهُ لَهُ مِائَهَ حَاجَهٍ ثُلثونَ لِلدُّنْیَا وَ سَبْعُونَ لِلآخِرَهِ(5).وَ قَالَ النَّبِیُّ(صلی الله علیه و اله و سلم): مَنْ صَلَّی عَلَیَّ کُلَّ یَوْمٍ ثَلاثَ مَرَّاتٍ وَ فِی کُلِّ لَیْلَهٍ ثَلاثَ مَرَّاتٍ حُبّاً لِی وَ شَوْقاً إِلَیَّ کَانَ حَقّاً عَلَی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ یَغْفِرَ لَهُ ذُنُوبَهُ تِلْکَ

1- 1. بحارالأنوار 91/68 – جمال الأسبوع / 243 - مستدرک الوسائل 5/330 ،ح 6014 .
2- 2. بحارالأنوار 91/68 – جمال الأسبوع / 224 - مستدرک الوسائل 5/330.
3- 3. بحارالأنوار 91/68 ، ح 57 – عوالی اللّئالی 2/38 ،ح97 - مستدرک الوسائل 5/352 ، ح6067 .
4- 4. بحارالأنوار 91/70 ، ح61 – مستدرک الوسائل 5/332 ، ح6018 - وسائل الشّیعه 12/71 ،ح 15670 – امالی شیخ طوسی(رحمت الله) / 678 ، ح 1437.
5- 5. بحارالأنوار 91/70 ، ح63 – الدّعوات / 89 ، ح225- مستدرک الوسائل 5/331 ، ح6015 .

اللَّیْلَهَ وَ ذَلِکَ الْیَوْمَ(1).وَ قَالَ النَّبِیُّ(صلی الله علیه و اله و سلم): أَکْثِرُوا الصَّلَواتَ عَلَیَّ فَإِنَّ الصَّلَوهَ عَلَیَّ نُورٌ فِی الْقَبْرِ وَ نُورٌ عَلَی الصِّرَاطِ وَ نُورٌ فِی الْجَنَّهِ(2).وَ أیضَاً فی البحار عَنِ النَّبِیُّ(صلی الله علیه و اله و سلم) قَالَ: مَنْ صَلَّی عَلَیَّ فِی کِتَابٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِکَهُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا دَامَ اسْمِی فِی ذَلِکَ الْکِتَاب(3).

قَالَ أَبُوعَبْدِاللَّهِ(علیه السلام): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لَمَّا خَلَقَ مُحَمَّداً(صلی الله علیه و اله و سلم) أَمَرَ الْمَلائِکَهَ فَقَالَ انْقُصُوا مِنْ ذِکْرِی بِمِقْدَارِ الصَّلَواتِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فَقَوْلُ الرَّجُلِ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ فِی الصَّلَوهِ مِثْلُ قَوْلِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُلِلَّهِ وَ لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ (4).

فی الکافی و البحار قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): مَا مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا فِی مَجْلِسٍ فَلَمْ یَذْکُرُوا اللَّهَ وَ لَمْ یُصَلُّوا عَلَی نَبِیِّهِمْ إِلاَّ کَانَ ذَلِکَ الْمَجْلِسُ حَسْرَهً وَ وَبَالاً عَلَیْهِمْ (5).

عَنْ مُوسَی بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ(علیه السلام) عَنْ أَبِیهِ(علیه السلام)عَنْ آبَائِهِ: قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ ذُکِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ أَدْرَکَ أَبَوَیْهِ عِنْدَ الْکِبَرِ فَلَمْ یُدْخِلَاهُ الْجَنَّهَ رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ ثُمَّ انْسَلَخَ قَبْلَ أَنْ یُغْفَرَ لَه(6).

در کافی و جمال الأسبوع و بحارالأنوار از حضرت امام محمّد باقر و حضرت امام جعفر صادق(علیهما السلام) مروی است هر که در روز جمعه از شارب خود بزند و ناخن بگیرد و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ عَلَی سُنَّهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ:» به هر مویی و ناخنی، آزادی رقبه نوشته شود(7)،و جز به مرض موت ناخوش نشود (8).

1- 1. بحارالأنوار 91/70 ، ح63– الدّعوات /89 ،ح226- مستدرک الوسائل 5/331 .
2- 2. بحارالأنوار 79/64 – الدّعوات /216 ،ح581 - مستدرک الوسائل 5/332 ، ح6017 .
3- 3. بحارالأنوار 91/71 ، ح65 - منیه المرید / 347.

4- 4. بحارالأنوار 82/96 ، ح9 و 91/72 – مستدرک الوسائل 5/329 ، ح6012.
5- 5. الکافی 2/497 ، ح5 – مکارم الأخلاق / 275 – عدّه الدّاعی/ 246 - وسائل الشّیعه 7/152، 8980- بحارالأنوار 90/161 ح42.
6- 6. بحارالأنوار 71/76 و 91/72 ، ح67 - مستدرک الوسائل 7/480 ، ح8703 .
7- 7. رقبه: بنده، غلام، (فرهنگ لغت معین) یعنی به اندازه ی هر مو و ناخنی ثواب آزاد کردن یک غلام و بنده به او می دهند.
8- 8. بحارالأنوار 73/110 و 86/345.

در کتاب جمال الأسبوع روایت شده در روز پنجشنبه مستحبّ است یکصد مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ أَهْلِکْ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الإِنْسِ مِنَ الأَوَّلِینَ وَ الآخِرِینَ» از برای او شرح و فضیلت بسیار است(1).

در کتاب نصایح الشّیعه مرحوم حجّه الاسلام آقا شیخ علی یزدی حائری; و جامع الأخبار مرقوم است حضرت رسالت (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: جبرئیل(علیه السلام) نزد من آمد و عرض کرد: صلوات نمی فرستد برای تو احدی مگر این که صلوات می فرستند بر او هفتاد هزار ملک و کسی که صلوات فرستند بر او هفتاد هزار ملک «کَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّه» یعنی از اهل بهشت می باشد(2).

خلق مَلک از حروف صلوات

و نیز در هر دو کتاب مرقوم است حضرت رسالت(صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند هر کس صلوات فرستند بر من و آل من (علیهم صلواه الله) از جهت عظمت حق من، خلق می فرماید خدای تعالی از کلمات صلوات او ملکی را که یک بال او در مشرق و یکی در مغرب و دو پای او در هفتم زمین فرو رفته و گردن او در زیر عرش است. پس می فرماید: خدای متعال ای ملک! صلوات بفرست بر بنده من مثل این که صلوات فرستاد بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) پس آن ملک بر آن مصلّی تا روز قیامت صلوات می فرستد.

و نیز در کتاب نصایح الشّیعه مرقوم است از کتاب روضه العلماء، هر که بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) صلوات فرستد خداوند خلق می فرماید به عدد هر حرفی از صلوات سیصد و شصت هزار ملک، که از برای هر ملکی سیصد و شصت هزار سر و در هر سری سیصد و شصت هزار صورت و در هر صورتی سیصد و شصت هزار دهان است و در هر دهانی سیصد و شصت هزار زبان و از برای هر زبانی سیصد و شصت هزار

1- 1. بحارالأنوار 86/288 ، ح3 و 87/340 ، ح57 .
2- 2. بحارالأنوار 91/64 – جامع الأخبار /60 - مستدرک الوسائل 5/335 ، ح6032 .

لغت که مشابه دیگری نباشد و با آن زبان ها حمد و ثنا گوید و ثواب آن در نامه عمل آن بنده ای که صلوات فرستاده نوشته خواهد شد تا روز قیامت و قریب به این خبر هم قبلاً از کتاب لئالی ذکر شد.

و در کتاب بحرالغموم که از تألیفات مرحوم آقا شیخ علی حائری است مرقوم است از کتاب انوار الهدایه «قَالَ النَّبِیُّ (صلی الله علیه و اله و سلم): خَلَقَ اللّهُ عَمُوداً تَحْتَ الْعَرْشِ قَبْلَ اَنْ یَخْلُقَ الْعَرْشِ بِمَأَتَیْ اَلْفَ سَنَةٍ» خلاصه آن می فرماید که خداوند قبل از آن که عرش را خلق فرماید عمودی خلق فرمودند ، سر آن عمود را در زیر عرش قرار داد و پایین آن را در زیر زمین هفتم «عَلی رَأْسِهَا سَبْعَهُ مِائَهَ اَلْفَ عَضُدٍ عَلی کُلِّ عَضُدٍ سَبْعَهُ مَائِهَ اَلْفَ مَلَکٍ» یعنی پس قرار داده است بر سر آن عمود، هفتصد هزار شاخه و بر هر شاخه هفتصد هزار ملک «لِکُلِّ مَلَکٍ سَبْعَهُ مِائَهُ اَلْفَ فَمٍ وَ فِی کُلِّ فَمٍ سَبْعَهُ مِائَهُ اَلْفَ لِسَانٍ وَ فِی کُلِّ لِسَانٍ یَسْتَغْفِرُ اللّه تَعَالَی سَبْعَهُ مِائَهَ اَلْفَ مَرَّهٍ وَ یُمَجِّدُونَهُ سَبْعَهُ مِائَهَ اَلْفَ مَرِّهٍ وَ یُهَلِّلُونَهُ سَبْعَهُ مِائَهَ اَلْفَ مَرَّهٍ وَ یُکَبِّرُونَهُ سَبْعَهُ مَائِهَ اَلْفَ مَرَّهٍ وَ یُحَمِّدُونَهُ سَبْعَهُ مِائَهَ اَلْفَ مَرَّهٍ وَ اِذْ قَالَ الْعَبْدُ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّی کُلُّ مَلَکٍ عَلَیْه سَبْعَهُ مِائَهَ اَلْفَ مَرَّهٍ ثُمَّ قَالَتِ الْمَلائِکَهُ یَا رَبِّ هَذَا عَبْدُکَ فُلانُ بْنُ فُلان صَلَّی عَلی نَبِیِّکَ مَرَّهً وَاحِدَهً وَ اَنْتَ اَمَرْتَنَا بِالصَّلوَاتِ وَ التَّحْمیدِ وَ التَّهْلیلِ وَ التَّکْبیرِ وَ التَّمْجیدِ وَ الإسْتِغْفَارِ وَ نَحْنُ قَدْ فَعَلْنَا مَا اَمَرْتَنَا فَیَقُولُ اللّه سُبْحَانَهُ وَ تَعَالی صَلُّوا وَ حَمِدُوا وَ تَهَلَّلُوا وَ کَبَّرُوا وَ مَجَّدُوا وَاسْتَغْفَرُوا لَهُ وَ لِوَالِدَیْهِ اِلی آخَرِ الأبَدِ وَ اِلی یَوْمِ التَّغَابُنِ حَتَّی یَدْخُلَ الْجَنَّهَ بِغَیْرِ حِسابٍ وَ لا عَذاب اَلْحَمْدُللهِ رَبِّ الْعَالَمین» .

خلاصه بعضی از معنی کلام آن حضرت می فرماید: هر گاه بنده مؤمنی بر من صلوات فرستد این ملائکه با این کیفیّت که مرقوم شد بر او هفتصد هزار مرتبه صلوات می فرستند و عرض می کنند: پروردگارا ! فلان، پسر فلان یک مرتبه بیشتر بر پیغمبر تو صلوات نفرستاده و ما را امر فرمودی صلوات و تمجید و تهلیل و تکبیر و تحمید کنید و از برای او طلب مغفرت کنید تا آخر دنیا بلکه تا روز

قیامت تا این که وارد بهشت شود بی حساب و بدون عذاب. «اَللَّهُمَّ اَعْتِقْنَا مِنَ النَّارِ وَ اَدْخِلْنَا الْجَنَّهِ وَ زَوِّجْنَا مِنَ الْحُورِ الْعینِ».

در کتاب نور العیون و تحفه الطّوسیّه مرقوم است حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) به مردی که صلوات بر آن حضرت فرستد به این نحو که مرقوم می شود، فرمودند: زود است که وارد شوی بر صراط و صورت تو نورانی تر از ماه شب چهارده باشد و آن صلوات این است: «اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّی لا یَبْقی مِنْ صَلاتِکَ شَیءٌ وَ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ حَتَّی لا یَبْقی مِنْ رَحْمَتِکَ شَیءٌ وَ بَارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّی لا یَبْقی مِنَ الْبَرَکاتِ شَیْ ءٌ وَ سَلِّمْ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّی لا یَبْقی مِنَ السَّلامِ شَیءٌ ».

مرقوم است چون حضرت ابراهیم(علیه السلام) را در آتش انداختند زنبور عسل دهان خود را آب می کرد و اطراف آتش می رفت که بر آتش بریزد بدین واسطه آب دهان او شیرین شد.

چنان چه در امالی و لوالجی یا ثوالجی دارد که به جهت ذکر صلوات آب دهان او شیرین شد که گذشت واقعه آن در کتاب معانی الأخبار از ابوحمزه ثمالی و در ثواب الأعمال از امام موسی کاظم (علیه السلام)روایت شده است.

و در تفسیر علیّ بن ابراهیم است در خصوص آیه مبارکه صلوات، که صلوات از حضرت رحمت و از ملائکه تزکیه و از مردم دعا و اقرار نمودن به فضل آن حضرت است.

و از ابن عبّاس روایت است چون این آیه نازل شد رخسار مبارک آن حضرت برافروخته گشت از غایت مسرّت و فرمودند : آیتی بر من نازل شده است که در نزد من محبوب تر است از دنیا و هر آن چه در دنیا است.

در کتاب شرح صلوات، در حکمت صلوات فرستادن ملائکه بر آن حضرت مرقوم است چنان چه آدمیان در عرصه هدف سهام بلیّات می باشند، ملائکه نیز پیوسته از نوازل قضا و قَدَر ترسان و از واقعه ابلیس هراسان می شوند. خداوند برای امنیّ-ت خاطر، ایشان را امر به صلوات فرستادن بر حبیب خود فرمودند تا که از بلیّات محفوظ مانند و اگر به عقوبتی مبتلا شدند به واسطه آن، از بلیّه نجات یابند .

و در بعضی کتب مرقوم است چون خداوند حضرت آدم (علی نبیّنا و آله و علیه السلام) را خلق فرمودند ملائکه بر صورت آدم نگاه کرده و صدای صلوات آن ها بلند می شد. چون آدم سبب او را پرسید ملائکه گفتند: نوری از جبین شما می تابد که چون نظر ما بر آن نور می افتد بی اختیار زبان ما به نغمه صلوات مترنّم می گردد.

پس چون حضرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) متولّد شدند خطاب به ملائکه رسید آن نوری که در جبین حضرت آدم می دیدید، این نور است که الحال ظاهر شده یعنی نور محمّد بن عبدالله (علیه السلام) و چنان چه آن وقت به مراسم تحیّاتش مشغول بودید حال هم به ذکر صلواتش قیام نمائید تا از بلیّات محفوظ بمانید به برکت آن حضرت . حکمت صلوات مؤمنین از حدّ بیان بیرون است از جمله آن ها، این است که صلوات ثمنِ شفاعت است و هر کس ثمن بیشتر تسلیم نمود با جواز زیادتی مثمن سزاوارتر می شود و هر چه انسان بیشتر صلوات بر آن حضرت فرستاد رابطه او با آن حضرت زیادتر می شود این است که آن حضرت فرمودند سزاوارترین مردم به من در روز قیامت آن کس است که بر من بیشتر صلوات فرستد و نشانه محبّت و دوستی با محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) بسیار صلوات فرستادن است زیرا که علامت محبّت و دوستی آن است که انسان زیاد یاد کند هر که را که دوست می دارد.

و مرقوم است که عامّه و خاصّه روایت کرده اند: مردی از رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) سؤال کرد که قیامت چه وقت خواهد بود؟ آن حضرت فرمودند که چه چیز مهیّا کرده ای برای آن روز و چه عملی به جای آورده ای؟ عرض کرد: نماز و روزه و صدقه و غیره آماده کرده ام و امّا آنقدر هست که خدا و حبیب او حضرت محمّد مصطفی (صلی الله علیه و اله و سلم)را بسیار دوست می دارم. آن حضرت فرمودند: تو با آن کسی خواهی بود که او را دوست می داری و این بشارتی است عظیم برای تهی دستان متاع اعمال و عبادات.

مخفی مباد هر گاه خبری یا عبارتی در این اوراق تکرار نشده به واسطه تعدّد

مدارک آن ها است. در کتاب عیون و خصال صدوق از حضرت صادق(علیه السلام)روایت شده است در جمیع مواطن در وقت عطسه و در وقت وزیدن بادها صلوات فرستادن بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) واجب است (1).

و از ابن مسعود روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم)فرمودند: هر که بر من صلوات نفرستد دین برای او نخواهد بود و آن چه برای تارک صلوات در وقت ذکر نام مبارک آن حضرت مقرّر است چند چیز است، اوّل آن که داغ شقاوت بر پیشانی او نهند و نشانه بدبختی در احوالش ثبت کنند.

چنان چه شیخ احمد بن فهد حلّی; در کتاب عدّه الدّاعی از رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت کرده که شقی ترین مردم کسی است که اسم مرا بشنود و بر من صلوات نفرستد. و ابن بابویه; هم از جابر بن عبدالله روایت نموده است به همین قسم و به طریق عامّه از ابن مالک روایت شده رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند : جبرئیل(علیه السلام) دعا کرد و گفت که شقی و بدبخت باد کسی که اسم تو را بشنود و صلوات بر تو نفرستد.

موسی بن اسماعیل از حضرت موسی بن جعفر(علیهما السلام)روایت کرده است که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: بر خاک مالیده باد بینی کسی که اسم مرا بشنود و بر من صلوات نفرستد(2).

و ابن بابویه و شیخ مفید از حضرت سیّد الساجدین (علیه السلام)روایت کرده اند پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: بخیل کامل آن کسی است که اسم مرا بشنود و بر من صلوات نفرستد(3). و عامّه همین حدیث را از حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)و ابوذر روایت کرده اند و چون کسی صلوات فرستاد خداوند متعال مطابق اخبار ده صلوات بر او می فرستد و کسی که از چنین فیضی به جهت ترک صلوات خود را محروم دارد بخیل ترین بخیلان است.

1- 1. بحارالأنوار 54/73 ، ح9 – الخصال 2/607 ، ح9.
2- 2. بحارالأنوار 91/72 ، ح67 - مستدرک الوسائل 7/480 ، ح8703 .

3 -3. بحارالأنوار 91/61 ، ح47 .

دیگر آن که در خبر دارد که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که اس-م مرا بشنود و بر من صل-وات نفرست-د بر من جف-ا کرده است.

در کتاب کافی و مکارم الأخلاق و عدّه الدّاعی از حضرت صادق(علیه السلام)روایت شده است که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر مجلسی که منعقد شود و اهل آن مجلس یاد خدا نکنند و بر من صلوات نفرستند، آن مجلس بر ایشان حسرت و وبال خواهد بود(1). و به طریق عامّه از جابر روایت شده که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر گروهی که در مجلسی جمع شوند و بر من صلوات نفرستند، با بوی بدی متفرّق خواهند شد. در کتاب کافی و ابوسعید خُدری هم در جای دیگر منقول دارد که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: اهل مجلسی که بر من صلوات نفرستند در قیامت حسرت برای آن ها خواهد بود اگر چه داخل بهشت شوند. و شیخ طوسی; از حضرت صادق(علیه السلام)روایت کرده و در کتاب کشف الغطاء هم در باب دعای صلوات مرقوم است. همچنین تحفه الطّوسیّه هم دارد که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که فراموش کند صلوات فرستادن بر من را، از راه بهشت بیرون افتاده است(2).

و ابن بابویه; از حضرت صادق(علیه السلام)روایت کرده است: هر که دعا کند و نام مبارک آن حضرت را در دعا مذکور نکند آن دعا به راه بهشت نخواهد رفت. و در اخبار عامّه از ابن مسعود روایت شده که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: روز قیامت به قومی از امّت من فرمان رسد که داخل بهشت شوند ایشان راه را گم کرده و متحیّر مانند. بعضی از صحابه عرض کردند: یا رسول الله! سبب این گمراهی چیست؟ فرمودند : آن ها نام مرا شنیده اند و بر من صلوات نفرستاده اند.

در کافی از ابن بابویه; منقول است که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)فرمودند: هر که اسم مرا بشنود و بر من صلوات نفرستد داخل در آتش خواهد شد و خداوند او را دور خواهد گردانید.

1- 1. الکافی 2/497 ، ح 5 - مکارم الأخلاق / 275.
2- 2. ثواب الأعمال / 206 – مستدرک الوسائل 5/352 ، ح6065 .

و از کتاب عوالی اللّئالی نقل شده که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: خداوند دو ملک را بر من موکّل فرموده است چون بنده اسم مرا بشنود و بر من صلوات فرستد آن دو ملک به او می گویند: خدا تو را بیامرزد و خدا و ملائکه می گویند: آمین و اگر صلوات نفرستند آن دو ملک می گویند: خدا تو را نیامرزد و خدای تعالی و ملائکه می گویند: آمین. همچنین در کتب عامّه مذکور است از حضرت صادق(علیه السلام)و در کتاب تحفه الطّوسیّه هم دارد و در کتاب منیه المرید که از تألیفات شیخ سعید زین الدّین شهید ثانی1 است از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت کرده: مردی در بصره کتابت حدیث می نمود، چون به نام مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)می رسید از روی عمد صلوات نوشتن را ترک می کرد، اندک زمانی آکله(1) در انگشتانش افتاد و جدا شد.

و مرقوم است کاتب دیگری چون در کتابت به اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)می رسید می نوشت «صلّی اللّه علیه و آله و سلّم» بعد از فوت او را در خواب دیدند. احوالش را از او سؤال کردند، جواب داد: گناهان مرا با صلواتی که بعد از اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) نوشته بودم «صلّی اللّه علیه و آله و سلّم» سنجیدند ، ثواب صلوات زیادتر بود، مرا بخشیدند. و یکی از علمای عامّه نقل نموده: شیخ حسن فانی را بعد از وفات در خواب دیدم که به آب طلا یا چیزی شبیه به آن بر انگشت او چیزی نوشته بود، پرسیدم: این نوشته چیست که بر انگشتان تو می باشد؟ فرمودند : چون در کتابت به اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می رسیدم می نوشتم: «صلّی اللّه عَلیه و آله و سلّم» بدین جهت بر انگشتان من، این را نوشته اند.

و در امالی سرخسی و تحفه الطّوسیّه مرقوم است یکی از علماء عامّه نقل نموده که یکی از کُتّاب جزوه ای در حدیث برای من نوشته بود و در هر جا که به اسم مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)رسیده بود نوشته بود «صلّی اللّه عَلیه و آله و سلّم» کثیراً کثیراً کثیراً، من سبب آن مبالغه را از وی پرسیدم، گفت: هر وقت که من حدیث

1- 1. (خوره و جُزام) هر جراحتی است که گوشت را می خورد – لغت نامه دهخدا 1/178.

می نوشتم چون به اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می رسیدم در گفتن و نوشتن صلوات تکاهل می نمودم تا این که شبی آن حضرت را در خواب دیدم سلام کردم روی مبارک را از من گردانیدند تا سه مرتبه، مرتبه چهارم عرض کردم: چرا روی مبارک را از من می گردانید؟ فرمودند : به جهت این که چون ذکر من می کنی صلوات نمی گویی و نمی نویسی. از آن وقت تا به حال به این نحو که می بینی کتابت می کنم و صلوات می نویسم، در کشف الغطاء هم در کتاب دعا مرقوم است.

در فصل سوّم از کتاب مرقوم از ابن بابویه; از ابوحمزه ثمالی روایت

می کند که از حضرت صادق علیه السلامپرسیدم: چگونه صلوات بفرستم؟ فرمودند : می گویی «صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ صَلَوَاتُ مَلائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ السَّلامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ». عرض کردم: چه خواهد بود ثواب کسی که به این نحو صلوات بر آن حضرت فرستد؟ فرمودند : به خدا قسم که از گناهان بیرون می آید مثل روزی که از مادر متولّد شده است(1).

ابن بابویه از امام محمّد باقر(علیه السلام) روایت کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که بر من صلوات فرستد و بر آل من نفرستد، بوی بهشت به او نخواهد رسید(2).

و أَیضَاً ابن بابویه و سیّد بن طاووس; به اسانید مختلفه از حضرت صادق(علیه السلام)روایت کرده اند که روزی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به حضرت امیر (علیه السلام) فرمودند: یا علی! می خواهی تو را بشارت دهم؟ عرض کردند: بلی. فرمودند: جبرئیل بر من نازل شد و مرا خبر داد و گفت: هر که از امّت تو بر شما و آل شما صلوات فرستد درهای

1- 1. معانی الأخبار 1/365 ، ح1 - وسائل الشّیعه 7/197 ، ح9100- بحارالأنوار 91/55 ، ح27 .
2- 2. امالی شیخ طوسی(رحمت الله) ص 424 ، ح948 - وسائل الشّیعه 7/203 ، ح9116 - بحارالأنوار 91/48 ، ح4 .

آسمان برای او گشوده شود و ملائکه هفتاد صلوات برای او می فرستند و تمام گناهان او ریخته شود مثل برگ از درخت و خداوند به او خطاب فرماید: «لَبیّک یا عَبدی و سَعدَیک» پس به ملائکه می فرماید که ای ملائکه من، شما بر او هفتاد صلوات فرستادید و من بر او هفتصد صلوات می فرستم الی آخر(1).

خلاصه در صلوات فوائد کثیره است چون خداوند در آیه صلوات خبر داده که خودش بر آن حضرت صلوات فرستاده پس صلوات فرستادن بر آن حضرت که خدا بر او صلوات می فرستد موجب حصول فیض ربّانی و وصول به منازل جاودانی خواهد شد، به واسطه امتثال و اطاعت امر الهی که در آیه مبارکه«یَا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ...» وارد شده است و معلوم است که اطاعت از خدا و رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) موجب فیروزی و رستگاری است «کما قال اللّه تعالی: وَ مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فازَ فَوْزاً عَظیماً»(2).

دیگر مشرّف شدن به صلوات و سلام الهی است چنان که در کتاب جامع الأخبار روایت کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند : جبرئیل مرا ملاقات نمود و بشارت داد مرا به این که خداوند می فرماید هر که بر تو صلوات فرستد بر او صلوات می فرستم و هر که بر تو سلام کند من بر او سلام می کنم و من برای این بشارت سجده شکر به جای آوردم.

و کلینی; به سند معتبر از حضرت صادق(علیه السلام)روایت کرده که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که بر من صلوات فرستد خدا و ملائکه بر او یکصد صلوات می فرستند.

و نیز کشف الغطاء هم در کافی از حضرت صادق(علیه السلام)روایت کرده که چون اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) مذکور شد بسیار بر ایشان صلوات بفرستید، زیرا هر که بر آن حضرت یک صلوات بفرستد خداوند هزار مرتبه در هزار هزار از ملائکه بر او صلوات می فرستد و چیزی از مخلوقات خدا باقی نمی ماند مگر آن که بر آن بنده صلوات

1- 1. امالی شیخ صدوق(رحمت الله) ، مجلس 85 ، ح11 - بحارالأنوار 91/56 ، ح30- مستدرک الوسائل 5/354 ، ح6071 .
2- 2. احزاب/71.

می فرستند به واسطه این که خدا و ملائکه بر او صلوات می فرستند، پس هر که رغبت در آن ننماید جاهل و مغرور است و خدا و رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) و اهل بیت آن حضرت: از او بیزارند(1).

و در ثواب الأعمال و جمال الأسبوع و مکارم الأخلاق و در کافی مرحوم کلینی; روایت نموده: حضرت صادق(علیه السلام)به اسحاق بن فرّخ فرمودند: هر که یک صلوات بفرستد بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) خداوند هزار مرتبه در هزار هزار از ملائکه بر او صلوات می فرستد آیا نشنیده ای قول حق تعالی را که می فرماید: «هُوَ الَّذی یُصَلّی عَلَیْکُمْ وَ مَلائِکَتُهُ لِیُخْرِجَکُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ وَ کانَ بِالْمُؤْمِنینَ رَحیماً (2)»(3).

در مُسند احمد حنبل و چند کتاب دیگر از کتب عامّه، مذکور است که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که بر من یک صلوات فرستد خداوند بر او ده صلوات فرستد و ده گناه او را بیامرزد و مقام او را ده درجه بالا و بلند گرداند(4).

خلاصه پس ملائکه به حکم (یُصَلّون) که در آیه مبارکه صلوات است، پیوسته به فرستادن صلوات مشغول اند و چون کسی دائماً مشغول صلوات باشد به ملائکه شباهت پیدا می کند در ذکر صلوات و ملائکه بر او صلوات می فرستند و برای او استغفار می کنند و اخبار دالّ بر آن بسیار است.

بشارت جبرئیل به پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم)

در کتاب جامع الأخبار از عبدالله بن عوف روایت کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: جبرئیل آمد نزد من و مرا بشارت داد به این که خداوند می فرماید: هر بنده ای که بر تو صلوات فرستد هفتاد هزار ملک بر او صلوات فرستند و

ص: 96

1- 1. الکافی 2/492– ثواب الأعمال / 154- مکارم الأخلاق / 312 - بحارالأنوار 91/65 ، ح30 - وسائل الشّیعه 7/193 ، ح9090 .
2- 2. احزاب/43 .
3- 3. الکافی 2/493 ، ح13 - وسائل الشّیعه 7/200 ، ح9109 .
4- 4. بحارالأنوار 91/64 .

هر که هفتاد هزار ملک بر او صلوات فرستند، از اهل بهشت خواهد آمد(1).

همچنین در کتاب شرح صلوات از کتاب عیون المجالس که آن نیز از کتب عامّه است روایت کرده و آقای آقا شیخ نور الدّین واعظ خراسانی; هم در کتابچه فوائد الصّلوات خود از کتاب جامع الأخبار، که منادی از عالم غیب ندا کند خداوند بر این بنده ده بار صلوات فرستاد و چون این ندا به اهل آسمان اوّل رسد هزار بار بر آن افزایند و همچنین تا این که نزدیک سدره المنتهی می رسد، به هفت هزار خواهد رسید. پس خداوند به ملائکه خطاب نماید شما از عهده صلوات بنده من بیرون نتوانید آمد آن را به من واگذارید تا آن که من جزای او را بدهم و جزای او این است که گناهان او را بیامرزم.

صلوات سبب حصول قرب به خدا می گردد:

چنان چه ابن بابویه; در کتاب علل الشّرایع به سند خود از امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت کرده است که خداوند حضرت ابراهیم(علیه السلام) را خلیل خود گردانید برای آن که بر حضرت محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) و اهل بیت آن حضرت(علیهم السلام) صلوات بسیار می فرستاد(2). و در کتاب تحفه الطّوسیّه از ابوالفرج بغدادی و در کتاب شرح صلوات هم از کتاب روضه العلماء هر دو نقل می کنند که خداوند به حضرت موسی(علی نَبیِّنا و آله و علیه السلام) وحی نمود که می خواهی من به تو نزدیک تر باشم از کلام تو به زبان تو و از روح تو به بدن تو؟ حضرت موسی(علی نَبیِّنا و آله و علیه السلام) عرض کرد: بلی. خطاب رسید: چون طالب این سعادت هستی بسیار بر حبیب من محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) صلوات بفرست، زیرا که صلوات بر وی رحمت و نور هدایت است.

1- 1. جامع الأخبار /60 - بحارالأنوار 91/64 - مستدرک الوسائل 5/335 ، ح6032 .
2- 2. بحارالأنوار 91/54 ، ح23 .

و نیز مرقوم است از کتاب شفاء الأسقام که از کتب عامّه است خداوند به حضرت موسی(علی نَبیِّنا و آله و علیه السلام) وحی فرمودند: من در وقت سخن گفتن با تو ده هزار گوش در تو آفریدم تا کلام مرا بتوانی بشنوی و ده هزار زبان به تو ارزانی داشتم تا جواب مرا بتوانی داد و با این همه کیفیّت وقتی به من نزدیک تر و محبوب تری که بر حبیب من صلوات بفرستی.

دیگر آن که صلوات موجب حصول رضای خدا است:

چنان چه سیّد بن طاووس; در کتاب جمال الأسبوع از حضرت صادق(علیه السلام)روایت می کند که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: صلوات فرستادن شما بر من باعث روا شدن حوائج شماست و خدا را از شما راضی می گرداند و اعمال شما را پاکیزه می کند.

دیگر موجب حصول قُرب به حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) می گردد:

چنان چه ترمذی در صحیح خود از ابن مسعود از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت می کند و در کتاب جامع الأخبار و مکارم الأخلاق هم دارد از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت می کند که سزاوارترین مردم در روز قیامت کسی است که در دار دنیا به من بیشتر صلوات فرستد.

اوّل کسی که در روز قیامت حُلّه ی بهشتی می پوشد

و از بعضی از کتب عامّه مذکور است که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: در روز قیامت اوّل کسی که حلّه بهشتی پوشد من و پدرم ابراهیم خواهیم بود که در طرف راست و چپ عرش بر کرسی نشسته باشیم و حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)در مقابل من بایستد و تمام امّت در عقب سر من بایستند با تفاوت درجات و هر کسی که در عقب هر نماز فریضه ده مرتبه بر من و آل من صلوات فرستد او را در نزد من جا می دهند و مرا ببیند و من او را ببینم و روی او مانند ماه شب چهارده تابان باشد.

ص: 98

دیگر آن که موجب حصول شفاعت آن حضرت است:

چنان چه در کتاب جامع الأخبار است پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)به حضرت امیرالمؤمنین علیِّ بن ابیطالب (علیه السلام) فرمودند: یا علی! هر که در هر روز یا در هر شب بر من صلوات فرستد شفاعت من برای او واجب می شود، هر چند که از اهل گناهان کبیره باشد. چنان چه روایت شده است شخصی از آن جناب پرسید: صلوات فرستادن امّت ارسال تحفه ای است به نزد شما آیا از جانب شما هم تحفه ای برای ایشان خواهد بود؟ آن حضرت فرمودند: امروز صلوات امّت بر من تحفه ای است از ایشان و فردا تحفه من در بهشت برای ایشان خواهد بود.

علّت اشرفیّت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) بر پیغمبران ماقبل

و در کتاب ارشاد القلوب در سؤال یهودی از حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)در اشرفیّت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) از سایر پیغمبران(علیهم السلام) که طولانی است، محلّ شاهد این که آخر خبر دارد حضرت فرمودند : هر که بعد از وفات آن حضرت هم صلوات بر آن حضرت بفرستد آن جناب بر آن مطّلع می شود و صلوات و سلام او را جواب می دهد(1).

و در کتاب جامع الأخبار مرقوم است رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند : خداوند ملکی را موکّل گردانید که در قبر من داخل شود مثل این که یکی از شماها هدیه از برای کسی می برید آن ملک می گوید: فلان کس بر تو صلوات فرستاده است و اسم او را با اسم قبیله اش می گوید و آن را در صفحه سفیدی در نزد من ثابت می گرداند.

در کتاب عدّه الدّاعی از جابر روایت کرده است از حضرت صادق(علیه السلام)و در کتاب جمال الأسبوع هم قریب به این نحو از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت می کند: ملکی از خدا سؤال نمود که به او عطا فرماید شنیدن صدای بندگان را، خداوند به او

1- 1. بحارالأنوار 91/69 ، ح 59 - مستدرک الوسائل 5/332 ، ح 6020 .

عطا فرمودند و آن ملک تا قیامت بر پا خواهد بود و هر مؤمنی بگوید صلّی الله علی محمّد و آل محمّد آن ملک می گوید: و علیک السّلام پس خدمت حضرت عرض می کند رسول الله فلان کس بر تو سلام فرستاد آن حضرت می فرماید و علیه السّلام(1).

و در سنن ابی داود که از کتب عامّه است روایت شده پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند : بر من صلوات بفرستید که صلوات شما به من می رسد در هر کجا که باشد.

و خاصّه و عامّه در بسیاری از کتب خود روایت کرده اند که آن حضرت فرمودند : هر که در نزد قبر من بر من صلوات فرستد من می شنوم و هر که دور باشد و صلوات فرستد به من می رسد.

و در کتاب روضه العلماء که از کتب عامّه است مذکور است: هر بنده ای که یک بار بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)صلوات فرستد، خدای تعالی فرشته ای را می فرستد که زودتر از چشم بر هم زدن آن ذکر صلوات را به روضه مطهّره آن حضرت می برد و در مقابل روضه ایستاده عرض می کند: یا رسول الله (صلی الله علیه و اله و سلم)فلان بن فلان صلواتی فرستاده است. آن حضرت فرماید ده درود از من به او برسان و به او بگوی که اگر به جای این ده درود من یکی می بود، تو را به بهشت می رسانید و با من بودی مانند سبّابه و وسطی و شفاعت من به تو می رسید اکنون که ده درود است ببین که مرتبه تو چه خواهد بود؟ پس همان ملک به سوی آسمان بالا رود و در نزدیک عرش می ایستد و عرض می کند: خداوندا ! فلان یا فلانه بر حبیب تو یک بار صلوات فرستاد خطاب رسد که ده درود از من به او برسان و بگو که اگر از این ده یکی بود هرگز آتش دوزخ به تو نمی رسید و اکنون که ده است ببین که مقام تو چقدر خواهد بود. پس حق تعالی به آن ملک فرماید که این صلوات را در علیّین برای بنده من ذخیره کن.

1- 1. بحارالأنوار 91/70 ، ح61 ، امالی شیخ طوسی(رحمت الله) /678 ، ح 1437 - عدّه الدّاعی /165 - وسائل الشّیعه 12/71 ح 15670- مستدرک الوسائل 5/332 ، ح6108 .

در بعضی از کتب عامّه مسطور است خداوند گروهی از ملائکه را آفریده و آن ها را در هوا باز داشته، قلم هایی از نور و صفحه هایی از نور در دست ایشان است و شغل آن ها این است که هر کس صلوات فرستاد بر آن حضرت و اهل بیت ایشان(علیهم السلام) ، آن ها در آن صفحه ها می نویسند.

و نیز مذکور است آن ملکی که صلوات مؤمنان را بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)می رساند، چهار بال دارد یکی به مشرق است و یکی به مغرب و یکی در زیر عرش و یکی در روضه پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)، چون آن ملک صلوات آن بنده را به عرض حضرت رساند آن حضرت می فرماید : آن نزد من امانت است و در روز قیامت به آن بنده خواهم رسانید . أیضَاً مرقوم است چون ملائکه نام بنده ای را بر صفحه صلوات نویسند خداوند امر فرماید که آن را در خزانه غیب سپارند و قول دیگر آن که او در نزد پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)است تا روز قیامت ، چون آن بنده گرفتار شود آن حضرت آن صحیفه را بیرون می آورد و او را به واسطه صلوات فرستادن نجات می دهد .

صلواتی که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)در کفّه میزان می گذارند

چنان چه در کتب مرقوم است من جمله در تحفه الطّوسیّه از کتاب روضه العلماء و مجمع اللّطایف از عبدالله نقل می کند و در کشف الغطاء هم دارد و در نور العیون هم نیز مرقوم است که در روز قیامت بنده ای از این امّت را به نزد میزان می آوردند و اعمال او را می سنجند، کفّه حسنات او سبک و کفّه سیّئات او سنگین است، امر می شود تا او را به دوزخ برند، آن بنده از ملائکه می پرسد، درباره من چه حکمی صادر گردیده ؟ ملائکه می گویند : امر شد که تو را به جهنم ببرند . آن مرد گریان می شود و می گوید: مرا بگذارید تا زمانی بر حال خود گریه کنم، ملائکه می گویند: در این جا گریه فائده ای ندارد، می خواستی در دنیا این کار را بکنی. آن بنده گوید هرگز این گمان را به خدای خود نداشتم مرا که از امّت

پیغمبر آخرالزّمان محمدّ(صلی الله علیه و اله و سلم)هستم با یهود و نصاری در یک جا جمع کند! ملائکه گویند: پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)در سایه عرش بر کرسی نشسته، حضرتش را بخوان تا به فریاد تو رسد. آن بنده فریاد زند: «السَّلامُ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَغِثْنِی» آن حضرت چون صدای او را بشنود کنار دوزخ آید و به ملائکه امر نماید: این بنده را به من واگذارید تا یک مرتبه دیگر اعمال او را در میزان گذارم خطاب رسد: ملائکه واگذارید تا بار دیگر حبیب من، اعمال او را بسنجد، چون نامه او را بسنجند گناهان او سنگینی کند آن حضرت صحیفه ای بیرون می آورد که در او از نور چیزی نوشته شده است و آن را در کفّه حسنات او گذارد. فی الحال حسنات او سنگین می شود پس خطاب رسد: بنده مرا به بهشت برید، چون آن بنده بر در بهشت رسد آن حضرت را ملاقات نماید، عرض کند: شما که هستید و آن نوشته چه بود که حسنات مرا سنگین کرد؟ آن حضرت می فرماید: من هستم پیغمبر تو که به من استغاثه نمودی و آن نوشته صلواتی بود که در دار دنیا بر من فرستادی.

در نور العیون مرقوم است شخصی بود بسیار زاهد و با کسی مراوده

نمی کرد. روزی پای منبر واعظی آمد، مردم به او گفتند: خیلی عجیب است! امروز شما در جامعه حاضر شده اید سبب آن چیست، او گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم)را در خواب دیدم به من فرمودند: برو به مجلس وعظ فلان واعظ که بر من بسیار صلوات می فرستد و من از او خشنودم.

همچنین در آن کتاب مرقوم است و نیز در تحفه الطّوسیّه هم از کتاب تحفه الصّلوات ملا محمّد حسین کاشفی; نقل می کند: مردی از اهل مرو گفت: من در صلوات فرستادن کاهلی می کردم. شبی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)را در خواب دیدم به من هیچ التفاتی نفرمودند من عرض کردم که یا رسول الله (صلی الله علیه و اله و سلم) سبب بی مرحمتی شما چیست، فرمودند تو را نمی شناسم به تو چه التفاتی کنم، عرض کردم: من یکی از امّتان شمایم و از علماء شنیده ام که پیغمبران اُمّت خود را بهتر

می شناسند و آن ها را دوست می دارند! فرمودند : معرفت من به امّ-ت به قدر فرستادن صلوات ایشان بر من است و چون تو مرا به صلوات یاد نمی کنی، من چگونه تو را بشناسم و به چه وجه از تو خشنود باشم.

من از خواب بیدار شدم و بر خود لازم گردانیدم که هر روز یکصد مرتبه صلوات بفرستم و خداوند هم توفیق او را به من داد. بعد از مدّتی باز آن حضرت را در خواب دیدم و به من التفات بسیار نمودند و فرمودند : اکنون تو را می شناسم و از تو خشنود هستم و روز قیامت شفیع تو خواهم بود.

و ابن بابویه; در کتاب امالی و در عیون اخبار الرّضا (علیه السلام)از حضرت رضا (علیه السلام)

روایت شده: صلوات فرستادن در نزد خدا با تسبیح و تهلیل و تکبیر معادل است(1).

و در کتاب علل الشّرایع از حضرت صادق علیه السلامروایت کرده است: هر که خدا را یاد کند ده حسنه برای او نوشته شود و هر که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم)را یاد کند ده حسنه برای او نوشته شود، زیرا که خداوند آن حضرت را قرین خود گردانیده و یاد آن حضرت عبادت است.

چنان که در کتاب اختصاص از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت کرده است: یاد خدا کردن عبادت و یاد کردن من نیز عبادت است و یاد امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)عبادت است و یاد کردن امامان از اولاد امیرالمؤمنین(علیهم السلام) نیز عبادت است(2).

و در کتاب جامع الأخبار به دو روایت از رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) منقول است که هر کسی یک بار بر من صلوات فرستد، از گناهان او ذرّه ای باقی نماند(3).

در ثواب الأعمال روایت است هر که یک بار بر من صلوات فرستد و آن را به دو ملکی که حافظ اویند بشنواند (امانت بگذارد) آن دو ملک تا سه روز هیچ گناه بر او نمی نویسند.

1- 1. بحارالأنوار 91/48 ، ح2 – امالی شیخ صدوق (رحمت الله) /73 ، ح4 – عیون اخبارالرّضا (علیه السلام) 1/294 ، ح52 - وسائل الشّیعه 7/194 ، ح9094 – جامع الأخبار /60 .

2- 2. بحارالأنوار 91/69 ، ح58 – مستدرک الوسائل 5/283 ، ح 5861 .

3- 3. بحارالأنوار 91/63 .

و در ثواب الأعمال و جامع الأخبار از حضرت اميرالمؤمنين على(عليه السلام)روايت شده: صلوات فرستادن بر پيغمبر (صلى الله عليه و اله و سلم)در محو كردن گناهان شديدتر است از فرو نشانيدن آب آتش را و سلام كردن بر آن حضرت افضل است از بنده آزاد كردن در راه خدا و دوستى آن حضرت از شهيد شدن در راه خدا ، يا از شمشير زدن در راه خدا بهتر است .

و در كتاب دعوات راوندى از پيغمبر (صلى الله عليه و اله و سلم) منقول است كسى كه هر روز از روى شوق و محبّت بر من سه مرتبه صلوات فرستد، بر خدا لازم است تا گناهان آن شب و روز او را بيامرزد و به همين نحو نيز دركتب عامّه مذكور است.

و در كتاب جامع الأخبار و جلد نوزدهم بحارالأنوار علاّمه مجلسى; از پيغمبر (صلى الله عليه و اله و سلم)منقول است كه هر كسى در روز جمعه يكصد مرتبه بر من صلوات فرستد، خداوند گناه هشتاد ساله او را بيامرزد.

و نيز مرقوم است كه پيغمبر (صلى الله عليه و اله و سلم) فرمودند: هر كه بگويد «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» خدا به او ثواب هفتاد و دو شهيد عطا فرمايد و از گناهان بيرون آيد مانند روزى كه از مادر متولّد شده باشد.

و در بعضى از كتب عامّه مذكور است پيغمبر (صلى الله عليه و اله و سلم) فرمودند: هر كه مرا ياد كند و بر من صلوات فرستد، خداوند جميع گناهان او را بيامرزد اگر چه به عدد ريگ عالج باشد و عالج نام موضعى است كه ريگ در آن جا از ساير مواضع بيشتر است.

در اخبار دارد هر كه دعا نكند و از خدا چيزى سؤال نكند، خدا بر او خشم مى فرمايد.

در كتاب مكارم الأخلاق از سدير صيرفى روايت كرده است كه گفت: از امام محمّد باقر(عليه السلام) پرسيدم كه كدام عبادت افضل است؟ فرمودند: هيچ چيز در نزد خدا از آن محبوب تر نيست كه از او سؤال نمايند و چيزى طلب نمايند و هيچ كس در نزد خدا مبغوض تر نيست از آن كس كه از عبادت خدا استكبار نمايد و از خدا چيزى سؤال نكند.

در کافی کلینی و ابن بابویه از امام جعفر صادق(علیه السلام)روایت کرده اند: مردی آمد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)و عرض کرد: من ثلث دعای خود را به جهت شما قرار می دهم، فرمودند: خوب می کنی. عرض کرد: نصف آن را برای شما قرار می دهم ، فرمودند: بسیار خوب. عرض کرد: همه آن را برای شما قرار دادم، فرمودند: خداوند امور دنیا و آخرت تو را کفایت خواهد فرمودند.

راوی می گوید: من خدمت امام (علیه السلام) عرض کردم: چگونه دعای خود را برای آن حضرت قرار می دهد؟ فرمودند: از خدا چیزی سؤال نمی کند مگر آن که به صلوات فرستادن بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) ابتدا می کند.

در صحیح ترمذی که از کتب عامّه است به همین نحو روایت کرده به زیادتی آن که خداوند تمام گناهان او را خواهد آمرزید.

صلوات سبب استجابت دعا

و در کتاب کفایه الأثر فی فضل الائمّه الاثنی عشر از ابوذر و در کتاب ثواب الأعمال از حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)و شیخ طوسی; در جمال الأسبوع و در کافی از هشام بن سالم روایت کرده که امام جعفر صادق(علیه السلام)فرمودند: دعا محجوب و ممنوع است تا این که بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) صلوات فرستاده شود(1).

و شیخ طوسی; در کتاب امالی ذکر کرده که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)فرمودند: صلوات فرستادن شما بر من موجب اجابت دعای شما می شود و اعمال شما را پاکیزه می گرداند.

و در کتاب دعوات راوندی از حضرت صادق علیه السلامروایت می کند: هر که یک مرتبه از روی اخلاص و نیّت قلبی بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)صلوات فرستد خداوند یکصد حاجت او را برآورد . (سی حاجت در دنیا و هفتاد حاجت در آخرت) (2).

ص: 105

1- 1. الکافی 2/491 ، ح 1 – مکارم الأخلاق / 274.
2- 2. بحارالأنوار 91/70 ، ح 63 – مستدرک الوسائل 5/321 ، ح6105 .

در کتاب نوادر راوندی از حضرت صادق علیه السلاممنقول است که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند : هر کس یکصد مرتبه بر من صلوات فرستد، خدا یکصد حاجت او را برآورد و از این قبیل اخبار در کتب فریقین بسیار است که از حدّ بیرون است.

دیگر از فوائد صلوات وفا کردن به میثاق و عهدی است که در روز الست از خلق گرفته شده؛ چنان چه از حضرت موسی بن جعفر(علیهما السلام)منقول است: هر که بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)صلوات فرستد معنی او این است که من بر میثاق باقی هستم در وقتی که خداوند فرمودند: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ»(1) و خلایق قبول نمودندو الحال وفا نمودم(2).

دیگر آن که موجب رفع نفاق است؛ چنان چه ابن بابویه; از حضرت صادق علیه السلامروایت کرده است پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)فرمودند : بلند کنید آوازهای خود را در صلوات فرستادن بر من زیرا که او نفاق را برطرف می کند. در کافی هم نیز مذکور است(3).

دیگر موجب صلوات فرستادن جمیع خلایق است بر صلوات فرستنده بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)؛ چنان چه در فوائد قبل از کافی و ثواب الأعمال و جمال الأسبوع و مکارم الأخلاق نقل شده است.

و حضرت صادق(علیه السلام)فرمودند: چون اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)مذکور گردد بسیار صلوات بر آن حضرت بفرستید، زیرا که هر که بر آن حضرت یک صلوات فرستد خداوند هزار صلوات بر او فرستد و هزار هزار صف از ملائکه، و چیزی از مخلوقات خدا باقی نمی ماند مگر آن که برای آن بنده صلوات می فرستند، برای این که خدا و ملائکه بر او صلوات می فرستند ، الی آخر (4).

1- 1. اعراف/172.
2- 2. بحارالأنوار 91/54 ، ح25 – معانی الأخبار /116 – مختصر البصائر / 396 ، ح 451 .
3- 3. بحارالأنوار 91/59 ، ح41 – الکافی 2/ 493 ، ح13 - ثواب الأعمال / 159 – مکارم الأخلاق / 312 - وسائل الشّیعه 7/200 ، ح 9108 .

4- 4. بحارالأنوار 91/57 ، ح32 – الكافى 2/492 ، ح6 – ثواب الأعمال / 154 – مكارم الأخلاق / 312 – جمال الأسبوع / 236 - وسائل الشّيعه 7/193 ، ح9090 .

دیگر آن که صلوات بهترین اعمال است در قیامت؛ چنان چه در دعوات راوندی از ابن عبّاس روایت کرده است که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: در عالم رؤیا حضرات حمزه و جعفرطیّارv را دیدم که در پیش روی ایشان طبقی بود از کُنار(1) و ساعتی از آن خوردند. پس آن کُنار، انگور شد و قدری از آن خوردند. آن انگور، رطب شد و قدری هم از آن خوردند. پس من به نزد ایشان رفتم و از آن ها سؤال کردم:کدام عمل را بهتر یافتید؟ گفتند: بهترین اعمال را فرستادن صلوات بر شما یافتیم و تشنه ها را آب دادن و دوستی علیّ بن ابیطالب «صَلوات الله و سَلامُهُ عَلیه»(2).

دیگر موجب پاکیزه شدن اعمال است؛ چنان که در کتب فریقین به طرق بسیار از رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت است صلوات فرستادن شما بر من موجب پاکیزه شدن اعمال شما است.

دیگر موجب حصول عافیت است؛ چنان چه در جامع الأخبار از رسول مختار(صلی الله علیه و اله و سلم)روایت است هر کس یک مرتبه بر من صلوات فرستد، خداوند دری از عافیت بر وی گشاید(3).

و ابن بابویه; در کتاب امالی مرقوم می دارد: حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)بعد از شهادت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)خطبه ای خواندند و در اثناء خطبه فرمودند: مردم با اقرار به شهادتین داخل بهشت خواهید شد و به صلوات فرستادن بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)، رحمت را خواهید یافت، پس بسیار صلوات بفرستید بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به درستی که خدا و ملائکه بر آن حضرت صلوات می فرستند(4).

1- 1. کُنار: میوه ای باشد سرخ شبیه به عنّاب لیکن از عَنّاب بزرگ تر است و در هندوستان بسیار می باشد و شیرین و نازک یافت می شود ، به عربی آن را سدر می گویند.
2- 2. بحارالأنوار 91/70 – مائه منقّبه ابن شاذان – الدّعوات راوندی /90 ، ح227 - مستدرک الوسائل 5/331 ، ح6016 .

3- 3. بحارالأنوار 91/63 – جامع الأخبار /59 – وسائل الشّيعه 5/333 ، ح6021 .
4- 4. بحارالأنوار 91/48 ، ح3 - امالی شیخ صدوق(رحمت الله) / 321- مستدرک الوسائل 5/341 ، ح 6047 .

دیگر آن که موجب قبولی طاعات است؛ چنان چه در کتب فریقین مذکور است به طرق متعدّده که اگر بنده ای در روز قیامت بیاید با جمیع حسنات اهل دنیا و با آن ها صلوات نباشد آن حسنات قبول نخواهد شد.

صلوات سبب منع غیبت

دیگر سبب خلاصی از غیبت است؛ چنان چه مرقوم است در نورالعیون و کتاب آثار که روزی یکی از اولیاء به حضرت الیاس و خضر (علی نَبیِّنا و آله و عَلیهما السلام) شکایت کرد که مردم غیبت بسیار می کنند و آن از گناهان کبیره است و هر چند آن ها را منع می کنم ترک نمی کنند حضرت الیاس(علی نَبیِّنا و آله و علیه السلام) فرمودند: چاره این

کار آن است که چون کسی به مجلس تو وارد شود به او بگو بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ وَ صَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» خداوند ملکی را بر اهل آن مجلس موکّل می گرداند که هر گاه کسی شروع در غیبت کند، آن ملک او را از آن باز دارد و از خدا سؤال نماید تا آن قوم را از غیبت کردن نگاه دارد پس حضرت فرمودند: چون کسی در وقت بیرون رفتن از مجلس بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ وَ صَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» خداوند ملکی را می فرستد تا این که نگذارد اهل آن مجلس غیبت او را نمایند.

صلوات سبب رفع فقر

دیگر آن که صلوات سبب توانگری و غناست؛ چنان چه از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت است که فرمودند: بسیار یاد کردن خدا و بر من صلوات فرستادن موجب برطرف شدن فقر می شود و رفع احتیاج او می شود و مرقوم است از طرف عامّه که از سهل بن سعد بن سعد روایت کرده اند که مردی خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)آمد و از فقر شکایت نمود، آن حضرت فرمودند : چون داخل خانه شوی سلام کن خواه کسی

ص: 108

در خانه باشد یا نباشد و بر من صلوات و سلام بفرست و بعد از آن سوره «اخلاص» را بخوان. آن مرد چنان کرد در اندک زمانی توانگر گردید.

و مرقوم است از کتاب حکایات الصّالحین و در کتاب نورالعیون هم می نویسد و در باب هفتم لئالی الأخبار هم مرقوم است و عین عبارت این است:

«رُوِیَ انَّ فَقَیراً شَکا إلی النَّبیّ(صلی الله علیه و اله و سلم)مِنْ شِدَّهِ الْفَقْرِ فَقَالَ لَهُ النَّبیّ(صلی الله علیه و اله و سلم) اِنْ اَرَدْتَ اَنْ یُغْنِیَکَ اللّٰهُ صَلِّ عَلَیَّ وَ عَلی آلِی حَتَّی اَرْسَلَ اللّٰهُ اِلَیْکَ رِزْقَکَ مِنَ السَّمَاءِ فَاشْتَغَلَ بِهَا فَمَا مَضَی اِلاَّ اَیَّاماً مُرَّ عَلی مَخْرُوبَهٍ فَوَقَعَ رِجْلِهِ عَلی لُبْنَهٍ فَتَحَرَّکَتْ مِنْ مَکَانِهَا فَرَاَی کُوزاً مِمَّا وَ اَمِنَ الذَّهَبُ تَحْتَهُ فَقَالَ فِی نَفْسِهِ اِنَّ النَّبِیَّ(صلی الله علیه و اله و سلم)قَالَ: یَأتیکَ رِزْقُکَ مِنَ السَّمآءِ وَ هُوَ صَادِقٌ وَ هَذَا لَیْسُ مِنَ السَّمآءِ فَتَرَکَهُ وَ جآءَ اِلی بَیْتِهِ وَ حَکَی الْقِصَّهُ لِزَوْجَتِهِ»(1).

خلاصه ترجمه خبر، چون مرد فقیر قصّه را برای زوجه خود بیان کرد. همسایه ای یهودی داشت بالای بام بود کلام او را شنید، فردای آن روز حرکت کرد و رفت در آن خرابه در همان موضع و آن کوزه را برداشت آمد در خانه خود چون سر کوزه را باز کرد دید پُر از عقرب است . یهودی گفت: این همسایه ما محمّدیست(صلی الله علیه و اله و سلم)و این تدبیر را کرده تا ما را هلاک نماید که من به خیال زَر بروم و آن کوزه را بیاورم در خانه خود، حال من هم می روم در خانه او و می ریزم آمد بالای بام و کوزه را سرازیر کرد در خانه او و دید که تمام اشرفی است و صدای اشرفی ها که ریخت روی زمین بلند شد مرد فقیر دوید و نزد زوجه خود و گفت دیدی که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)فرمودند: صلوات بفرست روزی تو از آسمان نازل می شود، حال ببین صدق کلام آن حضرت را چگونه از آسمان اشرفی برای ما ریخته می شود. یهودی از سرّ این مطلب تعجّب کرد. آمد در خانه او و گفت: حقیقت چیست؟ من چون کلام تو را شنیدم که از برای زوجه خود نقل نمودی که چنین

1- . لئالی الاخبار«فی مذمه ترک الصلوه» .

کوزه ای در خرابه دیدم، من به طمع افتادم، رفتم آن را در خانه آوردم امّا دیدم پُر از عقرب است خیال کردم که تو عمداً این کار را کرده ای من هم آن ها را سرازیر در خانه تو کردم دیدم اشرفی شد سرّ او چیست؟ آن مرد فقیر قضیّه را برای آن یهودی بیان کرد و او مسلمان شد.

صلوات سبب به یاد آمدن فراموش شده ای

دیگر از فوائد صلوات سبب یاد آمدن فراموش شده است؛ چنان چه ابن بابویه; در کتاب علل الشّرایع و عیون روایت کرده از جمله سؤالاتی که حضرت خضر(علی نَبیِّنا و آله و علیه السلام) از حضرت امام حسن مجتبی(علیه السلام) نمود این بود، سبب چیست که شخص چیزی را که در خاطرش بوده است گاهی فراموش می کند و گاه باز به خاطرش می آید آن حضرت فرمودند : دل مرد در حقّه ای است بر روی آن حقّه طبقی است و چون مرد در آن وقت بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) صلوات فرستد صلوات تام، آن طبق از آن حقّه برداشته می شود و قلب روشن می گردد و آن چیز به خاطرش می آید و اگر صلوات نفرستد یا این که ناقص فرستد آن طَبَق بر آن محکم می شود و دل تاریک می گردد و آن مرد او را فراموش می کند(1).

در بعضی از کتب عامّه از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت شده که فرمودند: چون فراموش کنید چیزی را بر من صلوات بفرستید که موجب یاد آمدن آن چیز خواهد بود.

دیگر صلوات سبب حصول نور است در قیامت برای او؛ چنان چه در کتاب جامع الأخبار از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت کرده است که فرمودند : هر که یک مرتبه بر من صلوات فرستد، خداوند در روز قیامت نوری در سر او و نوری در اطراف او و همچنین در زیر قدم او و نوری در جمیع اعضاء او خلق می کند(2).

ص: 110

1- 1. بحارالأنوار 91/51 ، ح15 .

2- 2. بحارالأنوار 91/64 – جامع الأخبار / 60 - مستدرک الوسائل 5/335 ، ح6029 .

و در بعضی کتب مذکور است که صلوات بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)صیقل آئینه دل هاست و هر دلی که به زنگار تَرک صلوات، مبتلا شد، توفیق صلوات پیدا نمی کند.

و از یکی مشایخ مرقوم است که من شبی با پدرم مقابله کتاب حدیث می کردیم در هر جا که به اسم مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)می رسیدیم صلوات می فرستادیم و جمع کثیری از همسایگان ما دیده بودند که از آن محلّی که ما کتاب مقابله می کردیم، عمودی از نور مرتفع گردیده و به آسمان پیوسته است و اطراف و جوانب محلّه به آن روشن گردیده است.

در کتاب قرب الأسناد مرقوم است بهترین چیزها برای سنگین شدن حسنات در میزان، صلوات بر پیغمبر و آل آن حضرت(علیهم السلام) است در روز قیامت(1). و در کتاب کافی همین خبر مذکور است با زیادی این که مردی هست که در روز قیامت اعمالش را در میزان می گذارند که قبلاً ذکر شد طرف میزانِ گناهانِ او زیادتی می کند، پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) صلواتی را که بر آن حضرت فرستاده در کفّه حسنات او می گذارند، آن کفّه سنگین می شود.

این حدیث به این زیادی در عدّه الدّاعی و ثواب الأعمال و امالی شیخ صدوق; مذکور است: رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) خطبه ای برای ماه مبارک رمضان خوانده و فرمودند: هر که بر من در این ماه مبارک رمضان بسیار صلوات بفرستد خدای متعال میزان اعمال او را در روزی که ترازوهای اعمال سبک باشد سنگین می گرداند و فرمودند : هر که هر روز بر من هزار مرتبه صلوات فرستد نمیرد تا جای خود را در بهشت ببیند و هر که بر من بسیار صلوات فرستد از تلخی مرگ ایمن باشد.

و در دعوات راوندی مرقوم است پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند : بسیار بر من صلوات بفرستید زیرا که صلوات فرستادن بر من ، برای صلوات فرستنده ، نور در قبر و صراط و بهشت است(2).

1- 1. بحارالأنوار 91/56 ، ح31 – ثواب الأعمال / 155 – جامع الأخبار / 61 - وسائل الشّیعه 7/195 ، ح9097 با کمی تفاوت .

2- 2. الدعوات / 216 ، ح581 – بحارالأنوار 91/70 ، ح14 - مستدرک الوسائل 5/332 ، ح6017 .

و در کتاب ثواب الصّلوه مرقوم است که در بعضی از کتب به نظر رسیده در شب معراج چون پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)به آسمان چهارم رسیدند فرشته ای را دیدند که لوحی در مقابل اوست و در او نظر می کند و گریه می کند چون ملتفت آن حضرت نشد ، تعظیم و تکریم به آن جناب ننمود جبرئیل(علیه السلام)بال خود را بر او زد، آن مَلک متوجه شد، دوید و رکاب آن حضرت را بوسید و عرض کرد: یا رسول الله! مرا معذور دارید که چندان نور از این لوح بالا می رفت که من شما را ندیدم آن حضرت فرمودند : در این لوح چه نوشته است؟ عرض کرد: در آن نوشته است: «لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِیٌّ وَلِیُّ اللَّهِ». پس آن ملک عرض کرد: من دو رکعت نماز در بیست هزار سال به جا آورده ام به امر خدا که قبلاً شرح او از کتاب لئالی ذکر شد، عرض کرد: پنج هزار سال آن را در قیام و پنج هزار سال در رکوع و پنج هزار سال در سجود و پنج هزار سال آن را در تشهّد بوده ام و ثواب آن را به شما می دهم که تقصیر مرا عفو فرمایید آن حضرت فرمودند: من احتیاج به طاعت تو ندارم عرض کرد: به امّت شما بخشیدم آن حضرت فرمودند : امّت من هم احتیاج به آن ندارند، به عزّت خدا سوگند هر یک از گناهکاران ایشان که یک مرتبه بر من صلوات بفرستند ثواب او از این بیست هزار سال طاعت تو بیشتر است.

و مرقوم است که شیخ کلینی; و دیگران از ائمّه اطهار(علیهم السلام) روایت کرده اند: هر گاه ثواب عملی به شما برسد که به ما نسبت دهند و شما آن عمل را به امید آن که به آن ثواب برسید به جا آورید آن ثواب به شما خواهد رسید هر چند آن چیز که به شما رسیده است از ما نباشد .

مرقوم است مرحوم ملاّ محمّد حسین کاشفی سبزواری; در بعضی از رسائل خود فوائد چندی برای صلوات ذکر نموده است من جمله :

صلوات فرستادن بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) موجب حصول رضای خداوند و موجب اثبات محبّت بن-ده است با خدا و دوستی با پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) نشانه دوستی با خدا می باشد و بدین جهت خداوند دوست حبیب خود را دوست می دارد پس به واسطه صلوات هم دوستی بنده به حق ثابت می شود و هم به پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و هر چه بیشتر صلوات فرستد ، مقامات آن حضرت را ملاحظه نماید و معرفت او زیادتر می شود . و نیز مرقوم است و در تحفه الطّوسیّه هم از کتاب شفاء الأسقام از شیخ شبلی نقل می کند که گفت: من همسایه ای داشتم از دنیا رفت چون او را در خواب دیدم از او پرسیدم : خدا با تو چه کرد؟ گفت: ای شیخ! هول های بزرگ دیدم من جمله در وقت سؤال نکیرین زبان من گِره خورد ناگاه شخص نیکو رویی پیدا شد و مرا تلقین کرد و من جواب آن ها را دادم از آن شخص پرسیدم: تو کیستی که مرا نجات دادی؟ گفت: من خلق شده ام از صلواتی که تو بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرستادی و مأمورم به این که در هر کجا درمانده شوی به فریاد تو برسم.

صلوات سبب ایمن بودن از حسرت روز قیامت

چنان چه از سفیان ثوری کسی پرسید: روز حسرت کدام است که خداوند می فرماید: «وَ أَنْذِرْهُمْ یَوْمَ الْحَسْرَهِ»(1) یعنی بترسان ایشان را از روز حسرت؟ سفیان جواب داد: آن روز قیامت است و حسرت، همه خلق را فرو خواهد گرفت زیرا خوبان حسرت می خورند که چرا بیشتر عمل نیک نکردند و بَدان حسرت می خورند که چرا عمل نیک به جای نیاوردند آن شخص گفت: ای شیخ ! کسی هست که در روز قیامت حسرتی نداشته باشد؟ گفت: بله، هر کسی که در دار دنیا بسیار صلوات بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرستاده باشد در آن روز حسرتی برای او نخواهد بود زیرا که مقامی پیدا می کند فوق مقام ها، پس حسرت برای چنین کسی نخواهد بود .

ص: 113

1- 1. مریم / 39 .

سلام بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)و جواب آن حضرت

خلاصه از اخبار معلوم می شود که راه خلاص از عذاب و حصول نجات منحصر است به آن حضرت و آل آن جناب :و هر که رابطه خود را با محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) قطع نمود البته هلاک شود و از آیه مبارکه «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِی یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلیماً»(1)

معلوم می شود که صلوات غیر از سلام است و مؤمنین به هر دو مأمورند چنان چه اخباری که در خصوص فرستادن سلام وارد شده است یکی این است که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند : خدا را فرشته هایی است که در زمین سیاحت می کنند و سلام امّت را به من می رسانند و فرمودند : هر که بر من سلام کند، من جواب سلام او را می دهم . و نیز فرمودند : هیچ بنده ای نیست که بر من سلام کند بعد از شهادت من، مگر آن که جبرئیل(علیه السلام)به نزد من می آید و می گوید که فلان بن فلان بر شما سلام داده است و من می گویم : (و علیه السّلام و رحمه الله و برکاته(2).)

و عامّه از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت کرده اند که فرمودند : هر کلامی که به ذکر خدا و درود بر من شروع نشود آن کلام ابتر است و از خیر مقطوع خواهد بود.

در کتاب ثواب الأعمال حضرت امام موسی بن جعفر ۷ روایت کرده : هر که بعد از نماز جعفر طیار و نماز مغرب قبل از آنکه پاها رابگرداند وبا کسی تکلّم نماید، بگوید «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِی یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلیماً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ ذُرِّیَّتِهِ» خداوند یکصد حاجت او را برآورد، هفتاد در دنیا و سی در آخرت(3).

1- 1. احزاب/56.
2- 2. عدّه الدّاعی / 165 – وسائل الشّیعه 12/71 ، ح15670 - بحارالأنوار 91/70 ، ح61 – امالی شیخ طوسی (رحمت الله) / 678 ، ح 1437– مستدرک الوسائل 5/332 ، ح6018 .
3- 3. ثواب الأعمال / 156 – بحارالأنوار 91/58 ، ح38 .

و در جامع الأخبار مذکور است ، جناب پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: یا علی! هر که بر من صلوات فرستد در هر روز یا در هر شب، شفاعت من از برای او واجب می شود هر چند از اهل گناهان بزرگ باشد(1).

ثواب صلوات از روی شوق

و از دعوات راوندی; نقل شده که حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)فرمودند:

هر که در هر روز از روی دوستی و شوق بر من سه مرتبه صلوات بفرستد و هر شب سه مرتبه، بر خدا لازم می شود که گناهان آن روز و آن شب او را بیامرزد(2).

و در جامع الأخبار از حضرت امام جعفر صادق(علیه السلام)منقول است: کسی که در هر روز یکصد مرتبه صلوات فرستد هفتاد ملک مبادرت می نمایند تا هر یک آن را بر حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) برسانند قبل از آن که دیگری برساند(3).

و مرقوم است از کتاب مفتاح حَصین که از کتب عامّه است از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت کرده که فرمودند هر که در هر صبح ده مرتبه و هر شام ده مرتبه بر من صلوات فرستد من او را دریابم در وقتی که محتاج باشد.

و در مصباح المتهجّد شیخ طوسی; فرموده مستحب است که بعد از عصر روز پنجشنبه تا آخر روز جمعه بسیار صلوات بفرستید.

و ابن بابویه; از حضرت صادق(علیه السلام)روایت کرده که هیچ عملی در روز جمعه بالاتر از فرستادن صلوات نیست(4).

1- 1. جامع الأخبار / 59 – بحارالأنوار 91/63 - مستدرک الوسائل 5/334 ، ح6024 .
2- 2. الدّعوات / 89 ، ح 226 – بحارالأنوار 91/70 - مستدرک الوسائل 5/331.
3- 3. بحارالأنوار 91/63 .
4- 4. جامع الأخبار / 63 – بحارالأنوار 91/66 .

و مرقوم است شهید ثانی; در بعضی از رسائل خود از امام جعفر صادق(علیه السلام)روایت کرده که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: بسیار بر من صلوات بفرستید در شب نورانی و روز نورانی یعنی شب جمعه و روز جمعه راوی عرض کرد: صلواتِ بسیار چقدر است؟ فرمودند : تا یکصد مرتبه و اگر زیادتر شد، بهتر است.

و در کتاب فقه الرّضا (علیه السلام) مذکور است: بسیار صلوات فرستید در شب و روز جمعه و اگر بتوانی که هزار مرتبه صلوات فرستی افضل و بهتر است.

ثواب صلوات در روز جمعه

و نیز از فقه الرّضا (علیه السلام) مذکور است: هر که در روز جمعه یکصد مرتبه صلوات بفرستد و یکصد مرتبه استغفار کند و یکصد مرتبه « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَد » بخواند البته گناهان او آمرزیده شود. و مرقوم است شیخ شهید; در رساله ای از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت کرده که فرمودند : در روز جمعه بسیار بر من صلوات بفرستید که هر کس صلواتش بر من بیشتر باشد، منزله او به من نزدیک تر است. و در کتاب دعائم الاسلام از حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت شده: در روز جمعه بسیار بر من صلوات بفرستید، زیرا در آن روز عمل ها مضاعف می شود.

از حضرت صادق علیه السلامروایت شده: چون صبح روز جمعه طالع شود خداوند گروهی از ملائکه را می فرستد که صلوات بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) را تا شب بنویسند. و از امام محمّد باقر(علیه السلام) روایت شده: عمل ها در روز جمعه مضاعف می گردد، پس در آن روز صلوات و صدقه و دعای بسیار را قرار دهید و اخبار در خصوص صلوات در روز جمعه از کتب علماء شیعه و عامّه بسیار است.

ص: 116

عامّه از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت کرده اند که فرمودند هر که گلی ببوید و بر من صلوات نفرستد بر من جفا کرده است. و نیز مرقوم است و در کتاب کافی هم در باب صلوات از عبدالله بن دهقان روایت شده که گفت: رفتم خدمت حضرت امام رضا (علیه السلام) و آن حضرت فرمودند :

مراد از این آیه که می فرماید «وَ ذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّی»(1) یعنی یاد کنید اسم پروردگار خود را و یاد کنید محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) را و صلوات بفر ستید که اوّل کتاب در خصوص ربّ بیاناتی ذکر شد(2).

و فی کتاب المبین عن فصل الخطاب قَالَ قَالَ أَبُوعَبْدِاللَّهِ(علیه السلام) مِنْ تَمَامِ الصَّوْمِ إِعْطَاءُ الزَّکَاهِ کَمَا أَنَّ الصَّلاهَ عَلَی النَّبِیِّ (صلی الله علیه و اله و سلم)مِنْ تَمَامِ الصَّلاهِ وَ مَنْ صَامَ وَ لَمْ یُؤَدِّهَا فَلا صَوْمَ لَهُ إِذَا تَرَکَهَا مُتَعَمِّداً وَ مَنْ صَلَّی وَ لَمْ یُصَلِّ عَلَی النَّبِیِّ (صلی الله علیه و اله و سلم)وَ تَرَکَ ذَلِکَ مُتَعَمِّداً فَلا صَلاهَ لَهُ إِنَّ اللَّهِ تَعَالَی بَدَأَ بِهَا فَقَالَ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَکَّی وَ ذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّی(3).

«ترجمه» : از شرایط درستی روزه ، دادن زکات فطریه است . همچنان که تمامیّت نماز به صلوات فرستادن بر پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم)می باشد ، چه اگر کسی روزه بگیرد و عمداً فطریه ندهد روزه اش بی فایده است .

عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: إِذَا صَلَّی أَحَدُکُمْ وَ لَمْ یَذْکُرِ النَّبِیَّ وَ آلَهُ: فِی صَلاتِهِ یُسْلَکُ بِصَلاتِهِ غَیْرَ سَبِیلِ الْجَنَّهِ (4).

در ثواب الأعمال از عبد السّلام بن نعیم روایت کرده که به حضرت صادق(علیه السلام)عرض کردم : داخل خانه کعبه شدم و به غیر از صلوات فرستادن کار دیگری

1- 1. اعلی/15.
2- 2. الکافی 2/494 ، ح18 - وسائل الشّیعه 7/201 ، ح9110 .
3- 3. من لا یحضره الفقیه 2/183، ح2085 – وسائل الشّیعه 6/407 ، ح8298 – زکاه الفطره .

4- 4. الکافی 2/495 ، ح19– امالی شیخ صدوق (رحمت الله) /580 ، مجلس85، ح 19 - وسائل الشّیعه 6/408 ، ح8299- بحارالأنوار 91/49 ، ح7 .

انجام ندادم ، حضرت فرمودند: هیچ کس از کعبه بیرون نیامده که عملش از عمل تو بهتر بوده باشد و در کتاب کافی و عدّه الدّاعی هم خبر مرقوم را دارد.(1).

مواضع تأکید صلوات

خلاصه مواضع بسیاری است که فرستادن صلوات در آن موضع، در اخبار تأکیدش بیشتر است : هر کجا که اسم مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بُرده شود و در ابتداء هر کلامی که صاحب اهمیّت باشد و در ابتداء وضو و بر در مسجد و در تعقیب نمازها و در قبل و بعد دعاء و در خطبه جمعه و عیدین و در هر روز و شب و عصر روز پنجشنبه تا آخر روز جمعه و در ماه رجب و روز مبعث و ماه شعبان و ماه رمضان هر روز و در وقت بوئیدن گل ها و در وقت عطسه زدن و در هنگام ذکر خدا و اراده سفر و هنگام سوار شدن و در تلبیه گفتن و حین دخول به مسجد الحرام و نزد حجرالأسود و در صفا و مروه و هنگام طواف و روز عرفه و وقوف به مشعر الحرام و در وقت ذبح قربانی و در راه مدینه و نظر کردن به قبر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)و در ابتداء درس و حدیث و موعظه و حین بیرون رفتن از مجلسی و حین مصافحه و در ابتداء مکاتبات و در وقت فتوی نوشتن و حین طعام خوردن و وقت فراغت از آن و حین ورود در بازار و وقت بیع و شری (خرید و فروش) و در وقت تعجّب نمودن از چیزی و در وقت صدقه دادن و مواضع دیگر که این جا گنجایش ذکر ندارد.

بدان که در صلوات فرستادن فوائد بسیاری است که از حدّ بیرون است ولیکن بعضی را در این رساله عرض می کنم.

اوّل از فوائد صلوات امتثال امر الهی است و موافقت با حق تعالی و ملائکه است که « یُصَلّون عَلَی النَّبیّ » ملائکه بر او صلوات می فرستند و سبب حصول قرب به حقّ و موجب رضای خدای تعالی است و همچنین موجب قرب به پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)و

ص: 118

1- 1. ثواب الأعمال / 155 - بحارالأنوار 91/57 ، ح34 .

نائل شدن به شفاعت آن حضرت می باشد و ایشان برای او دعا می کنند و حضرت صورت صلوات فرستنده را می بوسند و این صلوات بر صحیفه نورانی برای او نوشته می شود و سبب کفّاره گناهان و باعث اجابت دعا و رفع حجاب از دعا می شود همچنین موجب وسعت رزق است و سبب وفا نمودن به عهد است در روز الست، و موجب رفع نفاق است و سبب طیب رائحه است و سبب نجات از غیبت است و سبب دفع قرض و مقروض نشدن است و سبب یاد آمدن فراموشی شده است و سبب درک نمودن مقام شهدا است و سبب نور است در قیامت و صراط و سبب سنگینی میزان است و سبب خلاصی از آتش جهنّم است و سبب هدایت یافتن است و سبب نورانیّت در قبر است و موجب دفع عطش در قیامت و موجب آشامیدن شراب سلسبیل و سبب نجات از اهوال دنیا و آخرت است و سبب دیدن مقام خویشتن است در بهشت بعد از مردن و سبب ایمنی از تلخی مرگ و سبب برتری عبادت اوست از ملائکه و موجب صلوات فرستادن جمیع خلق است برای او و بهترین اعمال در آخرت است و موجب ادراک رحمت و قبولی طاعات است که شرح آن نوشته شد ، چنانچه گذشت کیفیت آن و قریب به همان کیفیت از برای خود حقیر واقع شد که در اواخر کتاب شرح او را می نگارم .

خلاصه هر کدام از این فوائدی که ذکر شد اخبار مطابق آن ها را با مدارک معتبره در اوراق قبل نوشته شد، ملاحظه فرمایید و ملتمس دعا هستم شاید بعد هم باز از فوائد صلوات ذکر نمایم.

ص: 119

آداب صلوات فرستادن

بدان آدابی که صلوات فرستنده باید مراعات نماید از این قرار است:

اوّلاً باید ملاحظه نماید این آیه مبارکه را که می فرماید: «لا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضاً ...»(1) قرار ندهید خواندن پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را مثل خواندن یکی از شماها دیگری را، یعنی اسم مبارک آن حضرت را به تعظیم بر زبان ها جاری نمائید. از این جا معلوم می شود که باید صلوات فرستنده آداب ظاهری و باطنی را ملتفت باشد، تا بتواند با وضو باشد و با توجّه ملتفت مقام محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) بوده باشد و صلوات را مایه شهرت خود قرار ندهد و به جهت صلوات منّت بر مردم نگذارد و از جمیع اغراض دور باشد و در جمیع محافل و مجالس صلوات بفرستد مطابق خبری که در کتاب دعائم از کتاب کشف الغطاء آمده است .

و در کافی از حضرت صادق(علیه السلام)منقول است که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند : هر قومی که جمع شوند در مجلسی و خدا را یاد نکنند و بر من صلوات نفرستند آن مجلس برای آن ها گریبانگیر خواهد بود. دیگر آن که هَمَّش امتثال خدا و توسّل و تقرّب به پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)باشد و آن حضرت را حاضر بداند.

سبب یازده مرتبه صلوات فرستادن

چنان چه در اوّل کتاب بیان شد و دارد که چون بعضی از نیکان می خواستند صلوات بفرستند از یازده مرتبه کمتر صلوات نمی فرستادند به جهت حدیثی که در کتاب مصباح القلوب مذکور است و در کتاب لئالی هم ذکر می کند و قبلاً هم نوشته شد، که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)در شب معراج مَلکی را دید که موکّل بر قطرات باران بود، حضرت از او سؤال نمودند که چه حسابی را از عهده برنمی آیی؟ عرض کرد : چون عدد صلوات به یازده مرتبه رسید من از حساب ثواب آن عاجزم ، ا لی آخ-ر.

ص: 120

1- 1. نور/63.

بدان در کتاب منهج الواعظین که از تألیفات سلطان الواعظین مرحوم حاج سیّد محمّد حسین کاشانی اصفهانی; می باشد مرقوم است «رُوِیَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ(علیهما السلام)عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّه(صلی الله علیه و اله و سلم): نَوِّرُوا بُیُوتَکُمْ قَالُوا

یَا رَسُولَ اللّه(صلی الله علیه و اله و سلم)بِمَا نَوِّرْ بُیُوتَنَا؟ قال(صلی الله علیه و اله و سلم): بِکَثْرَهِ صَلَواتِکُمْ» الخ.

وَ فیهِ عَنْ اِبْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ النَّبِیُّ(صلی الله علیه و اله و سلم): اِنَّ اللهَ تَعَالی ملکاً تَحْتَ الْعَرْشِ عَلی رَأْسِهِ زَوایَه قَدْ اَحَاطَتْ بِالْعَرْشِ مَا مِنْ شَعْرَهٍ عَلی رَأسِهِ الاَّ مَکْتُوباً عَلَیْهَا لا اِلهَ إلاَّ اللّه مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّه(صلی الله علیه و اله و سلم) فَإذَا صَلَّی الْعَبْدُ عَلی النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم)ضَایَقَتْ شَعْرَهُ إلاَّ اسْتَغْفَرَتْ لِصَاحِبِهَا.

أَیضَاً فیهِ قَالَ رَسُولُ اللّه(صلی الله علیه و اله و سلم): مَنْ جَعَلَ عِبَادَتُهُ الصَّلوهَ عَلَیَّ قَضَی اللّهُ لَهُ حَاجَهَ الدُّنیَا وَ الآخِرَه.

و نیز مرقوم است در منهج روزی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)در مسجد ایستاده بودند، عربی رسید و دست کسی را گرفته با شتری می آورد، عرض کرد: یا رسول الله! این شتر از برای من است و این مرد دزدیده، مرد گفت: دروغ می گوید گفت: شاهد دارم و رفت چهار نفر گواه آورد و شهادت دادند. آن مرد عرض کرد: یا رسول الله! از خود شتر سؤال فرمایید پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم)فرمودند: ای حیوان! صاحب تو کدام یک اند؟

شتر به زبان فصیح عرض کرد: من از برای این مَرد هستم و او با شاهدان دروغ می گویند، حضرت فرمودند: ای عرب! چه طاعت کرده ای که خداوند این شتر را گویا فرمودند و بر تو گواهی داد؟ عرض کرد: بعد از هر نماز فریضه ام ده مرتبه بر شما صلوات می فرستم حضرت فرمودند: امروز به برکت صلوات از دست بریدن نجات یافتی و فردا از آتش دوزخ آزاد می گردی .

خلاصه مقام محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) را خدا می داند، این است که هر کس بر آن ها صلوات فرستاد و متوسّل به آن ها شد، نجات یافت.

سؤال جابر از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)در مقام امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)

چنان چه در کتاب اختصاص از حضرت باقر(علیه السلام) روایت شده است جابر انصاری گفت: عرض کردم خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)چه می فرمایید در شأن علی بن ابیطالب (علیه السلام)؟ فرمودند : او نَفْس من است. عرض کردم: چه می فرمایید در شأن حسن و حسین (علیهما السلام)؟ فرمودند : هر دو روح من هستند، فاطمه (علیها السلام) مادر ایشان دختر من است، هر که او را دلگیر نماید مرا دلگیر نموده و هر که او را شاد کند، مرا شاد کرده، ای جابر! هر گاه خواهی دعا کنی و دعای تو مستجاب شود خدا را بخوان به اسماء ایشان زیرا که هیچ اسمی در نزد حق تعالی محبوب تر از اسماء ایشان نیست و توبه حضرت آدم(علی نَبیِّنا و آله و علیه السلام) به واسطه توسّل به پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)و ائمّه اطهار(علیهم السلام) به درجه قبول رسید و آن ها را شفیع قرار داد و همچنین حضرت نوح(علی نَبیِّنا و آله و علیه السلام) در طوفان به توسّل به آن انوار مقدّس ، خلاصی یافت .

توسل حضرت ابراهیم به محمّد و آل محمّد(علیهم السلام)

در کتاب معانی الأخبار از مفضّل روایت کرده است گفت: از حضرت صادق(علیه السلام)سؤال نمودم از آیه شریفه «وَ إِذِ ابْتَلی إِبْراهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ»(1) آن کلمات چه بود که خداوند ابراهیم را به آن ها امتحان فرمود؟ حضرت فرمودند: همان کلمات بود که حضرت آدم (علی نبیّنا و آله و علیه السّلام) فرا گرفت و توبه اش به سبب آن ها قبول شد و آن کلمات این بود که گفت: خدایا به حقّ محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین(علیهم السلام) توبه مرا قبول فرما و خداوند توبه او را قبول فرمودند . عرض کردم آن چه بود که ابراهیم(علیه السلام) آن را تمام کرد؟ فرمودند : تمام کردن آن ها را تا به قائم (2) f).

1- 1. بقره/124.
2- 2. معانی الأخبار /126، ح 1 - بحارالأنوار 11/177، ح 24 و 12/66 ، ح 12 .

و قبل از این ذکر شد که امامزاده حضرت عبدالعظیم(علیه السلام) فرمودند: خدا ابراهیم را خلیل خود گردانید به جهت این که بسیار بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) صلوات می فرستاد، جهات دیگر هم دارد که این جا گنجایش بیان آن را ندارد.

وحی الهی به حضرت موسی (علی نبیّنا و آله و علیه السّلام)

مذکور است که خداوند به حضرت موسی (علی نبیّنا و آله و علیه السّلام) وحی فرمودند : ای موسی! وقتی به من نزدیک تر خواهی بود که بر حبیب من محمد (صلی الله علیه و اله و سلم)صلوات بفرستی.

در بیان آیه «وَ إِذْ نَجَّیْناکُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَسُومُونَکُمْ سُوءَ الْعَذابِ یُذَبِّحُونَ أَبْناءَکُمْ وَ یَسْتَحْیُونَ نِساءَکُمْ وَ فی ذلِکُمْ بَلاءٌ مِنْ رَبِّکُمْ عَظیمٌ»(1) یعنی ای گروه بنی اسرائیل! به یاد بیاورید آن وقتی را که نجات دادیم ما، شما را از آل فرعون که عذاب می کردند شما را به عذاب سخت و می کشتند پسران شما را و زنده می گذاردند زنان شما را و این از جانب پروردگار شما امتحان عظیم بود .

مذکور است از جمله عذاب آن قوم این بود که بنی اسرائیل را برای عمل بنّایی می بردند و خوف داشتند از این که مبادا فرارکنند به این سبب پاهای آن ها را در قید (زنجیر) می گذاردند و به ایشان می گفتند: گِل برداشته بر نردبان بالا روند و بسا بود که می افتادند و هلاک می شدند تا این که خداوند به حضرت موسی(علی نَبیِّنا و آله و علیه السلام) وحی فرمودند : به ایشان بگو قبل از شروع در عمل بر محمّد و آل طیّبین آن حضرت(علیهم السلام) صلوات فرستند تا این که بر ایشان سبک و آسان گردد و چنان کردند و بر ایشان آسان شد و امر می فرمودند به کسانی که در اوّل عمل فراموش می کردند صلوات را و می افتادند که صلوات را بخوانند، چون می خواندند خوب می شدند و شفا پیدا می کردند.

1- 1. بقره/49.

سبب کشتن پسران قوم بنی اسرائیل این بود که به فرعون گفته بودند در میان بنی اسرائیل مولودی پیدا خواهد پیدا شد ، که هلاکت تو به دست اوست . فرعون امر کرد پسران آن ها را کشتند و به زنان حیله ای کنند تا حامله نشوند و چون حمل برمی داشتند و اولادی از آن ها متولّد می شد فرزند خود را می بردند و در غارها و کوه ها پنهان می کردند و ده مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) می فرستادند ، خداوند ملکی را می فرستاد آن طفل را تربیت نماید و از انگشت او شیر جاری می کرد که او را بِمکد و از انگشت دیگر او طعام ملایم جاری می ساخت و از فرزندان بنی اسرائیل آن چه سالم ماندند، بیشتر بودند از آن چه کشته شدند و زنان بنی اسرائیل را کنیزان خود قرار می دادند، پس بنی اسرائیل به نزد حضرت موسی«علی نبیّنا و آله و علیه السّلام» آمدند و گفتند: این گروه بر دختران و خواهران قرعه می اندازند موسی آن زنان را امر نمود که چون مردی از آن قوم قصد شما نمود بر محمّد و آل طاهرین آن حضرت(علیهم السلام) صلوات بفرستید آن ها صلوات می فرستادند چون کسی قصد آن ها را می نمود خداوند دفع شرّ آن ها را می فرمودند یا به مرضی مبتلا می شدند یا از خیال آن زن منصرف می شدند و زیاده بر این طالبان رجوع نمایند به تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام)و جلد اوّل کتاب حیوه القلوب علاّمه مجلسی .

توسل یهود به حضرت محمّدبن عبدالله (علیه السلام)

و نیز در تفسیر امام عسکری (علیه السلام)روایتی است که خلاصه آن این است:

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: خداوند خبر داد پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)را به این که یهود قبل از ظهور آن حضرت به ایشان ایمان داشتند و بر دشمنان به واسطه توسّل به ایشان و صلوات فرستادن بر آن حضرت و آل آن حضرت : غلبه می کردند و فرمودند: خداوند یهود را امر فرمودند در ایّام حضرت موسی«علی نبیّنا و آله و علیه السّلام» و بعد از آن، چون به مصیبتی گرفتار شوید خدای را به محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) بخوانید و از ایشان نصرت بخواهید و چنین کردند تا آن که ده سال قبل از ظهور

ص: 124

آن حضرت قبیله اسد و غطفان با جمعی دیگر از مشرکان قصد یهود مدینه را نمودند و مشرکین سه هزار نفر بودند و یهود سیصد نفر. خدا را به حقّ محمّد و آل ایشان(علیهم السلام) قسم دادند و بر مشرکین غالب شدند مشرکان استمداد کردند به قدر سی هزار نفر دیگر آمدند و یهود در قریه محصور بودند و مشرکین آب و طعام را از ایشان منع نمودند و آب های جاری که داخل قریه ایشان می شد همه را قطع کردند و نگذاردند کسی طعام برای آن ها ببرد، یهودیان امان خواستند، آن ها قبول نکردند و گفتند ما همه شما را خواهیم کشت و اموال شما را غارت خواهیم نمود جمعی از عقلای ایشان گفتند: مگر حضرت موسی(علی نبیّنا و آله و علیه السّلام) شما را امر نفرمودند به این که بر محمّد و آل آن حضرت(علیهم السلام) پناه ببرید و آن ها را در بلاها به نزد خدا شفیع قرار دهید گفتند: بلی، پس آن گروه عرض کردند: الهی به جاه محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) و آل طیّبین آن حضرت(علیهم السلام) تو را قسم می دهیم که به ما آب مرحمت فرما، خداوند باران فرستاد که حوض ها و نهرها و ظرف های آن ها پر از آب شد چون به بام ها برآمدند دیدند که باران اذیّت بسیار به لشکر دشمن رسانیده، زیرا که در فصل تابستان بود و بعضی از ایشان متفرّق شده و می گفتند: اگر آب پیدا کردید طعام را چه خواهید کرد؟ یهود گفتند: آن کس که ما را به سبب محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) سیراب کرد، قادر است که ما را طعام نیز دهد.

پس قافله ای رسید به امر حق تعالی به قدر دو هزار شتر و استر و تمام آن ها طعام بار داشتند از گندم و غیره و خداوند خواب را بر آن لشکر غالب کرد که هیچ ندیدند تا آن که آن قافله وارد قلعه یهود شد و متاع را به آن ها فروختند و رفتند. پس آن ها از خواب بیدار شدند یهود فریاد کردند: خداوند به برکت محمّد و آل آن حضرت(علیهم السلام) طعام برای ما فرستاد و اگر دست از ما برندارید خدا را به محمّد و آل ایشان(علیهم السلام) می خوانیم تا شما را هلاک نماید قبول نکردند یهود خدا را به حقّ محمّد و آل ایشان(علیهم السلام) قسم دادند و طلب نصرت نموده و بیرون آمدند و بر آن سی هزار نفر حمله کردند و جمعی از آن ها را دستگیر نمودند.

پس چون حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم)ظاهر شدند، یهود بر آن حضرت حسد بردند که چرا از عرب است و تکذیب آن حضرت نمودند پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)فرمودند: این بود یاری کردن خدا یهودیان را به سبب آن که محمّد و آل آن حضرت(علیهم السلام) را یاد کردند، پس شما ای امّت محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) نیز یاد کنید محمّد و آل آن حضرت(علیهم السلام) را در نزد هر شدّت تا این که خدا یاری کند شما را به واسطه ملائکه بر شیاطینی که قصد شما می کنند.

به درستی که با هر یک از شما ملکی هست در طرف چپ که گناهان را می نویسد و دو شیطان نیز با هر کسی هست که ابلیس آن ها را فرستاده که او را فریب نمایند پس چون یکی از شما وسوسه در دل خود بیابد خدا را یاد کند و بگوید «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِین» آن دو شیطان پنهان می شوند و به نزد ابلیس می روند و می گویند که امروز این شخص ما را خسته کرده است، جمعی را به مدد ما بفرست ابلیس جمعی را به مدد ایشان می فرستد تا این که هزار نفر در نزد او جمع می شوند و قصد او می کنند پس اگر آن بنده خدا را یاد کند و بر محمّد و آل آن حضرت(علیهم السلام) صلوات فرستد آن ها راه به او نخواهند یافت و نزد ابلیس می روند و می گویند: خودت بیا بلکه بر او غالب شوی و او را گمراه نمایی، پس ابلیس با تمام لشکر خود می آید و خداوند به ملائکه می فرماید: ابلیس قصد فلان بنده را نموده است با لشکرش، شما بروید و با او مقاتله نمائید پس در مقابل هر شیطانی یکصد هزار ملک می آید که بر اسب های آتشی سوارند و در دست ایشان شمشیرها و نیزه های آتشین و تمام حربه های آن ها از آتش می باشد و آن شیاطین را دور می کنند و بعضی را می کشند و ابلیس را اسیر می کنند و بر او حربه می زنند و او فریاد می زند: الهی

چه شد وعده تو که مرا مهلت دادی تا وقت معلوم؟ خطاب می شود به ملائکه که من او را وعده داده ام که او را نکشم، وعده نداده ام که عذاب را بر او مسلّط نکنم و دردی به او نرسانم، او را بزنید و ملائکه آن قَدر بر او ضربت می زنند که تمام اعضایش مجروح می شود و جراحت های او خوب نمی شود مگر به شنیدن آواز مشرکان که به کفر تکلّم نمایند، پس اگر آن بنده بر ذکر خدا و صلوات فرستادن بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) باقی بماند سالم است و هر گاه یاد خدا و صلوات را ترک نمود و معصیت خداوند کرد، جراحات ابلیس خوب می شود و بر آن بنده مسلّط می شود و او را اسیر می کند.

پس رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم)فرمودند: اگر می خواهید که ابلیس با بدن مجروح بماند مداومت نمائید بر طاعت خدا و صلوات فرستادن بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) و اگر غیر از این کنید اسیر ابلیس خواهید بود و بر گردن های شما سوار خواهد گردید(1).

واقعه ذبح گاو توسط بنی اسرائیل

در تفسیر امام (علیه السلام) مذکور است و در نورالعیون هم می نویسد در تفسیر آیه مبارکه «وَ إِذْ قالَ مُوسی لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً»(2) در میان بنی اسرائیل کسی را کشتند و قاتل او معلوم نشد و از جانب خداوند مأمور شدند به این که گاوی را بکشند که صاحب صفات مخصوصه باشد و چنین گاوی را پیدا نکردند مگر در نزد جوانی از بنی اسرائیل که خداوند در خواب به او نموده بود از جانب پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)و ائمّه طاهرین(علیهم السلام) که به او گفته بودند چون تو دوست ما هستی، می خواهیم جزایی به تو عطا فرمائیم چون آمدند و خواستند گاو را از تو بخرند مفروش مگر به امر مادرت و اگر چنین کردی خداوند مادر تو را مُلهَم (بردل افتادن) خواهد گردانید به امری چند که باعث توانگری شما گردد.

1- 1. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / 393،ح 269 – البرهان فی تفسیر القرآن 1/273 - بحارالأنوار 91/10،ح11 .
2- 2. بقره/67 .

پس آن جوان از دیدن آن خواب شاد شد و چون صبح شد، بنی اسرائیل آمدند تا آن گاو را بخرند و گفتند: به چند می فروشی؟ گفت: به دو دینار ولیکن باید به اذن مادرم باشد. گفتند: ما به یک دینار می خریم، چون به مادرش گفتند، گفت: به چهار دینار. گفتند: به دو دینار می خریم. خلاصه آن چه ایشان راضی می شدند، مادر مضاعف می کرد تا این که رسید قیمت آن گاو به این که پوست او را پُر از طلا نمایند. او را خریدند و کشتند و استخوان بیخ دم او را بر آن کشته زدند و گفتند: خدایا به جاه محمّد و آل طیّبین آن حضرت(علیهم السلام) این مُرده را زنده گردان که ما را خبر دهد قاتل او کیست؟ ناگاه به امر خدا آن مُرده زنده شد و به حضرت عرض کرد: ای موسی! این دو پسر عموی من بر من حسد بردند به جهت دختر عموی من و مرا کشته و در این جا انداختند تا دیه مرا از ایشان بگیرند.

پس حضرت موسی (علی نبیّنا و آله و علیه السّلام) آن قاتل را کشت، آن وقت پوست گاو را پر از طلا نمودند که پنج هزار اشرفی شد و چون زرها را تسلیم آن جوان نمودند، پس خداوند وحی فرمودند به حضرت موسی (علی نبیّنا و آله و علیه السّلام) که بگو به بنی اسرائیل: هر که از شما می خواهد که من در دنیا زندگانی او را نیکو کنم و در بهشت او را جای دهم ، عمل کند آن چه این جوان انجام می داده به درستی که این جوان از حضرت موسی شنیده بود خواص ذکر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) را ، و کسی که پیوسته بر ایشان صلوات فرستد از انس و جنّ و ملائکه مقامش زیادتر است و به این سبب مال زیادی از برای او میسّر شد و دشمنان او مقهور شدند .

پس آن جوان به حضرت عرض کرد: من چگونه حفظ کنم این مال را و چه کنم با حسد حاسدان؟ حضرت موسی(علی نبیّنا و آله و علیه السّلام) فرمودند: برای حفظ مال هم صلوات بسیار بفرست بر محمّد و آل طاهرین آن جناب(علیهم السلام) تا خدا اموالت را حفظ فرماید و هر دزدی و حاسدی و ظالمی را که خواستند به تو اذیّت نمایند خداوند شرّ این ها را از تو دفع فرماید. آن وقت آن جوان که زنده شده بود عرض کرد: الهی تو

را به حقّ محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) قسم می دهم که ما را باقی بداری در دنیا تا با دختر عموی خود آسوده زندگانی نمایم و دشمنان مرا خوار گردانی.

خطاب خدای حق تعالی به حضرت موسی (علی نبیّنا و آله و علیه السّلام) رسید: چون این جوان متوسّل شد به محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) و آن ها را شفیع قرار داد یکصد و سی سال به او عمر دادم که با زوجه خود سالم زندگانی نماید، چون این مدّت گذشت هر دو را با هم از دنیا می برم و در بهشت جای می دهم. ای موسی! اگر قاتل این جوان هم متوسّل به محمّد و آل آن حضرت(علیهم السلام) شده بود و از من سؤال می کرد و توبه کرده بود هر آینه توبه او را قبول می کردم و او را رسوا نمی کردم و خاطر بنی اسرائیل را از او منصرف می کردم از پیدا کردن قاتل و اگر بعد از رسوایی هم توبه می کرد و متوسّل به آن انوار مقدّسه می شد عمل او را از خاطره های مردم می بُردم و در دل اولیاء مقتول می انداختم که از قصاص او بگذرند ولیکن محبّت و ولایت این بزرگواران و توسّل به ایشان فضیلتی است که به هر که می خواهم به مرحمت خود عطا می کنم و از هر که می خواهم به عدالت خود و به سبب بدی های او منع می نمایم و من خداوند عزیز حکیم هستم.

پس قوم بنی اسرائیل خدمت حضرت موسی(علی نبیّنا و آله و علیه السّلام) عرض کردند: مال خود را جمع نموده تمام را به بهای گاو دادیم. پس دعا کن که خداوند روزی ما را وسعت دهد. حضرت موسی(علی نبیّنا و آله و علیه السّلام) فرمودند: وای بر شما ! مگر نشنیدید دعای آن جوان را و آن مقتول زنده شده را و ندیدید که چه فائده ها بر دعای ایشان مترتّب شد به جهت توسّل به محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) پس شما هم به آن بزرگواران متوسّل شوید تا خداوند احتیاج شما را رفع فرماید و روزی شما را فرّاخ گرداند. پس ایشان عرض کردند: الهی به حقّ محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین و آل طیّبین ایشان(علیهم السلام) که دفع فقر و پریشانی از ما بفرما، خطاب رسید به حضرت موسی(علی نبیّنا و آله و علیه السّلام) : بگو به ایشان که بروند در فلان خرابه و فلان موضع را بشکافند که در آن جا

ده هزار هزار دینار است بردارند و در بین خود قسمت نمایند تا اموال آن ها زیاد شود، چون متوسّل شدند به انوار مقدّس محمّد و آل طیّبین آن حضرت(علیهم السلام) و معتقد گردیدند به زیادتی فضل و کرامت ایشان بر تمام مخلوقات. و تمام خبر را طالبین به تفسیر امام عسکری (علیه السلام)رجوع فرمایند(1).

و فصل ششم از جلد اوّل حیوه القلوب مرحوم علاّمه مجلسی و از کتاب ریاض الأزهار که از کتب عامّه است و تحفه الطّوسیّه و نور العیون مرقوم است خداوند به ملکی امر فرمودند فلان شهر را خراب کن چون آن ملک به آن شهر آمد و گریه کودکان و صدای حیوانات را شنید بر آن ها دلش سوخت و در خرابی آن شهر تأمّلی نمود خداوند بر او غضب کرد و بال های او را در هم شکست و از صعود بر افلاک محروم ماند.

روزی جبرئیل(علیه السلام)او را گریان و نالان دید که بر روی خاک افتاده دلش سوخت، نجات او را از حق تعالی طلب نمود، خطاب رسید: به او بگو بر حبیب من محمد (صلی الله علیه و اله و سلم)صلوات فرستد تا به برکت آن حضرت بال های او صحیح شود.

آن ملک شروع کرد به صلوات فرستادن پر و بالش صحیح شد و به مقام قبلی بازگشت و قریب به این مضمون قبلاً ذکر شد.

حکایت تاجر بلخی و موی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)

مرقوم است در نور العیون و در تحفه الطّوسیّه هم از کتاب شفاء الأسقام نقل می کند که تاجری در بلخ دو پسر داشت و از جمله میراث او سه تار از موی مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بود. چون از دنیا رفت آن دو برادر خواستند میراث پدر را قسمت نمایند هر کدام یک موی برداشتند و برادر بزرگ گفت که یک موی دیگر را دو نیم می کنیم و هر کدام نصف او را برمی داریم. برادر کوچک

ص: 130

1- 1. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام)/ 273 ،ح140 – البرهان فی تفسیر القرآن 1/236 ،ح507- بحارالأنوار 13/259 ،ح 1.

گفت: قطع نمودن موی مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)بی ادبی است. من از ترکه پدر چیزی نمی خواهم هر چه پدر مال دارد مال تو باشد و من این موی را برمی دارم و آن را نصف نکنیم، برادر بزرگ قبول کرد و موی ها را به برادر داد و تمام ترکه پدر را تصرّف نمود و آن برادر آن موی ها را در حقّه ای گذارد و پیوسته او را بیرون آورده و می بوسید و صلوات بر آن حضرت(صلی الله علیه و اله و سلم)می فرستاد.

چون از دنیا رفت یکی از اولیاء بلخ، پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)را در خواب دید که حضرت به او فرمودند: به مردم بگو هر کسی حاجتی داشته باشد برود بر سر قبر او دعا کند، حاجتش روا خواهد شد. عرض کرد: یا رسول الله! سبب این کرامت چیست؟ فرمودند: احترام موی مرا نگاه داشت و بسیار بر من صلوات فرستاد، لهذا قبر او محلّ استجابت دعا شد.

و مرحوم ملاّ حسین کاشفی(رحمت الله) در یکی از تألیفات خود ذکر کرده است: وقتی با اهل و عیال سفری می رفتم ناگاه جمعی به ما رسیدند و بسیار خائف بودند، به من گفتند: در این راه سارقین هستند و ما به زحمت از این راه عبور نمودیم و شما منفرد با عیال کجا می روید! خوب است مراجعت کنید خوف عظیم به من دست داد، خوابیدم در خواب دیدم کسی به من می گوید: این صلوات را بخوان و خوف نداشته باش تا عبور کنی و صلوات این است: «أللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی النَّبِیِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ کَمَا اَمَرْتَنَا اَنْ نُصَلِّی عَلَیْهِمْ وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ آلِهِ کَمَا یَنْبَغِی اَنْ تُصَلِّی عَلَیْهِمْ وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ آلِهِ بِعَدَدِ مَنْ صَلَّی عَلَیْهِمْ وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ آلِهِ بِعَدَدِ مَنْ لَمْ یُصَلِّ عَلَیْهِمْ وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ آلِهِ کَمَا تُحِبُّ اَنْ تُصَلِّی عَلَیْهِمْ» و من ابداً این کلمات را در کتابی ندیده بودم و از کسی نشنیده بودم، چون بیدار شدم این کلمات بر زبان من جاری بود و می خواندم و اشخاصی هم که با من بودند می خواندند و روانه راه شدم، به اندک ساعتی به دزدان رسیدیم. ما آن ها را می دیدیم و سخن آن ها را می شنیدیم و آن ها ما را ندیدند و سالم گذشتیم به برکت صلوات بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) و به مقصد رسیدیم.

در کتاب ازهار هم که از کتب عامّه است حکایاتی به همین مضامین مذکور است که دیگر در این وجیزه گنجایش ندارد.

خلاصه امثال این حکایات و روایات و کرامات و توسّلات کسانی که متوسّل به این خاندان شده اند و نجات یافته اند از حدّ و حصر بیرون است بلکه می توان گفت: اغلب مردم هر کدام به مقدار خود ابتلایی پیدا کرده اند و به واسطه توسّل به پیغمبر و ائمّه طاهرین(علیهم السلام) شدائد عظیمه از آن ها دفع شده و به مقاصد و مطالب بزرگ رسیده اند.

چنان چه خود این عبد عاصی مؤلّف این کلمات با برکات از زمان تکلیف تا کنون که پنجاه سال متجاوز است متوسّل به این خانواده شده ام و مشغول ذکر فضائل و مصائب این انوار مقدّس می باشم در هر زمانی از زمان ها مکرّر از این قبیل ابتلائات و توسّلات به ایشان برایم اتّفاق افتاده است چه در بیابان و چه در دریا و چه در شب و چه در روز از ظالم و سارق و غیره که بسیار است و تمام آن ها به برکت محمّد و آل آن جناب(علیهم السلام) و توسّل به آن انوار مقدّس رفع شده که بعضی از آن ها را به مناسبت در بعضی از تألیفات خود ذکر کرده ام که از جمله آن ها کتاب «وقایع الظّهور» و «تسلیه الفقراء» و «مصائب المعصومین(علیهم السلام) » است.

خواب مولّف از حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم)

من جمله از چیزهایی که راجع به منامات (خوابها) است چون در قبل راجع به خواب هایی در خصوص صلوات مرقوم شد همان خوابی که راجع به صلوات است در این اواخر عمر که مشغول نوشتن این کتاب بودم و مهیّا شدم که آن چه در نظرم دارم از اخبار ثواب صلوات تا بتوانم در محافل و منابر به عرض برادرهای دینی خود برسانم، شاید آن ها مشغول ذکر صلوات شوند که «الدَّالُّ عَلَی الْخَیْرِ کَفَاعِلِهِ» و به واسطه اعمال و اذکار و دعای آن ها من هم آمرزیده شوم ان شاءالله، خلاصه با

ص: 132

خود خیال می کردم آیا این عمل من در نزد پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)محبوب است در اعلاء کلمه صلوات یا نه و این وقعه در ثُلث آخر شب جمعه دوازدهم شهر جمادی الأولی سال یک هزار و سیصد و پنجاه واقع شد.

خواب دیدم که در روضه مطهّره پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم)مقابل قبر مطهّر ایستاده و مشغول زیارت آن حضرت هستم. دیدم آن حضرت ظاهر شدند و مرا در آغوش خود گرفتند و سر من در سینه مبارک، آن حضرت را می بوسیدم و عبارات زیارت آن جناب را می خواندم. تمام توجّه من به آن حضرت بود و با خود می گفتم: این خود پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) است چرا توجّه من به قبر ایشان باشد و مشغول زیارت بودم و به آن حضرت توجّه داشتم و آن حضرت عبارات زیارت را تعلیم من می فرمودند: این قسم بخوان.

من عرض کردم: یا رسول الله! پس اعمال سابق من که مکّه آمدم و به زیارت شما مشرّف شدم درست نبوده و غلط خوانده ام زیرا که من این قسم زیارت نخواندم که شما می فرمایید بخوانم؟ آن حضرت فرمودند: حال همین قسمی که من می گویم بخوان اعمال و زیارت سابق تو هم قبول خواهد شد. پس آن چه آن حضرت فرمودند من می گفتم و به سینه مبارک آن حضرت نگاه می کردم و از شوق سینه آن حضرت را می بوسیدم و همین قسم دست آن حضرت در گردن من بود و مرا در سینه مبارک خود قرار داده بودند و اظهار مرحمت می فرمودند تا این که از خواب بیدار شدم. «أللَّهُمَّ ارْزُقْنِی زِیَارَتُهُ وَ شَفَاعَتُهُ وَ التَّوْفِیق فِی اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ جَمیعِ السَّاعَاتِ بِذِکْرِ الصَّلَوَاتِ عَلَیْهِ وَ عَلی آلِهِ الطَّاهِرِینَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِمْ أَجْمَعین آمینَ یَا رَبَّ الْعَالَمین».

کرامهٌ: این عبد آثم جانی کاتب خط طبع این دُرّ ثَمین حاج میرزا ابوالفضل خواجویی اصفهانی در هنگامی که مشغول کتابت این کتاب بودم روزی برای واقعه ای، دستم ابتلاء به رعشه (لرزش) پیدا کرد به قسمی که دیگر به هیچ وجه قادر بر نوشتن نبودم و حاج معظّم مؤلّف هم نشسته متحیّر از جهت تعجیلی که

در نوشتن داشتند چون ایشان از آن مجلس تشریف بردند، حقیر با خود گفتم متوسّل شوم به ذکر صلوات برای شفای دستم پس از روی خلوص چند مرتبه صلوات فرستادم و قلم را به دست گرفته، شروع به نوشتن نمودم. از برکت توسّل به این ذکر شریف رعشه به کلّی رفع شد.

کرامتی دیگر از توسّل به این ذکر شریف دیدم در طریق مکّه معظّمه، راجع به تشرّف به مدینه منوّره که مقتضی کتب نیست.

خلاصه در اخبار اهل بیت اطهار(علیهم السلام) وارد شده که حمله عرش الهی که مقرّب ترین ملائکه اند تا متوسّل به آن انوار مقدّس نشدند و صلوات بر ایشان نفرستادند نتوانستند عرش را بلند نمایند، چون ایشانند مظهر اسم اعظم الهی و اسماء حُسنای اویند.

و در کتاب اختصاص از حضرت امام رضا (علیه السلام) روایت کرده که فرمودند: هر گاه بر شما شدیدی واقع شد استعانت جوئید به ما، در نزد خدا و این است معنی قول حق تعالی که می فرماید «وَ لِلَّهِ الأَسْماءُ الْحُسْنی فَادْعُوهُ بِها»(1).

و در تفسیر عیّاشی از امام محمّد باقر(علیه السلام) روایت کرده است فرمودند: به خدا قسم ما هستیم اسماء حُسنی که قبول نمی کند خدا چیزی را از احدی مگر به شناختن ما، پس خدا را به واسطه ما بخوانید(2).

حکایت حضرت سلمان(علیه السلام) و مشرکین

در کتاب عدّه الدّاعی از سلمان فارسی(علیه السلام)روایت کرده است خداوند می فرماید: ای بندگان من! بدانید که گرامی ترین خلق بر من و فاضل ترین ایشان در نزد من محمد (صلی الله علیه و اله و سلم)است و آل طیّبین و طاهرین آن حضرت(علیهم السلام) ، تا این که

1- 1. بحارالأنوار 91/5 ،ح 7 - مستدرک الوسائل 5/229 ، ح5760 .
2- 2.تفسیر عیّاشی 2/42 ، ح 119 – بحارالأنوار 91/6 ، ح 7 - مستدرک الوسائل 5/229 ، ح5760 .

حاجت او را برآورم، پس گروهی از مشرکین در مقام استهزاء به حضرت سلمان علیه السلام گفتند: چرا از خدا سؤال نمی کنی به حقّ ایشان که تو را غنی ترین اهل مدینه گرداند؟! حضرت سلمان علیه السلام گفتند : من از خدا خواسته ام به حقّ ایشان که به من عطا فرماید زبان ذاکر و گوینده ای که حمد و ثنای ایشان را به جا بیاورم و دل شکر نماینده ، که شاکر باشم و بدنی که بر بلاها صابر باشد و خداوند دعای مرا مستجاب فرموده و آن ها را به من عطا نموده و آن ها از تمام ملک دنیا بهتر از صد هزار مرتبه است.

و شیخ طوسی; از امام محمّد باقر(علیه السلام) روایت کرده: هر که خدا را به واسطه ما بخواند رستگار می شود و هر که غیر از آن نمود هلاک می گردد.

نجات یافتن گنهکار از جهنّم

و شیخ صدوق و شیخ مفید و شیخ طوسی4 به اسانید خود از حضرت امام محمّد باقر(علیه السلام)روایت کرده اند که بنده معصیت کار در جهنّم هفتاد خریف خواهد ماند و هر خریفی هفتاد سال است.پس از خدا سؤال می کند و قسم می دهد به حقّ محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) که بر او رحم نماید، آن وقت خطاب می رسد به جبرئیل(علیه السلام) که برو و او را بیرون آور، عرض می کند: الهی چگونه داخل آتش شوم؟

خطاب می رسد: که من آتش را برای تو سرد می کنم، عرض می کند: این بنده در کجاست؟ می فرماید: در چاهی است از سِجِّین، پس او را بیرون می آورد. پس خطاب به بنده می رسد: به عزّت و جلال خودم سوگند که بر خودم لازم کرده ام که هر کسی از من سؤال نماید به حقّ محمد (صلی الله علیه و اله و سلم)و اهل بیت او(علیهم السلام) ، بیامرزم گناهان او را و امروز تو را آمرزیدم .

«أللَّهُمَّ إنِّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ التِّسْعَهِ الْمَعْصُومینَ مِنْ ذُرِّیَّهِ الْحُسَیْنِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ اَنْ تَغْفِرَ ذُنُوبِی وَ تَجَاوَزَ عَنْ سَیِّئَاتِی وَ تَرْزُقَنِی خَیْرَ الدُّنْیَا وَ الآخِرَهِ وَ اَنْ تَفْعَلَ ذلِکَ بِجَمیعِ الْمُؤمِنینَ وَ الْمُؤمِنَاتِ بِرَحْمَتِکَ وَ فَضْلِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحمین آمینَ یَا رَبَّ الْعَالَمینَ».

حکایت بیرون آمدن مرغ سبز از دهان

در کتاب جامع الأخبار از رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت کرده هرکه بگوید «لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» مرغ سبزی از دهان او بیرون می آید که دو بال دارد، مُکلَّل (آراسته شده) به مروارید و یاقوت و چون آن دو بال را بگشاید به مشرق و مغرب می رسد و از آن مرغ صدایی شنیده می شود مثل صدای زنبور عسل، پس خداوند به او می فرماید: مرا مدح کردی و پیغمبرم را مدح نمودی الحال ساکت شو. آن مرغ عرض می کند: چگونه ساکت شوم و حال آن که گوینده «لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ» را نیامرزیدی! خطاب می رسد: من او را آمرزیدم(1).

در کتاب جماع الأسبوع از حضرت صادق(علیه السلام)روایت کرده چون بنده بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَلی أهلِبَیتِه» هر دعایی که بکند مستجاب می شود.

و أَیضَاً از عبدالرّحمن بن کثیر روایت کرده به امام (علیه السلام) عرض کردم: ما چه بگوئیم در وقت صلوات فرستادن؟ فرمودند: بگویید «اللَّهُمَّ إِنَّا نُصَلِّی عَلی مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَ عَلی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا أَمَرْتَنَا بِهِ وَ کَمَا أَنْتَ صَلَّیْتَ عَلَیْهِ» سپس فرمودند: ما نیز همین طور صلوات می فرستیم(2).

آمدن علماء خدمت امام رضا (علیه السلام) به امر مأمون (لعنه الله علیه)

ابن بابویه; در عیون اخبارالرّضا (علیه السلام)روایت کرده مأمون علیه العنه وقتی جمعی از علمای مخالفین را جمع کرد برای آن که با حضرت رضا (علیه السلام) احتجاج نمایند، در تفصیل عترت طاهره ، آن حضرت به آیات قرآن اثبات آن امر را نمود و بعد از آن که شش آیه برای اثبات این مطلب ذکر نموده بود، آیه هفتم این آیه را خواند

1- 1. جامع الأخبار / 51 – بحارالأنوار 90/208، ح 12 - مستدرک الوسائل 5/362 ، ح6091 .

2- 2. جمال الأسبوع / 234 - بحارالأنوار 91/71 ، ح 66 - مستدرک الوسائل 5/345 ، ح6054 .

«إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ» الخ(1)؛ فرمودند: آیا در میان شما کسی هست که این آیه را انکار نماید؟ همه گفتند: نه یابن رسول الله! اجماع امّت بر این مطلب محقّق است. عرض کردند: آیا در نزد شما چیزی هست از قرآن که از این واضح تر باشد در شأن آل محمّد(علیهم السلام) ؟ فرمودند: بلی خبر دهید مرا از قول حق تعالی که می فرماید: «یس * وَ الْقُرْآنِ الْحَکیمِ * إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلینَ * عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ»(2) که

مراد از یس کیست؟ تمام گفتند: محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) است. فرمودند: خداوند به محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) فضیلتی کرامت فرموده است که احدی به کُنه آن نمی رسد و آن این است که در قرآن بر انبیاء سلام فرستاده و بر غیر ایشان سلام نکرده چنان چه فرموده است: «سَلامٌ عَلی نُوحٍ فِی الْعالَمینَ»(3) «سَلامٌ عَلی إِبْراهیمَ»(4) «سَلامٌ عَلی مُوسی وَ هارُونَ»(5) «سَلامٌ عَلی الِ یاسینَ»(6) «وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلینَ»(7)و نفرموده است: «سَلامٌ عَلَی آلِ نُوح و سلامٌ عَلی آلِ ابراهیم و سَلامٌ عَلی آل مُوسَی وَ هَارُون» و فرموده است: «سَلامٌ عَلی الِ یاسینَ »(8) یعنی آل محمّد(علیهم السلام) (9).

در کتاب جمال الأسبوع از حضرت صادق(علیه السلام)مذکور است که آن حضرت فرموده هر که بگوید «صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ آلِهِ» خداوند به آن گوینده

1- 1. احزاب/ 56 .
2- 2. یس/1 الی4.
3- 3. صافّات/79.
4- 4. صافّات/109.
5- 5. صافّات/120.
6- 6. صافّات/130.
7- 7. صافّات/181.
8- 8. صافّات/130.
9- 9. عیون اخبارالرّضا (علیه السلام) 1/336 ،ح1 – بحارالأنوار 16/87 ، ح 9 و 91/51 ، ح 16 .

می فرماید: «صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ»(1). و مرقوم است از کتاب کشف الغمّه از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت نموده هر که بگوید «جَزَیَ اللّهُ عَنَّا مُحَمَّداً مَا هُوَ أَهْلُهُ» هفتاد کاتب را تا مدّت هزار روز در تعب می اندازد(2).

نماز پر فضیلت شب جمعه

سیّد بن طاوس; در جمال الأسبوع به سند خود از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت می کند: هر که در شب جمعه دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت پنجاه مرتبه سوره «اخلاص» را بخواند و بعد از نماز بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی النَّبِیِّ الْعَرَبِیِّ وَ آلِهِ» خداوند گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و مثل آن است که گویا دوازده هزار ختم قرآن خوانده باشد و خداوند او را از گرسنگی و تشنگی روز قیامت نگاه دارد و تمام اندوه و غم او را برطرف سازد و او را از ابلیس و لشکرش نگاهداری نماید و هیچ گناهی بر او ننویسد و سکرات مرگ را بر او آسان گرداند و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و خدا عذاب قبر را از او بردارد و هر چه از خدا سؤال نماید به او عطا فرماید و دعای او را مستجاب فرماید و ملک الموت روح او را قبض نکند تا این که رضوان ریحان بهشتی در نزد او آورد(3).

در جمال الأسبوع از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)منقول است: هر که در شب جمعه دو رکعت نماز خواند و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه آیه الکرسی و بیست و پنج مرتبه سوره «توحید»را بخواند و بعد از نماز، هزار مرتبه بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی النَّبِیِّ الأُمِّیِّ وَ آلِهِ» خداوند شفاعت هزار پیغمبر به او عطا فرماید و ثواب ده حجّ و ده عمره برای او بنویسد و قصری در بهشت به او عطا فرماید که از بزرگترین شهرهای دنیا، وسیع تر باشد(4).

1- 1. جمال الأسبوع / 235 – بحارالأنوار 91/71 - مستدرک الوسائل 5/330 ، ح6013 .
2- 2. کشف الغمّه 2/163.
3- 3. بحارالأنوار 86/327 باب 3 ، ح 38 .
4- 4. جمال الأسبوع / 119 - بحارالأنوار 86/320 ، ح 28 - مستدرک الوسائل 6/82 ، ح6486 .

در جمال الأسبوع و مصباح المتهجّد از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) منقول است هر که در شب جمعه یا روز جمعه یا شب پنجشنبه یا روز پنجشنبه یا شب و روز دوشنبه چهار رکعت نماز بخواند به دو سلام و در هر رکعت هفت مرتبه سوره «توحید» و یک مرتبه سوره «إنّا أنزلنا» بخواند و بعد از نماز یکصد مرتبه بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی جَبْرَائِیلَ» خداوند به او عطا فرماید هفتاد هزار قصر که در هر قصری هفتاد هزار خانه باشد و در هر خانه، هفتاد هزار جاریه (خدمتگزار زن جوان) باشد(1).

و صاحب بحار و جامع بزنطی نقل فرموده اند که بعد از نماز جمعه باید این صلوات را خواند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّی لا تَبْقَی صَلَواهٌ و بَارِکْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّی لا تَبْقَی بَرَکَهٌ اللَّهُمَّ وَ سَلِّمْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّی لا یَبْقَی سَلامٌ اللَّهُمَّ وَ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ حَتَّی لا تَبْقَی رَحْمَه»(2).

و بزنطی گفته: این صلوات از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که هر کس به این قسم صلوات بر پیغمبر خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) بفرستد، گناهانش محو می شود و بر دشمنان فائق آید و اسباب خیر برای او فراهم شود و به حوائج خود برسد و روزی او زیاد شود و در بهشت از رفقاء حضرت محمد (صلی الله علیه و اله و سلم)خواهد بود(3).

عنایت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به محتضر

و در شرح صلوات از تاج المذکورین از حضرت صادق علیه السلامروایت می کند که فرمودند: هر مؤمنی که درود بفرستد بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) در وقت موت و حال احتضار نور پاک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)به بالین او حاضر شود و لب مبارک را بر لب او

1- 1. جمال الأسبوع/136 - بحارالأنوار 86/326 ، ح34 - مستدرک الوسائل 6/361 ، ح6997- وسائل الشّیعه 7/392 ، ح9667 .
2- 2. بحارالأنوار 87/67 .
3- 3. همان.

گذارد و لب او را ببوسد. چنان حالتی بر آن محتضر پیدا شود که گویا جام آبی به او دهند که از عسل شیرین تر و از یخ سردتر باشد، چون او را در قبر گذارند و نکیرین داخل قبر شوند بوی عطری از او به مشام آن ها می رسد و می گویند: این بوی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) است و مراجعت می کنند.

و مأثور است مرد فقیری بوده، یکصد مرتبه با توجّه تمام صلوات فرستاده و خوابید. در خواب دید پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)را، آن حضرت فرمودند: می روی نزد وزیر سلطان و می گویی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)فرمودند: به علامت و نشان این که به زیارت من آمدی و در سر قبر من یکصد مرتبه صلوات فرستادی، یکصد دینار به من بده. چون بیدار شد آمد نزد وزیر و خواب را گفت، وزیر یکصد دینار به او داد و دویست دینار هم به جهت بشارت قبولی اعمال خود به واسطه فرستادن صلوات به او داد.

مرقوم است پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)فرمودند: از حضرت روح الأمین شنیدم در پشت کوه قاف دریایی است و در آن دریا ماهیانی هستند که بر آن حضرت صلوات می فرستند و عبادت آن ها همین است.

و نیز مرقوم است اگر ماهی در دریا بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) صلوات بفرستد هرگز گرفتار صیّاد نخواهد شد.

در کتاب شرح صلوات از روضه الأحباب نقل می کند قریب به این مضمون که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که از امّت من ده مرتبه بر من صلوات بفرستد، داخل بهشت نمی شوم تا این که هفتاد نفر از قبیله او را داخل بهشت نمایم.

ص: 140

الحاصل دیگر صلواتی است که بعد از عصر روز جمعه باید خواند و آن صلوات، این است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الأَوْصِیَاءِ الْمَرْضِیِّینَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ بَارِکْ عَلَیْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَکَاتِکَ وَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ وَ عَلَی أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ» و این صلوات در اکثر کتب مذکور است. چنان چه در جمال الأسبوع به دو سند از حضرت صادق(علیه السلام)روایت کرده و در یکی از این دو سند چنین روایت شده که بعد از نماز عصر روز جمعه، هفت مرتبه بخواند(1).

و در روایت دیگر به این نحو است هر که بعد از عصر روز جمعه ده مرتبه این صلوات را بخواند قبل از آن که از وضع نماز بیرون رود، ملائکه تا همان وقت و ساعت جمعه دیگر بر او صلوات می فرستند(2).

و شیخ صدوق; از حضرت صادق علیه السلامروایت کرده : هر که این کلمات را بعد از عصر روز جمعه بگوید خداوند می نویسد برای او یکصد هزار حسنه و محو می فرماید از او یکصد هزار سیّئه و یکصد هزار حاجت او را برمی آورد و تفاوتی که در میان آن اخبار هست این است که در بعضی روایات لفظ علیه نیست(3).

و در سرائر از جامع بزنطی نقل کرده که ابوبصیر گفت از حضرت صادق(علیه السلام)شنیدم فرمودند: صلوات فرستادن بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) مساوی است با هفتاد حجّ و هر که بعد از عصر روز جمعه این صلوات را بخواند به اندازه ثواب اعمال جنّ و انس به او می دهند و کفعمی; نیز همین حدیث را از جامع بزنطی نقل نموده و در فقه الرّضا (علیه السلام) مذکور است که هفت مرتبه باید خواند و همچنین روایت شیخ صدوق; در کافی و علاء الدّین می باشد.

1- 1. جمال الأسبوع / 446 - بحارالأنوار 87/90 - مستدرک الوسائل 6/93 ، ح 6510 .
2- 2. جمال الأسبوع / 445 - بحارالأنوار 87/90.
3- 3. امالی شیخ صدوق (رحمت الله) / 399 ، ح 16- وسائل الشّیعه 7/397 ، ح 9681 - بحارالأنوار 87/92 - مستدرک الوسائل 6/93 ، ح 6509 .

در جمال الأسبوع از حضرت صادق(علیه السلام)روایت کرده صلوات بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بعد از عصر روز جمعه به این نحو است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ ارْفَعْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ الَّذِینَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِیراً»(1).

در ریاض المذکورین که از کتب عامّه است از حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)روایت کرده هر که هر روز سه مرتبه و در روز جمعه یکصد مرتبه بگوید:

«صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ صَلَوَاتُ مَلائِکَتِهِ وَ أَنْبِیَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ حَمَلَهُ عَرْشِهِ وَ جَمِیعِ خَلْقِهِ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِه وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ» صلوات فرستنده تمام خواهد بود به صلوات خلائق و در روز قیامت در زمره خواص آن حضرت مبعوث خواهد گردید و آن حضرت دست او را گرفته با خود داخل بهشت خواهد کرد.

در کتاب ازهار که از کتب عامّه است مذکور است هر که هر روز سه مرتبه بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ و سَلَّمَ وَ اجزِهِ عَنَّا خَیْرَ الْجَزَاءِ» حقِّ نعمتِ بعثت را به جای آورده و پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) از او دلجویی خواهد نمود و از خداوند رفعت درجه او را سؤال خواهد فرمود.

درخت محبوبه

و مرقوم است از ریاض الأحادیث که آن نیز از کتب عامّه است، پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: در بهشت درختی است که آن را درخت محبوبه گویند و میوه آن درخت از انار کوچک تر و از سیب بزرگ تر و از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر و از مسکه (روغن) نرم تر است و از آن میوه نمی خورد مگر کسی که هر روز مداومت نماید به گفتن «اللّهُ-مَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّ-دٍ وَ آلِ-هِ و سَ-لَّمَ».

ص: 142

1- 1. جمال الأسبوع / 447 - مستدرک الوسائل 6/94 ، ح6511 .

دیگر خواندن این صلوات است که ثواب بسیار دارد «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ مَا اخْتَلَفَ الْمَلَوانِ وَ تَعَاقَبَ الْعَصْرانِ وَ کَرَّ الْجَدیدانِ وَاسْتَقْبَلَ الْفَرْقَدَانِ وَ بَلِّغْ رُوحَهُ وَ أرْوَاحَ اَهْلِ بَیْتِهِ مِنَّا التَّحِیَّهَ وَ السَّلامِ» و این صلوات در بین خاصّه و عامّه مشهور است و می گویند که خواندن یک مرتبه آن مثل ده هزار مرتبه صلوات فرستادن است. منقول است از برای قضاء حوائج این دعا را در قنوت بخوانند: «اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِمَفَاتِحِ الْغَیْبِ الَّتِی لا یَعْلَمُهَا إِلاَّ أَنْتَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَقْضِیَ حَاجَتِی وَ دَیْنِی بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِین».

صلوات فرستادن در رکوع و سجود

و مرقوم است از بحارالأنوار به دو سند از ائمّه اطهار(علیهم السلام) «مَنْ قَالَ فِی رُکُوعِهِ وَ سُجُودِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَانَ لَهُ أجر رُکُوعِهِ وَ سُجُودِهِ» یعنی هر که در حال رکوع و سجود صلوات فرستد برای او خواهد بود ثواب رکوع و سجودی که به درجه قبول رسیده و اگر ضمیر «رُکُوعِهِ» به پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بوده باشد یعنی مثل ثواب رکوع و سجود آن حضرت خواهد بود (1).

بدان که در باب هفتاد و پنجم کفایه الخصام در حدیث نهم ابن یعقوب به سند معتبر از صفوان بن یحیی روایت نموده که در خدمت حضرت رضا (علیه السلام) بودم آن حضرت عطسه نمودند، عرض کردم: «صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ» تا سه مرتبه عطسه نمودند و من عرض کردم: «صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ». سپس عرض کردم: فدایت شوم هر گاه کسی از شما عطسه کند شما می گوئید «یَرحَمُکَ» یا می گوئید «صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ»؟ فرمودند: مگر شما نمی گوئید: «صَلَّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّد» و نمی گوئید: «ارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ»؟ عرض کردم: بلی. فرمودند: گوینده این قول، صلوات فرستاده است بر محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) و بر آن حضرت و بر ما رحمت فرستاده است.

ص: 143

1- 1. الکافی 3/324 ،ح13 – ثواب الأعمال /34 - وسائل الشّیعه 6/326 ، ح8099- بحارالأنوار 82/108، ح 16.

صلواتی برابر با قیام شب ، و روزه روز

در کتاب مخزن الواعظین فاضل کرمانی; اخبار عجیبه از کتب غیر مشهوره در فضیلت صلوات نقل نموده مِن جمله از انس بن مالک روایت نموده روزی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به اصحاب فرمودند: هیچ یک از شما هست که همه روزه غذا بخورد و ثواب روزه دار در نامه عملش نوشته شود و هر شب بخوابد و ثواب عبادت داشته باشد عرض کردند: چگونه می شود؟ فرمودند : هر کس صبح ده مرتبه و هنگام خوابیدن ده مرتبه بر من و آل من صلوات فرستد به چنین ثواب فائز شود و هر که یک مرتبه بر من و آل من صلوات فرستد در قیامت هفتاد مرتبه برای شفاعت او در زیر عرش الهی درآیم تا او را شفاعت نمایم.

خلقت ارواح شیعه از طینت محمّد و آل محمّد(علیهم السلام)

جنّت مکان مرحوم تاج الواعظین نیشابوری; در درّه خود از عقاب الاعمال صدوق; نقل فرموده: مردی خدمت حضرت صادق(علیه السلام)عرض کرد: «اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ أهلِ بَیتِهِ» حضرت فرمودند: چرا نمی گویی «وَ آلِهِ» تا ما و شیعیان ما داخل باشیم ، فرمودند که اهل بیت، پیغمبر و حسنین و فاطمه و علی(علیهم السلام) می باشند و مراد از شیعه کسانی هستند که طینت و ارواح ایشان از طینت محمد (صلی الله علیه و اله و سلم)، خلق شده است و آن ها داخل در آل محمّدند(علیهم السلام) .

ملاحظه نما شرح فقیه را در ترجمه زیارت جامعه، کلمه «وَ اُصُولَ الکَرَم» یعنی ای آقایانی که اصل هر خوبی شما هستید، چون به برکت شما عالم موجود شد و خوبی ها به خلائق رسید و هر خیری که پیدا شود به واسطه محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) و آل آن حضرت: است. لهذا در اخبار متواتره وارد شده هر مطلبی دارید قبل از طلب آن، صلوات بر محمّد و آل آن حضرت(علیهم السلام) بفرستید تا آن صلوات سبب افاضه رحمت الهی شود و دعای شما به اجابت رسد.

ص: 144

از مشایخ اهل ذکر است که هر که در شب های شنبه در ابتداء غذا خوردن سه لقمه نان با پیاز بخورد و به هر لقمه بخواند: «اَللَّهُمَّ الْعَنِ الْیَهُودِ الْخِیْبَرِیِّ وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ السَّیِّدِ الْقُرَشی» در آن روز یا همان هفته وجهی یا نعمتی به او خواهد رسید غیر مترقّب و مکرّر هم تجربه شده است.

در کتاب تهذیب القلوب به سند خود از امام محمّد باقر(علیه السلام) روایت نموده که فرمودند: هر کسی مهمّی داشته باشد سه هفته بر این اذکار مداومت نماید مطلب او روا شود ان شاءالله، هر یک از این اذکار را روزی هزار مرتبه بخواند روز شنبه هزار مرتبه «یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ» روز یکشنبه هزار مرتبه «یَا ذَا الْجَلالِ وَ الإِکْرَامِ» روز دوشنبه هزار مرتبه «یَا قَاضِیَ الْحَاجَاتِ» روز سه شنبه هزار مرتبه «یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ» روز چهارشنبه هزار مرتبه «یَا حَیُّ یَا قَیُّوم» روز پنجشنبه هزار مرتبه «لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبِینُ» روز جمعه هزار مرتبه «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

بدان که در انوار نعمانی در باب نوزدهم روایت می کند: خداوند بادی را خلق فرموده تا صلوات و سلام صلوات فرستندگان را به پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) برساند.

ملک صَلصائیل نزد قبر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)

روایت کرده ابوسعید در کتاب «و فی شرف المصطفی (صلی الله علیه و اله و سلم)» از حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: بسیار بر من صلوات بفرستید، حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)می فرماید: عرض کردم آیا به شما می رسد صلوات بعد از جدایی بین ما و شما ؟

فرمودند: بلی یا علی! به درستی که حق تعالی موکّل فرموده به قبر من ملکی را که او را صلصائیل می نامند به صورت خروسی که گردن او زیر عرش و پای او زیر هفت طبقه زمین است او را سه بال است هر گاه بگشاید یکی را به مغرب و یکی را به مشرق و یکی را به سر قبر من بگشاید، هر گاه بنده ای بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ وَ بَارَکْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلی إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ» آن ملک برمی چیند آن صلوات را مثل برچیدن مرغ، دانه را. پس از آن حرکت کند بر سر قبر من و بگوید: «یَا مُحَمَّدُ» فلان بن فلان صلوات بر تو فرستاد و بر تو سلام خواند پس نوشته می شود از برای او در پوستی از نور مُشک اَزفَر و از برای او بیست هزار حسنه می نویسند و بیست هزار سیّئه از او محو می کنند و بیست هزار درخت برای او می کارَند و بیست هزار درجه، درجه ی او را بلند می کنند پس هر که حاجتی به خدا داشته باشد و بخواهد برآورده شود، عمل کند به آن چه صادق آل محمّد(علیهم السلام) فرمودند و آن این است که اوّل و آخر دعا و حاجت، صلوات بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) بفرستد و میان دو صلوات حاجت خودش را بخواهد زیرا که خداوند کریم تر است از این که هر دو طرف را قبول کند و میان را قبول نکند و رد کند. مثل فروختن متاع است یا باید همه آن رد شود یا همه آن قبول شود. اوّل و آخر که مقبول است نزد خدا وسط هم قبول می شود به برکت اوّل و آخر آن که صلوات بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) باشد .

و در این جا در خصوص آل محمّد(علیهم السلام) تحقیقات و بیاناتی است که در این مختصر گنجایش رقم آن نیست چنان چه در «کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ» و وجوه مشابهت بین محقّقین از علما بیاناتی است اشاره اجمالی به آن در اوّل کتاب شد. و زیاده بر این طالبین، رجوع به ریاض السّالکین مرحوم سیّد علیخان; در شرح صحیفه سجّادیّه(علیه السلام) بنمایند.

فیهِ مَا یشفی العَلیل وَ فیهِ عن نهْج الْبَلاغَهِ عَنْ أَمِیرالْمُؤْمِنِینَ(علیه السلام): «إِذَا کَانَتْ لَکَ إِلَی اللَّهِ حَاجَهٌ فَابْدَأْ بِمَسْأَلَهِ الصَّلاَهِ عَلَی النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم) ثُمَّ سَلْ حَاجَتَکَ فَإِنَّ اللَّهَ أَکْرَمُ مِنْ أَنْ یُسْأَلَ حَاجَتَیْنِ فَیَقْضِیَ إِحْدَاهُمَا وَ یَمْنَعَ الأُخْرَی»(1).

1- 1. الدّعوات / 22 ،ح 26 - وسائل الشّیعه 7/97 ، ح8840 .

بدان که در سراج القلوب که از تألیفات عمده العلماء و المحدّثین ابونصر قزوینی است در باب مکالمات حق تعالی با حضرت موسی (علی نبیّنا و آله و علیه السّلام) در کوه طور من جمله خطاب رسید: ای موسی! اگر میل داری به تو نزدیک شوم و از تو راضی شوم بسیار بر حبیب من محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) صلوات فرست که قضیّه را مرقوم داشته ام قبلاً از کتب دیگر و در این کتاب سراج بعد از این خبر مرقوم است که موسی (علی نبیّنا و آله و علیه السّلام) عرض کرد: الهی این محمّد کیست که من صلوات بر او فرستم و به صلوات فرستادن بر وی به تو نزدیک شوم؟

خطاب رسید: ای موسی! چون خبر مفصّل بود محلّ حاجت از او اخذ شد خطاب شد ای موسی اگر تو مقرّ و معترف نشوی به فضل و کرامت محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) و صلوات نفرستی تو را به روی، به آتش دوزخ می سوزانم و هر که باشد اگر چه ابراهیم خلیل و فرزند او اسماعیل باشد و خطاب شد ای موسی آن حضرت نزد من رحمت و برکت است بر هر کس که ایمان به وی آورد و هر که یک مرتبه صلوات بر محمّد و آل ایشان(علیهم السلام) فرستد نزد من عزیز باشد .

ای موسی! رحمت من هزار جزء است یک جزء او را بر امم جمیع پیغمبران قسمت کنم و نهصد و نود و نه جزء دیگر را بر امّت محمد (صلی الله علیه و اله و سلم). ای موسی محمد (صلی الله علیه و اله و سلم)نوری است از نورهای من، ای موسی بسیار صلوات فرست بر نور من و دوست دار محمّد و آل ایشان(علیهم السلام) را تا تو را در روز قیامت نورانی گردانم زیاده بر این به کتاب مذکور رجوع شود.

تقدّم پیغمبر خاتم(صلی الله علیه و اله و سلم) بر سایر پیغمبران

در عروه الوثقی در تعقیبات نماز در فصل دوّم مرقوم است هر گاه اسم سایر انبیاء یا ائمه (علیهم السلام) ذکر شود صلوات بر آن ها سنّت است ولی در صلوات بر آن ها اوّل صلوات بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) فرستد بعد از آن انبیاء، مگر در اسم مبارک حضرت ابراهیم(علیه السلام).

ص: 147

روایت است از ابن عمّار که ذکر نمودم خدمت حضرت صادق آل محمّد(علیهم السلام) بعض انبیاء را و صلوات بر او فرستادم، حضرت فرمودند: وقتی که یکی از انبیاء را یاد کنی ابتدا کن به صلوات بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) و بعداز آن بر آن نبی صلوات فرست و من جمله از تعقیباتی که مرقوم فرموده «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَجِرْنِی مِنَ النَّارِ وَارْزُقْنِی الْجَنَّهِ وَ زَوِّجْنِی مِنَ الْحُورِ الْعینِ».

و دیگر یازده مرتبه سوره «توحید» بخواند و دست های خود را به سمت آسمان بلند کند و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْنُونِ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَکِ وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ وَ سُلْطَانِکَ الْقَدِیمِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍیَا وَاهِبَ الْعَطَایَا یَا مُطْلِقَ الأُسَارَی یَا فَکَّاکَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَ أَنْ تُخْرِجَنِی مِنَ الدُّنْیَا آمِناً وَ أَنْ تُدْخِلَنِی الْجَنَّهَ سَالِماً وَ أَنْ تَجْعَلَ دُعَائِی أَوَّلَهُ فَلاحاً وَ أَوْسَطَهُ نَجَاحاً وَ آخِرَهُ صَلاحاً إِنَّکَ أَنْتَ عَلاَّمُ الْغُیُوبِ»(1).

و مرقوم فرموده که مستحبّ است صلوات بر حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) هر وقت اسم آن بزرگوار را ذکر کند یا بشنود اگر چه در نماز یا در اثناء قرائت باشد بلکه احوط (احتیاط) ترک نکردن آن است، زیرا جماعتی از علماء فتوا داده اند به وجوب و فرقی نیست اسم آن بزرگوار ذکر شود مثل محمّد و احمد(صلی الله علیه و اله و سلم)یا کنیّت آن حضرت مثل ابوالقاسم یا لقب آن حضرت مثل مصطفی و رسول و نبیّ (صلی الله علیه و اله و سلم)یا به ضمیر ذکر شود.

و در خبر صحیح است که صلوات بفرست بر نبیّ، هر وقت او را یاد کردی یا آن که کسی در اذان یا غیر آن یاد کرد.

ص: 148

1- . من لایحضره الفقیه – مفاتیح الجنان (این دعا برای ادای حق الناس مفید است) .

مَسئلهٌ: هرگاه در اثناء تشهّد اسم مبارک حضرت در ضمن ذکر «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» بیاید ، موجب تکرار صلوات نیست و الاّ تسلسل لازم می آید.

احتیاط آن است که مابین ذکر اسم مبارک و صلوات، فصل طویل بیندازد بنا بر وجوب و هم چنین بنا بر استحباب برای ادراک فضیلت آن بلافاصله صلوات فرستد پس اگر اسم مبارک را در اثناء قرائت بگوید یا بشنود صلوات را تأخیر بیندازد تا آخر سوره مگر این که در اواخر آن باشد.

مَسئلهٌ: اگر اسم آن بزرگوار را به دل بگذراند بهتر است صلوات بفرستد.

و در باب هشتم در منافیات نماز در مسئله 39 می فرماید: مستحبّ است برای عطسه کننده و کسی که عطسه او را بشنوند حتی اگر در نماز باشد، انگشت خود را بر بینی گذارد و بگوید: «اَلْحَمْدُلِلّٰهِ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ».

صدقه و نماز لیله الدفن

و در باب نمازهای مستحبّی در نماز شب دفن میّت مرقوم فرموده اند که کفعمی و ابن فهد (رضوان الله علیهما) از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت کرده اند که حضرت فرمودند: هیچ وقتی نیست بر میّت شدیدتر باشد از شب اوّل وفات پس رحم کنید اموات خود را به دادن صدقات و نماز بخوانید دو رکعت، در رکعت اوّل «حمد» و «آیه الکرسی» و رکعت دوّم «حمد» و ده مرتبه سوره «قدر» و بعد از سلام بگوئید: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَی قَبْرِ فُلانٍ» پس به درستی که خدای تعالی همان ساعت هزار ملک را به سوی قبر او مبعوث می فرماید که با هر ملکی ثوبی(لباسی) و حُلّه باشد و مقتضای این روایت آن است که این نماز در وقتی است که چیزی نداشته باشد که صدقه دهد و بهتر در صورت امکان جمع بین هر دو است و ظاهر روایت کفایت نماز یک نفر است پس سزاوار است که قصد خصوصیّت در چهل نفر نکند بلکه به قصد رجاء یا قصد اهداء ثواب به جا آورد.

ص: 149

تطبیق عدد ائمه (علیهم السلام) با حروف «لا اله الا الله»

بدان که در ذخیره المعاد حاج ملاّ نوروز علی بسطامی قدس سره در اواخر کتاب در خصوص ذکر حیوانات، شرحی می نویسند و در شرح کلمه «لا اله الاّ اللّه» مرقوم می دارند: اعتقاد من این بود این کلمه از چند جهت افضل است از همه اذکار مثل این که این کلمه دوازده حرف است به عدد ائمّه طاهرین(علیهم السلام) چنان چه در زیارت جوادیّه مأثور است که «السَّلامُ عَلی شُهُورِ الْحَوْلِ وَ عَدَدِ السَّاعَاتِ وَ حُرُوفِ لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ فِی الرُّقُومِ الْمُسَطَّرَاتِ».

دیگر آن که در تفسیر آیه شریفه«إِلَیْهِ یَصْعَدُ الْکَلِمُ الطَّیِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ یَرْفَعُهُ»(1) در اخبار و احادیث ائمّه اطهار(علیهم السلام) تفسیر به کلمه طیّبه «لا اله الاّ اللّه» شده، چنان چه علاّمه مجلسی; در بحارالأنوار بابی در این خصوص عنوان کرده است.

دیگر آن که حضرت رضا (علیه السلام)در نیشابور چنان چه در عیون مسطور است فرمودند: خداوند فرموده «کَلِمَهُ لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ حِصْنِی وَ مَنْ دَخَلَ حِصْنِی أَمِنَ مِنْ عَذَابِی»(2).

و نیز در نزدیکی سرخس هم این حدیث را بیان فرمودند و اگر غیر از این کلمه چیز دیگر در نزد آن حضرت بهتر بود، آن را بیان می فرمودند.

دیگر این که این کلمه قابل ریا نیست زیرا که محتاج به حرکت لب نیست.

1- 1. فاطر/10.
2- 2.(کلمه توحید(لا اله الاّ الله) دژ و حصار محکم من است. هر کس آن را بگوید، داخل حصار من شده و هرکس داخل قلعه و حصار من شود، از عذاب من در امان است.) بحارالأنوار 49/126 ، ح 3 .

دیگر آن که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: در میزان عمل کلمه ای سنگین تر از کلمه «لا اله الاّ اللّه» نیست زیرا که هر گاه جمیع آسمان ها و زمین ها و آن چه در آن ها می باشد تمام را در یک کفّه میزان گذارند و کلمه «لا اله الاّ اللّه» را در کفّه دیگر هر آینه «لا اله الاّ اللّه» ارجح خواهد بود از جمیع آن ها و این کلمه محجوب ترین کلمات است در نزد خداوند چنان چه در بعض اخبار دارد که عماد توحید «لا اله الاّ اللّه» می باشد و اسم اعظم در آن است.

تعلیم نمودن اسم اعظم به امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)

و منقول از تفسیر مجمع البیان است از حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)روایت است که آن حضرت یک شب قبل از واقعه بدر، جناب خضر(علی نبیّنا و آله و علیه السّلام) را در خواب دیده و به او فرمودند: چیزی به من تعلیم نما تا مرا یاری نماید و غالب شوم بر اعداء عرض کرد: بفرمائید «یَا هُو یَا مَنْ لا إِلَهَ إِلاَّ هُو»، آن حضرت فرمودند چون از خواب بیدار شدم خواب خود را به پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) عرض نمودم، ایشان فرمودند: «عُلِّمْتَ الاسْمَ الأَعْظَمَ» و این کلمه در روز بدر پیوسته به زبان من جاری بود(1)، چنان چه خود حقیر مؤلّف مطالبی در خصوص این ذکر مشاهده کرده ام که محلّ ذکر آن نیست.

دیگر آن که از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت شده هر مؤمنی که این کلمه را بگوید، جمیع گناهان او آمرزیده شود و ریخته شود مثل برگ از درخت و مثل همان گناهان، ثواب در نامه عمل او ثبت شود و هر بنده ای که بکشد آواز خود را به گفتن این کلمه، مثل برگ درخت گناهان او می ریزد و هر گاه اضافه نماید به «لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ» لفظ «یَا حَیُّ یَا قَیُّوم» را امید است که اسم اعظم الهی باشد چنان چه اخبار چندی بر آن دلالت دارد از این جهت است که گفته شده که افضل اذکار گفتن «لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ» است.

1- 1. توحید شیخ صدوق(رحمت الله) / 89 ،ح2 – عدّه الدّاعی/278 - بحارالأنوار 3/222 و 19/310 ، ح 58 .

فضیلت صلوات بر سایر اذکار

در عیون اخبار الرّضا (علیه السلام)روایت نموده رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: از برای خداوند عالَم عمودی است از یاقوت سرخ که سر آن عمود در زیر عرش است و اسفل آن عمود بر پشت ماهی است در زیر زمین هفتم پس هر گاه بنده بگوید

«لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ» عرش خدا به حرکت درآید، پس خداوند عالم فرماید: ساکن شو ای عرش! عرش عرض نماید: چگونه ساکن شوم و حال این که هنوز نیامرزیده ای گوینده ی «لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ» را و جهات و اخبار دیگر هم در فضیلت کلمه توحید بسیار است ولیکن جماعتی گویند که ذکر صلوات بر اذکار دیگر ترجیح دارد زیرا که صلوات اقرار به توحید و نبوّت و ولایت هر سه است چنان چه در یکی از تألیفات یک نفر از دارالمؤمنین یزد ملاحظه کردم برای صلوات فوائدی مرقوم بود.

و خلاصه آن که، ذکر صلوات بر اذکار دیگر راجح است و دلائلی هم بیان می فرمایند مِن جمله مرقوم است که اخبار دالّ به وجوب صلوات بعد از شنیدن اسم مبارک آن حضرت هست چه در نماز و چه وقت دیگر ولی قول به وجوب «لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ»، هنگام شنیدن «لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ» در اخبار و کلمات علماء اخیار نیست.

و در بعضی از کتب عامّه مذکور است پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند : در روز قیامت من و علی و حضرت ابراهیم در طرف راست عرش بر کرسی نشسته ایم و تمام امّت من در عقب سر من بایستند به اختلاف درجات و هر کس در عقب هر نماز فریضه ده مرتبه بر من صلوات فرستد او را در نزد من جای دهد و من او را ببینم و او مرا ببیند و روی او مانند ماه شب چهارده تابان باشد.

در ریاض الأُنس که از کتب عامّه است مذکور است پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هرکه یک مرتبه بر من صلوات فرستد خداوند به دو ملک حافظ او امر می فرماید تا سه روز بر او هیچ گناهی ننویسند.

در کافی و ثواب الأعمال صدوق; روایت شده پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: در روز قیامت هر کس کفّه گناهش سنگین باشد، صلواتی که بر من فرستاده است می آورم و در کفّه حسناتش می گذارم، حسناتش سنگین خواهد شد.

و مرقوم است از کتاب انوارالأصول که از کتب عامّه است از عبدالله سُمَرَه روایت کرده روزی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) از حجره بیرون آمدند و فرمودند: شب گذشته در خواب دیدم مردی از امّت من از صراط می گذشت و هر لحظه پای او می لغزید، پس دیدم صلواتی که بر من فرستاده بود آمد و او را از صراط گذرانید.

در خبر است آن حضرت فرمودند: بشارت دهید صلوات فرستنده بر من را، به بهشت ، قبل از آن که مرگ او را دریابد.

در کتب عامّه مرقوم است به هر مؤمنی پنج مَلَک موکّل است یکی در مقابل رو که شیطان را از او دور می کند، دیگری در عقب سر او که آفات آسمانی را از او دفع می کند، سوّم طرف راست او که حسنات او را می نویسد، چهارم در طرف چپ او که گناهان او را ثبت می کند، پنجم در ناصیه او که او را حافظ می گویند و هر صلواتی که آن مؤمن در شب می فرستد آن ملک او را نگاه می دارد تا به وقت طلوع آفتاب آن وقت می رود و باز به جهت حفظ صلوات روز می آید و رفتن آن ملک برای این است که می رود به نزد مرقد مطهّر حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و عرض می کند: یا رسول الله! فلان بن فلان در این شب یا در این روز بر شما چندین صلوات فرستاده است آن حضرت می فرماید: صلوات و سلام من بر او باد پس آن ملک می رود در نزد عرش الهی و عرض می کند: خدایا فلان بنده تو چندین صلوات بر حبیب تو فرستاده است و حبیب تو بر او صلوات و سلام فرستاد. خداوند متعال می فرماید: بر آن بنده باد صلوات و خطاب می فرماید که آن صلوات را بسنجند امر می شود که آن صلوات را می آورند و در کفّه حسنات آن بنده می گذارند تا سنگین شود پس به حکم «فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوازینُهُ * فَهُوَ فی عیشَةٍ راضِیَةٍ»(1) او را به رضوان برند.

1- 1. قارعه/6 و 7.

در فصل پنجم کتاب ثواب صلوات مرقوم است و نیز عامّه از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت کرده اند که فرمودند هر کلامی که در آن به ذکر خداوند و درود بر من ابتدا کرده نشود آن کلام ابتر است.

همچنین عامّه از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت کرده اند که فرمودند : چون از وضو فارغ شدید بگوئید «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ» و بعد صلوات بفرستید برای شما درهای رحمت گشاده می شود.

عامّه از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلامروایت کرده اند که فرمودند: «إِذَا مَرَرْتُمْ بِالْمَسْجِدِ فَصَلُّوا عَلَى النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم)» و دیگران نیز این حدیث را از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت کرده اند.

و در اخبار دیگر هم دارد که چون نظر شما بر مسجد افتد، باید صلوات بفرستید.

و نیز عامّه از فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام)روایت کرده اند که چون پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) داخل مسجد می شدند صلوات می فرستادند و می گفتند: «رَبِّ اغْفِرْ لِی ذُنُوبِی وَ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ رَحْمَتِکَ» و چون از مسجد بیرون می آمدند صلوات می فرستادند و می گفتند: «رَبِّ اغْفِرْ لِی ذُنُوبِی وَ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ فَضْلِکَ» و در روایات خاصّه هم دارد که باید حین دخول و خروج از مسجد صلوات فرستاد(1).

و در جمال الأسبوع از حضرت صادق(علیه السلام)روایت شده چون بنده بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَیْتِهِ» هر دعایی بکند مستجاب می شود.

همچنین از آن حضرت روایت کرده که هر بگوید «یَا رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَیْتِهِ» البته خدا او را بیامرزد.

1- 1. بحارالأنوار 81/21 با کمی تفاوت .

و در جامع الأخبار از حضرت صادق(علیه السلام)روایت نموده هر کس بگوید «صَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهلَبَیتِه» خداوند هزار حسنه از برای او می نویسد(1).

در جلد اوّل حیوه القلوب در فصل دوّم مرقوم است خطاب رسید: موسی! صلوات بفرست بر پیغمبر و آل ایشان : که من و ملائکه من بر او صلوات می فرستیم.

در نخبه الادعیه مرقوم است در روز دوشنبه هزار مرتبه باید صلوات فرستاد و روزهای سه شنبه یکصد مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلِّمَ تَسْلِیماً».

و در نزهه المجالس که از کتب عامّه است مرقوم است مردی با فرزند خود مسافرت نمود و اجل او رسید، حین وفات سر او مانند سر خوک شد فرزند او شروع کرد گریه کردن و مهموم شد، به خواب رفت در خواب، قائلی به او گفت: چون پدر تو ربا می خورد به این جهت سر او مانند سر خوک شد و پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به این دلیل او را شفاعت فرمودند که هر وقت اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)را می شنید صلوات می فرستاد پس ما برگردانیم صورت او را به صورت اوّل، محزون مباش.

و مرقوم است حضرت موسی (علی نبیّنا و آله و علیه السّلام) ده مرتبه عصای خود را زد به دریا و رود نیل شکافته نشد خطاب رسید: ای موسی! صلوات بفرست بر محمّد و آل آن حضرت تا دریا شکافته شود حضرت موسی (علی نبیّنا و آله و علیه السّلام) شروع نمود صلوات فرستادن، دریا شکافته شد.

و مرقوم است خانه ای که در آن اسم محمّد باشد، برکت آن خانه زیاد می شود.

و مرقوم است یکی از صلحا گفت : همسایه ای داشتم بسیار معصیت می نمود از دنیا رفت در خواب او را دیدم که در بهشت مقام عالی دارد، سؤال کردم: به چه جهت این مقام را پیدا کردی؟ پاسخ داد شنیدم محدّثی می گفت: کسی که صلوات بفرستد بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)و بلند کند صدای خود را در صلوات، بهشت بر او

1- 1. ثواب الأعمال / 155 – مكارم الأخلاق / 312 - بحارالأنوار 91/58 ، ح 37 .

واجب می شود تمام مردم صدا به صلوات بلند کردند من هم با آن ها همراهی نمودم، خدا گناهان مرا آمرزید.

تکلم نمودن پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) با ماه

در نزهه نیز مرقوم است عبّاس بن عبدالمطّلب می گوید نگاه کردم به صورت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: عمو! حاجتی داری؟ عرض کردم: بلی وقتی که حلیمه خاتون شما را شیر می داد، طفل چهل روزه بودید دیدم که شما با ماه حرف می زدید و ماه هم با شما حرف می زد به زبانی که من نفهمیدم فرمودند: عمو، قماط (قنداقه) مرا صدمه زده بود خواستم گریه کنم ماه خطاب کرد: گریه مکن اگر اشک چشم شما بر زمین برسد دیگر گیاهی روئیده نخواهد شد عبّاس دست بر دست زد و گفت طفل چهل روزه اینها را می داند! فرمودند: عمو به آن خدایی که جان من در یَد قدرت اوست من می شنیدم صدای قلم را که بر لوح می نوشت و من در تاریکی رحم مادر بودم می خواهی زیادتر برای تو بگویم؟ یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر را خدا مبعوث کرد که نمی دانستند آن ها پیغمبرند تا وقتی که به سنّ چهل سالگی رسیدند، غیر از حضرت عیسی (علی نبیّنا و آله و علیه السلام) که از شکم مادر که متولّد شد گفت: «إِنِّی عَبْدُ اللَّهِ آتانِیَ الْکِتابَ»، ای عمو! می خواهی زیادتر برای تو بگویم؟ عرض کرد: بلی فرمودند: وقتی که من متولّد شدم خداوند هفت کوه در هفت آسمان قرار داد و پر نمود از ملائکه که عدد آن ها را غیر از خدا، دیگری نمی داند و تسبیح خدا می نمایند تا روز قیامت و خداوند ثواب آن ها را قرار می دهد برای کسی اسم مرا بشنود و صلوات فرستد بدن عبّاس به لرزه درآمد و شروع به صلوات فرستادن کرد.

و در کتاب منازل الآخره عمده العلماء و المحدّثین آقای حاج شیخ عبّاس قمی(رحمت الله) مرقوم فرمودند: شاید هیچ عملی مثل صلوات بر پیغمبر و آل آن حضرت(علیهم السلام) و حُسن خُلق برای سنگین نمودن میزان اعمال نباشد.

و مرقوم است از شیخ کلینی; به سند معتبر روایت کرده حضرت باقر(علیه السلام) به حضرت صادق(علیه السلام)فرمودند: چیزی سنگین تر از صلوات بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) در میزان گذارده نمی شود.

بیان تعداد ملائکه نزد بندگان

بدان که در جلد سوّم بحار روایت می کند از کتاب قصص القرآن که راوی گفت: خلیفه غاصب سوم (لعنه الله علیه) وارد شد بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و عرض کرد: یا رسول الله! خبر ده مرا از بندگان خدا که هر کدام چند ملک با آن هاست؟ آن حضرت فرمودند: هر کدام را ملکی به طرف چپ است که گناهان را می نویسد اگر توبه نکند و پشیمان نشود و دو ملک مقابل روی و عقب سر هستند، چنان چه خدا می فرماید: «لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ یَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ»(1) و ملک دیگر که گرفته است ناصیه تو را که هر گاه تواضع نمودی برای خدا، خدا تو را بلند می کند و هر گاه غیر از آن نمودی تو را پست و رسوا می کند «وَ مَلَکَانِ عَلَی شَفَتَیْکَ لَیْسَ یَحْفَظَانِ إلاَّ الصَّلواةَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ:» این دو ملک موکّلند بر مصلّی و ملک دیگر موکّل بر دهان توست که مانع است از حیوان موذی از مار و غیره که داخل دهان تو شوند و دو ملک بر چشم های تو هستند پس این ده ملک شدند بر هر آدمی و ملائکه شب غیر از ملائکه روز می باشند که هر شبانه روزی بیست نفر می شوند و شیطان در روز موکّل بر آدمی است و اولاد او در شب که خداوند فرموده: «وَ إِنَّ عَلَیْکُمْ لَحافِظینَ(2)».

و نیز محدّث قمّی در مفاتیح الجنان از حضرت صادق(علیه السلام)مرقوم فرموده: هر کس در روز جمعه غسل کند و این دعا را بخواند: «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی مِنَ التَّوَّابِینَ وَ اجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِینَ» برای او طهارت باشد تا جمعه آینده یعنی از گناهان پاک شود(3).

1- 1. رعد/11.
2- 2. انفطار/10.
3- 3. بحارالأنوار 86/352 – من لا یحضره الفقیه 1/112، ح 228 –وسائل الشّیعه 3/323،ح 3766- مستدرک الوسائل 2/509 ، ح2585.

حاصل آن چه از اخبار به ما رسیده باید دعا کنیم و بر آن ها صلوات فرستیم که «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ»(1)؛ الخ فِی سُورَهِ الْبَقَره «وَ إِذا سَأَلَکَ عِبادِیَ عَنِّی فَإِنِّی قَریبٌ أُجیبُ دَعْوَهَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ»(2) وَ قَالَ عَزَّوَجَلَّ فِی سُورَهِ الْمُؤمِن «أُدْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ إِنَّ الَّذینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرینَ»(3).

ملاحظه فرما اخباری که در فضیلت دعا وارد شده مِن جمله در جامع الأخبار است: «قَالَ رَسَولُ اللّه(صلی الله علیه و اله و سلم): الدُّعَا سِلاحُ الْمُؤمِنِ»(4) «وَ قَال (صلی الله علیه و اله و سلم): إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُلِحِّینَ فِی الدُّعَاءِ»(5) «وَ قَال(صلی الله علیه و اله و سلم): لَیْسَ شَیْ ءٌ أَکْرَمَ عَلَی اللَّهِ مِنَ الدُّعَاءِ»(6) «وَ قَالَ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ(علیه السلام): أَحَبُّ الأَعْمَالِ إِلَی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِی الأَرْضِ الدُّعَاءُ وَ أَفْضَلُ الْعِبَادَهِ الْعَفَافُ ثُمَّ تَلا هِذهِ الآیَهِ «قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْلا دُعاؤُکُمْ»(7) و دعاؤه(علیه السلام): اللَّهُمَّ اجْعَلْ خَیْرَ أعْمَارِنَا خَواتِمَهُ وَ خَیْرَ أیامَنَا یَوْمَ نَلْقَاکَ فیهِ وَ یَقُولُ الدَّاعِی بَعْدَ فَریضَهِ الظُّهْرِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ یَأْخُذُ بِیَدِهِ الْیُمْنی مَحَاسِنَهُ وَ یَرْفَعَ یَدَهُ الْیُسْرَی وَ یَقُولُ یَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أعْتِقْ رَقْبَتِی مِنَ النَّار(8).و کان من دعائه(علیه السلام): اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بکَ مِنْ غِنًی یُطْغِینِی وَ فَقْرٍ یُنْسِینِی وَ هَوًی یَرُدُّنِی وَ عَمَلٍ یُخْزِینِی(9).

وَ دُعَاءٌ مَرْوِیٌّ عَنِ النَّبِیِّ(صلی الله علیه و اله و سلم): اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَ سُوءِ الْقَدَرِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِی الأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ(10).

ص: 158

1- 1. احزاب/56 .
2- 2. بقره/186.
3- 3. غافر (مؤمن)/60 .
4- 4. الکافی 2/468 ،ح 1 – جامع الأخبار / 131 – مکارم الأخلاق / 268 - بحارالأنوار 90/288 ،ح 1.
5- 5. جامع الأخبار / 131 –بحارالأنوار 90/378 ،ح11 - مستدرک الوسائل 5/193 .
6- 6. الدّعوات / 20 – بحارالأنوار 90/300 .
7- 7. فرقان/77 .
8- 8. جامع الأخبار / 131 .

9- 9. جامع الأخبار / 132 - بحارالأنوار 92/360 .
10- 10. جامع الأخبار / 132 - بحارالأنوار 92/360 ،ح 16.

در جلد یازدهم بحارالأنوار از عیون اخبارالرّضا (علیه السلام) نقل می فرماید در باب استجابت دعا من جمله مرقوم است جماعتی آمدند نزد مأمون (لَعَنَهُ الله علیه) و گفتند: حضرت رضا (علیه السلام)مجلسی فراهم نموده و مردم را موعظه می کنند و مردم مفتون فرمایشات او شده اند .

مأمون (لَعَنَهُ الله علیه) حاجب خود محمّد بن طوسی را فرستاد و مردم را از مجلس حضرت متفرّق نمود و حضرت را طلبید چون حضرت وارد شدند آن ملعون کلمات مستخفّانه ای به آن حضرت گفت: «فَخَرَجَ أَبُوالْحَسَنِ الرِّضَا(علیه السلام) مِنْ عِنْدِهِ مُغْضباً» حضرت غضب آلوده بیرون آمدند و لب های مبارک را حرکت می دادند و می فرمودند: به حقّ پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و علی و فاطمه(علیهما السلام)و به حول و قوّه الهی مردم را بر او می شورانم که او را استخفاف نمایند حضرت وارد خانه شدند و دو رکعت نماز به جای آوردند.

«فَقَالَ (علیه السلام): اللَّهُمَّ یَا ذَا الْقُدْرَهِ الْجَامِعَهِ وَ الرَّحْمَهِ الْوَاسِعَهِ وَ الْمِنَنِ الْمُتَتَابِعَهِ وَ الآلاءِ الْمُتَوَالِیَهِ وَ الأَیَادِی الْجَمِیلَهِ وَ الْمَوَاهِبِ الْجَزِیلَهِ یَا مَنْ لا یُوصَفُ بِتَمْثِیلٍ وَ لا یُمَثَّلُ بِنَظِیرٍ وَ لا یُغْلَبُ بِظَهِیرٍ یَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ وَ أَلْهَمَ فَأَنْطَقَ وَ ابْتَدَعَ فَشَرَعَ وَ عَلا فَارْتَفَعَ وَ قَدَّرَ فَأَحْسَنَ وَ صَوَّرَ فَأَتْقَنَ وَ احْتَجَّ فَأَبْلَغَ وَ أَنْعَمَ فَأَسْبَغَ وَ أَعْطَی فَأَجْزَلَ یَا مَنْ سَمَا فِی الْعِزِّ فَفَاتَ خَوَاطِرَ الأَبْصَارِ وَ دَنَا فِی اللُّطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الأَفْکَارِ یَا مَنْ تَفَرَّدَ بِالْمُلْکِ فَلا نِدَّ لَهُ فِی مَلَکُوتِ سُلْطَانِهِ وَ تَوَحَّدَ بِالْکِبْرِیَاءِ فَلا ضِدَّ لَهُ فِی جَبَرُوتِ شَأْنِهِ یَا مَنْ حَارَتْ فِی کِبْرِیَاءِ هَیْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الأَوْهَامِ وَ حَسَرَتْ دُونَ إِدْرَاکِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الأَنَامِ یَا عَالِمَ خَطَرَاتِ قُلُوبِ الْعَالَمِینَ وَ یَا شَاهِدَ لَحَظَاتِ أَبْصَارِ النَّاظِرِینَ یَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَیْبَتِهِ وَ خَضَعَتِ الرِّقَابُ لِجَلالَتِهِ وَ وَجِلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِیفَتِهِ وَارْتَعَدَتِ الْفَرَائِصُ مِنْ فَرَقِهِ یَا بَدِی ءُ یَا بَدِیعُ یَا قَوِیُّ یَا مَنِیعُ یَا عَلِیُّ یَا رَفِیعُ صَلِّ عَلَی مَنْ شَرَّفْتَ الصَّلاهَ بِالصَّلاهِ عَلَیْهِ وَ انْتَقِمْ لِی مِمَّنْ ظَلَمَنِی»(1).

1- 1. عیون اخبار الرّضا (علیه السلام) 2/172، ح 1 - بحارالأنوار 49/82، ح 2.

بدان که در کفایه الخصام در باب 75 در حدیث دهم آن مرقوم است حموینی که از اعیان علمای عامّه است می گوید فخر الدّین محمّد بن الرّاضی گفته است: حق تعالی اهل بیت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) را در پنج خصلت و فضیلت با ایشان شریک و مساوی گردانیده است:

اوّل: در محبّت خدای تعالی، آن جا که فرموده «فَاتَّبِعُونی یُحْبِبْکُمُ اللَّهُ»(1) که صدر آیه مبارکه این جمله است «قُلْ إِنْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ»(2) یعنی بگو ای حبیب من اگر شما دوست می دارید مرا پس متابعت نمائید مرا تا دوست بدارد خدا شما را؛ و در حقّ اهل بیت او فرموده: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی»(3).

دوّم: تحریم صدقه که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)فرمودند: صدقه بر من و بر اهل بیت من(علیهم السلام) حرام است .

سوّم: در طهارت که در حقّ پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرموده «طه * ما أَنْزَلْنا عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لِتَشْقی»(4) و در خصوص اهل بیت این بزرگوار(علیهم السلام) فرموده «إِنَّما یُریدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً»(5).

چهارم: در سلام فرموده «السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ» و درباره اهل بیت(علیهم السلام) می فرماید: «سَلامٌ عَلی إل یاسین»(6).

پنجم: در صلوات می فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

1- 1. آل عمران/31 .
2- 2. همان .
3- 3. شوری/23 .
4- 4. طه/1 و 2 .
5- 5. احزاب/33 .
6- 6. صافّات/130 .

همچنین در کتاب مذکور مرقوم است از محمّد بن یعقوب کلینی; به سند خود از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام)روایت کرده که فرمودند هر که عطسه نماید و دست بر بالای بینی خود بگذارد و بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ کَثِیراً کَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ» از سوراخ چپ بینی او بیرون آید مرغی که کوچک تر باشد از جَراد یعنی ملخ و بزرگ تر باشد از مگس و برود در زیر عرش و از برای عطسه کننده تا روز قیامت استغفار کند.

بدان که مرحوم حجّه الاسلام آقای آخوند ملاّ محمّد باقر فشارکی اصفهانی; در آداب الشّریعه مرقوم فرموده که اعمال مستحبّه در روز، سی و یک چیز است. مِن جمله این استغفار است که اگر در روز خوانده شود باعث مغفرت چهل گناه کبیره است « أَسْتَغْفِرُ اللّه الَّذِی لَاإِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ بَدِیعُ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ ذوُالجَلالِ وَ الإِکرام وَ أسئَلُه أن یُصَلّیَ عَلی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّد و أن یَتوبَ عَلَی » دیگر روزی صد مرتبه صلوات که قبلاً نوشته شده است .

همچنین هرکس ریش خود را هفتاد مرتبه شانه کند و تا هفتاد روز مداومت داشته باشد ، خاصه اگر شانه را برسینه خود بکشد و بگوید «اللَّهُمَّ سَرِّحنی عَنِ الهُمُومِ وَ الغُمُوم وَ وَحشَه الصُّدورِ» از شرّ شیطان محفوظ ماند .

همچنین اگر دومرتبه شانه بر ابروی راست و دو مرتبه بر ابروی چپ خود بکشد و هفت مرتبه صلوات بفرستد از چشم درد محفوظ ماند . همچنین هرکس در وقت غروب روز جمعه این دعا را هفت مرتبه بخواند تا هفته آینده از بلاها محفوظ ماند : « اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّدٍ وادْفَعْ عَنَّا الْبَلاءَ الْمُبْرَمِ مِنَ السَّماَءِ وَ الأَرْضِ إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیر».

فائده ی ختم لعن و صلوات

و مرقوم است از ختوم مجرّبه یکی آن که چهارده روز به جهت هر حاجت در هر روزی هزار مرتبه صلوات فرستد از برای حضرات چهارده معصوم(علیهم السلام) و اگر در هر روزی هزار و چهارصد مرتبه بگوید به اجابت نزدیک تر است و در منتخب الختوم از هزار زیادتر ندارد.

دیگر به جهت قضاء حاجت، هفتاد و دو عدد ریگ بردارد و سی و شش دانه ی آن ریگ ها را طرف راست و سی و شش دانه دیگر را طرف چپ خود گذارد و دو رکعت نماز بخواند و بعد از آن ریگ ها را که طرف راست او است هر یک را برداشته و ده مرتبه بر او صلوات فرستد که در مجموع سیصد و شصت صلوات می شود و به عدد ریگ ها که طرف چپ او است هر یک را ده مرتبه بر او لعن بخواند و بعد ریگ های صلوات را در نهر آب یا در چاه بریزد و ریگ های لعن خوانده را در جای کثیف یا بالوعه (فاضلاب) بریزد، به حاجت خواهد رسید، ان شاءالله. و در منتخب الختوم هم ختم مرقوم را دارد و مرقوم است که باید روز دوشنبه و در زیر آسمان باشد و محلّ اعتماد اهل ذکر است و تجربه شده و ریگ ها باید هفتاد و چهار عدد باشد و دو قسمت نماید به طریق مرقوم و چندین قسم دیگر هم در منتخب مرقوم است، طالبان رجوع فرمایند.

و از بعضی اهل خبر نقل شده شخصی آمد خدمت حضرت صادق آل محمّد(علیهم السلام) و عرض کرد: دو جامه دوخته ام یکی را با هر نخی صلوات فرستاده و دیگری را با هر نخی لعن نموده ام، کدام یک ثواب او زیادتر است؟ فرمودند: ما لعن را بیشتر دوست می داریم.

در خواص و فوائد سوره های قرآن در خصوص ختم سوره«فاتحه الکتاب» از مرحوم مجلسی; و دیگران مرقوم است قبل از طلوع صبح روز جمعه غسل کند و بعد از نافله و فریضه صبح و تسبیح فاطمه زهراء (علیها السلام) یکصد مرتبه بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ عَلی کُلِّ حَال» و یکصد مرتبه صلوات بفرستد، مرقوم است به تجربه رسیده است.

و همچنین به جهت هلاکت ظالم مرقوم است که هزار مرتبه «بِسْمِ اللَّه» و هزار مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و هزار مرتبه بگوید: «لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و هزار مرتبه صلوات فرستد دفع آن ظالم خواهد شد و البته مخذول گردد و مداومت به این کلمات موجب وسعت روزی و صفای باطن است.

بدان که در مدینه المعاجز سیّد هاشم; در معجزه یکصد و هشتادم در باب معجزات حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)مرقوم است از تفسیر حضرت عسکری (علیه السلام) که خلاصه ترجمه آن این است:

مردی از دوستان حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)از شام عریضه نوشت خدمت حضرت که من مال زیادی دارم و اهل و عیال دارم که از مفارقت آن ها خائفم و بسیار میل دارم بیایم خدمت شما و از زر و مال و عیال خود خوف دارم چه کنم «فَبَعَثَ إِلَیْهِ عَلِیٌّ (علیه السلام)اجْمَعْ أَهْلَکَ وَ عِیَالَکَ وَ حَصِّلْ عِنْدَهُمْ مَالَکَ وَ صَلِّ عَلَی ذَلِکَ کُلِّهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ هَذِهِ کُلُّهَا وَدَائِعِی عِنْدَکَ بِأَمْرِ عَبْدِکَ وَ وَلِیِّکَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ ثُمَّ قُمْ وَ انْهَضْ إِلَیَّ» حضرت فرمودند: اموال خود را یک جا جمع کن با عیال خود و صلوات بر روح محمّد و آل محمّد بفرست و بگو خدایا این ها از من نزد تو، به امر بنده و ولیّ تو علیّ بن ابیطالب(علیه السلام) امانت است.

آن مرد به فرموده حضرت عمل نمود و خدمت حضرت در کوفه شرفیاب شد. خبر به معاویه (لعنه الله علیه) دادند گفت: بروید و تمام اموال او را غارت کنید و عیال او را به رسم کنیزی اختیار نمائید و بفروشید، گماشتگان معاویه (لعنه الله علیه) چون آمدند وارد خانه آن مرد شدند دیدند در آن خانه کسی نیست به جز اهل و عیال معاویه و یزید (لعنه الله علیهما) که تمام در آن خانه اند و آن ها گفتند به گماشتگان برگردید بروید، ما هر چه اموال بود اخذ نمودیم، عیال و اولاد آن مرد را هم فرستادیم بازار بفروشند ملازمان معاویه (لعنه الله علیه) مراجعت نموده و خداوندِ عالَم، اهل بیت آن مرد را از نظر آن ها مستور نمود و شبه عیال و اهل معاویه (لعنه الله علیه) را به آن ها نمود که به خیال آن ها، نزدیک آن ها بروند و مراجعت کنند به قسمی که اهل و عیال آن مرد هم فهمیدند که قضیّه چگونه شد و خداوند آن ها را از نظر ایشان غائب و مخفی نمود. چون چند روزی گذشت و دزدان شهر فهمیدند که صاحب آن خانه نیست به خانه آمدند که اموال ایشان را

به سرقت ببرند، چند مرتبه آمدند خداوند آن اموال را به صورت مار و عقرب نمود که دست سارقین را می گزیدند حتّی بعضی از آن ها مُردند و بعضی مریض شدند تا یک روز حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)در کوفه به آن مرد فرمودند: می خواهی عیال و اموال تو بیایند نزد تو؟ عرض کرد: بلی حضرت دعا کردند «اللّهمَّ ائتِ بِهِم» در حال دیدند تمام اموال و عیال او به معجزه حضرت حاضر شدند بدون نقصان آن وقت نقل نمودند برای حضرت شرح تمثل عیال معاویه و یزید و خواص آن ها را و کیفیّت مار و عقرب و سارقین را حضرت فرمودند: «إنَّ اللّهَ رُبَمَا أظْهَرَ آیَةً لِبَعْضِ الْمُؤمِنینَ لِیَزیدَ فی بَصیرَتِهِ، وَ لِبَعْضِ الْکَافِرِینَ لِیُبالِغَ فِی الأَعْذَارِ إلَیْهِ» فرمودند: در بعضی اوقات آیتی ظاهر می شود برای مؤمنین به جهت بینایی و برای کفّار به جهت اتمام حجّت و قطع عذر که از آن ها بشود(1).

پیدا شدن گوهر در شکم ماهی با فرستادن صلوات

در تفسیر حضرت عسکری (علیه السلام) و در باب هفدهم جلد دوّم حیوه القلوب علاّمه ی مجلسی; دارد شخصی آمد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)، حضرت فرمودند: چگونه است حال تو با برادران دینی خود در موافقت با آن ها در محبّت با محمّد و علی (علیهما السلام)و عداوت با دشمنان ایشان؟ عرض کرد: آن ها را مثل جان خودم می دانم یعنی دوستم با دوستان شما و دشمنم با دشمنان شما حضرت فرمودند : تویی دوست خداوند پس غم مخور به جهت سختی های دنیا که به واسطه آن چه گفتی آنقدر خدا نعمت به تو بدهد که احدی را نداده باشد پس در تمام اوقات مشغول به ذکر صلوات باش.

روزی خلفای غاصب اولی و دومی (لعنه الله علیهما) به او رسیدند گفتند: ای فلانی! پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) خوب نوشته ای برایت مهیّا کرد، صلوات که رفع گرسنگی و فقر را نمی کند روز دیگر باز آن دو نفر آن مرد را در بازار دیدند گفتند خوب است او را استهزاء کنیم آمدند مقابل

1- 1. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / 423 ، ح 289 - بحارالأنوار 42/49 ، ح13 .

او و گفتند: ای مرد! مردم در بازار که می روند تجارت ها می کنند و سودها می برند تو چه می کنی در بازارها؟ گفت: من که مالی ندارم که تجارت نمایم، تجارت من ذکر صلوات است گفتند: صلوات که طعام و شراب نمی شود و او را سرزنش نمودند گفت به خدا قسم چنین نیست محمد (صلی الله علیه و اله و سلم)رسول خدا است و هر که ایمان به او آورد به درجات عالیه می رسد و خدا او را از سختی ها نجات دهد ناگاه مردی پیدا شد و سه عدد ماهی بد بوی فاسدی داشت آن دو نفر از روی سخریّه گفتند: این ماهی را بفروش به این مرد که از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) است ماهی فروش گفت: بخر . آن مرد گفت: پول ندارم . آن دو نفر گفتند: خریداری کن پول آن را پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به تو می دهد آن مرد ماهی را گرفت مرد ماهی فروش رفت خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)، حضرت فرمودند: یک درهم به او دادند ، و رفت . پس آن مؤمن در مقابل آن دو نفر شکم ماهی را پاره کرد و دانه جواهر بیرون آمد که دویست هزار درهم قیمت او بود آن دو نفر محزون شدند، دویدند نزد صاحب ماهی که در شکم ماهی دو دانه جواهر پیدا شد، تو ماهی فروخته ای جواهر که نفروخته ای برگرد، جواهر خود را از او بگیر.

صاحب ماهی برگشت و جواهر را گرفت، در دست او عقرب گردید و دست او را گزید فوراً آن ها را انداخت آن دو نفر گفتند: سحر محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) است آن مؤمن چون شکم ماهی را شستشو داد دو گوهر گرانبهای دیگر پیدا کرد باز آن دو نفر، صاحب ماهی را خبر دادند چون آمد و خواست آن دو گوهر را از او بگیرد دو گوهر دو مار شدند و بر او حمله کردند ماهی فروش فریاد زد که من نمی خواهم آن مؤمن آن ها را گرفت باز به معجزه پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) گوهر شدند گفت: ای دشمنان خدا ! اگر اینها سحر است پس بهشت و جهنّم هم سحر است چرا ایمان نمی آورید، آن مؤمن آن چهار گوهر را آورد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)، جمعی از تجّار عرب حاضر شدند و آن ها را به چهارصد هزار درهم خریدند حضرت فرمودند: خدا این نعمت را به تو داد برای ذکر صلوات و تعظیم محمّد و علی (علیهما السلام)آیا می خواهی تو را خبر دهم به تجارتی که بسیار فائده برای تو داشته باشد؟ عرض کرد: بلی یا رسول الله! فرمودند آن ها را قسمت کن به برادرهای دینی خود و بده به

آن ها که هزار برابر ، مقابل کوه ابوقبیس و کوه احد و طور خدا در بهشت به تو می دهد و به جهت تو در بهشت خدا قصرها بنا کند که پایه او از زبرجد و آن قصر از طلا باشد مردی حاضر بود عرض کرد: یا رسول الله! من که مال ندارم که انفاق کنم، چه کنم؟ فرمودند: چون محبّت ما را دارا هستی ما تو را شفاعت خواهیم نمود.

بدان که در کتاب منهاج العارفین و معراج العابدین فاضل سمنانی; در اعمال ماه رجب مرقوم نموده از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت شده هر کس پنجشنبه اوّلی از ماه رجب را روزه بگیرد و بعد از نماز خُفتن شب جمعه دوازده رکعت نماز بخواند به شش سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره «قدر» را سه مرتبه و سوره «توحید»را دوازده مرتبه بخواند و بعد از فراغ از دوازده رکعت هفتاد مرتبه بگوید: « سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِکَهِ وَ الرُّوح» سر از سجده بردارد، هفتاد مرتبه بگوید: «رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَلِیُّ الأَعْظَمُ» پس باز به سجده رود و هفتاد مرتبه بگوید: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِکَهِ وَ الرُّوح» و حوائج خود را از خدا بخواهد روا شود ان شاءالله و این نماز را نماز لیله الرّغائب خوانند.

و در مصباح کفعمی; این نماز را بین نماز شام و خُفتن مرقوم داشته و گفته که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که پنجشنبه اوّل ماه رجب را روزه بدارد و این عمل را به جای آورد، بیامرزد خدا گناهان او را هر چند مثل کف دریاها و عدد ریگ بیابان ها و برگ درختان و سنگینی کوه ها باشد و شفاعت او در قیامت مقبول است در حقّ هفتصد نفر از اهل او که همه مستوجب جهنّم بوده باشند.

از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت گردیده : هر که در شب دوّم ماه رجب دوازده رکعت نماز بخواند و در هر رکعتی بعد از حمد چهل مرتبه صلوات فرستد و یکصد مرتبه سوره مبارکه «توحید» بخواند ملائکه با او مصافحه نمایند.

ص: 166

در منهاج از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت شده : هر که در شب هفتم ماه رجب چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعت حمد یک مرتبه و «توحید » و «قل أعوذ بربّ الفلق » و «قل أعوذ بربّ النّاس » را هر یک را سه مرتبه بخواند و بعد از فراغ ده مرتبه صلوات فرستد و ده مرتبه تسبیحات اربعه «سُبحانَ اللّهِ وَ الحَمدُ للّهِ وَ لا اِلهَ اِلّا اللّهُ وَ اللّهُ اَکبر» بخواند خداوند او را در سایه عرش جای دهد و عطا کند به او ثواب روزه دار ماه رمضان را و ملائکه برای او استغفار نمایند و آسان شود برای او جان دادن و فشار قبر و از دنیا بیرون نرود تا جای خود را در بهشت ببیند و از فزع اکبر ایمن شود.

دیگر می نویسد هر که در شب بیست و دوّم رجب هشت رکعت نماز بخواند و در هر رکعت حمد یک مرتبه و « قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُون » را هفت مرتبه بخواند و بعد از فراغ ده مرتبه صلوات فرستد و ده مرتبه استغفار نماید خدا عاقبت او را به خیر فرماید و نوشته شود برای او ثواب هفتاد پیغمبر و با اسلام و ایمان بمیرد و از دنیا بیرون نرود تا این که منزل خود را در بهشت ببیند .

در کتاب مصباح المتهجّد از حسن بن راشد روایت شده که گفت: خدمت حضرت صادق(علیه السلام)عرض کردم: آیا غیر از اعیاد مشهوره دیگر عیدی هست؟ فرمودند: بهترین اعیاد روز مبعث پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) است در روز بیست و هفتم رجب. عرض کردم: در آن روز چه باید کرد؟ فرمودند: روزه می گیری و صلوات بسیار بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) می فرستی .

و نیز در منهاج مرقوم است هر که در روزهای پنجشنبه ماه شعبان دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعتی بعد از حمد یکصد مرتبه سوره «توحید» را بخواند و بعد از فراغ از نماز یکصد مرتبه صلوات فرستد هر حاجتی که داشته باشد از خدا بخواهد روا خواهد شد.

از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)روایت گردیده : هر که در شب پنجم ماه شعبان دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد پانصد مرتبه سوره «توحید» را بخواند و بعد از

ص: 167

نماز هفتاد مرتبه صلوات فرستد خداوند هزار حاجت او را در دنیا و آخرت برآورد و برای او در بهشت شهرهایی به عدد ستارگان بنا کند.

در شب نیمه ماه شعبان این صلوات از حضرت صاحب الأمرf «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ» إلخ و دعای هر روز ماه شعبان «اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَهِ النُّبُوَّهِ» الخ.

از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت گردیده : هر که در شب آخر ماه شعبان دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره «سبّح اسم ربّک الأعلی» را بخواند و بعد از نماز یکصد مرتبه صلوات فرستد هزار شهر در بهشت برای او بنا نمایند. و در خبر دارد که یک صلوات در ماه شعبان برابر است با ده صلوات در غیر آن. و مرحوم علاّمه مجلسی; در زاد المعاد در اعمال ماه صفر مرقوم می فرمایند: در روز سوّم ماه صفر دو رکعت نماز بخوانید به این شرح که در رکعت اوّل بعد از حمد سوره « انّا فَتَحنَا » و در رکعت دوّم بعد از حمد سوره «توحید » را بخوانید و بعد از نماز، یکصد مرتبه صلوات بفرستید و یکصد مرتبه بگویید: «اللّهُمَّ الْعَنْ آل أَبَى سُفْيَان» و صد مرتبه بگویید «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْه».

و محدّث سبزواری; در جلد احوالات ملائکه در مجلس سی و هفتم مرقوم می فرماید: در روز قیامت ملکی بال خود را می کشد بر روی پل صراط و می گوید: هر که در دنیا صلوات فرستاده بیاید از روی بال من بگذرد و برود که آتش او را اذیّت نخواهد کرد.

خلاصه ملاحظه فرما منهاج و کتب ادعیّه را دعایی که امام زین العابدین و امام محمّد باقر(علیهما السلام)در روزهای ماه مبارک رمضان می خواندند که در آن صلوات بسیار دارد و اوّل دعا این است: «اللّٰهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ» الخ.

ص: 168

در همان کتاب است هر که شب پنجم ماه رمضان دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره «توحید» بخواند و بعد از نماز یکصد مرتبه صلوات بفرستد با حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) داخل بهشت شود و هر که در شب نهم ماه رمضان شش رکعت نماز بکند میان نماز مغرب و عشاء و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه «آیه الکرسی» بخواند و بعد از سلام پنجاه مرتبه صلوات بفرستد عمل او بالا گیرد با عمل صدّیقین و صالحین و هر که در شب بیستم و هشتم ماه رمضان شش رکعت نماز بخواند و بعد از حمد هر یک از «آیه الکرسی» و سوره «انّا اعطیناک» و سوره «قُلْ هُوَ اللَّه » را ده مرتبه بخواند و بعد از سلام یکصد مرتبه صلوات فرستد تمام گناه او آمرزیده شود و مرقوم است هر که در شب آخر ماه رمضان دوازده رکعت نماز بخواند و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه سوره «توحید» را بخواند و بعد از سلام یکصد مرتبه صلوات بفرستد رحمت الهی به او ختم گردد، ان شاءالله تعالی.

و در تعقیبات نماز صبح است این دعا که عبارات او اغلب صلوات است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی النَّهارِ إِذا تَجَلَّی» الخ و در اعمال روزهای جمعه چهار رکعت نماز مرقوم است بدین کیفیّت که هر کس قبل از عصر روز جمعه چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعتی سوره «حمد» و «توحید» و «معوذتین» و «آیه الکرسی» و سوره «قدر» و آیه شریفه «شَهِدَ اللّه» هر یکی را ده مرتبه بخواند و بعد از سلام یکصد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّه» و یکصد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُلِلَّهِ وَ لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیم» و یکصد مرتبه «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» بگوید ، خدا از او شرّ آسمان و زمین را دفع کند.

دعای دیگری است در منهاج در روز جمعه و بعد از دعا دو رکعت نماز دارد و هزار مرتبه صلوات که شرح او طولانی است طالبین رجوع فرماید و مرقوم است

هر که بخواهد پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و ائمّه هُدی(علیهم السلام) را مسرور سازد، در روز جمعه بخواند این دعا را «یَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَی» تا آخر دعا، به منهاج رجوع شود.

و صلوات های کبیره بسیار است در کتب، مثل صلوات روزهای ماه مبارک «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ» و صلوات بعد از عصر جمعه و صلواتی که در نهج البلاغه مذکور است «اللَّهُمَّ دَاحِیَ الْمَدْحُوَّاتِ» و دعایی که کفعمی از حضرت صادق(علیه السلام)روایت کرده «اللَّهُمَّ یَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَی وَ یَا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ» .

و صلواتی که در مصباح و جمال الأسبوع از حضرت صاحب الأمرf روایت است و دستور داده شده «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ وَ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ» الخ و همین صلوات در اعمال روز جمعه در کتاب مفاتیح آقای حاج شیخ عبّاس قمّی1 مرقوم است و صلواتی که سیّد بن طاوس و شیخ طوسی> در کتاب مصباح المتهجّد مرقوم نموده و مشتمل است بر صلوات تمام ائمّهعلیها السلام که از امام زمانf رسیده «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا حَمَلَ وَحْیَکَ وَ بَلَّغَ رِسَالاتِکَ» الخ و دعای حضرت ادریس(علیه السلام) که در سحرهای ماه مبارک وارد شده «سُبْحَانَکَ لا إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ» الخ که صلوات بسیار دارد و دعای هر روز ماه مبارک «اَللَّهُمَّ إِنِّی اَسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ بِاَفْضَلِهِ» الخ و دعای شب اوّل ماه مبارک «اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْئَلُکَ سُؤَالَ الْمِسْکِینِ الْمُسْتَکِین» الخ و دعای شب بیست و دوّم ماه مبارک « یَا ظَهْرَ اللاَّجِینَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ کُنْ لِی حِصْناً وَ حِرْزاً» الخ و دعای «سُبْحَانَ مَنْ یَعْلَمُ جَوَارِحَ الْقُلُوبِ» الخ که مناجات و صلوات های بسیار خوبی است و دعای دخول به ماه مبارک و وقت افطار «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِیم» الخ و دعای «الْحَمْدُلِلَّهِ

الَّذِی هَدَانَا لِحَمْدِهِ» الخ و دعای بعد از نماز مغرب شب اوّل ماه مبارک «اللَّهُمَّ إِنِّی بِکَ وَ مِنْکَ أَطْلُبُ حَاجَتِی» الخ و دعای افتتاح «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ» الخ و مناجات با حق تعالی «إلهی وَقَفَ السَّائِلُونَ بِبَابِکَ» الخ و دعاهای وارده در هر روز و هر شب خصوصاً دهه آخر و شب های قدر و دعاهای وداع ماه مبارک و دعای ابوحمزه و دعاهای شب و روز عرفه و عید قربان در

صحیفه سجّادیّه «الْحَمْدُلِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ» الخ که صلوات های بسیار دارد و آخر دعا هم باید هزار مرتبه صلوات فرستاد و دعای عید غدیر «اللَّهُمَّ

إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَ عَلِیٍّ وَلِیِّکَ» الخ و دعای یوم مباهله و وقت تحویل و روز نوروز و بعد از ختم قرآن و دعای والدین در صحیفه سجّادیّه و دعاهای وسعت رزق و اداء دین در صحیفه کامله و خلاصی محبوس و ادعیّه دفع همّ و غم در صحیفه کامله «یَا فَارِجَ الْهَمِّ» الخ و چنان چه در معراج العابد است به جهت دفع همّ و غم بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُنْجِیَنِی مِنْ هَذَا الْغَمِّ» الخ و دیگر ادعیّه دفع امراض و دفع دشمن و ظالم و دفع سحر و جنّ و شیاطین در صحیفه سجّادیّه «اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ» الخ و دعاهای دفع جانوران و گزندگان و آفت زراعت و حفظ حیوانات و ادعیّه برداشتن «تربت حضرت سیّدالشّهداء ارواح العالمین له الفداء» و به جهت دفع وبا و طاعون و ادعیّه خواب دیدن پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و ائمّه اطهار(علیهم السلام) و غیره، برای زیاد شدن حافظه و سفر و اَکْل و شُرْب و طلب اولاد و زیاد شدن عمْر و دعای علوی مصری برای دفع دشمن و دعاهای دیگر.

خلاصه غرض از مزاحمت و فهرست این دعاها این بود که دانسته باشی که هیچ عبادت و دعا از ما قبول نمی شود مگر به واسطه محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) و آل آن حضرت(علیهم السلام) و هیچ مرض و همّ و غمّی از ما دفع نمی شود مگر توسّل به آن انوار مقدّسه(علیهم السلام) و بر آن ها صلوات فرستادن .

در منهاج است که هر که هفت مرتبه این دعا را در آخر روز جمعه بخواند از همه بلاها محفوظ بماند «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَادْفَعْ عَنَّا الْبَلاءَ الْمُبْرَمِ مِنَ السَّمَاءِ وَ الأَرْضِ إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیر».

و همچنین در منهاج در باب ششم در ادعیّه حفظ در صفحه 256 روایت می کند: هر که چیزی از حدیث را فراموش کند، دست خود را بر پیشانی بگذارد و بگوید: «صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ یَا مُذَکِّرَ الْخَیْرِ وَ فَاعِلَهُ وَ آمِرَهُ وَ ذَکِّرْنِی مَا أَنْسَانِیهِ الشَّیْطَانُ» آن چه فراموش کرده، به خاطرش آید.

خلاصه هر دعایی که در او ذکر صلوات بیشتر دارد گمان این حقیر این است که به اجابت مقرون تر باشد به برکت صلوات ، چنان چه در کافی هم دارد اوّل و وسط و آخر دعا صلوات بفرستید.

بدان که در کتاب منتخب الختوم که از تألیفات عالم ربّانی آقای آقا ملاّ شکر الله لواسانی که در حاشیه کتاب بحرالغرائب که در شرح اسماءالله است چنین مرقوم می دارند: هر که در یک مجلس هفتصد و هشتاد و شش مرتبه بگوید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم» و بعد از آن به همین عدد صلوات بفرستد برای هر حاجتی خوب و بسیار مجرّب است. ولیکن مرحوم آیت الله حاج شیخ محمّد تقی نجفی اصفهانی; در کتاب مفتاح السّعاده صلوات را یکصد و سی و دو مرتبه (132) می نویسند ولی معلوم است مطابق اخبار هر چه صلوات بیشتر البته اجر و اثر او زیادتر است.

در منتخب مرقوم است به جهت هلاکت دشمن هزار مرتبه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم» و هزار مرتبه «لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بگوید و هزار مرتبه صلوات بفرستد و بعد از هر هزار مرتبه از این چهار ذکر به آن ظالم نفرین کند، البته هلاک شود یا مخذول و منکوب گردد.

مرقوم است برای هر مهمّی در سه روز اوّل، سوره «فاتحه» را هفت مرتبه بخواند و هفت مرتبه صلوات فرستد و هشتاد مرتبه سوره «الم نشرح» را بخواند و بعد از آن هزار و یک مرتبه سوره «توحید» را بخواند و بعد هفت مرتبه سوره «فاتحه» را بخواند و یکصد مرتبه صلوات فرستد می نویسد، سه روز نگذرد که حاجت او روا شود.

در کتاب عدّه الدّاعی مرقوم است از حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم)مروی است هر کس بامداد، بعد از نماز صبح روز جمعه قبل از طلوع آفتاب ده مرتبه سوره «قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُون» را بخواند و یکصد مرتبه صلوات فرستد بدین طریق «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی النَّبِیِّ الأُمِّی مُحَمَّد و آله و سَلَّم» هر حاجتی داشته باشد، بی شک برآورده شود و به تجربه رسیده است.

از حضرت صادق(علیه السلام)منقول است برای هر مطلبی در خلوت دویست و بیست و پنج (225) مرتبه سوره مبارکه «أَلْهاکُمُ التَّکاثُر» را بخواند و بوی خوش بُخُور نماید و بعد از آن هزار مرتبه صلوات فرستد، ان شاءالله مطلب او روا شود.

و در اخبار دارد که هر که در نصف شب جمعه بعد از تَهَجُّد چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعتی بعد از حمد، سه مرتبه سوره«یَا أَیُّهَا الْمُدَّثِّر» بخواند و بعد از نماز یکصد مرتبه صلوات فرستد، ان شاءالله مطلب او روا شود.

در منتخب الختوم دارد برای هر مطلب در مدّت دو ماه تمام هلالی هر روزی هزار مرتبه صلوات فرستد چون مدّت تمام شود مطلب و حاجت هم برآورده خواهد شد ان شاءالله.

چنان چه خود حقیر مؤلّف در زمان نوشتن ختم مرقوم، برای مطلب مهمّی مشغول شدم اواخر ماه دوّم مطلب روا شد. مرتبه دیگر هم به جهت مهم دیگر خواندم به مطلب رسیدم.

برای قضاء حوائج دو رکعت نماز بخواند در هر رکعت بعد از حمد یازده مرتبه سوره «قریش» را بخواند و بعد از سلام ده مرتبه یا یکصد مرتبه یا هزار مرتبه صلوات فرستد و بعد از آن در سجده ده مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ أَغْنِنِی بِفَضْلِکَ عَنْ خَلْقِکَ» و ده مرتبه بگوید «اللَّهُمَّ أَغْنِنِی بِحَلالِکَ عَنْ حَرَامِکَ وَ بِفَضْلِکَ عَمَّنْ سِوَاک» حاجت او روا شود، ان شاءالله تعالی.

مرقوم است به جهت رسیدن به مقاصد عظیمه و مطالب مهمّه روز پنجشنبه را روزه بگیرد و با غسل یکصد مرتبه صلوات فرستد و دو رکعت نماز حاجت کند و در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه «آیه الکرسی» و بیست و پنج مرتبه سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَد» بخواند و بعد از نماز بلافاصله چهل و یک هزار مرتبه بگوید «یَا وَهَّاب» بسیار مؤثّر است .

ختم توسل به حضرت سیّد الشّهدا(علیه السلام)

چون این ختم راجع به حضرت سیّدالشّهداء(علیه السلام) بود میل نمودم تیمّناً درج نمایم و او این است :

در کتاب مرقوم می نویسد: در روایات معتبره و احادیث متعدّده وارد است که به جهت قضاء جمیع حوائج و مطالب متوسّل به حضرت سیّدالشّهداء(علیه السلام) بشود و یکصد و بیست و هشت مرتبه بگوید «إلهِی بِحَقِّ الحُسَینِ وَ اَخیهِ وَ جَدِّهِ وَ اَبیهِ و اُمِّهِ وَ بَنیهِ وَ شیعَتِهِ وَ مَوالیهِ وَ زَائِریهِ وَ سُکَّانِهِ وَ مُجَاوِریهِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَخْرِجْنی مِنَ الهَمِّ الَّذی اَنَا فیهِ وَ مِنَ الغَمِّ الَّذِی اَنَا فیهِ بِرَحمَتِکَ یَا اَرحَمَ الرَّاحِمینَ» البته مهمّ و حاجت او روا شود از برکت وجود مقدّس امام مظلوم(علیه السلام) و همّ و غمّ او برطرف شود ان شاءالله تعالی.

مِن جمله در منتخب مرقوم است برای جمیع حوائج نماز کن فیکون را بخواند که بسیاری از بزرگان دین به آن عمل می نموده اند و کیفیّت او این است که بعد از نماز خُفتن شب جمعه به مکان خلوتی برود و دو رکعت نماز حاجت بخواند و در رکعت اوّل بعد از حمد از اوّل سوره «انعام» تا «وَ کُنْتُمْ عَنْ آیَاتِهِ تَسْتَکْبِرُونَ»(1) بخواند و رکوع و سجود به جای آورد و برخیزد و در رکعت دوّم بعد از حمد از آیه «وَ لَقَدْ جِئْتُمُونا فُرادی»(2) تا آخر سوره بخواند و قنوت و رکوع و سجود بخواند و پس از سلام هزار مرتبه صلوات فرستد و دعا کند و حاجت خود را از خدا بخواهد البته به اجابت مقرون است اگر چه میان او و آن حاجت بُعْدُ الْمَشْرِقَیْنْ باشد و به جهت سرعت تأثیر اجابت است این نماز مُسمّی به نماز کُنْ فَیَکُون گشته و از مجرّبات است.

1- 1. انعام/93 .
2- 2. انعام/94 .

از بعضی از ائمه (علیهم السلام) روایت شده: هر که از شیعیان ما را مطلبی باشد و در کار خود درمانده باشد و چاره آن کار را نداند بعد از نماز عشاء هزار مرتبه بگوید «یَا کَرِیمُ» و بعد از آن هزار مرتبه صلوات فرستد و مطلب را قصد نماید و در بستر بخوابد در خواب او را دلالت کنند بر مقصود و به چاره او را خبر دهند و این عمل از مجرّبات است.

در منتخب به جهت مطالب عمده و وسعت رزق و غالب شدن بر خصم مرقوم است: در شب جمعه یک ساعت قبل از طلوع صبح برخیزد و دو رکعت نماز افتتاح به جای بیاورد و در رکعت اوّل بعد از حمد سوره «إِذا جاءَ نَصْرُ اللَّهِ» را بخواند و در رکعت دوّم بعد از حمد سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَد» را و بعد از نماز یکصد مرتبه صلوات فرستد بدین طریق «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ» بعد از آن هزار مرتبه بگوید «یَا لطیفُ اِرْحَمْ أَنَا عَبْدُکَ الضَّعِیفُ» عدد کبیرش چهل و یک روز و عدد صغیرش بیست و یک روز است .

از برای قضاء حوائج مرقوم است هر کسی شب جمعه بعد از نماز عشاء این دعا را یکصد مرتبه بخواند و یکصد مرتبه صلوات فرستد، البته حاجتش روا گردد «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ إلهی لا رَبَّ لِی سِوَاکَ فَادْعُوهُ وَ لا اِلهَ غَیْرَکَ فَارْجُوهُ اَنْتَ الرَّبُّ وَ اَنَا الْعَبْدُ وَ الْعَبْدُ یُخْطِی وَ الرَّبُ یَعْفُو فَاِنْ کَانَ دَعْوَتِی لَکَ صَادِقَةً وَ یَقینِی لَکَ خَالِصاً فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَغِثْنِی یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغیثینَ یَا رَبَّ الْعَالَمینَ». و در بحر الغرائب می نویسد برای جمیع حوائج اوّل وضو بگیرد و سه مرتبه به این طریق صلوات فرستد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ کَلَمَاتِکَ وَ الطافِکَ وَ بَارِکْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلِّمْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ کُلُّ ذَرَّةٍ وَ مَائه اَلْفَ اَلْفَ مَرَّةٍ» و بعد از این صلوات یکصد مرتبه این ذکر را به صدق تمام بگوید: «یَا قَدیمَ الإحْسَانِ اَحْسِنْ اِلَیْنَا بِإحْسَانِکَ الْقَدیمِ» به حاجت خواهد رسید، ان شاءالله تعالی.

در منتخب مرقوم است از برای هر حاجتی که داشته باشد اوّل غسل کند و لباس پاکیزه بپوشد و در مکان خلوتی برود و با کسی تکلّم نکند و انگشتر عقیق سرخ یا فیروزج (فیروزه) در دست نماید و دو رکعت نماز حاجت بخواند و بعد از حمد هر سوره که می خواهد بخواند چون از نماز فارغ شود هفت مرتبه سوره «حمد» را بخواند و یکصد مرتبه صلوات فرستد و هفتاد مرتبه سوره «حمد» را بخواند و سر را به سجده بگذارد حاجت خود را از خدا بخواهد ان شاءالله حاجت او روا شود و بهتر این است که وقت خواندن بوی خوش بخور کند و روز پنجشنبه یا جمعه باشد و اگر روز پنجشنبه را روزه بگیرد و به جای آورد بهتر است و در بعضی کتب وارد است که این عمل را در وقتی که قمر زایدالنّور(1) باشد به جا بیاورد بهتر است و هیچ شکّی در سرعت اجابت این دعوت نیست.

نماز حضرت موسی بن جعفر(علیهما السلام)

در کتاب نخبه الأدعیّه فاضل یزدی; مرقوم است به جهت برآمدن حاجت نماز حضرت موسی بن جعفر(علیهما السلام)را بخواند و آن دو رکعت است. در هر رکعتی بعد از حمد، دوازده مرتبه سوره «توحید» را بخواند و بعد از نماز یکصد مرتبه صلوات بفرستد و بعد به سجده رود و دوازده مرتبه بگوید: «یَا مَوْلایَ یَا مُوسَی بْنَ جَعْفَر أَغِثْنی» بعد سر بردارد و بگوید: «اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْئَلُکَ بِحَقِّ المَحْبُوس فِی سِجْن هَارُونَ اَن تَقْضِیَ حَاجَتِی».

صلوه المُضطرّ

و در کتاب تحفه المهدویّه مرقوم است از برای حوائج بخوانید نمازی را که نامیده شده است به صلوه المضطرّ و آن چهار است هر دو رکعت به یک سلام در

1- . شبی که ماه کامل می شود.

رکعت اوّل بعد از حمد بیست و پنج مرتبه بگوید: «أُفَوِّضُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ» و در رکعت دوّم بعد از حمد بیست و پنج مرتبه بگوید: «لا إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ سُبْحَانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّیْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ کَذَلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنِین» و در رکعت سوّم بیست و پنج مرتبه بگوید: «حَسْبِیَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیل» و در رکعت چهارم بعد از حمد بیست و پنج مرتبه بگوید: «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیم» و بعد از نماز بیست و پنج مرتبه صلوات فرستد و از خدا حاجت خود را بخواهد. و در جای دیگر هم این نماز را به همین طریق از کتاب لئالی مخزونه مرحوم ملاّ محسن فیض; نقل می نماید و مرقوم است که خواص او بسیار است « وَ مِنْ حَیْثُ لا یَحْتَسِبْ» اسباب فرح و خوشحالی از برای عامل آن ظاهر خواهد شد، ان شاءالله تعالی.

منعقد شدن نطفه طیّبه پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و صلوات ملائکه

بدان که در جلد دوّم حیوه القلوب در فصل ششم، از باب سوّم مرقوم است از کتاب فضائل شاذان بن جبرئیل که چون دو ماه از انعقاد نطفه شریف پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) گذشت، خداوند امر فرمودند ملکی را که ندا کند در آسمان ها و زمین ها که صلوات بفرستید بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) و برای امّت آن حضرت استغفار نمائید.

و جناب حجّه الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر مجتهد نهاوندی; در کتاب گلزار اکبری، در گلشن 33 مرقوم می فرمایند: ختم صلوات برای روا شدن جمیع حوائج از مجرّبات است، کسی که در یک مجلس چهارده هزار مرتبه صلوات فرستد و هدیه کند بر ارواح طاهره چهارده معصوم(علیهم السلام) به این نحو که هزار اوّل را هدیه برای حضرت محمّد مصطفی(صلی الله علیه و اله و سلم)قرار دهد و هزار دوّم را برای حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) و هزار سوّم برای حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) تا

آخر ائمه (علیهم السلام) تا برسد به حضرت حجّت f و در گلشن مرقوم ختومات بسیار خوبی دارد، مِن جمله مرقوم است از کتاب عدّه الدّاعی که از حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم)مروی است: هر کس بامداد بعد از نماز صبح روز جمعه قبل از طلوع آفتاب ده مرتبه سوره «قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُون» را بخواند و یکصد مرتبه صلوات فرستد به این طریق «أللّهمَّ صَلِّ عَلَی النَّبیِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سلّم» هر مُراد و مقصدی که داشته باشد، بی شک برآورده خواهد شد که مکرّر تجربه شده است .

ختم اسم مبارک امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)

دیگر مرقوم است در خصوص ختم اسم مبارک حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)که راوی گوید: از برای هر مطلبی که مداومت کردم چهار روز نگذشت که روا شد و آن این است که در مسجد یا جای خلوتی برود و دوازده هزار مرتبه بگوید:

«یا علّی»، البته به مُرادش برسد و این کلمه، اسم اعظم خداوند است و مردم از این اسم مبارک غفلت دارند.

زیاده بر این طالبین فضائل و مقامات محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) رجوع فرمایند به کُتُب اخبار مثل کافی و غایه المرام و اثبات الهداه شیخ حرّ عاملی; و جلد نوزدهم بحارالأنوار و مطالعه نمایند باب 28 و 29 او را که باب الإستشفاء به محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) و باب فضل الصّلوات علی النّبیّ و آله(علیهم السلام) می باشد تا معرفت آن ها برای توسّل و صلوات فرستادن بر محمّد و آل آن حضرت(علیهم السلام) کامل گردد.

«فِی الْبِحَارِ عَنْ أبِی الْحَسَنِ الرِّضَا(علیه السلام) قَالَ: إِذَا نَزَلَتْ بِکُمْ شِدَّهٌ فَاسْتَعِینُوا بِنَا عَلَی اللّهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللّهِ وَ لِلّهِ الأَسْماءُ الْحُسْنی فَادْعُوهُ بِها»(1).

1- 1. بحارالأنوار 91/5 ، ح 7 - مستدرک الوسائل 5/229 ،ح5760 .

و نیز در جلد نوزدهم بحارالأنوار در باب 29 مرقوم است برای هر مطلبی توسّل به یک نفر از ائمّه اطهار(علیهم السلام) بجوئید و دعاهای توسّل به هر یک را مرقوم می فرمایند و در آخر باب مرقوم دعای صلوات بسیار خوبی است با عبارات لطیف و شرح بسیار «اللَّهُمَّ رَبَّ مُحَمَّدٍ فَإِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ أَنْ یَنْطَلِقَ لِسَانِی مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَیْهِ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَی» إلی آخر الدُّعاء، طالبین رجوع فرمایند(1).

توسّل عمّار بر محمّد و آل آن حضرت(علیهم السلام)

و در تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام)و نوزدهم بحارالأنوار در تفسیر آیه مبارکه «وَدَّ کَثیرٌ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ لَوْ یَرُدُّونَکُمْ مِنْ بَعْدِ إیمانِکُمْ کُفّاراً حَسَدا»(2) الخ وارد است یهود معاهده کردند که اصحاب پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم)را از دین اسلام برگردانند بعد از جنگ اُحُد طایفه ای از یهود آمدند نزد عمّار بن یاسر و حذیفه بن یمان و گفتند محمّد مثل سایر طلب کنندگان دنیا جنگ می کند، در جنگی مغلوبمی شود در جنگی غالب و پیغمبر نیست، باز گردید از دین او، جناب حذیفه گفت: لعنت بر شما، حرف شما را گوش نخواهم داد و برخاست و رفت و امّا عمّار بن یاسر نشست و به آن ها گفت: پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) وعده داده به اصحاب خود که صبر کنید ظفر خواهید یافت و صبر کردند و ظفر یافتند و در جنگ احد نیز همچنین وعده ای را به آن ها داد مخالفت کردند، از این جهت مغلوب شدند. یهود گفتند: ای عمّار! پس تو می دانی که محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) بر سادات قریش غلبه خواهد کرد با این ساق باریک پاهایی که تو داری؟ عمّار گفت: به آن خدایی که این پیغمبر را به راستی فرستاده است معرفتی در حقّ پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)و اهل بیت و جانشینان او(علیهم السلام) دارم که هر چه بفرمایند اطاعت کنم اگر مرا امر

1- 1. بحارالأنوار 91/43، ح 26.
2- 2. بقره/109 .

کنند که آسمان را به زمین آورم یا این که زمین را به آسمان ببرم البته می توانم با همین ساق های باریک پا، گفتند: محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) نزد خدا کوچک تر از این مقام است و تو در نزد او کوچک تری از این إدّعا . عمّار از نزد آن ها برخاست و گفت اتمام حجّت به شما کردم و آمد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)حضرت فرمودند: عمّار خبر تو و حذیفه به من رسید که تو چه گفتی با یهود در این سخن بودند که یهود رسیدند و گفتند : ای محمّد ! عمّار گمان می کند که اگر او را امر نمایی به این که آسمان را به زمین بیاورد یا زمین را به آسمان ببرد می تواند و ما اکتفا می کنیم به این که سنگی که جلوی شماست ، بردارد با این ساق های باریک و در آن مکان سنگی بود که دویست نفر نمی توانستند آن را حرکت بدهند. گفتند: عمّار این سنگ را بلند نماید. پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: کوچک مشمارید عمّار را با این ساق های باریک، حسنات او از کوه های عالم بلکه از زمین سنگین تر است و خدای به واسطه صلوات بر محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) برداشتن سنگین تر از این سنگ را نیز برای او آسان نموده است. عرش حق تعالی بر شانه هشت ملک به واسطه ذکر صلوات بر محمّد و آل طیّبین ایشان(علیهم السلام) سبک گردیده است. پس فرمودند ای عمّار! در دل بگیر اطاعت مرا و بگوی خدایا به جاه محمّد و آل ایشان(علیهم السلام) قوّت مرا زیاد کن چنان چه به صلوات بر محمّد و آل ایشان(علیهم السلام) کالب بن یوحنّا سواره، اسب خود را بر روی دریا دوانید که گنجایش شرح او در این جا نیست .

خلاصه عمّار در دل گرفت اطاعت رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) و اهل بیت او(علیهم السلام) را عرض کرد: الهی به جاه محمّد و آل محمّد(علیهم السلام) قوّت مرا زیاد کن و سنگ را برداشت و بالای سر نگاه داشت و عرض کرد: یا رسول الله! پدر و مادرم فدای تو به خدا قسم که سنگ سبک تر است از چوب خلال دندان ، پس پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند : ای عمّار! سنگ را بینداز بالای این کوه که تقریباً یک فرسخ مسافت داشت ، پس سنگ را انداخت بالای کوه قرار گرفت. پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند : آیا

دیدید؟ گفتند: بلی. فرمودند : ای عمّار! برخیز برو بالای این کوه ، سنگی که چند برابر بزرگ تر از این سنگ است، بیاور نزد من. پس عمّار به اعجاز فرموده حضرت، یک قدم برداشت قدم دوّم بالای کوه رسید، سنگ بزرگ تر را دید، آن را برداشت. در قدم سوّم آن را آورد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم). حضرت فرمودند : ای عمّار! سنگ را بزن بر زمین ؛ یهود ترسیدند. چون سنگ را بر زمین زد ، سنگ متلاشی شد و خُرد گردید. پس حضرت فرمودند : دیدید؟ گفتند: بلی.

پس بعضی ایمان آوردند و بعضی انکار کردند. سپس فرمودند : به مسلمانان که مَثَل این سنگ مَثَل گناهانی است که از آسمان و زمین بزرگ تر باشد و به توبه و تجدید دوستیِ ما در دل از هم بپاشد و آن گناهان برطرف شود و هر گاه طاعت شما به قدر آسمان و زمین و دریاها باشد و کافر به ولایت و دوستی ما باشید، از هم پاشیده و متفرّق خواهید شد و در قیامت فائده ای برای شما ندارد و در عذاب خواهید بود.

«فَكَانَ الْمُسْلِمُونَ تَضِيقُ صُدُورُهُمْ مِمَّا يُوَسْوِسُ بِهِ إِلَيْهِمُ الْيَهُودُ وَ الْمُنَافِقُونَ مِنَ الشُّبَهِ فِی الدِّينِ» و مسلمین به واسطه وسوسه ها و شیطنت منافقین و یهود سینه های آن ها ضیق و دل تنگ بودند. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند : می خواهید چیزی به شما تعلیم کنم که سینه شما وسیع و باز گردد و وسوسه دشمنان شما اثر نکند؟ عرض کردند: بلی یا رسول الله ! فرمودند : صلوات بر من و آل من بفرستید تا دل شما پاک شود، چنان چه در شعب مکّه به واسطه فرستادن صلوات امور آن ها اصلاح شد(1).

1- 1. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / 515 ، ح315 - بحارالأنوار 91/16 ،ح12.

خاتمه

نماز توسل به حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) و حالات ایشان

در این کتاب چون خواستم توسّل به حضرت صدّیقه طاهره (علیها السلام) پیدا کرده باشم لهذا این نماز توسّل به آن مظلومه را با جزئی از حالات و مقامات آن حضرت به سلک تحریر درآوردم چنان چه در جلد نوزدهم بحارالأنوار در باب 29 مرقوم است نماز حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) و آن دو رکعت است و چون از دو رکعت نماز فراغت یافت تسبیح مشهوره حضرت را بخواند و بعد پیشانی را بر زمین گذارد و در سجده یکصد مرتبه بگوید «یَا مُوَلاتِی یَا فَاطِمَهُ أَغِیثِینِی» بعد طرف راست صورت را گذارد و یکصد مرتبه بگوید بعد طرف چپ صورت را گذارد و یکصد مرتبه بگوید بعد دوباره پیشانی را گذارد و یکصد و ده مرتبه این ذکر را بگوید ان شاءالله حاجت روا خواهد شد(1).

و امّا راجع به مقامات و حالات صدّیقه طاهره (علیها السلام) چنان چه در جلد چهارم ناسخ التّواریخ مرقوم است پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) به فاطمه فرمودند: نور دیده! در روز قیامت منبری از برای تو نصب می کنند از نور، چون بر فراز منبر شوی جبرئیل عرض می کند: ای فاطمه! حاجت خود را بخواه. تو عرض می کنی: پروردگارا ! حسن و حسین را به من بنما. ایشان را می آورند در حالتی که خون از رگ های گلوی حسین جاری است. آن حضرت عرض می کند: الهی امروز حقّ مرا از کسانی که به من ظلم نموده اند، بگیر. آن وقت زبانه های آتش شعله می کشد و چنان چه مرغان دانه بر می چینند، قاتلان حسین و کسانی که به آن ظلم ها راضی بوده اند را می رباید. «یَا فَاطِمَهُ سَلِی حَاجَتَکِ» الخ؛ ترجمه خبر آن که باز جبرئیل عرض می کند:

1- 1. بحارالأنوار 99/254، ح 13 - مستدرک الوسائل 6/313.

ای فاطمه! حاجت خود را از خدا بخواه. فاطمه (علیها السلام) عرض می کند: ای پروردگار من! «شِیعَتِی فَیَقُولُ اللَّهُ قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ» خطاب می رسد آن ها را آمرزیدم. عرض می کند: دوستداران شیعیان مرا، خطاب می رسد آمرزیدم و هر کس به دامن تولاّی تو چنگ زده، داخل بهشت خواهد شد(1).

أَیضَاً مرقوم است از عیون اخبار الرّضا (علیه السلام) سند به علیّ بن موسی(علیهما السلام)پیوسته می شود و ایشان از آباء گرامی خود: روایت می کند «قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): تُحْشَرُ ابْنَتِیُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ مَعَهَا ثِیَابٌ مَصْبُوغَهٌ بِالدِّماء» الخ .

همچنین ترجمه عبارت از حضرت رضا (علیه السلام) مروی است که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: محشور می شود دختر من فاطمه در روز قیامت در حالتی که جامه های او از خون رنگین است دست به قائمه عرش می زند و عرض می کند الهی حکم کن در میان من و قاتلان فرزندان من، امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند سوگند به خداوند کعبه که حکم می کند از برای دختر من و نیز به طریق دیگر این حدیث از حضرت رضا (علیه السلام) روایت است الاّ آن که در ذیل حدیث دارد که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ یَغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَهَ وَ یَرْضَی لِرِضَاهَا»(2). و نیز از حضرت رضا (علیه السلام) مروی است در روز قیامت ندایی می رسد که ای مردم بپوشید چشم های خود را که دختر پیغمبر آخرالزّمان(صلی الله علیه و اله و سلم)می خواهد عبور نماید و جامه رقیق گلگون در بَر دارد(3).

و مرقوم است از کتاب ثواب الأعمال و سند به ابی عبدالله (علیه السلام) پیوسته می شود «عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ(علیه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَهِ نُصِبَ لِفَاطِمَهَ(علیها السلام) قُبَّهٌ مِنْ نُورٍ وَ أَقْبَلَ الْحُسَیْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ رَأْسُهُ فِی یَدِهِ» الخ یعنی فرمودند: در روز قیامت از برای حضرت فاطمه (علیها السلام) قبّه ای از نور نصب می کنند و

1- 1. بحارالأنوار 8/53، ح 62 .

2- 2. عيون اخبار الرّضا (عليه السلام) 2/26 - بحارالأنوار 43/220، ح 3 .
3- 3. بحارالأنوار 43/55 .

حسین مظلوم(علیه السلام) می آید در حالتی که سر مبارکش در فراز دست اوست. چون حضرت فاطمه (علیها السلام) این حالت را مشاهده می نماید چنان نعره می زند که باقی نمی ماند هیچ فرشته مقرّب و هیچ پیغمبر مرسل و هیچ بنده مؤمن مگر آن که همه گریان می شوند. این خبر مفصّل است، طالبین رجوع فرمایند به جلد نوزدهم بحارالأنوار علاّمه مجلسی1(1).

و مرقوم است از عیون اخبار الرّضا (علیه السلام) از حضرت ثامن الأئمه(علیه السلام) «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): إِنِّی سَمَّیْتُ ابْنَتِی فَاطِمَةَ لأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَطَمَهَا وَ فَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ»(2).

در کتاب مصباح الأنوار از حضرت صادق(علیه السلام)روایت می کند: «قَالَ (علیه السلام) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): یَا فَاطِمَةُ أَتَدْرِینَ لِمَ سُمِّیْتِ فَاطِمَةَ؟ فَقَالَ عَلِیٌّ(علیه السلام): یَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ سُمِّیَتْ قَالَ لاَنَّها فُطِمَتْ هِیَ وَ شِیعَتُهَا مِنَ النَّارِ»(3). و نیز مرقوم است از امالی شیخ طوسی; «قَالَ

رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم): إِنَّمَا سُمِّیَتِ ابْنَتِی فَاطِمَةَ لأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَطَمَهَا وَ فَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ»(4).

دیگر از کتاب فردوس از جابر انصاری حدیث می کند: «قَالَ النَّبِیُّ (صلی الله علیه و اله و سلم): إِنَّمَا سُمِّیَتِ ابْنَتِی فَاطِمَةَ لأَنَّ اللَّهَ فَطَمَهَا وَ فَطَمَ مُحِبِّیهَا عَنِ النَّارِ»(5).

دیگر مرقوم است از امالی شیخ; از حضرت رضا (علیه السلام) از آباء طاهرینشان: از حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)که فرمودند: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ(صلی الله علیه و اله و سلم) یَقُولُ: سُمِّیَتْ فَاطِمَةَ لأَنَّ اللَّهَ فَطَمَهَا وَ ذُرِّیَّتَهَا مِنَ النَّارِ مَنْ لَقِیَ اللَّهَ مِنْهُمْ بِالتَّوْحِیدِ وَ الإِیمَانِ بِمَا جِئْتُ بِهِ» یعنی آن هایی که خدای را با ایمان و توحید ملاقات نمایند(6).

1- 1. ثواب الأعمال / 216 - بحارالأنوار 43/221، ح 7.

2- 2. عیون اخبار الرّضا (علیه السلام) 2/46 ،ح 174 - بحارالأنوار 43/12 ،ح 4. « ترجمه » : (پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند : من نام دخترم را فاطمه گذاشتم ، زیرا خدای عزّوجلّ فاطمه و هرکس که او را دوست دارد ، از آتش دور نگه داشته است .)

3- 3. علل الشّرایع 1/179 ،ح 5 - بحارالأنوار 43/14 ،ح 10.

4- 4. امالی شیخ طوسی1 / 294 مجلس 11 ، ح571 - بحارالأنوار 43/15 ،ح 12.

5- 5. بحارالأنوار 43/16 .

6- 6. بحارالأنوار 43/18 .

تفسیر لیله القدر و مقام حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام)

مرقوم است در ذکر فضائل فاطمه زهراء (علیها السلام)از تفسیر فرات بن ابراهیم از حضرت صادق علیه السلام«قَالَ: إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ اللَّیْلَهُ فَاطِمَهُ وَ الْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَکَ لَیْلَهَ الْقَدْرِ وَ إِنَّمَا سُمِّیَتْ فَاطِمَهَ لأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا» در معنی لیله القدر می فرماید : لیله ، فاطمه است و قدر الله ، پس کسی که بشناسد حقّ معرفت فاطمه (علیها السلام) را ادراک لیله القدر خواهد کرد و این که آن حضرت را فاطمه نام نهادند از جهت آن است که مردمان باز داشته شده اند از معرفت او و حقّ معرفت او را نتوانند دریافت.

ملاحظه فرما عبارات دعاها و تعقیبات نمازهای آن مظلومه را خصوصاً تعقیب و دعای بعد از نماز ظهر آن حضرت را «سُبْحَانَ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِیفِ» الخ، که سیّد بن طاووس; به اسناد خود روایت کرده است و تعقیبات نماز عصر و مغرب و عشاء که چه عبارات جانسوزی دارد خصوص دعای تعقیب نماز صبح آن مظلومه که دعای حریق نامیده شده و شیخ طوسی و کفعمی و علاّمه حلّی از حضرت صادق آل محمّد(علیهم السلام) و از حضرت باقر(علیه السلام)روایت می کند که شرحی دارد «اللَّهُمَّ إِنِّی أَصْبَحْتُ أُشْهِدُکَ وَ کَفَی بِکَ شَهِیداً»(1) دعای بسیار خوبی است برای قضاء حوائج و در او عبادات توحیدیّه و مناجات و صلوات های بسیار دارد طالبین رجوع فرمایند، چون مطوّل بود در این وجیزه گنجایش ذکر نداشت.

کیفیت تسبیح حضرت زهراء (علیها السلام)

و ثقه الاسلام کلینی; به اسناد معتبره خود روایت می کند: محمّد بن مسلم از حضرت امام محمّد باقر(علیه السلام)پرسید از تسبیح حضرت زهراء (علیها السلام) بعد از نمازها ؟ حضرت فرمودند: پُرفضیلت تر از تسبیح فاطمه چیزی نمی دانم که بعد از هر نماز مداومت نمای.

1- 1. بحارالأنوار 83/165 ، باب 43 ، ح 44 .

و ده مرتبه این تهلیل را بعد از نماز صبح بخواند «لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ» و حضرت فرمودند: اگر چیزی افضل از تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام) بود، رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) از وی دریغ نمی فرمودند و آن سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمدلله و سی و چهار مرتبه الله اکبر است.

و مرقوم است: حضرت باقر(علیه السلام) فرموده و اُولی و اشهر هم چنین است که اوّل سی و چهار مرتبه تکبیر و بعد تسبیح ، بعد تحمید و در بعضی روایات تحمید مقدّم بر تسبیح است و حضرت زهراء (علیها السلام) اوّل ریسمان پشمی را گره زده بودند و با آن تسبیح می گفتند. چون جناب حمزه(علیه السلام) شهید شد از خاک قبر او تسبیح نمود و بعد از شهادت حضرت سیّدالشهداء ، امام حسین (علیه السلام) تسبیح ها از تربت آن حضرت مقرّر گشت.

وصایای صدّیقه ی طاهره (علیها السلام) به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

شهید ثالث در مجالس المتّقین مجلس 30 از کتاب حقایق که از کتب اهل سنّت است روایت کرده در حالت مریضی حضرت فاطمه (علیها السلام)، حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)داخل حُجره شدند و حسنین(علیهما السلام) نزد مادر بودند. فاطمه (علیها السلام) عرض کرد: «یَا عَلِیّ اُوصیکَ بِحِفْظِ هذَیْنِ هُمَا قُرَّهِ عَیْنِی» الخ؛ تا آخر وصایایی که آن مظلومه نمود و عرض کرد: یا علی! چون مرا غسل دادید و کفن نموده در قبر گذارید بگیرید این قاروره و حقّه را با من در لحد بگذارید. حضرت فرمودند: چیست در این شیشه؟ عرض کردند: اشک های چشم من است که از خوف خدا ریخته ام و در این حقّه مکتوبی است چون گشودند، دیدند در آن حریر سبزی است و در آن پارچه سفیدی است و بر آن چند سطر مکتوب است و نور از آن می درخشد و حضرت فرمودند: ای دختر پیغمبر! این چه چیز است؟ عرض کرد: این امانت خداوند است، چون پدرم مرا به عقد شما درآورد ، دو پیراهن

داشتم یکی جدید و یکی کهنه، سائل سؤال کرد: من برهنه ام اگر پیراهن کهنه دارید به من بدهید، من پیراهن جدیدم را به او دادم برای رضای خدا و شب زفاف پیراهن کهنه پوشیدم. پدرم فرمودند : چرا پیراهن جدید را به سائل دادی؟ عرض کردم: اقتدا به شما نمودم که چون اموال مادرم خدیجه(علیها السلام)را در راه خدا انفاق نمودید.

سائلی آمد سؤال کرد و شما هیچ نداشتی جز یک پیراهن آن را به سائل دادید و بدن خود را به حصیری پیچیدید که جبرئیل این آیه را نازل کرد: «وَ لا تَبْسُطْها کُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُوماً مَحْسُوراً»(1) پس پدرم به گریه درآمد و مرا در آغوش کشید فی الفور جبرئیل نازل شد و عرض کرد: یا رسول الله! حق تعالی فرمودند سلام مرا به فاطمه برسان و بگو آن چه می خواهی از من طلب کن، «وَ لَوْ طَلَبْتِ مَا فِی الْغَبْراءِ وَ الْخَضْراءِ لأَجَبْتُهَا» پدرم فرمودند : دست خود بلند کن و خود پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) نیز دو دست مبارک را بلند نمودند به حدّی که زیر بغل مبارک نمایان شد و عرض کرد: «أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لأُمَّتِی» من آمین گفتم. جبرئیل نزول کرد و گفت: خدای تعالی می فرماید: «قَدْ غَفَرْتُ لِعُصَاهِ اُمَّتِکَ مِمَّنْ فِی قَلْبِهِ مُحَبَّهَ فَاطِمَهَ وَ ابیهَا وَ بَعْلِهَا وَ وَلَدَیْهَا» پدرم فرمودند: «اُریدُ بِهذَا سِجِّلاً» خداوند فرمودند: جبرئیل بیاور پارچه ای از سُندس سبز و سُندس سفید و خداوند به یَد قدرت خود نوشت بر سُندس «کَتَبَ رَبُّکُمْ عَلی نَفْسِهِ الرَّحْمَه» که بیامرزد عُصاه (گناهکاران) شیعیان را و شاهد باشد بر آن جبرئیل و میکائیل. پدرم فرمودند: نور دیده این کتابت را در این حُقّه حفظ نما و به وقت موت وصیّت نما در لحد تو گذارند. چون در محشر زبانه جهنّم احاطه به مردم شود و گناهکاران منقطع شوند این امانت را به من تسلیم کن تا طلب نمایم نعمت شفاعت را که کرامت به تو و پدر تو فرموده است.

1- 1. إسراء/29 .

دادن لواء حمد به دست امیرالمؤمنین(علیه السلام) توسط پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)

چنان چه در مجلس هشتم کتاب مرقوم است در تفسیر آیه مبارکه «عَسی أَنْ یَبْعَثَکَ رَبُّکَ»(1) الخ عَنْ جَعْفَر بن محمّدٍ ، عَنْ أَبِیهِ ، عَنْ آبَائِهِ: قَالَ قَالَ النَّبِیُّ (صلی الله علیه و اله و سلم): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی إِذَا جَمَعَ النَّاسَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَعَدَنِی الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ». فرمودند نصب شود برای من منبری که هزار درجه دارد صعود نمایم تا به درجه اعلی و جبرئیل به جهت من لوای حمد می آورد و می گوید: ای محمّد! این است مقام محمودی که خدا به تو وعده داده پس می گویم به علیّ(علیه السلام) بالا بیا. پس پایین تر از من به یک درجه می ایستد و لوای حمد را به دست او دهم که در دعای ندبه می خوانی: «اللَّهمَّ صَلِّ عَلی أبیهِ السَّیدِ القَسوَر و حَاملِ اللَّوَاءِ فِی المَحشَر» پس رضوان کلیدهای بهشت را می آورد، می گوید:

ای محمّد! این است مقام محمودی که خدا به تو وعده داده پس به دست من می دهد و من به دست علی(علیه السلام)می دهم پس می آید مالک خازن دوزخ و می گوید این مقام محمودی است که خدا به شما وعده داد و این کلیدهای آتش است داخل فرما دشمن خود و ذرّیه ات و امّتت را در آتش، پس می گیرم و به علی(علیه السلام)می دهم پس بهشت و جهنّم در اطاعت من و علی می باشد. پس این است قول خدای تعالی «أَلْقِیا فِی جَهَنَّمَ کُلَّ کَفَّارٍ عَنِیدٍ أَلْقِ یَا مُحَمَّدُ یَا عَلِیُّ عَدُوَّکُمَا فِی النَّارِ» پس می ایستیم بر منبر و خطبه می خوانم و ثنای خدا گویم به نحوی که احدی چنان ثنایی نکرده باشد ، الی آخر.

1- 1. إسراء/79 .

پس منادی ندا کند از بطنان عرش یا معشر الخلائق چشم بپوشید تا عبور کند دختر حبیب خدا به سوی قصرش، پس عبور می نماید فاطمه (علیها السلام) دختر من در حالتی که در اطراف اوست هفتاد هزار حوری الی آخر.

خطاب الهی رسد ای فاطمه (علیها السلام)داخل بهشت شو. عرض کند : الهی داخل نشوم تا ببینم بر سر فرزندم حسین (علیه السلام) چه آمده خطاب الهی رسد ، فاطمه (علیها السلام) به قلب محشر نگاه کن پس نظر نماید می بیند حسین (علیه السلام) با بدن پاره پاره و بنا بر روایتی به یک دست سر خود و به دست دیگر سر قاتل خود را گرفته و از یک طرف علی اکبر (علیه السلام) و حضرت عبّاس (علیه السلام) و با دست های بریده و قاسم (علیه السلام) و سایر شهداء : تمام با بدن مجروح و عیال و دختران و اهل بیت حسینش(علیهم السلام) اسیرند . فاطمه (علیها السلام) چنان ناله ای زند که جمیع ملائکه و انبیاء گریان شوند و صحرای محشر به لرزه درآید زیرا که خرقه زهرآلوده حسن (علیه السلام)را به دوش و جامه سوراخ حسین (علیه السلام)را به خون آغشته ، به دوش دیگر و عمّامه پر خون علی (علیه السلام) به دست ، بی اختیار قائمه عرش را می گیرد و عرض کند یا عدل و یا حکیم ، داد مرا بگیر و به فریاد من برس در آن وقت پیغمبران و ارکان خلایق به لرزه آیند و دریای قهر الهی متلاطم شود(1). خدا رحمت کند محتشم را ، می گوید:

1- 1. بحارالأنوار 7/335 ،ح 21 – تفسیر فرات کوفی / 437 ،ح578 .

جبرئیل می آید خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)و عرض می کند: یا رسول الله! دریاب فاطمه را. پس پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)این نوشته ای که در حُقّه حضرت زهراء (علیها السلام) ضبط شده بود و در حدیث حقایق مذکور است برمی دارد نزد فاطمه (علیها السلام) می آید که نور دیده! امروز روز فریادرسی است.

شفاعت نمودن پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)و حضرت زهراء (علیها السلام) برای اُمّت گنهکار

در بعضی از کتب است که می فرماید: نور دیده! بیا برویم نزد میزان که در آن جا شیعیان ما در انتظار ما هستند و به امید شفاعت من و تو می باشند. تو خدا را به پیراهن خونین حسین (علیه السلام) قسم بده و من به دندان شکسته و رخساره خونینم، شفاعت کنم که خداوند بر گنهکاران امّت من رحم نماید. پس آن دو بزرگوار دریای عرش الهی، به سجود و خضوع شفاعت عاصیان را نمایند. خطاب الهی رسد: یا فاطمه! نظر به محاسبه بندگان نمی کنم تا این که داخل بهشت شوی تو و ذریّه تو و شیعیان تو و کسانی که به ذریّه تو احسان نموده اند ؛ الی آخر .

«فَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَی فِی کِتَابِهِ: لا یَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الأَکْبَرُ قَالَ هُوَ یَوْمُ الْقِیَامَهِ وَ هُمْ فِی مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خالِدُونَ هِیَ وَاللَّهِ فَاطِمَهُ وَ ذُرِّیَّتُهَا وَ شِیعَتُهَا وَ مَنْ أَعْطَی أَوْلادهُمْ مَعْرُوفاً مِمَّنْ لَیْسَ هُوَ مِنْ شِیعَتِهَا» و ذیل خبر محمول است بر عدم کمال در تشیّع چون فسّاق امامیّه با تخفیف عذاب غیر امامی در جهنّم، چنان چه وارد شده در حقّ کفّار که اعانت و احسان در حقّ مضطّرین نموده اند، الی آخر.

خلاصه محدّث سبزواری; در مجمع النّورَین مرقوم نموده که معصوم(علیه السلام) فرمودند: جدّه ام به هیئتی وارد محشر می شود که هیچ صاحب چشمی طاقت دیدن ندارد «وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ * بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»(1)

روز اوّل از خ--ون حض-رت محس-ن شهی-د(علیه السلام) س-ؤال می نماین-د.

1- 1. تکویر/8 و 9 .

تصویر

و أنا العبد المذنب الجانی اقلّ الحاج خادم الواعظین و الذّاکرین عبّاسعلی بن مولی علی محمّد الجورتانی الاصفهانی فی سلخ شهر الصّیام سنه اثنین و خمسین و ثلثمائه بعد آلاف من الهجره النّبویه علی هاجرها الف سلام و تحیّه اکتبه بیمینه الوارزه و یدیه الدّائره العبد الأثیر الجانی المحتاجِ إلی رحمه ربّه الباری الحاج لبیت اللّه الحرام و الزّائر لمرقد الرّسول و قبور أئمّه الانام الحاج میرزا ابوالفضلِ عبدالحسینِ الخواجوِیی الإصفهانی فی التّاریخِ .

من کلام قدوه الموحّدین و زبده العرفاء و السالکین قدسی شیرازی

ص: 192

أیضاً من کلام قدسی[1]

تصویر

ص: 193

1- 1. فقط کلمه « با غ فردوس » ماده تاریخ است و جمع آن می شود 1353 قمری .

بِنَبِ----یٍّ عَ--رَبِیٍّ وَ رَسُولٍ مَدَنیٍ

وَ اخی--هِ اَسَ---دِاللّه مُسَ-مَّی بِعَلیٍّ

وَ بِزَهْ--راءِ بَتُولٍ وَ بِاُمٍّ وَلَدَتْه-َا

وَ بِسِبْطَیْهِ وَ شِبْلَیْهِ هُمَا نَجْلِ زَکِیٍّ

وَ بِسَج-ّادِ وَ بِالْبَاقِرِ وَ الصَّادِقِ حَقّاً

وِ بِمُوسی وَ عَلِ--یٍّ وَ تَقَ--یٍّ وَ نَقِیٍّ

وَ بِذِی الْعَسْکَرِ وَ الْحُجّهِ القَائِمِ بِالْحَقِّ

اَلَّذِی یَضْرِبُ بِالسَّ--یْفِ بِحُکْمٍ اَزَلِیٍ

وَ عَلَیْهِمْ صَلَوَاتِی وَ سَلامِی مِأَهَ اَلْفاً

بِنَهَارٍ وَ لَی-َالٍ وَ غُدُوٍّ وَ عَش-ِّ----یٍّ

اَجِبَ الآنَ دَعَانَا وَ تَرَح-َّمْ حَضَرَانَا

وَاقْضِ حَاجَاتِ لَنَا الک-ُلَّ اِلَهِی وَ وَلیٍّ

وَ تَقَب-َّلْ بِقَبُولٍ حَسَنٍ رَبِّ دُعَ-انَا

بِمُحَمَّدٍ وَ عَ---لِیٍّ وَ بِأوْلادِ عَ--لِیٍّ

و یا آخر الآخرین

حقیقتاً خوب فرموده است«یَلیقُ اَنْ اَکْتُبُهَا بِنُورٍ فِی صَفَحاتِ مِنْ خُدُودِ الْحُورِ» بنابراین بر اخوان دینی لازم است به این کتاب شریف مراجعه نموده و از اخبار و مقالات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام کامیاب و بهره مند گردند و تأمین امور دنیا و آخرت خود را بدین وسیله نموده باشند.

* وَ آخِرُ دَعونا اَنِ الحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمین(1)*

1- . بحارالأنوار / 181 ، ح53 .

منابع کتاب

منابع و اسامی کتبی که اخبار مندرجه در این کتاب از آن ها اخذ شده

آداب الشّریعه

اثبات الهداه

اثنی عشریه

ارشاد القلوب

اسباب المغفره

امالی شیخ صدوق

انوار نعمانی

بحر الغرائب

تحفه الصّلوات

تحفه الطوسیّه

تحفه الملوک

تفسیر حضرت عسکری

تفسیر صافی فیض کاشانی

تنبیه الغافلین

ثواب الأعمال

جامع الأخبار

جمال الأسبوع

جمال الصّالحين

حدیقه الشّیعه

حیوه القلوب

خصال

خلاصه الاخبار

دعوات راوندی

ذخیره العباد

ذخیره المعاد

روضه الواعظین

شرح صلوات

شرح لمعه

صحیفه کامله

عدّه الدّاعی

عروه الوثقی

علل الشّرایع

عنوان الکلام

عیون اخبار الرّضا

کتاب مستطاب کافی

کفایه الخصام

گلزار اکبری

لئالی الخبار

لئالی فیض

مجالس المتّقین

مجلّدات بحار

علاّمه مجلسی مجمع

البیان

مجمع النّورین

مدینه المعاجز

مصباح کفعمی

معانی الأخبار

معراج العابدین

مفتاح السّعاده

مقباس

مکارم

الاخلاق

منازل الآخره

منتخب الختوم

منهج الواعظین

ناسخ التّواریخ

نجم الثّاقب

نخبه الأدعيه

نزهه المجالس

نصايح الشّيعه

وسايل شيخ حرّ عاملی

ص: 195

تصوير

ص: 196

صلوات خواجه نصیرالدین طوسی برای حضرت قائم(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف)

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وارث همه انبیا و اولیا و عصاره فضایل همه آنهاست. هرآنچه خوبی در اولین و آخرین وجود داشته همه در وجود شریف آن حضرت متجلی شده و ایشان را آینه تمام نمای حق ساخته است. در برخی از روایات و کلمات بزرگان شباهت های نام امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با پیامبر ان و اوصیای الهی به تصویر کشیده شده است، که یکی از آنها صلوات منسوب به حکیم ربانی، خواجه نصیرالدین طوسی است. در این صلوات، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با ویژگی های پدران ارجمند خویش توصیف شده و فضائل و مناقبی که آن حضرت از اجداد خویش به ارث برده، بیان شده است. شایان ذکر است که صلوات خواجه نصیر را به عنوان توسل به ذیل عنایت حضرت بقیه الله(عجل الله تعالی فرجه الشریف) می خوانند.(1)

أللّهمَّ صلِّ وَ سَلِّم، وَ زِد وَ بارِک، عَلی صاحبِ الدَّعوَهِ النَّبویَّه، وَ الصَّولَهِ الحَیدریَّه، و العِصمَهِ الفاطِمیَّه، و الحِلمِ الحَسَنِیَّه،و الشّجاعَهِ الحُسَینِیَّه، و العِبادَهِ السَّجّادِیَّه،و المآثِرِ الباقِریَّه،و الآثار الجَعفَرِیَّه،و العُلومِ الکاظِمیَّه،و الحُجَجِ الرَّضَوِیَّه،و الجُودِ التَّقَوِیَّه،و النَّقاوَهِ النَقَوِیَّه ،و الهَیبَهِ العَسکَرِیَّه، و الغَیبَهِ الإلهیَّه، القائمِ بِالحَقِّ، و الدّاعی إلی الصِّدقِ المُطلَقِ، کَلمهِ اللّه، و أمانِ اللّه، و حُجّهِ اللّه، القائمِ بِأمرِ اللّه، المُقسِطِ لِدینِ اللّه، الغالِبِ لِأمرِ اللّهِ، و الذّابِّ عن حَرَمِ اللّه، إمامِ السّرِّ والعَلَنِ، دافِعِ الکَربِ والمِحَن، صاحبِ الجُودِ و المِنَن، الإمامِ بِالحَقِّ، أبی القاسِمِ محمّدِ بن الحَسن، صاحبِ العَصرِ والزَّمان، وقاطعِ البُرهان، و خَلیفهِ الرَّحمان، و شَریکِ القُرآن، و مُظهرِ الإیمان، و سیِّد الإنسِ و الجانّ، صَلَوات اللّهِ و سلَامُهُ عَلیه و علیهم أجمَعین .الصَّلاهُ و السَّلامُ عَلَیک، یا وَصیَّ الحَسَن، و الخَلَفَ الصّالِح، یا إمامَ زَمانِنا، أیُّها القائمُ المُنتَظَرُ المَهدِیّ، یابنَ رسول اللّه، یَابنَ أمیرِالمُؤمنین، یا إمام المسلمین! یا حُجَّهاللّهِ عَلی خَلقه ! یا سَیِّدنا و مولانا ! إنّا تَوَجَّهنا، و استَشفَعنا، وَ تَوَسَّلنا بِکَ إلی اللّهِ، وَ قَدَّمناکَ بَینَ یَدَی حاجاتِنا،فِی الدُّنیا و الآخِرَه، یا وجیهاً عِندَ اللّه، إشفَع لَنا عِندَ اللّه - عَزَّوَجَلّ.

1- . مفتاح

« قال رسول اللّه (صلی الله علیه و اله و سلم) : أَنَا وَعَلیٌّ أَبَوا هَذهِ الأُمَّه أَنَا وَعَلیٌّ مولیاً هَذه الأُمَه »(1)

شمائل حضرت خاتم الأنبیاء ، محمّد بن عبدالله (صلی الله علیه و اله و سلم)

تصویر

ص: 198

1- . بحار الأنوار / ١١ ، ح ٣٦ .

« قال رسول اللّه (صلی الله علیه و اله و سلم) :

حُبُّ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ حَسَنَهٌ لاَ یَضُرُّ مَعَهَا سَیِّئَهٌ وَ بُغْضُهُ سَیِّئَهٌ لاَ یَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَهٌ »(1)

شمائل حضرت مولی المتّقین، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

تصویر

ص: 199

1- . کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیه السلام / 105، ح1 .

تصوير

ص: 200

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109